

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (١٠) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (١١) قرآن کریم سورة الصفّ

سایت های شمه ای از قرآن و سنت

1-www.booksasgari.ir

2-www.i-g-s.blogfa.com

3-www.shamme-goran-sonnat.blokfa.com

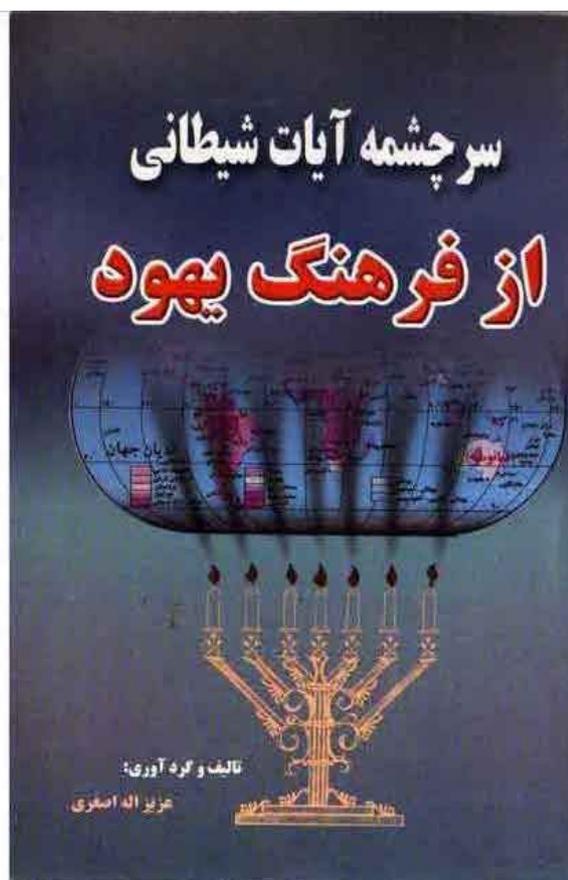
سایت های فارسی

1\_ عزیزاله اصغری

2\_ شمه ای از قرآن و سنت

3\_ عزیزاله اصغری تبریزی

ها ن قرآن حاصل رنج خلیل اله است  
زحمت عمر محمد که جیب اله است  
خون یحیی و حسین راه کلیم اله است  
نور و آگاهی دوران قرآن می آید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سرچشمه ای آیات شیطانی از فرهنگ یهود

تألیف وگرد آوری:

عزیز اله اصغری

@ نام کتاب: سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

@ تألیف و گرد آوری: عزیزاله اصغری

@ ناشر: مؤلف

@ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

@ نوبت چاپ: چاپ اول

@ قیمت: ۴۵۰۰ تومان

@ شابک ۹۷۸۹۶۴۰۴۰۲۴۸۱

X ۹۶۴۰۶۴۲۲۴

تهران - ایران

## فهرست جلد چهارم سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

- 
- ۱ اشعار عرفانی  
۱ فصل اوّل  
۱ بند اوّل عمل کرد عیسی مسیح رسول الله پسرمریم از کتاب تورات فعلی  
۲ دخترباکره حامله خواهد شد  
۳ خداوند با نبیّه نزدیکی کرد پسرخواهد زائید  
۴ خداوند روی خود را از خاندان یعقوب مخفی میسازد  
۵ مریم مقدّس باکره بدون شوهر به عیسی مسیح رسول الله حامله شده بود  
۵ بند دوّم عیسی مسیح رسول الله در کتاب مقدّس عهد جدید اناجیل  
۶ یهودیان عیسی مسیح رسول الله سنگسار کردند  
۷ یهودیان استیفان را سنگسار کردند  
۸ عیسی پسر خداوند است که خودش زائیده است  
۹ عیسی مسیح از خداوند تولد یافته است  
۱۰ عیسی مسیح رسول خداوند است  
۱۲ عیسی مسیح پسر خداوند است  
۱۳ عیسی مسیح بنده و رسول خداوند است  
۱۵ عیسی مسیح پسر خوانده خداوند است  
۱۸ جبرئیل ملاکه به نزد مریم مقدّس آمده است  
۲۰ روح القدس بنزد زکریا آمده است  
۲۴ آدم ابن الله است  
۲۵ جهان بواسطه عیسی پسرمریم آفریده شده است  
۲۶ عیسی گفت: من و پدرم یکی هستیم  
۲۷ تولد مریم مقدّس  
۲۷ خداوند متعال یحیی را در وقت پیری بزکریا مرده داده است  
۲۸ با قرعه کشی زکریا سرپرست مریم مقدّس شده  
۲۸ عیسی مسیح رسول الله در گهواره مانند مرد بزرگ با مردم سخن گفت  
۲۹ خداوند گفت: ای عیسی من تورا وفات میدهم و بسوی خود بالامی برم  
۳۳ جبرئیل ملاکه بنزد مریم مقدّس آمده عیسی مسیح را مرده داده است  
۳۵ یهودیان از روی حسد بعضی از پیامبران را تکذیب کرده و میکشند  
۳۶ یهودیان گفتند: عیسی را ما کشتیم

## فهرست جلد چهارم سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

- ۳۸ عیسی مسیح پسر مریم مقدّس رسول الله و کلمه خداوند است
- ۳۸ خداوند گفت: آهای مردم قرآن برای شما نورو روشنی و هدایت است
- ۴۲ عیسی مسیح مردگان را با اجازه خداوند زنده میکرد
- ۴۲ خداوند برای عیسی مسیح و برای حواریون سفره آسمانی نازل کرد
- ۴۴ فصل دوم محمد رسول الله
- ۴۹ در تورات محمد رسول الله و نبوت او آمده است
- ۵۷ پیشگویی انجیل یوحنا درباره محمد رسول الله
- ۵۹ نام محمد رسول الله در انجیل برنابا نوشته شده است
- ۶۱ آیه قرآن کریم در یکی انجیل بوده است
- ۶۱ در انجیل برنابا نوشته بعد از محمد: پیغمبری نخواهد آمد
- ۶۲ عیسی مسیح رسول الله گفت: محمد خاتم پیغمبران بعد از من خواهد آمد
- ۶۴ ابراهیم میخواست اسمعیل را قربانی کند
- ۶۷ پایه های کعبه را ابراهیم و اسمعیل بنا و بلند کردند
- ۶۸ محمد رسول الله مژده دهنده و ترساننده است
- ۶۹ عیسی مسیح رسول الله گفت: بعد از من محمد رسول الله خواهد آمد
- ۷۱ خدا گفت: تمامی اهل جهان جمع شوند؛ مانند قرآن را نمیتوانند بیاورند
- ۷۲ خداوند گفت: قرآن را آسان قرار دادیم! و آسان نازل کردیم
- ۷۳ اجته ها به قرآن ایمان آورده اند
- ۷۵ فقط با قرآن مژده دهید و بترسانید
- ۷۶ قرآن کتاب زنده ها است
- ۸۲ محمد رسول الله روز قیامت بخداوند شکایت خواهد کرد
- ۸۷ کلمه: روح؛ و امر؛ و دستور و فرمان خداوند است
- ۸۷ اگر انس و جن جمع شوند؛ نمیتوانند مانند و مثل این قرآن را بیاورند
- ۹۰ اگر کسی جز خداوند کسی را بخواند و طلب حاجت کند؛ کافر و مشرک است
- ۹۱ آیا مردم درباره قرآن تفکر و تدبیر میکنند؟!
- ۹۱ شمه از پیشگوییهای علمی و معجزات قرآن کریم
- ۹۱ انگشت نگاری در قرآن
- ۹۳ برزخی در قرآن معجزه میباشد
- ۹۵ تمامی ستارگان در حرکت هستند

## فهرست جلد چهارم سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

	خداوندگفت: بادهای آبستن کنندگان را ما فرستادیم که تمامی اشجار را
۹۶	آبستن کنند
۹۷	آبهای دو دریا بیکدیگر مخلوط نمیشوند؛ زیرا که بین آنها برزخی است
۹۹	خداوندگفت: به زنبوروحی کرد در درختان و سنگها لانه درست کند
۹۹	خداوند فرمود: زبانها و رنگهای شما معجزه خداوند است
۱۱۱	فصل سوم
۱۱۳	شهبسواران معبد سلیمان
۱۱۸	آغاز فراماسونری
۱۲۰	شهبسواران معبد سلیمان و مذهب کابالا
۱۲۱	معنی لغوی کابالا سنت شفاهی
۱۲۱	کابالا ساختاری است که ریشه در الحادی و بت پرستی دارد
۱۲۲	عرفان یهودیت صهیون نیزم
۱۲۳	جادوگران مصر باستان
۱۲۳	کشف کتیبه هایی از مصر باستان
۱۲۵	مصریان باستان بتکامل ماتریالیستی بودند
۱۲۵	جهان خود به خود بوجود آمده است
۱۲۶	کابالای عرفان یهودیت آموزه های الحادی کهن ترازیهودیت است
۱۲۸	تاریخ کابالا
۱۲۹	گوساله طلایی
۱۳۰	سامری گوساله را درست کرده است
۱۳۲	از مصر باستان تا کابالا
۱۳۳	یهودیان بپذیرش این تعالیم ماتریالیستی بر پایه جادوگری قرارداد داشت
۱۳۵	اصول عقاید کفرآمیز به کتب مقدس عهد عتیق افزوده شد
۱۴۱	یهودیت کابالای ماتریالیسم! اومانیسیم؛ سکولار میباشد
۱۴۲	از شهبسواران معبد تاماسونها
۱۴۴	نگاه دوباره به اومانیسیم
۱۴۴	دو بیانییه مهم توسط اومانیستهای انتشار یافت
۱۴۶	ریشه های اومانیسیم در کابالا
۱۴۶	اومانیسیم و ماسونیهها: ستایش اصالت انسان
۱۴۸	نظریه اخلاق اومانستی

## فهرست جلد چهارم سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

- 
- ۱۴۹ هدف ماسونیها-ایجاد یک جهان اومانیست  
۱۵۰ ماسونی ها و مصرباستان  
۱۵۰ هرم در زیر چشم  
۱۵۱ مفهوم فراماسونری و ستاره شش پر  
۱۵۲ بنظریهودیان سلیمان جادوگر بوده است  
۱۵۳ جنگی فراماسونری بادین  
۱۵۴ مبارزه علیه دین فرانسه  
۱۵۸ تشکیات فراماسونری در امریکا  
۱۶۱ نقش و تصاویر؛ مهر رسمی؛ دولتی؛ امریکا و نیز اسکناس تک دولاری  
۱۶۲ نظم نوین جهانی و نقش امریکا  
۱۶۴ خدایان فراماسونری  
۱۶۵ پالا دیوم نمایش لوسیفر  
۱۶۹ نهایت معمار بزرگ کائنات را که معبود اصلی فراماسونری است  
۱۷۰ صنعتگراز شهرهای فنیفیه بنام حیرام  
۱۷۰ در قرآن و درباره صنعتگری بسلیمان  
۱۷۱ بعضی شیاطین در اختیار سلیمان بودند  
۱۷۳ تعریف کابالا  
۱۷۸ شرّ محصول دیالک؛ دو نور درون سوف است  
۱۷۹ شیطان بفرشته مقدّس تبدیل میشود  
۱۷۹ محراب اخنوخ - در تنقه حکایت حیرام  
۱۷۹ حکایت سه موبد؛ تنقه حیرام  
۱۸۰ هنوک مدت ها قبل از سلیمان و حتی قبل از طوفان نومی زیست  
۱۸۱ سه سالک برای زیارت معبد سلیمان آمدند  
۱۸۱ قتل حیرام بادست شاگردانش  
۱۸۴ حیرام روی این مثلث اسم اعظم را حک کرده بود  
۱۸۵ قلع و قمع شهر اورشلیم  
۱۸۷ اسم اعظم را نباید از لبان کسی خارج شود  
۱۸۷ فراماسونری و کمونیسیم  
۱۸۸ مذهب یهود و تشکلات فراماسونری  
۱۸۹ دارونیسیم و ماکسیسیم و نتیجه اسم ایجاد یهود است

## فهرست جلد چهارم سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود

---

- ۱۸۹ فعالیت ماسونها در انقلاب های کمونیسمی  
۱۹۰ فراماسونری و کمونیسم یکی است  
۱۹۱ ماسونیسم و فراماسونری و اعمال آنها  
۱۹۲ افراد حزب ماسونی نباید معتقد بدینی باشند  
۱۹۲ بزرگترین هدف فراماسونری مبارزه با خدا پرستی و خداپرستان است  
۱۹۲ فراماسونری میگویند: نیاز جنسی خود را با یکدیگر ارضاء کنید  
۱۹۶ بیکرتوچنین گفته است: انسان باید بر خداوند خویش چیره شود  
۱۹۷ دین و اخلاق سیایت با یکدیگر جمع نمیشود  
۲۰۶ زمینه ظهور مارکس؛ تیجه؛ و داروین را؛ یهود فراهم کرده است  
۲۱۳ بذکرتوطنه ای که برای سقوط امراطوری عثمانی با دست یهود  
۲۱۴ سانتولوژی مذهبی است؛ که بدون خدا و بدون پیامبر میباشد  
۲۱۴ شش میلیون یهودی؛ توسط نازیها کشته شدند مبالغه آمیز و دروغ بود  
۲۱۵ صهیون نیزم هازمظلومیت یهودیان آلمان حداکثر بهره برداری نمودند  
۲۱۷ اشعار ترکی درباره ادیان  
۲۱۸ خاتمه فهرست جلد چهارم

## اشعار عرفانی

آنقدر گشتم و در وادی قرآن شدم  
در باز کردن و من داخل قرآن شدم  
گفتم ای داروی حق مسکن و بیمار شدم  
که شفاء داد و پناهنده قرآن شدم  
زود بیا که خود من هادی قرآن شدم  
که امید تو منم شافع و مولای شدم  
در صف نوح شعیب احمد و مختار شدم  
هدف تیر مریدانی شیطان شدم  
سنگ تهمت زده اند ضد مسلمان شدم  
همچو عمار و بلال پیرو قرآن شدم  
مثل ابراهیم و یحیی که بد نام شدم  
که قرآن گفته من حافظ اسلام شدم  
پیرو عالم قرآن و مدد کار شدم  
که بگوید: که بدانید و من، تابع قرآن شدم  
تا بخوانند که قرآن، بگویند: مسلمان شدم  
که قرآن گفته که من هادی انسان شدم  
دین سالم منم و عالمه اعلام شدم  
یاد بگیر یادیده، گو خالق من تسلّم قرآن شدم  
گفت محمد و علی و حسین، تسلّم قرآن شدم  
ضالّ و جاهل همه گفت تا بع اخبار شدم  
نوحه خوانان بگویند که ما، تابع او هام شدم  
تو بگو: تابع دین؛ ناب به قرآن شدم

درد دین داشتم و من در پی درمان شدم  
در قرآن زده ام من به هزاران امید  
دامنش را به گرفتم دو دستی محکم  
گفت: قرآن بیا داروی انسان منم  
صاحب وحی به من گفت بیا داخل شهر  
هر که آید بدرم دور شود از ضالّ و شرّ  
وارد شهر شدم آیه قرآن خواندم  
آن زمان بانگ زدم حاکم حقّ الله است  
اصل اسلام بدانید که این قرآن است  
این قرآن است امام محمد حسنین  
هم امام علی فاطمه و اهل البیت  
اصل قانون اساسی قرآن است بدان  
دعوی دین که بدان عالم قرآن باشد  
کس که قرآن بخواند همه ساکت بشود  
زنده ها باید از این درس بگیرند بر خود  
نه قرآن مال قبور است نه میت نه گدا  
زود بیاید بمن چنگ زنید ای انسان  
آنکه قرآن بگوید: که به درسش بشتاب  
این قرآن معجزه است مکتب اسلام بدان  
راه الله قرآن است و قرآن است و قرآن  
هر که قرآن بگوید، به او تهمت زده اند  
گر به تو تهمت ونیرنگ بزنند اصغریا

تطبیق عیسی مسیح رسول الله پسر  
مریم در ادیان یهودیت و مسیحیت و اسلام

## فصل اول

تطبیق عیسی مسیح رسول الله پسر  
مریم در دین یهودیت؛ مسیحیت و اسلام

بنداول: عیسی مسیح رسول الله پسر مریم! در دین یهودیت از کتاب

مقدس عهد عتیق! و از کتاب تورات فعلی

و در ایام آخاز بن یوتام بن عزیا! پادشاه یهودا واقع شده! که رصین پادشاه آرام  
 و فوج بن رملیا پادشاه اسرائیل! بر اورشلیم برآمدند! تا با آن جنگ نمایند! اما  
 نتوانستند آن را فتح نمایند! و بخاندان داود خبر داده گفتند: آرام در افرایم اردو  
 زدند دل او و دل مردمانش بلرزید! بطوریکه درختان جنگل از باد میلرزید! آنگاه  
 خداوند با شعیاء گفت: تو با پسر خود شازیا شوب! به انتهای قنات برکه فوقانی! براه  
 مزرعه گازربه استقبال آخاز بیرون شو! با حذر و آرام باش مترس و دلت ضعیف  
 نشود!!! از این دودم مشعل دود افشان!!! یعنی از شدت خشم رصین و آرام و  
 پسر رملیا! زیرا که آرام با افرایم و پسر رملیا! برای ضررت و مشورت کرده میگویند  
 : بر یهودا برائیم و آن را محاصره کرده!!! بجهت خویشتن تسخیر نمایم!!! و پسر  
 طبئیل را در آن پادشاهی نصب کنیم! خداوند چنین میگوید: که این بجا آورده  
 نمیشود! واقع نخواهد گردید! زیرا که پسر آرام دمشق! و پسر دمشق رصین است  
 و بعد از شصت و پنج سال افرایم شکسته میشود! بطوریکه دیگر قومی نخواهد  
 بود! و پسر افرایم و پسر سامره! و پسر رملیا است!!! و اگر باور نکنید هر آینه ثابت  
 نخواهد ماند!!! و خداوند بار دیگر آخاز را خطاب کرده گفت: **آیتی بجهت خود از  
 یهوه خدایت بطلب! آن را یا از عمقها و یا اعلی علیین بالا! آخاز گفت: نمیطلبیم  
 و خداوند را امتحان نخواهم نمود! گفت: ای خاندان داود بشنوید آیا شما چیزی  
 سهل است؟! که مردمان را بیزار کنید؟! بلکه میخواید خدای مرا نیز بیزار کنید!؟!**  
 بنابراین خود خداوند بشما آیتی خواهد داد!!! اینک باکره حامله شده پسری  
 خواهد زانید؛ و نامش را عمانوئیل خواهد خواند، کره و عسل خواهد خورد؛ تا آنکه  
 ترک کردن بدی! اختیار کردن خوبی را بداند! زیرا که قبل از آنکه پسر ترک نمودن  
 بدی!!! اختیار کردن خوبی را بداند!!! زمینیکه شما از هر دو پادشاه آن میترسید  
 متروک خواهد شد! خداوند بر تو و بر قومت و بر خاندان پدرت ایام را خواهد آورد  
 که از ایامیکه افرایم از یهودا جدا شد تا حال نیامده باشد! یعنی پادشاه آشور را

ودر آن روز واقع خواهد شد! که خداوند برای مسکنهاییکه بکنار نهرهای مصراند  
 و زنبورهاییکه!!! در زمین آشوراند صغیر خواهد زد!!! و تمامی آنها برآمده در  
 وادیهای ویران و شکافهای صخره! و بر همه بوته های خاردار و بر همه مرتعها  
 فرود خواهد آمد!!! و در آنروز خداوند بواسطه اشتهای که از ماورای نهر!!! اجیر  
 میشود!!! یعنی بواسطه آشورموی سر و موی پایها را خواهد تراشید!!! و ریش  
 خمسترده خواهد شد! و در آن روز واقع خواهد شد!!! که شخصی یک گاو جوان! و دو  
 گوسفند زنده نگاه خواهد داشت! و از فراوانی شیری که میدهند کره خواهد خورد  
 زیرا که در میان زمین باقی ماند! خوراکش کره و عسل خواهد بود! و در آن روز  
 هر مکانیکه هزار مؤبجهت هزار پاره نقره داده میشود! پراز خار و خس خواهد  
 شد! با تیرها و کمانها مردم به آنجا خواهند آمد!!! زیرا که تمامی زمین پراز خار و  
 خس خواهد شد! و جمیع کوههاییکه با بیل کنده میشد! از ترس خار و خس با آنجا  
 نخواهد آمد! بلکه گاو و رابه آنجا خواهند فرستاد! و گوسفندان آن را پامال خواهند  
 کرد!!! و خداوند مرا گفت: لوحی بزرگ بجهت خود بگیر! و بر آن با قلم انسان  
 برای مهیز شلال حاش بز بنویس! و شهود امین یعنی اوری کاهن!!! و زکریا این  
 یزکیار! بجهت خود برای شهادت میگیرم! پس من به نبیه نزدیکی کردم! و او  
 حامله شده پسری زائیده! آنگاه خداوند بمن گفت: او را مهیز شلال حاش بز بنام!  
 زیرا که قبل از آنکه طفل بتواند!!! ای پدرم و ای مادرم بگوید: اموال دمشق و  
 غنیمت سامره را! پیش پادشاه آشور بیغما خواهند برد!!! و خداوند باردیگر مرا  
 باز خطاب کرده گفت: چونکه این قوم آبهای شیلوه را! که بملایمت جاری می  
 شود خوارشمرده از رصین و پسر رمکیا مسرور شده اند! بنابراین اینک خداوند  
 آبهای زور آور بسیار نهر! یعنی پادشاه آشور و تمامی حشمت او را برایشان بر  
 خواهد آورد! و او از جمع جوبهای خود بر خواهد آمد! و از تمامی کنارهای خویش  
 سرشار خواهد شد!!! و بر یهودا تجاوز نموده سیلان کرده عبور خواهد نمود! تا  
 آنکه بگردنه ها برسند! و بالهای خود را پهن کرده!!! طول و عرض ولایت را  
 عماتوئیل پُر خواهد ساخت! بهیجان آید! ای قومها و شکست خواهید یافت!!!

وگوش گیریدای اقصای زمین! وکمر خود را ببندید و شکست خواهید یافت! باهم مشورت کنید و باطل خواهید شد! و سخن گوئید: و بجا آورده نخواهد شد زیرا که خدا با ما است!!! چونکه خداوند با دست قوی بمن چنین گفت: و مرا تعلیم داد که براه این قوم سلوک ننمایم و گفت: هر آنچه را که این قوم فتنه مینماید! شما آن فتنه را نمائید! از ترس ایشان ترسان و خائف مباشید! یهو صبا یوت را تقدیس نمائید! و او بترس و خوف شما باشد! و او برای شما مگان مقدس خواهد بود! اما برای هر دو خاندان اسرائیل؛ سنگ مصادم و صخره لغزش دهند! برای ساکنان اورشلیم دام وتله!!! و بسیاری از ایشان لغزش خورده خواهند افتاد!!! و شکسته شده و بدام افتاده گرفتار خواهند گردید! شهادت را بهم بییچ، شریعت را در شاگردانم مختوم ساز!!! و من برای خداوند که روی خود را!!! از خاندان یعقوب مخفی میسازد؛ انتظار کشیده امیدوار او خواهم بود! اینک من و پسرانیکه خداوند بمن داده است! از جانب یهو صبا یوت در کوه صهیون ساکن است! بجهت اسرائیل آیات و علامات هستیم! و چون ایشان بشما گویند: که از اصحاب اجنه جادوگرانیکه جیک جیک و زمزم میکنند سوال میکنند!!! آیا قوم از خدای خود سوال ننمایند؟؟؟ و آیا از مردگان بجهت زندگان سوال باید نمود؟؟؟ شریعت و شهادت توجه نمائید! و اگر موافق این کلام سخن نگوئید: پس برای ایشان روشنائی نخواهید!!! باعسرت و گرسنگی در آن خواهد گشت! و هنگامیکه گرسنه شوند خویشتن را مشوش خواهند ساخت!!! و پادشاه و خدای خود را لعنت کرده!!! ببالا خواهند نگریست! بزمین نظر خواهند انداخت!!! و اینک تنگ و تاریکی و ظلمت پریشانی خواهد بود! و بتاریکی غلیظ رانده خواهند شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق، و از کتاب اشعیاء نبی بابهای هفتم و هشتم)

نکاتی از مؤلف: از کتاب مقدس عهد عتیق چنین استفاده میشود!!! که حامله شدن مریم مقدس باکره بدون شوهر به عیسی مسیح رسول الله وجود داشته و حقیقت دارد!!! اگرچه در آیات کتاب مقدس عهد عتیق! بخداوند متعال جسارت و توهین و تهمت زده شده است! زیرا که برای خداوند خلاق جهان هستی سزاوار نیست بازن نزدیکی کرده باشد!!! برای اینکه خداوند جسم نیست و نمیتواند جسم باشد!!! اگرچه حامله شدن یک باکره بدون شوهر! آیت و معجزه در کتاب مقدس عهد عتیق وجود دارد! اگرچنین هم نباشد! طور دیگری آیات در تورات موسی وجود داشته که خداوند آیاتی فرستاده حامله شدن! یک دختر باکره بدون شوهر را خبر داده است! پس از نظر کتاب مقدس عهد عتیق! و از نظر کتاب عیسی عهد جدید اناجیل! و از نظر قرآن کریم وحی منزل کتاب مسلمانان! در حامله شدن مریم مقدس باکره بوده است!!! بدون نزدیکی مردی!!! که به عیسی مسیح رسول الله هیچ اختلافی وجود ندارد!!! پس اما چرا یهودیان چنین امر معجزه کتاب خودشان را قبول ندارند؟! چیزی دیگری است؟! مانند کشتن و افتراء زدن به انبیاء خداوند میباشد!!! و از اعمال یهودیان ثابت میشود!!! که یهودیان اصلاً کتاب مقدس را هم قبول نداشته و ندارند! زیرا که بهیچ یکی از آیات کتاب مقدس تا بحال عمل نکردند!!! و اگر کتاب مقدس عهد عتیق را قبول میکردند!!! حتماً حامله شدن مریم باکره را بدون شوهر باور میداشتند! که باور ندارند!!! و به آن خانم عالمیان مریم مقدس باکره! توهین و تهمت و افتراء نمی زدند!!! پس در این صورت ثابت شده است!!! یهودیان کتاب مقدس عهد عتیق را قبول و باور ندارند! که تنها این امر حامله شدن مریم مقدس باکره عرایض مؤلف را ثابت میکند! و نوشتجات بسیار دیگر هم در آینده شاهد عرایض مؤلف میباشد!!!

**بند دوم: عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس در دین مسیحیت از**

### **کتاب مقدس عهد جدید اناجیل**

**۱- عیسی خداوند مسیحیان است!!! عیسی ایشان را گفت: آیه‌ها این امور را فهمیده اید!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب سیزدهم آیه ۵۲)

**پس با ایشان روانه شد و چون نزدیک بخانه رسید! یوزباشی چند نفر از دوستان خود را نزد او فرستاده و گفت: خداوند زحمت مکش! زیرا که لایق آن نیستی که زیر سقف من در آئی!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب هفتم آیه ۶)

**با آواز بلند گفتند: ای عیسی خداوند بر ما ترحم فرما!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب هفتم آیه ۱۴)

**پس به عیسی گفت: ای خداوند! مرا بپادآور هنگامیکه بملکوت خود آئی!!! عیسی بوی گفت: هر آینه بتومیگویم: امروز بامن در فردوس خواهی بود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب سوم آیات ۴۲ و ۴۳)

**و سنگ را از قبر غلطانیده دیدند! چون داخل شدند جسد خداوند عیسی را نیافتند!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب بیست و چهارم آیه ۳)

**زیرا که نان خدا آنست که از آسمان نازل شده بجهان حیات میبخشد! آنگاه دید و گفتند: ای خداوند این نان را پیوسته بمانده!!! عیسی بدیشان گفت: من نان حیات هستم!!! کسیکه نزد من آید هرگز گرسنه نمیشود!!! و هر که بمن ایمان آورد هرگز تشنه نگردد!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب ششم آیات ۳۲ تا ۳۵)

**عیسی گفت: تونیز او را دیده‌ و آنکه با تو تکلم میکند همانست! گفت: ای خداوند ایمان آوردم پس او را پرستش نمود!!! آنگاه عیسی گفت: من در این جهان بجهت داوری آمدم! تا کوران بینا و بینایان کور شوند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب نهم آیات ۳۸ و ۳۹)

**یهودیان در جواب گفتند: بسبب عمل نیک تو را سنگسار نمیکنیم بلکه بسبب کفر! زیرا که تو انسان هستی خود را خدا میخوانی! عیسی در جواب ایشان گفت: آیا در تورات شما نوشته نشده است؟! که من گفتم: شما خدایان هستید؟! پس اگر پس آناتیرا که کلام خداوند برایشان نازل شد خدایان خواند! ممکن نیست که از کتاب محو گردد!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب دهم آیه ۳۴)

پس چون پطرس اورا دید به عیسی گفت: ای خداوند اوچه شود؟! عیسی بدو گفت: اگر بخواهم که او بماند تا باز آیم؛ تو راجه از عقب من بیا!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب بیست و یکم آیه ۲۲)

الحال میباید از آن مردمانیکه همراهان ما بودند! در تمامی آن مدتیکه عیسی خداوند باما آمده و رفت میکرد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید، کتاب اعمال رسولان باب اول آیه ۲۲)

رسولان بقوت عظیم بقیامت عیسی خداوند شهادت میدادند!!! و فیض عظیم بر همگی ایشان بود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب رسولان باب پنجم آیه ۳۳)

و چون استیفان را سنگسار میکردند! او دعا نموده گفت: عیسی خداوند روح مرا بپذیر!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب رسولان باب هشتم آیه ۶۰)

زیرا که هنوز کسی تا از ایشان نازل نشده بود! بنام خداوند عیسی تعمد یافته بودند و پس!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب هشتم آیه ۱۷)

گفت: خداوند تو کیستی؟! خداوند گفت: من آن عیسی هستم که بدو جفا میکنی!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب نهم آیه ۵)

و در اورشلیم با ایشان آمدورفت میکرد! و بنام خداوند عیسی با دلیری موعظه مینمود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب نهم آیه ۲۸)

لیکن بعضی از ایشان که از اهل قبرس و قیروان بودند! چون به انطاکیه رسیدند با یونانیان نیز تکلم کردند! و بخداوند عیسی بشارت میدادند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب نهم آیه ۲۱)

چون این را شنیدند! بنام خداوند عیسی تعمد گرفتند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب نوزدهم آیه ۵)

میدانم در عیسی خداوند یقین میدارم! که هیچ چیز در ذات خود نجس نیست! جز برای آنکسیکه آن را نجس پندارد برای اونجس است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول برومیان باب چهاردهم آیه ۱۴)

زیرا که من از خداوند یافتم آنچه بشما نیز سپردم! که عیسی خداوند در شبیه  
که او را تسلیم کردند نان را گرفت!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول بقرنتیان باب یازدهم آیه ۲۳)

**پیوسته قتل عیسی خداوند را! در جسد خود حمل میکنیم! تا حیات عیسی هم  
در بدن ما ظاهر شود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول بقرنتیان باب چهاردهم آیه ۱۰)

نکاتی از مؤلف: حدوداً ۱۵۰ جای کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل! عیسی مسیح  
رسول الله پسر مریم مقدس را خداوند نوشته است! که چند نمونه را از متن  
کتاب مقدس عهد جدید اناجیل نوشته ایم! که پس در اینصورت عیسی مسیح  
خداوند مسیحیان است!!! که اولین مقام عیسی پسر مریم میباشد!!!

۲- عیسی مسیح رسول الله پسر مریم فرزند خداوند است!!! که خدا آن را  
بما که فرزندان ایشان میباشیم عطا کرد!!! و وقتی که عیسی را برانگیخت!!!  
چنانکه در زبور دوم مکتوب است!!! که تو پسر من هستی؛ من امروز تو را تولید  
نمودم!!!

(از کتاب عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب سیزدهم آیه ۳۴)

**خدا و پدر خداوند خود! عیسی مسیح را شکر میکنیم! و پیوسته برای شما دعا  
مینمائیم!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس به کولسیان باب اول آیه ۳)

**و آنچه در قول و فعل همه را بنام عیسی خداوند بکنید! و خدای پدر را بوسیله  
او شکر کنید!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول به کولسیان باب سوم آیه ۱۸)

خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد!!! و طریقهای مختلف بوساطت انبیاء  
بپدران ماتکم نمود!!! در ایام آخر بما و ساطت پسر خود متکم شد!!! که او را  
وارث جمیع موجودات قرارداد!!! و بوسیله او عالم ها را آفرید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله عبرانیان باب اول آیات ۱ و ۲)

**بیفتند محال است! که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه رساند! در حالیکه  
پسر خدا را برای خود باز مصلوب میکند و او را بیحرمت میسازند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله عبرانیان باب ششم آیه ۶)

وکسیکه گناه میکند از ابلیس است! زیرا که ابلیس از ابتداء گناهکار بوده است!  
 و از این جهت پسر خدا ظاهر شد!!! تا اعمال ابلیس را باطل سازد! هر که از خدا  
 مولود شده است گناه نمیکند! زیرا که تخم او در وی میماند! و او نمیتواند گناهکار  
 بوده باشد! زیرا که از خداوند تولد یافته است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول یوحنا ی رسول باب سوم آیه ۸ تا ۱۰)

**و محبت خدا بما ظاهر شده است!!! به اینکه خدا پسر یگانه خود را بجهان  
 فرستاده است!!! تا بوی زیست نمایم!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول یوحنا رسول باب چهارم آیه ۱۰)

و ما دیده ایم و شهادت میدهیم! که پدر پسر را فرستاده تا نجات دهنده جهان شود  
 ! هر کسی اقرار میکند! که عیسی پسر خداوند است! خدا در وی ساکن است! و او  
 در خدا! و باور کرده ایم که محبتی را که خدا با ما نموده است! خدا محبت است!  
 و هر کسی که در محبت ساکن است! در خدا ساکن است! و خدا در وی!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول یوحنا رسول باب چهارم آیه ۴ تا ۱۷)

هر کسی ایمان دارد که عیسی مسیح است!!! از خدا مولود است! و هر کسی والد  
 را محبت مینماید! مولود او را نیز محبت مینماید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول یوحنا رسول باب پنجم آیات ۱ و ۲)

و میدانیم که هر کسی از خدا مولود شده است گناه نمیکند! بلکه کسی که از خدا  
 تولد یافته خود را نگاه میدارد! و آن شریر او را لمس نمیکند! و میدانیم که از خدا  
 هستیم و تمام دنیا در شریر خوابیده است! اما آگاه هستیم که پسر خدا آمده است  
 ! تا حق را بشناسیم و در حق یعنی در پسر او عیسی مسیح هستیم!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول یوحنا رسول باب پنجم آیات ۸ تا ۲۰)

نکاتی از مؤلف: این نوشتجات را از متن کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل نوشته  
 شده است! که حدوداً ۱۲۵ جای کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل نوشته است؛ که  
 عیسی مسیح پسر مریم فرزند خداوند است! که از خود خداوند تولد یافته است!  
 که این دومین مقام عیسی مسیح پسر مریم است!!!

۳- عیسی مسیح پسر مریم رسول الله می باشد! و چون وارد اورشلیم شد تمام شهر به آشوب آمده گفتند: این کیست؟ آنگروه گفتند: اینست عیسی نبی از ناصری و جلیلی! پس عیسی داخل هیكل خدا گشته! جمیع کسانی را که در هیكل خرید و فروش میکردند بیرون نمود! و تخمهای صرافان و کرسیهای کبوتر فروشان را واژگون ساخت!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و یکم آیات از ۱۰ تا ۱۳)

**و بزنی گفتند: که بعد از این بواسطه سخن تو ایمان نمی آوریم! زیرا که خود شنیده و دانسته ایم! که او در حقیقت مسیح و نجات دهنده عالم است! اما بعد از دوروز از آنجا بیرون آمده بسوی جلیل روانه شد! زیرا که خود عیسی شهادت داد که هیچ نبی را در وطن خود حرمتی نیست!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب بیست و یکم از آیات ۴۲ تا ۳۵)

ای مردان اسرائیل این سخنان را بشنوید! عیسی ناصری مردیکه نزد شما از جانب خدا مبرهن گشت! بقوت و عجایب و آیاتی که خدا! در میان شما از اوصاف گردانید! چنانکه خود میدانید! این شخص چون بر حسب اراده مستحکم! و پیش دانی خدا تسلیم شد! شما بدست گناه کاران بر صلیب کشیده گشتند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب دوم آیات ۲۲ و ۲۳)

پس او را از میان برداشته داود را! برانگیخت تا پادشاه ایشان شوند! و در حق او شهادت داد! که داود بن یسی را مرغوب دل خود یافته ام!!! که تمامی اراده من عمل خواهد کرد! و از ذریت او خدا بر حسب وعده برای اسرائیل نجات دهنده یعنی عیسی را آورد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب سیزدهم آیات از ۲۲ تا ۲۴)

**لکن از او شما هستید در عیسی مسیح!!! که از جانب خدا برای شما حکمت شده است! و عدالت قدوسیت و فدا!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول پولس بقرننتیان باب اول آیه ۳۰)

**زیرا که عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم! جز عیسی مسیح و او را مصلوب!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله اول پولس رسول بقرننتیان باب دوم آیه ۲۰)

زیرا که خدائیکه گفت: تا نور از ظلمت درخشید همانست! که در دل‌های مادر خشید!  
تا نور معرفت جلال خدا! در چهره عیسی مسیح از ما درخشید!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید، رساله دوم پولس رسول بقرنتیان باب چهارم آیه ۶)  
**که ما را از قبل تعیین نمود! تا او را پسر خوانده شویم بواسطت عیسی مسیح!**  
**بر حسب خود شنوی اراده خود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول به افسسیان باب اول آیه ۵)  
**همچنین در ملکوت جاویدانی خداوند نجات دهنده! ما عیسی مسیح بشما**  
**دولتمندی داده خواهد شد!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله دوم پطرس رسول باب اول آیه ۱۱)  
نکاتی از مؤلف: این نوشتجات از متن کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل نوشته شده است! که حدوداً ۱۸۵ جای کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل!!! نوشته شده است! که عیسی مسیح پسر مریم پیغمبر بزرگ و مسیح خداوند است! این سومین مقام عیسی مسیح پسر مریم مقدس در اناجیل میباشد!!!

**۴- عیسی پسر یوسف ناصری است! فیلیپس نتنائیل را یافته بدو گفت: آنکسی**  
**را که موسی در تورات و انبیاء مذکور داشته یافته ایم!!! که عیسی پسر یوسف**  
**ناصری است! نتنائیل بدو گفت: مگر میشود که از ناصره چیزی خوب پیدا شود**  
**فیلیپس بدو گفت: بیا و ببین!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب اول آیه ۴۶)  
نکاتی از مؤلف: پسر یوسف ناصری بودن عیسی مسیح پسر مریم مقدس!!!  
چهارمین مقام عیسی مسیح پسر مریم مقدس در اناجیل است!!!

**۵- عیسی پیش از ابراهیم بوده است!!! پدر شما ابراهیم شادی کرد!!!** برای آنکه روز مرا ببیند! و دید و شادمان گردید! یهودیان بدو گفتند: هنوز پنجاه سال نداری ابراهیم رادیده؟! عیسی بدیشان گفت: آمین آمین بشما میگویم: که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم! آنگاه سنگ‌ها را برداشته تا او را سنگسار کنند! اما عیسی خود را مخفی ساخت و از میان گذشته!!! از هیکل بیرون شد و همچنین برفت!!!

(کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب هشتم آیات از ۵۶ تا ۵۹)

نکاتی از مؤلف: این پنجمین مقام عیسی مسیح پسر مریم مقدس در کتاب مقدس عهد جدید!!! در انجیل میباشد!!!

**۶- عیسی مسیح بنده خدا است! خدای ابراهیم و اسحق و یعقوب خدای اجداد ما بنده خود! عیسی را جلال داد شما تسلیم نموده اورا! در حضور پیلاتس انکار کردید هنگامیکه او حکم برهاندنش داد!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب سوم آیات از ۲۳ تا ۲۶)

زیرا موسی به اجداد گفت: که خداوند؛ خدای شما نبی مثل من از میان برادران شما برای شما خواهد برانگیخت! کلام اورا در هر چه بشما تکلم کند بشنوید! و هر نفسی که آن نبی رانشنود! از قوم منقطع گردد! و جمیع انبیاء نیز از سموئیل و آنانیکه بعد از او تکلم کردند! از این ایام اخبار نمودند! شما هستیدا اولاد پیغمبران!!! و آن عهدی که خدا با اجداد ما بست!!! و قتیکه به ابراهیم گفت: از ذریت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت! برای شما اولاً خدا بنده خود عیسی را بر خیزاند فرستاد! تا شمارا برکت دهد! ببرگردانیدن هریکی از شما از گناهانش! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب سوم آیات از ۲۳ تا ۲۶)

سلاطین زمین برخاستند! و حکام باهم مشورت کردند! برخلاف خداوند و برخلاف مسیح خود!!! زیرا که فی الواقع بر بنده قدوس تو عیسی که اورا مسیح کردی هیرویس و پتتیوس پیلاتس با امتهای و قومهای اسرائیل باهم جمع شدند!!! تا آنچه راکه دست و رای تو از قبل مقدر فرموده بود بجا آورند! و الان ای خداوند بتهدیدات ایشان نظر کن! و غلامان خود را عطاء فرما! تا بدلیری تمام بکلام تو سخن گویند: بدر از کردن دست خوب بجهت شفاء دادن! جاری کردن معجزات بنام بنده قدوس خود عیسی!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب چهارم آیات از ۲۶ تا ۳۱)

نکاتی از مؤلف: ششمین مقام عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس بنده خداوند است!!!

۷- عیسی یک انسان است! و نچنانکه خطاء بوده چنان نعمت نیز باشد! زیرا اگر بختای یک شخص بسیار مُردند! چه زیاده فیض خدا و آن بخشید! که بفیض یک انسان یعنی عیسی مسیح است؛ برای بسیار افزون گردید!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول برومیان باب پنجم آیه ۱۶)

**زیرا اگر موت او متحیر بشویم!!! هر آینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد!!!**  
زیرا این را میدانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد! تا جسد گناه معدوم گشته دیگر گناه بندگی نکنیم!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول برومیان باب ششم آیات ۵ و ۶)

**هفتمین مقام عیسی مسیح رسول الله یک انسان است!!!**

۸- عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس خداوند نیست! پس شمارا خبر میدهم که هر کسی متکلم بروح خدا باشد! عیسی را آنا تیما نمیگوید: واحدی جز بروح القدس!!! عیسی را خداوند نمیتواند گفت: و نعمتها انواع است ولی روح همان!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله پولس رسول بقرنیتان باب دوازدهم آیات ۳ و ۴)

**نکاتی از مؤلف: و هشتمین مقام عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس این است که خداوند نیست!!!**

۹- عیسی مسیح پدر و مادر ندارد!!! و کاهن ابری و دائمی است، زیرا ملکی صدق پادشاه سالمیم! و کاهن خدای تعالی هنگامیکه ابراهیم از شکست!!! دادن ملوک مراجعت میکرد! او را استقبال کرده بدو برکت داد! و ابراهیم نیز از همه چیزها ده یک بدو داد! که او ترجمه شده پادشاه عدالت است!! و بعد ملک سالمیم نیز یعنی پادشاه سلامتی بی پدر و بی مادر! و بنسب نامه! بدون ابتدای ایام! و انتهای حیات بلکه شبیه پسر خدا شده کاهن دائمی میماند!!! پس ملاحظه کنید که این شخص چه قدر بزرگ بود که ابراهیم پا تریارخ نیز بهترین غنایم ده یک بدو داد!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ رساله بعمرانیان باب هفتم آیات از ۱ تا ۵)

**نکاتی از مؤلف: این نهمین مقام عیسی مسیح رسول الله پسر مریم میباشد!!!**

۱۰- شخصیت عجیب غربی عیسی مسیح در کتاب مقدس عهد جدید اناجیل! مکاشفه عیسی مسیح که به اوداد! اموری را که میباشد زود واقع شود! بر غلامان خود ظاهر سازد!!! او بوسیله فرشته خود فرستاده آن را ظاهر نمود غلام خود یوحنا! گواهی داد بکلام خدا و شهادت عیسی مسیح! در اموری که دیده بود! خوشحال کسیکه میخواند و آنانیکه میشنود! کلام این نبوت را آنچه در این مکتوب است نگاه میدارد! چونکه وقت نزدیک است! یوحنا بهفت کلسائیکه در آسیا هستند!!! فیض و سلامتی بر شما باد از او که هست و بود و می آید!!! و از هفت روح که پیش تخت وی هستند! و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست زاده از مردگان! و رئیس پادشاهان جهان است! مرا و او را که محبت مینماید! و ما را از گناهان ما بخون شست! و ما را نزد خدا پدر خود! پادشاه کهنه ساخت! و او را جلال و توانائی باد تا ابد! آباد آمین! اینک با ابرها می آید! و هرچشمی او را خواهد دید! و آنانیکه او را نیزه زدند! و تمامی امتهای جهان برای وی خواهند نالیده بلی آمین! من هستم الف و یا!!! اوّل و آخر!!! میگوید: **آن خداوند خدای که هست و بود! و می آید قادر الاطلاق!** من یوحنا که برادر شما و شریک! در مصیبت و ملکوت!!! و صبر در عیسی هستم بجهت کلام خدا! و شهادت عیسی مسیح در جزیره مهمی بیطمس شدم! و در روز خداوند در روح شدم! و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صور شنیدم!!! که میگفت: من الف و یا!!! اوّل و آخر هستم!!! آنچه میبینی در کتابی بنویس!!! و آن را بهفت کلسائیکه در آسیا هستند!!! یعنی به افسس و اسمیرنا و پرخامی و طیاتیرا و ساردس و فیلا دلقیه و رادکیه بفرست!!! پس رو برگردانید! تا آن آوازی را که با من تکلم مینمود بنگرم!!! **و چون رو گردانیدم هفت چراغدان طلادیدم! و در میان هفت چراغدان شبیه پسرانسان را که ردای بلند در برداشت! و بر سینه وی کمر بندی طلا بسته بود! و سروموی او سفید چون پشم مثل برف سفید بود! و چشمان او مثل شعله آتش! پایهایش مانند**

برنج صیقلی که کوره تابیده شود! و از او مثل صدای آبهای بسیار!!! و در دست راست خود هفت ستاره داشت! و از دهانش شمشیری دودمه تیز بیرون میآید! و چهره اش چون آفتاب بود که در قوتش میتابد!!! و چون او را دیدم مثل مرده پیش پایهایش افتادم!!! و دست راست خود را بر من نهاده گفت: ترسان مباش من هستم! اول و آخر زنده! و من مرده شدم و اینک تا ابد آباد زنده هستم!!! و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است!!! پس بنویس چیزهای که دیدی و چیزهای که هستند! و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد! و سر هفت ستاره را که در دست راست من دیدی! و هفت چراغدان طلارا! اما هفت ستاره فرشتگان هفت کلیسا هستند! و هفت چراغدان هفت کلیسا میباشند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید مکاشفه یوحنا ی رسول باب اول)

**نکاتی از مؤلف: این دهمین مقام شخصیت عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس میباشد!!!**

۱۱ - عیسی مسیح انسان و پسر انسان است! و پسر خوانده خداوند میباشد!!! زیرا که پسر انسان خواهد آمد! در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود!!! و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد!!! هر آینه بشمامی گویم: که بعضی در اینجا حاضرند که تا پسر انسان را ببینند!!! که در ملکوت خود میآید ذائقه موت نخواهد چشید! دهها آیت در کتاب مقدس عهد جدید اناجیل آمده است!

**که عیسی مسیح انسان و پسر انسان است!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید: انجیل متی باب ششم آیات ۲۷ و ۲۸)

**نکاتی از مؤلف: تا اینجا عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس در کتاب مقدس عهد جدید: اناجیل! یازده تا مقام و شخصیت دارد! که بایکدیگر منافات و مغایرت دارد!!! و اگر بخوایم بکتاب مقدس عهد جدید: اناجیل ایمان بیاوریم! بکدام مقام و شخصیت عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس ایمان بیاوریم و قبول کنیم!!! که ایمان درست بوده باشد!!! معلوم نیست!!! زیرا که مقامات او تماماً ضد و نقیض میباشد! یعنی تمام کتاب مقدس عهد جدید: اناجیل ضد و نقیض کلی وجود دارد!!!**

۱۲ - چون او را دیدند پرستش نمودند لیکن بعضی شک کردند! پس عیسی پیش آمده بدیشان خطاب کرده گفت: تمامی قدرت در آسمانها و بر زمین بمن داده شده است!!! پس رفته همه امته را شاگرد سازید! و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمیم دهید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید: انجیل متی باب بیست و هشتم آیات ۱۸ و ۱۹)

۱۳- عیسی در جواب وی گفت: خوشا بحال توای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را برکشف نکرده! بلکه پدر من که در آسمانست!!! و من نیز تورا می گویم: که تونی پطرس و برین صخره کلیسای خود را بنام میکنم؛ و ابواب جهنم بر آن استیل نخواهد یافت! و کلیدهای ملکوت آسمان را بتو می سپارم!!! و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد! و آنچه در زمین گشائی در آسمان گشاده شود! آنگاه شاگردان خود را قدغن فرمود! که بهیچکس نگویند: او مسیح است!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب ششم آیات از ۱۸ تا ۲۰)

۱۴- و چون ایشان غذا می خوردند عیسی نان را گرفته برکت داد! و پاره کرده بشاگردان و گفت: بگیری و بخورید این است بدن من! و پیاله را گرفته شکر نمود و بدیشان داده گفت: همه شما از این بنوشید! زیرا که اینست خون من در عهد جدید؛ که در راه بسیاری جهت آمرزش گناهان ریخته شود! اما بشمامی گویم: که بعد از این از میوه مؤدیگر نخواهم نوشید! تا روزیکه آن را باشما در ملکوت پدر خود تازه آشامم؛ پس تسبیح خواندند و بسوی کوه زیتون روانه شدند!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب بیست و ششم آیات از ۲۶ تا ۳۱)

۱۵- عیسی گفت: هر آینه بشمامی گویم: که همه گناهان از آدم آمرزیده میشود و هر قسم کفر که گفته باشند!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل مرقس باب سوم آیه ۲۹)

۱۶- او واقع شد؛ و چون از آب برآمد ساعت آسمان را شکافته دید! و روح را که مانند کبوتری بروی نازل میشود!!! و آوازی از آسمان در رسید! پس حیب من هستی که از تو خوشنودم!!! پس بی درنگ روح وی را بیابان میبرد! مدت چهل روز در صحرا بود! و شیطان او را تجربه میکرد! و با وحوش بسر میبرد و فرشتگان او را پرستاری مینمود!!!  
(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل مرقس باب اول آیات از ۹ تا ۱۴)

۱۷- عیسی گفت: شنیده اید که گفته شده است! چشمی به چشمی و دندانى به دندانى! لیکن من بشمامیگویم: باشریر مقاومت مکنید! بلکه هرکسى بر خساره تو پتانچه زند! دیگری رابسوی او بگردان! و اگرکسى بخواهد با تو دعوى کند!!! و قبای تور بگیرد عباى خود را بدو واگذار! و هرگاه کسى تور ابرای یک میل مجبور سازد و میل همراه او برو!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل متی باب پنجم آیات از ۳۸ تا ۴۴)

۱۸- از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند!!! بسوی تألیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید! چنانکه آنانیکه از ابتداء نظارگان و خادمان کلام بودند بمارسانیدند! من مصلحت را چنان دیدم! که همه را من البرایت بترقیق!!! در پی رفته بترتیب بتو بنویسم ای تیوفلس عزیز! تا صحت آن کلامیکه در آن تعلیم یافته دریابی! در آیام هیرو دیس یهودیه!!! کاهنی زکریا نام از فرقه ابیا بوزان دختران هارون و ایصابت نام داشت! و هر دو در حضور خدا صالح و به جمیع احکام و فرایض! خداوند بی عیب سالک بودند! و ایشان را فرزندی نبود زیرا که ایصابت نازاد بود! و هر دو دیرینه سال بودند! و واقع شد که چون بنوبت بفرقه خود را در حضور خدا کهانت میکرد! حسب عادت کهانت نوبت او شد! که بقدس خداوند درآمد بخورسوزا نید! و در وقت بخور تمام جماعت قوم بیرون عبادت میکردند!!! ناگاه فرشته خداوند بطرف راست مذبح! بخور ایستاده بروی ظاهر گشت!!! چون زکریا او را دید! در حیرت افتاده ترس براو مستولی شد!!! فرشته بدو گفت: ای زکریا ترسان مباش! زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است! و زوجه ات ایصابت برای تو پسری خواهد زانید! و او را یحیی خواهی نامید!!! و تو را خوشی؛ شادی رخ خواهند نمود!!! و بسیاری از ولایت او مسرور خواهی

شد!!! زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود!!! و شراب و مسکری نخواهد نوشید! و از شکم مادر خود پیر از روح القدس خواهد بود! و بسیاری از بنی اسرائیل را بسوی!!! خداوند خوانی ایشان خواهد برگردانید!!! و او بروح و قوت الیاس پیش روی وی خواهد خرامید! تا دل‌های پدران را بطرف پسران!!! نافرمان را بحکمت عادلان برگرداند! تا قومی مستعد برای خدا مهیا سازد!!! زکریا بفرشته گفت: این را چگونه بدانم! و حال آنکه من پیرهستم و زوجه ام دیرینه سال است!!! فرشته در جواب وی گفت: من جبرئیل هستم که در حضور خدا می ایستم! و فرستاده شدم تا به تو سخن گویم: و از این امور تورا مژده دهم!!! و الحال تا این امور واقع نگردد گنگ شده! یارای حرف زدن نخواهی داشت!!! زیرا سخنهای مرا که در وقت خود بوقوع خواهد پیوست باور نکردی! و جماعت منتظر زکریا میبودند! و از طول توقف او در قدس متعجب شدند! اما چون بیرون آمده نتوانست با ایشان حرفزند!!! که در قدس رویائی دیده است!!! پس بسوی ایشان اشاره میکرد و ساکت ماند!!! و چون ایام خدمت او به اتمام رسید بخانه خود رفت!!! و بعد از آن روزها زن او الیصابات حامله شد! مدت پنج ماه خود را پنهان نمود و گفت: با اینطور خداوند بمن عمل نموده! و در روزهایی که مرا منظور داشت!!! تا ننگ مرا از نظر مردم بردارد! و در ماه ششم جبرئیل فرشته از جانب خدا! ببلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد! نزد باکره نامزد مردی مسمی بیوسف!!! از خاندان داود! نام آن باکره مریم بود!!! پس فرشته نزد او داخل شده گفت: سلام بر تو ای نعمت رسیده! خداوند با تو است و تو در میان زنان مبارک هستی! چون او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد! که این چه نوع تحیت است فرشته بدو گفت: ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خداوند نعمت یافته! و اینک حامله شده پسری خواهی زانید! و او را عیسی خواهی نامید! او بزرگ خواهد بود و بیسر حضرت اعلی مسمی شود! و خداوند؛ خدا تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود! او بر خاندان یعقوب تا به امر پادشاهی خواهد کرد! و سلطنت او را نهایت نخواهد بود!!! مریم بفرشته گفت: این چگونه میشود و حال آنکه

مردی را شناخته ام! فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند! از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد! و اینک ایصابات از خویشان تونیز در پیروی بیسری حامله شده و این ماه ششم است!!! مردم او را که نازا میخواندند! زیرا که نزد خداوند هیچ امری محال نیست! مریم گفت: اینک نیز خداوند مرا بر حسب سخن تو واقع شود! پس فرشته از نزد او رفت!!! در آن روزها مریم برخاسته و ببلدی از کوهستان یهودیه بشتاب رفت! و بخانه زکریا درآمد! بن ایصابات سلام کرد و چون سلام مریم را شنید بچه در رحم او حرکت آمد!!! و ایصابات بروح القدس پر شده! با او از بلند صدا زده گفت: تو در میان زنان مبارک هستی! و مبارک است ثمره رحم تو! و از کجا این بمن رسید! که مادر خداوند من آید! زیرا که اینک چون او از سلام تو گوش من شد!!! بچه از خوشی در رحم من حرکت آمده!!! و خوشا بحال او که ایمان آورد!!! زیرا که آنچه از جانب خداوند بوی گفته شد به انجام رسید! مریم گفت: جان من خداوند را تمجید میکند! و روح من برهاننده من خدا بوجود آمد! زیرا که بر حقارت کنیز خود نظر افکند! زیرا که هان از اکنون تمامی طبقات مرا خوشحال خواند! زیرا که آن قادر بمن کارهای عظیم کرده!!! و نام او قدوس است!!! بر آنیکه از او میترسند!!! و باروی خود قدرت را ظاهر فرموده! و متکبران را بخيال دل ایشان پراکنده ساخت! و جباران را از تختها بزیر افکند! و فروتنان را سرفراز گردانید! و گرسنگان را بچیزهای نیکو رسید فرمود! و دولت مندانی را تهی دست رکنمود بنده خود! اسرائیل را یاری رحمانیت خویش! چنانکه به اجداد ما گفته بود!!! با ابراهیم و بذریه او تا ابد الابد!!! و مریم قریب بسه ماه نزد وی ماند!!! پس بخانه خود مراجعت کرده! اما چون ایصابات را وقت وضع حمل رسید پسر بزاد! و همسایگان و خویشان او شنیدند! که خداوند رحمت عظیمی بروی کرده با او شادی کردند!!! و واقع شد در روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند! که نام پدرش زکریا را بر او مینهادند! اما مادرش ملتفت شده گفت: نی بلکه به یحیی نامیده میشود!!! بوی گفتند: از قبيله تو هیچکسی این اسم را ندارند! پس پدرش اشاره کردند که او را چه نام خواهی نهاد! او ختنه

خواسته بنوشت که نام او یحیی است و همه متعجب شدند!!! در ساعت دهان و زبان او بازگشته بحمد خدا متکلم شد!!! پس بر تمامی همسایگان ایشان خوفی مستولی گشت! و جمیع این وقایع در همه کوهستان یهودیه شهرت یافت! و هر که شنید در خاطر خود تفکر نموده گفت: این چه نوظفل خواهد بود! و دست خداوند با وی خواهد بود!!! و پدرش زکریا از روح القدس پر شده نبوت نمود!!! گفت: **خداوند؛ خدای** اسرائیل مبارک باد! زیرا که قوم خود را تفقد نموده برای ایشان فدائی قرارداد! و شاخ نجاتی برای ما برافراز است! در خانه بنده خود داد! چنانچه بزبان مقدسین گفت: که بدو عالم انبیای او میبودند!!! از دشمنان ما و از دست آنانیکه از ما نفرت دارند!!! رحمت را بر پدران ما بجا آورد! و عهد مقدس خود را تذکر فرماید! سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد!!! که ما را فیض عطاء فرماید! تا از دست دشمنان خود رهائی یافته؛ او را بیخوف عبادت کنیم! در حضور او بقدوسیت و عدالت؛ در تمامی روزهای عمر خود!!! و تو ای طفل نبی حضرت اعلی خوانده شد!!! زیرا که پیش روی خداوند خواهی خرامیده تا طریق او را مهیا سازی!!! تا قوم او را معرفت نجات دهی در آمرزش گناهان ایشان! به احشای رحمت خدای ما!!! که به آن سپیده از عالم اعلی از ما تفقد نمود!!! تا ساکنان در طلعت و ظلّ موت را نور دهد! و پایهای ما را بطریق سلامتی هدایت نماید!!! پس طفل نمو کرده در روح قوی میگشت!!! و تا روز ظهور خود برای اسرائیل در بیابان سر میبرد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا تمامی باب اول)

۱۹- در آیام حکمی از او غسطس قیصر صادر شد! و تمام ربع مسکونی را اسم نویسی کنند! این اسم نویسی اول شد! هنگامیکه کیرینیوس والی سوریه بود پس همه مردم هر یک بهر خود اسم نویسی میرفتند! یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره بیهودیه بهر داد! که بیت الحم نام داشت رفت زیرا که او از خاندان و آل داود بود؛ تا نام او با مریم که نامزد او بود! و نزیک بود بزائیدن ثبت گردد! و قتیکه ایشان در آنجا بودند هنگام وضع حمل او رسیده! پسر نخستین خود را زائید و او را

در قنّاق پیچید در آخور خوابانید!! زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود در آن نواحی شبانان در صحرابسر میبردند! و در پاسبانی کله های خویش میکردند!! ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد! و کبوترانی خداوند بر گرد ایشان تادیدند و بغایت ترسان گشتند! فرشته ایشان را گفت: مترسید اینک بشارت خوش عظیمی بشما میدهم که برای قوم خواهد بود!!! که امروز برای شما در شهر داود نجات دهنده که مسیح خداوند باشد متولد شد!!! و علامت برای شما اینست که طفلی در قنّاق پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت!!! در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده خدا را تسبیح کنان میگفتند: خدارا در اعلی علین جلال و بر زمین سلامتی! و در میان مردم رضامندی باد! و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند شبانان با یکدیگر!!! گفتند: الان بیت اللحم برویم و این چیز را که واقع شده!!! و خداوند آن را بما اعلام نموده است ببینیم! پس بشتاب رفته مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند!!! چون این را دیدند آن سخن را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود شهرت دارند هر که می شنید از آنچه شبانان بدیشان گفتند: تعجب مینمودند!!! اما مریم در دل خود متفکر شده این همه سخنان را نگاه میداشت! و شبانان خدارا تمجید حمد کنان برگشتند! سبب همه آن اموری که دیده و شنیده بودند! چنانکه به ایشان گفته شده بود! و روز هشتم وقت ختنه طفل رسید!!! او را عیسی نام نهادند چنانکه فرشته قبل از! قرار گرفتن او را در رحم او را نامیده بود!!! و چون ایام تطهیر ایشان بر حسب شریعت موسی رسید! او را به اورشلیم بردند! تا بخداوند بگذارند! چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است!!! که هر ذکوری که رحم را گشاید مقدس خوانده شود!!! و تا قربانی گذرانند چنانکه! در شریعت خداوند مقرر است!!! یعنی جفت فاخته یا جوجه کبوتر اینک شخصی شمعون نام در اورشلیم بود که مردی صالح! متقی منتظر تسلی بود! و روح القدس بروی بود! از روح القدس بدو وحی رسیده بود که تا مسیح خداوند را نبینی موت را نخواهی دید! پس برده تمامی روح بهیکل

درآمد، چون والدینش آن یعنی عیسی را آوردند؛ تار سوم شریعت راجعت او بعمل آوردند! او را در آغوش خود کشیده خدا را متبارک خوانده گفت: الحال ای خداوند بنده خود را رخصت میدهی بسلامتی بر حسب کلام خود! زیرا چشمان من نجات دهنده تورا دیده است! که آن را پیش روی جمیع امتها راهی ساختی نوری که کشف حجاب برای امتها و قوم تو اسرائیل را جلال بود! یوسف و مادرش از آنچه درباره او گفته شد تعجب نمودند!!! پس شمعون ایشان را برکت داده ب مادرش مریم گفت: اینک این طفل قرار داده شده!!! برای افتادن و برخاستن بسیاری! از آل اسرائیل و برای آیتی که بخلاف آن خواهند گفت: و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت! تا افکار قلوب بسیار مشکوف شود! و زنی نبیّه بود حنا نام دختر فنوئیل از سبط اشیر بسیار سالخورده!!! که از زمان بکارت هفت سال با شوهر سر برده بود! و قریب به هشتاد و چهار سال بود! که او بیوه گشته از هیکل جدا نمیشد! بلکه شبانه روز؛ بروزه و مناجات در عبادت مشغول میبود او در همان ساعت درآمد خدا را شکر نمود! و درباره او به همه منتظرین نجات در اورشلیم تکلم نمود! و چون تمامی رسوم شریعت خداوند را بی پایان برده بودند!!! شهر خود ناصره جلیل مراجعت کردند! و طفل نموده ب روح قوی میگشت و از حکمت پر شده فیض خدا بروی میبود! و والدین او هر ساله ب جهت فصیح به اورشلیم میرفتند! و چون دوازده ساله شد موافق رسم عید به اورشلیم آمدند و چون روزها را تمام کرده مراجعت نمودند! آن طفل یعنی عیسی در اورشلیم توقف نمود! و یوسف و مادرش نمیدانستند!!! بلکه چون گمان میبردند که او در قافله است!!! سفری کروزه کردند!!! و او را در میان خویشان و آشنایان خود می جستند؛ و چون او را نیافتند در طلب او به اورشلیم برگشتند! و بعد از سه روز او را در هیکل یافتند! که در میان معلمان نشسته سخنان ایشان رامیشنوند! و از ایشان سؤال هم می کرد!!! و هر کسی سخن او را می شنید از فهم!!! و جواب های او متحیر میگشت! ایشان او را دیدند مضطرب شدند مادرش بوی گفت: ای فرزند چرا باما چنین کردی! اینک پدرت و من غمناک شده تورا جستجو می کردیم او به ایشان گفت: از بهر چه مرا طلب میکردید! مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم! ولی آن سخنی را که بدیشان گفت: نفهمیدند! پس با ایشان روانه شده ب ناصره آمد و مطیع ایشان میبود!!! و مادر او تمامی این امور را در خاطر خود نگاه میداشت!!! و عیسی در حکمت و مقامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی میکرد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا تمام باب دوم)

۲۰- در سال پانزدهم از سلطنت طیبایوس قیصر! در وقتیکه پنطیوس پیل اطلس والی یهودیه بود!!! هیرودیس تیتراک جایل و برادرش!!! او فیلیپس تیتراک ایطوریه و دیار تورا خونیتس! ولیسانیوس تیتراک آبلیه! و حنا و قیافاروسای کهنه بودند!!! کلام خدا به یحیی ابن زکریا در بیابان نازل شده! بتمامی حوالی اردن آمده بتعمید! توبه بجهت آمرزش گناهان موعظه میکرد! چنانکه مکتوب!!! است در صحیفه کلمات اشعیای نبی که میگوید: صدای ندا کننده در بیابان! که راه خداوند را مهیا سازید! و طرق او را راست نمائید! هر وادی انباشته و هر کوه و تلی پست و هر کجی راست!!! و هر راه ناهموار صاف خواهد شد! و تمامی بشر نجات خدارا خواهند دید! آنگاه به آن جماعتی که برای تعمید وی میآمدند گفت: ای افعی زادگان چکسی شماران شان داد! که از غضب آینده بگریزید! پس ثمرات مناسب توبه بیاورید! و در خاطر خود این سخن را راه میدهد! که ابراهیم پدر ماست زیرا که بشما میگویم: خدا قادر است که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند!!! و الان نیز بر ریشه درختان نهاده شده است!!! پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد بزیر! در آتش افکنده میشود!!! پس مردم از وی سؤال نموده گفتند: چه کنیم؟! او در جواب ایشان گفت: هر کسی دو جامه دارد به آنکه ندارد بدهد! و هر کسی خوراک دارد نیز چنین کند!!! و با جگیران نیز تعمید آمده بدو گفتند: ای استاد چه کنیم؟! بدیشان گفت: زیادتر از آنچه مقرر است مگیرید: سپاهیان نیز از او پرسیده گفتند: ما چه کنیم؟! به ایشان گفت: بر کسی ظلم مکنید! و بر هیچکس افتراء مزنید! و بمواجب خود اکتفا کنید!!! و هنگامیکه قوم مترصد میبودند!!! و همه در خاطر خود درباره یحیی تفکر مینمودند! که این مسیح است

یانه؟ یحیی بهمه متوجه شده گفت: من شمارا باآب تعمیدمیدهم لیکن شخصی توانتر از من میایدکه لیاقت آن ندارم!!! که بندنعلین اورا بازکنم! او شمارا بروح القدس و آتش تعمیدخواهد داد! او غربال را بدست و خرمن خویش را پاک کرده گندم را در انبار خود ذخیره خواهد نمود! و گاه در آتشی که خاموش نمی پذیرد خواهد سوزانید! و بناصح پس بیاد دیگر قوم را بشارت میداد!! هیرو دیس تیتراک چون سبب هیرو دیا زن برادر او فیلیپس! و سایر بدیهائیکه هیرو دیس کرده بود از وی توبیخ یافت! این را نیز بر همه افزود که یحیی را در زندان حبس نمود!!! اما چون تمام قوم تعمید یافته بودند!!! و عیسی هم تعمید گرفته دعا میکرد!!! آسمان شکافته شد!!! و روح القدس بهمه جسمانی مانند کبوتر بر او نازل شد! و آوازی از آسمان در رسید! که پسر حبیب من هستی که بتو خوشنودم!!! و عیسی وقتیکه شروع کرد قریب سی ساله بود! و حسب گمان خلق پسر یوسف بن هالی؛ و بن متاب؛ و بن ملکی؛ و بن یتا؛ و ابن یوسف؛ و بن متاتیا؛ و ابن موسی؛ و بن حسلی؛ و ابن نحی؛ و بن مات؛ و بن متیا؛ و بن لاوی؛ و بن یتا؛ و ابن یوسف؛ و ابن یوحنا؛ و ابن ريسا؛ و ابن زروبایل؛ و بن سالیئیل؛ و بن نیری؛ و ابن ملکی؛ و ابن ادی؛ و ابن قوسام؛ و بن ایلمودام؛ و بن عید؛ و بن یوسی؛ و ابن ایلعاذر؛ و بن متان؛ و بن لاوی؛ و ابن شمعون؛ و بن یهودا؛ و ابن یوسف؛ و بن یوتان؛ و بن ایلیا قیم؛ و بن ملیا؛ و ابن مینان؛ و بن متانا؛ و ابن ناتان؛ و بن داود؛ و بن یسی؛ و عوبید؛ و بن یوعز؛ و بن شلمون؛ و بن نحشون؛ و بن عمیناداب؛ و بن آرام؛ و بن حصرون؛ و بن فرص؛ و بن یهودا؛ و ابن یعقوب؛ و بن اسحق؛ و بن ابراهیم؛ و بن تارح؛ و بن ناحور؛ و بن سروج؛ و بن اعود؛ و ابن فالج؛ و بن عابر؛ و بن صالح؛ و بن قینان؛ و بن ارفکشاد؛ و بن سام؛ و بن نوح؛ و بن لامک؛ و بن متوشالح؛ و بن خنوخ؛ و بن یارد؛ و بن مهلائیل؛ و بن قینان؛ و بن انوش؛ و بن شیت؛ و بن آدم؛ و بن **الله!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا تمامی باب سوم)

**نکاتی از مؤلف: انجیل لوقا نوشته است! آدم ابن الله است!!! آیا واقعاً آدم ابن الله است؟؟؟؟ پس در این صورت الله ابن کیست؟؟؟؟!!!!**

۲۱- عیسی گفت: هر چه دارید صدقه بدهید! ترسان مباشید ای کله کوچک؛ زیرا که مرضی پدر شما است! که ملکوت را بشما عطاء فرماید!!! آنچه دارید بفروشید و صدقه دهید! کیسه ها بسازید کهنه نشود! و گنجی را که تلقی میشود! در آسمان جاییکه درد نزدیک نیاید و ببد تباه نسازید!! زیرا که جاییکه خزانه شما است دل شما نیز در آنجا میباشد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل لوقا باب دوازدهم آیه ۳۳)

## ۲۲- جهان بواسطه عیسی آفریده شد!! او در جهان بود! و جهان بواسطه او آفریده شد جهان او را شناخت!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب اول آیه ۱۰)

۲۳- گفتگوی عیسی بایهودیان!!! پس عیسی بیهودیانی که بدو ایمان آوردند گفت: اگر شما در کلام من بمانید فی الحقیقت شاگرد من خواهید شد!! و حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد! بدو جواب دادند که اولاد ابراهیم میباشیم؛ و هرگز هیچکس را غلام نبودیم؛ پس چگونه تومیگویی که آزاد خواهید شد؟ عیسی در جواب ایشان گفت: آمین آمین بشما میگویم: هر کسی گناه میکند غلام گناه است! و غلام همیشه در خانه نیماند اما پسر همیشه میماند!!! پس اگر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهد بود!!! میدانم که اولاد ابراهیم هستید لیکن میخواهید مرا بکشید!!! زیرا که کلام من در شما جای ندارد! من آنچه نزد پدر دیدم میگویم: و شما آنچه نزد پدر خود دیده میکنید! در جواب او گفتند: که پدر ما ابراهیم است! عیسی بدیشان گفت: اگر اولاد ابراهیم میبودید اعمال ابراهیم را بجا میآوردید! ولیکن الآن میخواهید مرا بکشید!!! و شخصی هستم که با شما برآستی که از خدا شنیدم تکلم میکنم! ابراهیم چنین نکرد! شما اعمال پدر خود را بجا میآوردید! بدو گفتند: که از زنا زائیده نشدیم!!! یک پدر داریم که خدا باشد! عیسی به ایشان گفت: اگر خدا پدر شما میبودید مرادوست میداشتید! زیرا که من از جانب خدا صادر شده و آمدم!!! زیرا که من از پیش خود نیامدم بلکه او مرا

فرستاده است! برای چه سخن مرا نمیفهمید! از آن جهت که کلام مرا نمیتوانید بشنوید! شما از پدر خود ابلیس میباشید! و خواهشهای پدر خود را میخواهید بعمل آورید! او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمیباشید! از آن جهت که در اوراستی نیست! هرگاه بدروغ سخن میگوید: از ذات خود میگوید: زیرا که دروغگو و پدر دروغگویان است!!! و امان از این سبب که راست میگویم: مرا باور نمیکنید!!! کیست از شما که مرابگناه ملزم سازد؟؟!! پس اگر راست میگویم: چرا مرا باور نمیکند؟ کیسکه از خدا است کلام خدا را میشوند؟؟ و از این سبب نمیشنوند که از خدا نیستید! پس یهودیان در جواب او گفتند: آیا مانگفتیم؟! که تو سامری هستی و دیوداری؟! عیسی جواب داد که من دیوندارم لکن پدر خود را حرمت میدارم! و شما مرا بیحرمت می سازید! من جلال خود را طلب نیستم!!! کسی هست که میطلبد! و داوری میکند!!! آمین آمین بشما میگویم: اگر کسی کلام مرا حفظ کند موت راتابه ابد نخواهد دید! پس یهودیان بدو گفتند: الان دانستیم که دیوداری! (از کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب هشتم آیات از ۳۱ تا ۵۳)

۲۴ - عیسی گفت: من و پدرم یکی هستیم! پس یهودیان دور او را گرفتند: تاکی ما را متردد داری اگر مسیح هستی آشکارا بمابگو: عیسی بدیشان جواب داد من بشما گفتم: و ایمان نمیآورید زیرا که از گوسفندان من نیستید! چنانکه بشما گفتم: گوسفندان من آواز مرا میشوند! و من آنها را میشناسم و مرا متابعت می کنند! و من به آنها حیات جاودانی میدهم!!! و تا به ابد هلاک نخواهند شد! و هیچ کس آنها را از دست من نخواهند گرفت! پدری که بمن داد همه بزرگ است! و کسی نمیتواند از دست پدر من بگیرد! من و پدری یکی هستیم!!! آنگاه یهودیان از سنگها برداشتند تا او را سنگسار کنند! عیسی بدیشان جواب داد از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک بشما نمودم! سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار میکنند؟! یهودیان در جواب گفتند: سبب عمل نیک تو را سنگسار نمیکنم! بلکه سبب کفر زیرا که تو انسان هستی و خود را خدا میخوانی!!! عیسی در جواب ایشان گفت: آیا در تورات بشما نوشته نشده است؟! که من گفتم: شما خدایان هستید!!! پس آنانیکه کلام خدا بر ایشان نازل شد! خدایان خواند! و ممکن نیست که از کتاب محو گردد!!!

(از کتاب کتاب مقدس عهد جدید؛ انجیل یوحنا باب دهم آیات از ۲۴ تا ۳۶)

## بند سوم: عیسی مسیح رسول الله در قرآن کریم؛ وحی منزل

بدرستیکه خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را برجهانیان برگزید!!! فرزندان این نژاد بعضی از بعضی مؤمن تر و برتر بودند!!! و خداوند شنوا و داناست! و وقتیکه زن عمران گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! بدرستیکه من نذر کردم؛ که در شکم من بچه است!!! برای تو آزاد نمایم! که در راه دین تو فعالیت کند! پس از من قبول بفرما زیرا که فقط توی شنوا و داناست!!! پس زمانیکه بار خود را گذاشت و زائید گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! حمل را دختر نهادم و زائیدم! و خداوند داناست!!! به آنچه نهاد و زائید و پسرمانند دختر نیست!!! و بدرستیکه من اورا مریم نامیدم! و اورا با فرزندانش از شرّ شیطان رانده شده در پناه تو قرار میدهم! پس صاحب اختیار کلّش! اورا پذیرفت که پذیرش نیکو!!! و اورا رشد نمودی و پرورش نیکو داد! و زکریّا را سرپرست وی قرار داد! و هرگاه زکریّا وارد در محراب عبادت مریم میشد! که او نزد او روزی میافت زکریّا میگفت: ای مریم این روزی از کجا برای تو آمده است؟! مریم میگفت: از جانب خداوند آمده است! بدرستیکه خداوند بهر کسیکه بخواهد بدون حساب روزی میدهد!!! در آن آنجا زکریّا صاحب اختیار کلّ خود را! نداء کرد خواند گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! از جانب خود فرزند پاکیزه ای بمن عطاء فرما! که بیگمان تو شنونده دعائی! پس فرشتگان زکریّا را نداء کردند!!! در حالیکه در محراب بنماز ایستاده بود! که گفتند: خداوند بتو مرزده فرزندی میدهد بنام یحیی! که تصدیق کننده کلمه خداوند میباشد!!! و از شهوات خودداری خواهد کرد! و پیغمبری از شایستگان میباشد! زکریّا گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! و حال آنکه من پیرشدم و همسرم نازا داشت؟! فرمود آنچه را که خداوند بخواهد

این چنین انجام میدهد! زکریا گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! برایم آیات و نشانه قرار بده! فرمود نشانه تو این است که سه روز با مردم نمیتوانی سخن بگویی: مگر با رمز و اشاره سخن خواهی گفت: و صاحب اختیار کلّ خود! را بسیار یاد کن و شب و روز او را بیای بستای و تسبیح!!! بگو: و وقتیکه فرشتگان گفتند: ای مریم بدرستی که خداوندتورا برگزیده!!! و تورا پاک گردانیده است!!! و تورا بر زنان جهانیان برتری داده است!!! ای مریم برای صاحب اختیار کلّ خودت!!! خاضع باش و سجده کن و بارکوع کنندگان رکوع کن! خداوند به محمد فرمود: این خبری از اخبار غیبی است! که بتو وحی کردیم؛ وقتیکه قلمهایشان را میانداختند که کدامشان مریم را کفالت کنند! تو آنجا نبودی و نیز هنگامیکه نزاع می کردند تو نبودی (بزرگان بیت المقدس و متولیان آن نزاع داشتند!!! در اینکه کدام شان کفالت مریم دختر عمران را بر عهده بگیرند!!! زیرا که کراماتی از مریم مقدس دیده بودند!!! لذا قرعه کشی کردند و قلمهای قرعه که بنام اشخاص را بر قلمها مینوشتند! بر هر قلمی که بنام به آب می افکندند! پس قلمی که بروی آب می آمد نام هر کسی بر آن میبود! که او میباید تکفل مریم را عهده ارشود! پس قلمی که بروی آمد بنام زکریا بود! پس معلوم شد که او باید تکفل مریم مقدس را بر عهده بگیرد) هنگامیکه فرشتگان گفتند: ای مریم بدرستی که خداوند تو!!! را بشارت میدهد! بکلمه از خودش که نام او عیسی مسیح پسر مریم است! در حالیکه در دنیا و در آخرت آبرومند و مقربین خداوند است! و در گهواره و حال بزرگی و نیرومندی!!! با مردم سخن خواهد گفت: و او از شایستگان است!!! مریم گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! چگونه برای من فرزندی میشود؟! و حال آنکه هیچ بشری مرا مسّ نکرده؟! گفت: خداوند تو این چنین میآفریند آنچه را که بخواهد!!! و وقتیکه امری را بخواهد به آن میگوید: باش موجود خواهد شد! و خداوند به او کتاب و علم حکمت و تورات و انجیل را میآموزد!!! و او را رسولی بسوی بنی اسرائیل میفرستد! تا بگوید: بدرستی که من حقیقتاً آیات معجزه از صاحب اختیار کلّ شما! بشما آورده ام! و من برای شما از گل مانند هیکل مرغ خلق میکنم! پس با اجازه

خداوند به آن نفسی میدهم! پس از آن با اراده خداوند پرنده خواهد شد! و کور مادرزاد و پیسی را شفاء میدهم!!! بدرستیکه در این کارها برای شما آیاتی و معجزه است! که اگر ایمان داشته باشید!!! و برای اینکه تصدیق بکنم! آنچه را که پیش از من تورات بوده است!!! و برای آنکه حلال گردانم برای شما بعضی از آنچه حرام شده است!!! و برای شما آیاتی و معجزه از صاحب اختیار کل شما! آورده ام! پس از خداوند بترسید و از من هم اطاعت کنید!!! بدرستیکه خداوند هم صاحب اختیار کل من! و هم صاحب اختیار کل شما است! پس برای خداوند عبادت و بندگی کنید! زیرا که فقط راه راست و درست خداوند این راه است! پس وقتیکه عیسی کفر ایشان را مشاهده کرد گفت: یاوران بسوی چه کسانی هستند؟؟؟؟!!! حواریون گفتند: ما یاوران خداوند هستیم! و به خداوند ایمان آورده ایم! گفتند: ای عیسی شاهد باش برای ما!!! که ما مسلمان هستیم! گفتند: ای صاحب اختیار کل ما! ما به انجیلی که نازل فرموده ای ایمان آورده ایم!!! و این رسول را پیروی کردیم! پس ما را با گواهان و شاهدان بنویس! و یهودیان مکر کردند!!! و خداوند هم مکر نمود! و خداوند بهترین مکر کنندگان است! و وقتیکه خداوند گفت: ای عیسی من تورا وفات میدهم و میمیرانم! و تورا بسوی خودم بالا میبرم! و تورا از کفار نجات میدهم! و از تهتهای ناروا پاک میکنم!!! و آن کسانی که پیروان تو هستند برتری میدهم! و بر منکرین پیغمبری توتار و زقیامت! سپس برگشت شما بسوی من است! در آنچه همواره اختلاف میکردید اید تاحکم بکنم!!! و اما آنانی که کافر شوند در دنیا آخرت! بعذاب سختی عذابشان خواهم کرد! و هیچ کسی یار و یاورانی برای ایشان نمیباشد!!! و اما آن کسانی که ایمان آورده اند!!! و عمل شایسته انجام دادند! مزدهای ایشان را بتامی عطاء میکنیم!!! و خداوند ستمگران را دوست نمیدارد!!! خداوند فرمود: ای محمد! این آیات را که بر تو میخوانیم از آیات و ذکر با حکمت خداوند است!!! بدرستیکه مثل عیسی در نزد خداوند مانند مثل آدم است! که او را از خاک آفرید! سپس به او گفت: باش او وجود یافت! این قول حق از صاحب اختیار کل تو است!!! پس از شک کنندگان مباش! پس هر کسی که درباره عیسی با تو مجادله کند! پس از اینکه علمی برای تو آمده است! بگو: بیایید

نداء کنیم پسران ما و پسران شمارا و زنان ما وزنان شمارا و خود ما و خود شمارا! بمباهله و نفرین بریکدیگر دعوت کنیم! ولعنت خداوندرا بر دروغگویان قرار دهیم! بدرستیکه این همان قصه و حدیث عیسی که مطابق حق واقع شده است! که جز خداوند کامل الذات والصفات معبود و ملجأی نیست!!! و بدرستیکه خداوند خودش عزیز و حکیم است!!! پس اگر اعراض کردند! بدرستیکه خداوند بفساد مفسدین عالم است! بگو: ای اهل کتاب بیائید بسوی کلمه بین ما مساوی میباشد! در آن کلمه نپرستیم جز خداوندرا و چیزی را به او شریک قرار ندهیم! بعضی از بعضی را به اربابی نگیرد!!! مگر خداوند را ارباب بگیرد!!! پس اگر اعراض کردند!!! بگوئید: گواه با شید به اینکه ما مسلمان و تسلیم امر خداوند هستیم؛ بگو: ای اهل کتاب چرا درباره ابراهیم مجادله میکنید؟! و حال آنکه تورات و انجیل و بعد از او آمده و نازل شده است؟ آیا پس عقل خود را بکار نمیاندازید؟ آگاه با شید شما آن کسانی هستید؛ در آنچه به آن دانا بودید مجادله کردید! پس چرا درباره آنچه به آن علم ندارید مجادله میکنید؟ و خداوند میداند و شما نمیدانید! که ابراهیم نه یهودی و نه نصرانی بود؛ بلکه حق گرا و مسلمان خداوند بود و از مشرکین هم نبود!!! بدرستیکه سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند؛ که پیروی او؛ و این پیغمبر (محمد) را بکنند؛ و پیروی آن کسانی را بکنند که بخدای حقیقی ایمان آورده باشند؛ و خداوند ولی و سرپرست مؤمنین است؛ و جماعت از اهل کتاب میل دارند که شمارا گمراه کنند؛ گمراه نمیکنند مگر خودشان را؛ ولی درک و شعور ندارند؛ ای اهل کتاب چرا به آیات خداوند کافر میشوید؛ و حال آنکه شما به آیات خداوند شهادت میدهید!!! ای اهل کتاب چرا حق را با باطل میپوشانید و بهم میآمیزید؛ و حق را کتمان میکنید در صورتیکه میدانید حق است! جماعتی از اهل کتاب گفتند: آنچه بمؤمنین نارل شده در اوّل روز ایمان بیاورید؛ و در آخر روز کافر میشوید!!! تا شاید آنان را نیز برگردانید؛ و ایمان بیاورید!!! مگر برای کسیکه پیرویدین شما باشد؛ بگو: بدرستیکه هدایت از آن خداوند است!!! و باور ندارید که به احدی داده شود؛ مانند آنچه بشما داده

آنچه بشما داده شده است؛ و یا نزد صاحب اختیار کلّ تان! باشما حاجّه بکنند؟! بگو: بدرستی که تفضّل نبوت بدست خداوند است! بهر کسی که بخواهد عطاء می فرماید: و خداوند دارای رحمت وسعت است!!! و دانا و عالم میباشد!!! و خداوند هر کسی را که بخواهد بر رحمت نبوت خود اختصاص میدهد! صاحب فضل عظیم است؛ و بعضی از اهل کتاب کسی است؛ اگر پوست گاوی را پراز زربه او امانت بسپاری آن را بر تو برمیگرداند؛ و بعضی از ایشان کسی است؛ که اگر دیناری به او بسپاری بتو باز نمیدهد!!! مگر پیوسته بر سر او ایستاده باشی! این عقیده ایشان برای این است؛ که گفتند: راه قدرت بر مطالبه و حجّتی در میان بیسوادان بر علیه مانع است! و بر خداوند دروغ میگویند: و حال آنکه میدانند دروغ گوهستند!!! آری هر کسی بعهد خود وفا کند و پرهیزکار باشد!!! پس حقیقت اینست که خداوند پرهیزکاران را دوست میدارد!!! بدرستی که کسانی که پیمان خداوند! و سوگندهای خود را بیهاء کمی میفروشدند! برای ایشان در آخرت بهره نخواهد بود! و در روز قیامت خداوند با ایشان سخن نخواهد گفت: و به ایشان نظر لطفی نمی نماید! و از خطاء پاک نخواهد گردانید!!! و برای ایشان عذاب درناکی است! و بدرستی که بعضی از اهل کتاب زبا نهی خود را بکتاب آسمانی خداوند می پیچانند! تا شما آن را از کتاب خداوند بیخیال بکنند؛ و حال آنکه از کتاب خداوند نیست و میگویند: آن از نزد خداوند است!!! و حال آنکه آن کلمات از نزد خداوند نبوده و نیست؛ و بر خداوند دروغ میگویند: و برای بشری که خداوند به او کتاب و علم حکمت و نبوت بدهد!!! برای او جائز نیست که بمردم بگوید: از بندگان من باشید! و بندگان خداوند نباشید! بلکه باید بگوید: مردان خداوند و پرورش یافته خداوند باشید! بواسطه آموختن کتاب آسمانی خداوند و بسبب آنچه که درست میگیرید! و بشما امری نمیکند که ملائکه و پیغمبران را اربابان خود بگیرید! و در حوائج به آنان روی بگردانید متوجّه شوید!!! آیا بعد از اینکه شما مسلمان شده بودید شما را بکفر امر میکنند؟! و هنگامیکه خداوند از پیغمبران پیمان گرفت!!! که زمانی که بشما کتاب و علم حکمت داده ایم!!! سپس پیغمبری آمده که آن

کتابی با شما تصدیق کند!!! بدون شکّ اورا یاری کنید! خداوند فرمود: آیا شما اقرار نمودید و پیمان مرا گرفتید؟؟!! و گفتند: اقرار کردیم؛ خداوند فرمود: پس شما گواه باشید! و من هم باشما از گواهان هستم!!! پس کسانی که بعد از این اعراض کنند! آن گروه خودشان فاسق هستند! آیا غیر از دین خداوند راه دیگری میجویند؟؟!! و حال آنکه در آسمان و زمین کسانی هستند برای خداوند تسلیم هستند!!! چه بامیل و چه با کراهت بسوی خداوند رجوع داده میشوند! بگو: بخداوند ایمان آوردیم! و آنچه بر ما نازل شده و آنچه برابر ایم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده؛ و آنچه بسوی عیسی و پیغمبران از طرف صاحب اختیار کلّ ایشان داده شده ایمان آوردیم!!! و بین احدی از پیغمبران راجدائی نمی افکنیم! و همه ما برای خداوند تسلیم شده و مسلمانیم! هر کسی جز دین اسلام دینی بجوید از او پذیرفته و قبول نخواهد شد! و او در عالم آخرت از زیانکاران است!!! خداوند قومی را که بعد از ایمان آورد نشان کافر شده اند! چگونه هدایت میکند؟! و حال آنکه شهادت داده اند!!! که این محمد رسول الله حقّ است!!! و دلیلهای و آیات روشنی برای ایشان آمده است! و خداوند قوم ظالمان را هدایت نخواهد کرد!!! که برای ایشان لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم خواهد شد!!! جزای اینگونه مردم همین است! و در آن لعنت جاویدان خواهند بود!!! و از عذاب ایشان تخفیف داده نخواهد شد! و برای ایشان مهلتی هم داده نمیشود! مگر کسانی که بعد از این توبه کنند!!! خود و دیگران را اصلاح نمایند زیرا که خداوند آمرزنده و رحیم است!!!

(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات از ۳۳ تا ۸۹)

## بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

ای محمد بیا داور رحمت صاحب اختیار کلت! راکه بنده خود زکریا را! وقتیکه صاحب اختیار کلّ خود! را به نداء آهسته و پنهانی نداء کرده و خواند! گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! بدرستی که استخوانم سست شده! و سرم از پیری شعله ور سفید شده!!! ای صاحب اختیار کلّ من! بخواندن تو شقی نبودم!!! بدرستی که

بعد از خودم از بستگانم میترسم!!! وزنم پیرونزا است! پس از نزد خود فرزندی برای من عطاء فرما! که از من ارث ببرد! ای صاحب اختیار کلّ من! اورا برای من پسندیده قرار بده! خداوند فرمود: ای زکریّا بدرستی که برای تو بشارت میدهم!!! پسری که نام او یحیی است! برای او پیش از این هم نامی قرار نداده ایم!!! زکریّا گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! برای من چگونه پسری خواهد شد؟ و حال آنکه زنم نازا شده و حقیقت این است که از پیری بی نهایت ضعیف و خشکی رسیدم! خداوند گفت: بدینگونه صاحب اختیار کلّ تو گفته است؛ که بر من آسان است و حقیقت این است که پیش از این تو را آفریدیم! و حال آنکه در خلقت چیزی نبود! زکریّا گفت: ای صاحب اختیار کلّ من برای من نشانه و آیتی قرار بده که وقت ایجاد پسر را بدانم خداوند گفت: نشانه تو این است که سه روز و شب تمام با مردم نمیتوانی سخن بگویی! پس از محراب در مقابل قوم خود آمده!!! و با اشاره ایشان علامت داد! صبح و شب خداوند را منزه شمارید و تسبیح گوئید: خداوند فرمود: ای یحیی کتاب را با قوت و جدیت بگیر!!! و اورا در حال کودکی علم حکمت عطاء کردیم! و در حالیکه از جانب ما دلسوز و مهربان بود! و در حال پاکیزگی و پرهیزکار بوده! و نسبت به والدین خود نیکوکار بود سرکشی و نافرمانی نمیکرد!!! و سلام و رحمت بر اوست روزیکه تولّد یافت و روزیکه بمیرد!!! و روزیکه بر قیامت برانگیخته میشود!!! بحیات دائمی!!! خداوند میفرماید: ای محمد! در این کتاب مریم را بیاد آور!!! و وقتی که از اهل خود کناره در جایگاهی شرقی رفت برای کاری!!! و پرده از ناحیه ایشان گرفته شد!!! پس روح خود جبرائیل را بسوی او فرستادیم! پس برای او مانند بشری معتدلی ظاهر و جلوه گر شد! مریم گفت: بدرستی که من از تو بخداوند متعال پناه میبرم اگر تو پرهیزکاری! جبرائیل گفت: جز این نیست که من فرستاده صاحب اختیار کلّ تو! هستم آدمم برای اینکه بتو پسر پاکیزه ببخشم! مریم گفت: چگونه برای من فرزندی پسری خواهد شد؟! و حال آنکه بشری مرا مس نکرده و دست نزده است؟! و بدکار هم نبوده ام؟! جبرائیل گفت: صاحب اختیار کلّ تو! این چنین فرموده است! که این بر

من آسان است!!! و برای آنکه اورا آیتی برای مردم و رحمت از جانب ما قرار بدهیم! و این امر و فرمانی است که انجام خواهد شد! پس مریم به عیسی باردار شد! درد زه اورا بکمان دوری بکناری برد! پس درد زائیدن اورا بکنه درخت خرما رسانید!!! گفت: ایکاش پیش از این مرده بودم و فراموش شده از یادرفته بودم پس صدای از زیر اورا نداء کرده گفت: که محزون مباش! حقیقت این است که صاحب اختیار کلّ تو! از زیر پایت نهری جاری قرار داده!!! و تنه درخت خرما را بسوی خود حرکت بده و برای تو خرماهای تازه فرو میریزد! پس بخور و بیاشام و چشم را روشن کن! پس اگر یکی از افراد بشر را ببینی؛ بگو: بدرستی که من برای خداوند روزه گرفتم پس امروز با انسانی سخن نگویم: و عیسی را بنزد قوم خود آورد در حالیکه اورا در آغوش گرفته بود؛ گفتند: ای مریم حقیقت این است که چیز تازه ای آورده!!! ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبوده و مادرت هم بدکاره نبوده!!! پس به عیسی اشاره کرد و گفت: با طفل صحبت کنید! گفتند: چگونه با کودکی تکلم کنیم که در گهواره کودکی است! عیسی جواب داد گفت: بدرستی که من بنده خداوند هستم! و خداوند برای من کتابی داده!!! و مرا بیغمبری انتخاب فرموده است!! و مرا مبارک قرار داده هر جایکه بوده باشم! و مرا بنماز خواندن و بزکات دادن سفارش فرموده است! مادامیکه زنده بوده باشم!! و مرا بمادرم نیکوکار قرار داده! و مرا سرکشی و بدبخت قرار نداده است! عیسی گفت: سلام بر روزیکه من متولد شده ام! و روزیکه بمیرم! و روزیکه زنده برانگیخته میشوم!

**این عیسی پسر مریم بگفتار خداوند که حقّ است!!! و آن حقّ است در آن شکّ دارید!!! و برای خداوند سزاوار نیست که فرزندی بگیرد! او از هر عیب و ایرادی پاک و منزّه است! زیرا وقتیکه امری را که انجام بدهد! این است جز این نیست میگوید: اورا باش پس موجود میشود! و عیسی گفت: بدرستی که خداوند صاحب اختیار کلّ من! و صاحب اختیار کلّ شماست! پس اورا عبادت و بندگی کنید!!! که راه راست و درست خداوند این راه است! پس این احزاب در میان خود اختلاف کردند! پس وای برا آن کسانی که از محضر روز بزرگ قیامت کافر شدند!!! ایشان**

چقدر شنوا و بینا هستند؟! روزیکه نزد ما بیایند بلکه در روزیکه ستمگران آشکار را در گمراهی هستند! ایشان را بترسان از روزیکه **کار از کار گذشته!!!** و وقتیکه فقط ندامت و حسرت است! در حالیکه ایشان در غفلت هستند و ایمان نیاورند!!! بد رستیکه ما این زمین را با هر کسی در روی آن است به ارث میبریم!!! و همه ایشان بسوی ما رجوع داده میشوند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره مریم آیات از ۱ تا ۴۰)

و حقیقت این است که بموسی کتابی تورات را دادیم! بعد از او از پی او پیغمبران دیگری فرستادیم! و به عیسی پسر مریم دلیلهای؛ حجتهای روشنی را دادیم! و او را بروح القدس کمک و تأیید نمودیم! آیا هر پیغمبریکه از طرف خداوند دستوری برخلاف شما یهودیان آورده! پس شما تکبر میورزید! پس گروهی از پیغمبران را تکذیب میکردید!!! و گروهی را میکشتید! و یهودیان گفتند: دلهای ما در پرده غفلت است و چیزی از سخن حق وارد آن نمیشود! چنین نیست بلکه بواسطه کفر ایشان! خداوند ایشان را از رحمت خود دور کرده است!!! که اندکی از ایشان ایمان می آورند! و هنگامیکه کتاب قرآن از نزد خداوند بسوی ایشان آمده!!! که تصدیق کننده کتاب آنان بود!!! و برای ایشان عادت چنین بود!!! قبل از نزول قرآن به امید بعثت رسول خداوند بودند!!! و بر کفار فتح و غلبه می جستند! پس وقتیکه آنچه را که میشناختند آمد به آن قرآن پیغمبر کافر شدند (یهودیان خیال میکردند که پیغمبر از نسل یهود خواهد آمد و وقتیکه دیدند که از نسل عرب بعثت کرده بخاطر نژاد پرستی دروغین قبول نکردند) پس لعنت خداوند بر کافران باد! به آنچه خداوند نازل نموده کافر شدند! و چه بد معامله با خودشان کردند! برای عداوتی که چرا خداوند بفضل و رحمت خود برای بنده از بندگانش که خواسته کتابی نازل نموده است! پس بخشی علاوه بر خشم سابق خود اضافه کردند! برای کفار عذابی خوارکننده آماده است! وقتیکه به ایشان گفتند: به آن قرآنی که خداوند نازل فرموده که ایمان بیاورید! گفتند: آنچه بر ما نازل شده است ایمان می آوریم! و بغير آن کافر میشویم! در صورتیکه آنچه نازل شده حق است

**و آنچه را که با ایشان است تصدیق میکند! ای محمد بگو: اگر ایمانی بسخن خود دارید؟! پس چرا پیغمبران خداوند که قبلاً آمده بودند؟! و از نسل یهود هم بودند؟؟؟! چرا آنها را میکشیدید و بقتل میرسا نیدید؟؟؟؟؟؟!!!!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره البقره آیت از ۸۷ تا ۹۱)

خداوند فرمود: ای محمد! این قرآن آیات خداوند است!!! بدرستی که آن را پرتو میخوانیم!!! و حقیقت این است که بدون شک تو از پیغمبران و از فرستاده شدگان هستی! و این رسولان بعضی از بعضی ایشان را برتری دارند! و از سخن خداوند بعضی از ایشان بدرجاتی بالاتری راه یافتند! و به عیسی پسر مریم آیات و معجزاتی راعطاء کردیم! و او را بروح القدس کمک و تأیید نمودیم! و اگر خداوند خواسته بود!!! آنانیکه بعد از ایشان بودند کارزار نمیکردند!!! بعد از آنکه آیات و دلیلهای روشن برای ایشان آمده! در آن اختلاف نمودند!!! بعضی از ایشان به آن آیات ایمان آوردند! بعضی از ایشان کافر شدند! و اگر خداوند میخواست کارزار نمیکردند!!! و بلکه آنچه را که خداوند اراده کند بجا میآورند! ای مؤمنین از آنچه برای شما روزی کردیم انفاق و احسان کنید! پیش از آنکه روز قیامت بیاید! که در آن نه داد و ستدی است! و نه دوستی است! و نشفاعتی است! و کافران خودشان از ظالمین هستند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات از ۲۵۲ تا ۲۵۴)

پس بواسطه پیمان شکنی یهودیان! و کفر کردن ایشان به آیات خداوند! و بناحق کشن ایشان پیغمبران خداوند را! و بسبب گفتار ایشان که دلهای ما!!! در غلاف است! چیزی به آن نمیرسد!!! بلکه خداوند بواسطه بدکردن ایشان!!! بردلهای ایشان مهر زده!!! پس به آیات خداوند ایمان نمیآورند مگر اندکی!!! که بواسطه کفر کردن ایشان و در گفتار ایشان! که بر مریم تهمت و بهتان عظیمی زدند! و گفتار ایشان که مسیح پسر مریم رسول خداوند را ما کشتیم!!! و حال آنکه او را نه کشتند! و بدار نیایختند! بلکه برای ایشان اشتباه شده است!!! بدرستی که در قتل او اختلاف کردند! و بدون شک از آن در شگند! برای ایشان علمی به آن نیست!!!

و پیروی از ظنّ گمان میکنند! و یقیناً عیسی مسیح را نکشتند! بلکه خداوند او را بسوی خود بالا برد! و خداوند عزیز و حکیم است!!! و از اهل کتاب احدی نیست که! و نشکّ پیش از مرگش!! به پیغمبری عیسی مسیح رسول الله ایمان بیاورد! مگر اینکه در روز قیامت بر علیه یهودیان گواه می باشد!!! پس بواسطه آنهایی که یهودی بودند ظلم کردند!!! برای ایشان حرام کردیم چیزهایی که برایشان حلال شده بود! و سبب اینکه بسیاری مردم را از راه خداوند بازداشتند! ایشان را با ربا گرفتند! و حقیقت این است که از آن نهی شده بودند! و ایشان اموال مردم را با باطل می خوردند! و سبب آن برای کافران از ایشان را عذاب دردناک مهیا کردیم!

**بلکه از ایشان در علم استواران و ایمان آورندگان هستند!!! که ایشان ایمان می آورند به آن قرآنی که بتونازل شده است! و آنچه قبل از نبوت تونازل شده و بپادارندگان نماز و دهندگان زکات هستند! و بخداوند و بروز قیامت ایمان آورند گانند! و بزودی برای ایشان اجر بزرگی را خواهیم داد! ای محمد، بدرستی که ما قرآن را بسوی تو وحی کردیم! چنانکه بسوی نوح وحی کردیم! و پیغمبران بعد از او وحی کردیم! و بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم!!! و زبور را بدادود عطاء کردیم! حقیقت این است که بعضی رسولانیکه قصه ایشان را بر تونازل شد!!! از قبل رسولانی بودند که قصه ایشان را بر تونازل نکردیم! و خداوند با موسی تکلم کرد و سخن گفت: رسولانیکه بشارت دهنده و ترساننده بودند! برای اینکه بعد از رسولان بر مردم بر علیه خداوند دلیلی و حجتی نباشد! که چرا رسولی و آیتی نفرستاده! زیرا که خداوند عزیز و حکیم است! بلکه خداوند خودش گواهی میدهد به آن قرآنی که بتونازل کرده است! که آن را با علم خود نازل کرده است!!! و فرشتگان هم گواهی میدهد!!! و برای شهادت دادن خود خداوند کافی است!!! بدرستی که آنکسانیکه به قرآن کافر شده اند! و مردم را از راه خداوند باز میدارند! حقیقت این است که گمراه هستند! و گمراهی دور! بدرستی که آن کسانیکه کافر شده اند! و به آیات خداوند ظلم کردند! هرگز خداوند ایشان را نمی بخشد! و ایشان را براه راست هدایت نخواهد کرد!!! مگر براه جهنّم که در آن همیشه میمانند!!!**

و این کار برای خداوند آسان است!! آهای مردم حقیقت این است که این محمد رسول الله برای شما آمده است! و راه حق را از طرف صاحب اختیار کلّ شما آورده است! پس به او ایمان بیاورید! این عمل برای شما خیر است!!! و اگر کافر شوید!!! پس بدستیکه آنچه در آسمانها و زمین است مُلک و مال مخصوص خداوند است! و خداوند عالم و حکیم است! ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید! زیرا که تجاوز از حدّ غلو است!!! و بر خداوند چیزی را نگوئید: مگر طبق حقّ که واقع شده است! این است جزاین نیست که عیسی مسیح پسر مریم رسول الله و کلمه اوست! که آن را بسوی مریم انداخته و روحی است از او! پس خداوند رسولان او ایمان بیاورید! که سه تا میگوید: باز ایستید که برای شما خیر است! و این است جزاین نیست فقط خداوند معبود یکتا است! و خداوند پاک و منزّه است! از اینکه برای او فرزندی بوده باشد!!! و هر آنچه در آسمانها و زمین است بخداوند اختصاص دارد! و خداوند برای وکالت کافی است! هرگز عیسی مسیح ننگ و ابا ندارد که بنده خداوند باشد! و فرشتگان مقربین نیز ننگ و ابا ندارند که بندگان خداوند باشند! و هر کسی از بندگی خداوند ابا کند و خود را بزرگ شمارد پس بزودی خداوند همه را بسوی خود محشور میسازد! پس آن کسانی که ایمان آوردند و عملهای شایسته بجا آوردند و خود را بزرگ شمارند! پس بزودی خداوند!!! همه را بسوی خود محشور میسازد!!! پس آن کسانی که ایمان آورده اند و عملهای شایسته بجا آوردند! پس خداوند اجر و پاداش آنان را بتامی میدهد! و فضل و رحمت خود برای ایشان جزاء و پاداش میافزاید! و اما آن کسانی که خود داری و تکبر کردند و بزرگی نمودند پس ایشان را بعد از دردناکی عذاب میکند و برای خودشان که جز خداوند سرپرستان و کمک نمیابند! آهای مردم حقیقت این است که برای شما از طرف صاحب اختیار کلّ تان! برهان و دلیلی آمده است و بسوی شما نور روشنی!!! که قرآن میباشد نازل کردیم!!! پس اما آنانی که به خداوند ایمان آورده اند! و به قرآن چنگ میزنند پس بزودی خداوند ایشان را در رحمت و فضل خود داخل میکند و براه خود هدایت مینماید!!! ایشان را بسوی راه راست خود راهنمایی میکند!!!

(از قرآن کریم و از سوره النساء آیات از ۵۵ تا ۱۹۰)

خداوند فرمود: و بعضی از آنانیکه گفتند: که ما نصاری میباشیم از ایشان پیمان گرفتیم! پس بهره و قسمتی از آنچه تذکر داده شدند فراموش کردند از یاد بردند! پس بین ایشان دشمنی و کینه انداختیم تا روز قیامت!!! بزودی خداوند برای ایشان به آنچه عمل میکردند خبر خواهد داد! ای اهل کتاب حقیقت این است که رسول ما محمد آمد که تا برای شما بیان میکند!!! از آنچه کتاب آسمانی مخفی میکردید! و از بسیاری گناههایتان را عفو میکند!!! حقیقت این است که از طرف خداوند نور و کتاب روشنی برای شما آمده است! و کسیکه از او پیروی کند!!! او خشنودی او را بطلبد خداوند او را بر راههای سلامتی هدایت میکند! و به اذن اراده خود از تاریکیها بیرون میآورد! و بسوی نور و راه راست خودش هدایت میکند!

**و حقیقت این است که آن کسانی که کافر شدند!!! گفتند: بدرستی که خداوند همان عیسی مسیح پسر مریم است!!! بگو: پس اگر خداوند اراده کند!!! عیسی مسیح پسر مریم و مادر او تمامی اهل زمین را هلاک و نابود کند؟! چه کسی است که از طرف خداوند اختیاری دارد ممانعت و جلوگیری نماید؟؟؟!!! و آنچه در آسمانها و زمین و بین آنهاست؛ مال و ملک مخصوص خداوند است؛ و هر چیزی را که بخواد خلق میکند!!! و خداوند بر هر چیزی قدرت دارد و توانا است!!! و یهود و نصاری گفتند: که ما پسران خداوند و دوستان او هستیم!!! بگو: پس چرا برای گناهانتان خداوند شما را عذاب میکند! بلکه شما بشر و مخلوق خداوند هستید!!! و خداوند هر کسی را که بخواد میآمرزد!!! و هر کسی را بخواد عذاب میکند!!! و ملک آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست بخداوند اختصاص دارد!!! و برگشت همه بسوی خداوند است! ای اهل کتاب حقیقت این است که محمد رسول ما بسوی شما آمده است! که آیات ما را بشما بیان میکند! بدورانی که پیغمبران نبودند!! تا مباد بگویند: که بشیر و نذیری برای ما نیامده است! پس حقیقت این است که بشیر و نذیری برای شما آمده است! و خداوند بر هر چیزی قدرت و توانائی دارد!!!**

(از قرآن کریم و از سوره المائده آیات ۴ تا ۱۹)

بدونشکّ حقیقت این است که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم! و پیغمبرانی بسوی ایشان فرستادیم!!! هر زمانیکه رسولی برخلاف میل ایشان برای ایشان آمده گروهی را تکذیب کردند!!! و گروهی رامیکشند!!! و گمان کردند که آزمایش و عقابی برای تکذیب و قتل انبیاء نیست! پس کور و کر شدند! سپس خداوند توبه ایشان را پذیرفت! باز هم بسیاری از ایشان کور و کر شدند! و خداوند آنچه رامیکنند بیناست!!! بدونشکّ حقیقت این است که آن کسانی که کافر شدند گفتند: خداوند همان عیسی مسیح پسر مریم است! و حال آنکه عیسی مسیح گفت: ای اسرائیل خداوند را بندگی کنید!!! و هم صاحب اختیار کلّ من است! و هم صاحب اختیار کلّ شماست!!! و حقیقت این است که هر کسی که به خداوند شرک آورد بدونشکّ خداوند بهشت را برای او حرام کرده است! و جای او آتش جهنّم است!!! و برای ستمکاران هیچ یاریاوری نیست! بدونشکّ حقیقت این است که آن کسانی که کافر شدند!!! و گفتند: خداوند سوّمی سه تا است در آتش جهنّم هستند!!! و خدای نیست مگر خداوند واحد خلاق!!! و اگر آنچه را که میگویند: اگر خودداری نکنند! بدونشکّ از گفتار ایشان بایشان عذاب دردناکی خواهد رسید! آیا بسوی خداوند توبه نمیکند؟! و از او طلب بخشش نمیخواهند؟! و بدرستی که خداوند بامهربانی بخشنده است!!! عیسی مسیح پسر مریم نیست مگر پیامبر خداوند! که پیش از او پیامبران گذشته بودند!!! و مادر او زن پاکدامن و راستگویی بود!!! که هر دوی ایشان طعام میخوردند! ببین برای ایشان چگونه آیات خودمان را بیان میکنیم! باز نظر کن که چگونه به افتراء آلوده شدند! بگو: آیا عبادت و بندگی غیر از خداوند چیزی را مییابید؟! که برای شما مالک ضرر و نفعی ندارند!!! و فقط خداوند شنوا و دانا است! بگو: ای اهل کتاب در دین خودتان غلو نکنید!!! بدونشکّ از هوی و هوسهای قوم را که قبلاً کجروی شده بودند پیروی مکنید! بسیاری از مردم را از راه راست خداوند گمراه کردند!!! آن کسانی که از بنی اسرائیل کافر

شده بودند!!! برزبان داود و عیسی مسیح پسر مریم لعنت شده اند!!! این لعنت ایشان بواسطه این بوده که عصیان کار و تجاوز کردند! و یکدیگر را نهی از منکر نمی کردند! زیرا که خودشان بجا آورده بدونشک آنچه عمل می کردند بدبود!!! و بسیاری رامیبینی که کفار را دوست میدارند!!! بدونشک کار بد است! آنچه را که خود از پیش فرستاده اند! که خداوند بر آنان خشم کرد! و ایشان را در عذاب دردناک نگاه خواهد داشت! و اگر بخداوند و پیامبر او و کتاب او که بسوی ایشان نازل شده بود ایمان می آوردند! و ایشان کافران را دوستان خودشان نمی گرفتند و بلکه بسیار از ایشان فاسق هستند!!! بدونشک سخت ترین و شدیدترین مردم دشمن برای مؤمنین!!! بدونشک یهودیان و مشرکین را میابی!!! و بدونشک نزدیکترین ایشان بدوستی با مؤمنین آنانیکه گفتند: مانصاری هستیم میابی! این عمل برای این است که بعضی از کشیشان و راهبانند که ایشان محقق هستند! و ایشان تکبر نمیورزند!!! و زمانی که شنیده اند قرآنی که بسوی محمد رسول الله نازل شده است! چشمهای ایشان را میبینی از اشک شوق جاری میشود! که اثر آن است که آنچه حق بود شناختند؛ و میگویند: ای صاحب اختیار کلّ ما! به این قرآن و رسول ایمان آوردیم!!! پس ما را با شاهدین بنویس! و می گویند: که برای ما چه شده است؟ بخداوند و به آنچه حق است ایمان بیاوریم؟! که حق برای ما آمده است! در حالیکه طمع داریم که صاحب اختیار کلّ ما! ما را باقوم شایستگان ببهشت داخل کند! در مقابل گفتار و کردار ایشان!!! بهشت های که از زیر قصرها و درختهای آنها نهر جاری داده است! و جزای و پاداش نیکو کاران این چنین است!!! و آن کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند! که ایشان اهل جهنّم هستند!!!

(از قرآن کریم و از سوره المائده آیات از ۴ تا ۸۶)

روز قیامت خداوند پیغمبران را جمع میکند! پس از آن میگوید: بشما چقدر جواب داند؟ یعنی امت شما چه مقدار از شما پیروی کردند؟! پیغمبران میگویند: ما علمی به آن نداریم! زیرا که فقط تودانای علم غیبا هستی!!! **ووقتیکه خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم بیا! اور! نعمتم را که بر تو و بر مادرت عطاء کردیم! ووقتیکه تو را بروح القدس تأیید کردم! که در گهواره و حال سن کهولت با مردم سخن می گفتی: ووقتیکه بتوحمت و کتاب تورات و انجیل را بتو یاد دادیم! ووقتیکه از گل مانند هیئت مرغ خلق میکردی!!! و با اذن من پس در آن حرکت دادی پس با اذن و اراده من مرغ میشد! و کور مادر زاد و ابرص را با اذن و اراده من شفاء میدادی! و وقتیکه مرده را با اذن و اراده من از قبر بیرون میآوردی! و زنده میکردی!!! و وقتیکه بنی اسرائیل را از توباز داشتیم! و وقتیکه برای ایشان آیات و دلیلهای روشنی آوردی! پس کفار از ایشان گفتند: این نیست مگر آشکارا سحر و جادوگری!!! و وقتیکه بحواریین و اصحاب خاص تو وحی نمودم!!! که بر من و بر رسول من ایمان بیاورید!!! گفتند: که ایمان آوردیم! شاهد باش به این که ما مسلمان هستیم! و وقتیکه حواریون گفتند: ای عیسی مسیح پسر مریم!!! آیا صاحب اختیار کلّ تو! میتواند سفره طعامی برای ما نازل کند!!! عیسی گفت: از خداوند بترسید اگر ایمان دارید! گفتند: می خواهیم از آن بخوریم و تادلهای ما آرام بگیرد! و بدانیم که تو بیمار است گفته! و بر آن گواهان بوده باشیم! عیسی مسیح پسر مریم گفت: ای خداوند صاحب اختیار کلّ ما!!! سفره طعامی برای ما از آسمان نازل بفرما! که برای ما روز عید بوده باشد!!! اوّل برای ما و آیندگان ما معجزه از تو بوده باشد! و ما را روزی بده و توئی بهترین روزی دهندگان! خداوند گفت: بدرستی که من آن را بر شما نازل میکنم!!! پس از آن پس!!! هر کسی که از شما کافر شود!!! بدونشکّ او را عذاب میکنم!!! که احدی را از جهانیان چنان عذابی نخواهم کرد! و روز قیامت وقتیکه خداوند خواهد گفت: ای عیسی مسیح پسر مریم آیاتو بر مردم گفتی: که مرا و مادرم را دو الهی بجای خداوند بگیرید!!! و بدونشکّ عیسی خواهد گفت: تو از هر عیبی و ایرادی پاک و منزّه هستی! و برای من سزاوار نمیباشد که چنین بگویم: آنچه را که برای من حقّ نیست! که اگر گفته باشم! حقیقت این است که تو آن را دانسته بودی! و تو میدانی آنچه را که در نفس خود**

من است! و من نمیدانم آنچه در ذات تو است! بدرستی که فقط تو خود دانای علم غیبه هستی! من برای ایشان چیزی نگفتم: مگر آنچه را که تو مرا به آن امر کردی گفتم: که بخداوند عبادت و بندگی کنید که صاحب اختیار کلّ شما است! و مادامیکه در میان ایشان زنده بودم و برایشان شاهد بودم!!! پس وقتی که مرا وفات دادی خود تو مراقب برای ایشان بودی!!! و خود تو بر همه چیز شاهد هستی!!! و اگر ایشان را عذاب بکنی بدرستی که ایشان بندگان تو هستند! و اگر ایشان را بیمارزی صاحب اختیار کلّ تو هستی! پس بدرستی که خود تو عزیز و حکیم هستی!!! خداوند گفت: این روز قیامت است که راستگویان را راستی!!! و درستی ایشان نفع میدهد!!! برای ایشان بهشت هائیکه در زیر قصرها و درختان آنها نهرها جاری است!!! و همیشه در آن جاویدان میمانند!!! که خداوند از ایشان راضی و خشنود است!!! و ایشان هم از خداوند راضی و خشنود هستند!!! و این رستگاری برای ایشان بهره زندگی است! ملک آسمانها و زمین و بین آنها هر چه هست مالکیت آنها از آن خداوند است! و خداوند بر هر چیزی قدرت و توانائی دارد!!!

(از قرآن کریم و از سوره المائده آیات از ۰۹ تا ۱۲۰)

خداوند بمحمد فرمود: وقتی که مثل عیسی مسیح فرزند مریم زده شد! مشرکین قوم توفوری از این مثل بفریاد آمدند!!! و گفتند: که آیا خدایان ما بهتر است یا او؟؟؟ آن مثل را برای تو نمیزنند مگر اینکه با تو ستیزه کنند! بلکه ایشان قومی هستند که دشمنی میکنند! عیسی نیست مگر بنده خداوندیکه! به او نعمتی دادیم و او را مثل و قصه برای بنی اسرائیل قرار دادیم! و اگر بخواهیم بجای شما فرشتگانی را!!! در زمین قرار میدهم که جانشینی کنند! بدرستی که خلافت ملائکه موجب علمی است!!! برای ساعت روز قیامت پس به آن شک میکنید!!! و مرا پیروی کنید: که این است راه راست خداوند! و بدون شک شیطان شما را از راه خداوند باز ندارد! زیرا که او برای شما آشکارا دشمن است!!! و وقتی که عیسی مسیح با آیات و دلایل روشنی آمده گفت: با علم حکمت بنزد شما آمدم!!! و برای اینکه بر شما بیان کنم که بعضی از چیزهای که در آن اختلاف دارید!!! پس از خداوند

بترسید و از من اطاعت کنید! و عیسی گفت: بدرستی که خداوند اوست که هم صاحب اختیار کلّ من است! و هم صاحب اختیار کلّ شما است! پس او را بپرستید!!! و بندگی کنید! راه راست خداوند این راه است! پس وای بر آن کسانی که ظلم کردند!!! که عذاب دردناک روز قیامت را انتخاب نمودند! یا انتظار ندارند مگر درآمدن ناگهانی ساعت روز قیامت را؟! در حالیکه غافل و بیخبر بوده باشند؟! دوستان کفار در آن روز بعضی بر بعضی دشمنی خواهند کرد!!! مگر پرهیزکارانی که بین ایشان هیچ اخلاقی ندارند! خداوند گفت: ای بندگان پرهیزکاران من در روز قیامت برای شما هیچ خوفی نیست! و شما غمگین هم نخواهید شد!!!  
(از قرآن کریم سوره الزخرف از آیات ۵۷ تا ۶۸)

### بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

آنچه در آسمانها و زمین است برای خداوند تسبیح کرده است! و اوست عزیز و غالب و درستکار! ای مؤمنین چرا چیزی را میگوید: که بجانمیاورید و عمل نمی کنید؟! که در نزد خداوند مبعوض کبیر شده است!!! آنچه را که میگوئید: بجا نمیآورید و عمل نمیکنید! بدرستی که خداوند دوست میدارد کسانی را! مانند ستونی آهنین و یکپارچه در راه خداوند کارزار میکند! و هنگامیکه موسی بقومش گفت: ای قوم من برای چه مرا آزار و اذیت میدهید؟! و حال آنکه میدانید من رسول خداوند بسوی شما هستم؟! پس وقتیکه منحرف شدند! خداوند دلهای ایشان را به انحراف وا گذاشت!!! و خداوند مردم فاسق را هدایت نمیکند!!! و هنگامیکه عیسی مسیح پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل بدرستی که من رسول بسوی شما هستم! در حالیکه تصدیق میکنم تورات را که پیش از من بوده! و در حالیکه مرده میدهم پیغمبری را برای شما! پس از من میآید که نام او احمد است! پس وقتیکه احمد بادلایهای روشنی نزد ایشان آمد گفتند: این آشکارا ساحر و جادوگر است! و ظالمتر از آن کیست که بر خداوند دروغ ببندد؟! در حالیکه او بسوی اسلام

خوانده میشود!!! و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمیکند! و میخواهند نور خداوند را با دهانهایشان خاموش کنند! و خداوند کامل کننده نور خویش است! و اگر چه کافران کراحت داشته باشند!!! و خداوند است که محمد رسول خود را! با هدایت و بادین حق فرستاده! تا آن را بهمه دینها آشکارا پیروز گرداند! و اگر چه مشرکین نخواهد! خداوند گفت: آهای آن کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را دلالت کنم بر تجارتی که شمار از عذاب دردناک نجات میدهد؟! و آن تجارت این است که بخداوند رسول او ایمان بیاورید! و در راه خداوند با مالهایتان و جانهایتان جهاد و تلاش کنید! این برای شما بهترین راه است اگر بدانید!!! که اگر چه به خداوند ایمان بیاورید! و در راه او جهاد و تلاش کنید خداوند گناهان شما را میآمرزد!!! و شما را ببهشت ها داخل میکند! که زیر درختان و مسکنهای پاکیزه در باغهای دائمی نهرها جاری است! که این کامیابی بزرگی است! و خداوند گفت: آیا شما را دلالت کنم بر تجارتی دیگری که آن را دوست میدارید؟! و آن یاری از جانب خداوند و فتح و گشایشی (فتح و پیروزی مکه) نزدیک است؟! و برای مؤمنین خداوند گفت: ای مؤمنین یاران خداوند باشید!!! چنانکه عیسی مسیح پسر مریم بحواریین گفت: یاران من در راه خداوند کیانند؟! حواریین گفتند: ما یاران خداوند هستیم پس دسته از بنی اسرائیل به عیسی رسول الله ایمان آوردند!!! و دسته دیگر ایمان نیاوردند!!! گفتند: عیسی مسیح پسر مریم همان خداوند است! پس کافر شدند!!! و ما آنانی را که ایمان آورده بودند بر دشمنانشان برتری دادیم و تأیید کردیم پس غلبه یافتند!!!

(زقرآن کریم سورة الصف از اول تا آخر)

نکاتی از مؤلف: ۱- عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس تنها انسان پیغمبری است بدون پدر میباشد!!! که مادرش مریم مقدس به امر و روح خداوند به او حامله شده است! یعنی پدر عیسی پسر مریم مقدس! از کلمه: و روح خداوند خلاق جهان هستی میباشد! و عیسی مسیح در گهواره مانند مرد بزرگ سال با مردم سخن گفته است! و معجزات و کرامات فراوان از طرف خداوند خالق خود آورده است

۲- مریم مقدّس مادر عیسی مسیح در قرآن کریم تنها زنی است! خداوند فرموده است! که مریم پاک دامن و خانم عالمیان است!!! و طعام و غذا از طرف خداوند به او آمده است! و با جبرائیل ملاقات کرده و اورادیده است! که جبرائیل بشارت و فرمان خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین را به مریم مقدّس آورده است! این است سرگذشت نبوّت و معجزات عیسی مسیح! و مادر مقدّس او مریم که در قرآن کریم تنها کتاب وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی میباشد!!! سلام و صلوات و رحمت خداوند رحمان بر عیسی مسیح رسول الله و پسر مریم!!! و مادر گرامیش مریم مقدّس باد!!!

۳- نام پیغمبر اسلام در قرآن کریم هم محمد آمده است و هم احمد آمده است! که مصدر روریشه محمد! حمد است که بصورت اسم مفعول در آمده است! و معنی محمد یعنی کسیکه به خداوند متعال حمد و ثناء و تعریف و! بگوید: و مصدر و ریشه احمد هم حمد است!!! که معنی احمد یعنی کسیکه خودش را وادار کند!!! به خداوند متعال حمد و ثناء و تعریف بگوید: پس در این صورت معنی محمد واحد با هم یکی بوده است و هیچ فرقی ندارد!!! که هر دو یعنی محمد و احمد بخداوند خداوند حمد و ثناء و تعریف میگوید: یعنی یک لغت مترادف هستند!!! زیرا که هر دو یک معنی دارد!!!

تطبيق محمد رسول الله در ادیان؛ یهودیت؛ در مسیحیت؛ در اسلام

## فصل دوم

محمد رسول الله در دین یهودیت؛ و در دین  
مسیحیت؛ و در دین اسلام

**بنداول: محمد رسول الله در دین یهودیت؛ از کتاب مقدس**

### **عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی**

و خداوند به ابراهیم گفت: اما زوجه تو سارای نام او را سارای مخوان بلکه نام او ساره باشد! و او را برکت خواهم داد! و پسری نیز از وی بتو خواهم بخشید!! او را برکت خواهم داد! و امته از وی بوجود خواهند آمد! و ملوک امته از وی پدید خواهند شد! آنگاه ابراهیم بروی در افتاده بخندید! و در دل خود گفت: آیا برای مرد صدساله پسری متولد شود و ساره در نودسالگی بزاید؟ **و ابراهیم بخدا گفت: کاش که اسمعیل در حضور زیست کند!!! خدا گفت: بتحقیق زوجه ات ساره برای تو پسری خواهد زائید و او را اسحق نام بنه!!! و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت تا با ذریه او بعد از او عهد ابدی باشد! و اما در خصوص اسمعیل تورا اجابت فرمودم! اینک او را برکت داده بارور گردانم! و او را بسیار کثیر دانم! دوازده رئیس از وی پدید آیند! و امته عظیم از وی بوجود آورم!!! لکن عهد خود را با اسحق استوار خواهم ساخت!!! که ساره او را بدین وقت در سال آینده برای تو خواهد زائید! و چون خدا از سخن گفتن با وی فارغ شد! از نزد ابراهیم صعود فرمود! و ابراهیم پسر خود اسمعیل و همه خانه زادان از زر خریدان خود را!!! یعنی هر ذکوری که در خانه ابراهیم بود! گوشت غلفه ایشان را در همان روز ختنه کرد! چنانکه خدا بوی امری فرموده بود!!! انود و نه ساله بود و قتی که غلفه اش مختون شد!!! در همان روز ابراهیم و پسرش اسمعیل و همه مردان خانه اش خواه خانه زاد و خواه زر خرید! اولاد اجنبی با وی مختون شد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب هفدهم آیات از ۱۵ تا ۲۷)

**موسی گفت: خدایت نبی را از میان برادران تو مثل من! برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید!!! موافق هر آنچه در حوریب در روز اجتماع یهوه خدای خود مسئلت نموده گفت: آوازیهوه خدای خود را دیگر نشنوم! و این آتش عظیم**

را دیگر نبینم مبادا!!! و خداوند بمن گفت: آنچه گفتند: نیکو گفتند: نبی را برای از میان برادران ایشان مثل تومبعوث خواهم کرد! و کلام خود را بد هانش خواهم گذاشت! و هر آنچه به او فرمایم: با ایشان خواهد گفت: و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید: نشنوند؛ من از او مطالبه خواهم کرد!!!  
(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی سفر تثبیه باب هجدهم آیات از ۱۵ تا ۲۰)

اینک وقایع نخستین شد؛ و من از چیزهای نواعلام میکنم!!! قبل از آنکه بوجود آید! شمار از آنها خبر میدهم؛ ای شما که بدریا فرو میروید! و ای آنچه در آن است ای جزیره ها و ساکنان آنها سرود نورا!!! بخداوند وستایش وی را از اقصای زمین بسرایید! صحرا و شهرهایش و قریه هایی اهل قیدار در آنها ساکن باشند! آواز خود را بلند نمایند! و ساکنان سألح ترثم نموده از قلّه کوها نعره زنند! برای خداوند جلال را توصیف نمایند!!! و تسبیح او را در جزیره ها بخوانند!!! خداوند مثل جبار بیرون میآید! و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی انگیزد فریاد کرده نعره خواهد زد! و بادشمنان خویش غلبه خواهد نمود! از زمان قدیم خاموش و ساکت مانده خودداری نمودم!!! اینک نعره خواهم زد! و کوران را براهی که!!! ندانسته اند رهبری نموده!!! ایشان را به طریقهایی که عارف نیستند!!! هدایت خواهم نمود! ظلمت را پیش ایشان منور و کجی را بر راستی مبدل خواهم ساخت! این کارها را بجا آورده ایشان را رها نخواهم نمود! ای کران بشنوید و ای کوران نظر کنید تا ببینید! کیست که مثل بنده من کور باشد؟؟؟؟ و کیست کور باشد؟! مثل رسول من که میفرستم! کیست که کور باشد! مثل مسلم من و کور مانند بنده خداوند؟! چیزهای بسیار میبینی اما نگاه نمیداری! گوشه‌ها را می‌گشاید لیکن خود نمیشنود! خداوند را بخاطر عدل خود پسند آمد!!! که شریعت خویش را تعظیم و تکریم نماید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب ۴۲)

لیکن اینان قوم غارت و تاراج شده اند!!! و جمیع ایشان در حفره ها صید شده! و در زندانها مخفی کرده اید! ایشان غارت شده رهاننده نیست!!! تاراج گشته و کسی نمیگوید: که بازده کیست در میان شما؟! که به این گوش دهد و توجه نموده و برای زمان آینده بشنود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیاء نبیّ باب چهل و دو آیات از ۲۳ تا ۲۹)

نکاتی از مؤلف: پیش از اسلام در میان مردم مدینه (یثرب) این خبر پراکنده شده بود که در آینده!!! پیامبری از میان عرب برانگیخته خواهد شد!!! کارش بابت پرستان بیپیکار میشود! و بر آنان پیروز میگردد! و قدرت و شکوه بسیار میابد! این خبر را یهودیان مهاجر!!! که قبلاً به عربستان هجرت کرده بودند! و در قلعه ها بسر میبردند! در میان عرب انتشار دادن! منشأ این پیشگویی وعده ای بود!!! که در کتاب (اشعیاء نبیّ) از کتب مقدس یهود بود که نوشته ایم! بر طبق این وعده (اشعیاء نبیّ) با الهام از خداوند نوید داده بود!!! که در (جزیره العرب) از نژاد (اسماعیل) از شاخه (قیدار) (که قریش از این شاخه بودند) پیامبری ظهور میکند و او گمراهان را براه خداوند فرا میخواند! و دیدگان نا بینارا با آیات خداوند می کشاید! و گوشهای ناشنوا را باز میکند! و ظلمت را بنور و کژی را بر راستی مبدل میسازد!!! و تلاش بت پرستان در برابر دعوت او بجایی نمیرسد!!! و سرانجام بر دشمنان خویش غلبه خواهد کرد! و تکید شده بود که او (بنده) و (مُسلم) و (رسول خداوند) و (بزرگ دارنده شریعت) است! این پیشگویی از روزگار کهن تا کنون محفوظ مانده! و اینک نیز بهم راه تورات چاپ شده! و در دسترس است! و در این نوشتجات نوشته شده است!!!

(از کتاب خیانت در گزارش تاریخ؛ اثر مصطفی حسینی طباطبائی جلد اول ص ۳۳)

این پیشگویی در هشت موضع با پیامبر اسلام! و نهضت مبارک او انطباق دارد! نخست آنکه گوید: جزیره ها و ساکنان آنها و صحرا و شهرهایش خداوند راستایش کنند!!! (زیرا که رسالت جدیدی در پی است) و ما میدانیم که عربستان!!! در عین آنکه جزیره ای است! بزرگ که خلیج عدن و خلیج فارس و بحر عمان و بحر احمر را در پیرامون دارد!!! بسیاری از مردمانش اهل صحرا بوده اند!!! حادثه موعود علی القاعده بیش از سایرین باید با عربستان پیوند داشته باشد!!!

دوم آنکه اهل (قیدار) که ذکر آنها در پیشگویی رفته است! بنابراین آنچه در کتاب (انساب العرب) اثر (سمعی) آمده!!! همان عربهای (اسماعیلی) هستند! و این معنای غیر علمای غیر مسلمان نیز پذیرفته اند!!! **هاکس آمریکائی نویسنده (قاموس کتاب مقدس) درباره مینویسد!!!**

((قیدار (بمعنای سیاه پوست) پسر دوم اسماعیل است (تورات سفر پیدایش ۱۳: ۲۵) و پدر مشهورترین قبایل عرب بود! و بلاد و مملکت ایشان نیز قیدار خوانده شده است (اش ۲۱: ۲۸-۲۹) و همواره شبانان چادر نشین بوده و میباشد و بدویان؛ ایشان را گویند: غزا: ۵) لکن برخی از ایشان تمدن و شهری شده در شهرها مسکن گزیدند!!!

(از قاموس کتاب مقدس چاپ بیروت در مطبعه آمریکایی؛ صفحه ۷۰۶)

در سیره ابن هشام و تاریخ طبری نیز نام ((قیدار)) در سلسله پدران عرب ضبط شده است؛ بنابراین معلوم میشود که اهل صحرا همان فرزندان ((قیدار)) یعنی قوم عرب (از نژاد اسماعیل اند) که رسالت تازه با آنها را بطه دارد!!!

سوم آنکه تعبیر: ((ظهور خداوند بمنزله مرد جنگی و غلبه بردشمنان)) که در پیشگویی آمده با بکار بردن کنایه و تشبیه!!! از نهضت جدیدی خبر میدهد که مؤید!!! به تأییدات الهی بوده و مظهر مشیت خداوند است! و در پیکار با دشمنان بیاری خداوند آنان پیروز میگردد!!! و این نیز با نهضت اسلام که در میان عرب (اسماعیل) ظهور کرد! و بردشمنان فاتق آمد! موافقت دارد!!!

چهارم آنکه؛ این تعبیر در پیشگویی که از ذکر غلبه بردشمنان میگوید: ((از زمان قدیم خاموش و ساکت مانده خود داری نمودم ۰۰۰ اینک نعره خواهم زد)) دلالت دارد بر اینکه باب جهاد با دشمنان حق پس از آنکه مدتهای مدید مسدود بود (و در روزگار عیسی مسیح و پس از او همچنان بسته ماند) با ظهور پیامبر موعود مفتوح خواهد گشت! چنانکه در عصر موسی به امر خداوند گشوده شده و او بادر ((مریانیان)) و دیگران جنکید (تورات، سفر اعداد؛ باب ۲۱) پیامبر اسلام محمد هم در برابر حمله ستم گرانه قریش و خیانت هوناک یهودیان!!! فرمان بدفاع مسلحانه و جهاد دارد!!!

پنجم آنکه به تصریح این پیشگویی: بُت پرستان که بر اصنام خود اعتماد کرده بودند! پس از غلبه نهضت توحید!!! از رأی نادرست خویش شرمنده شد و این بخش از پیشگویی! ماجرای **فتح مکه** را بیاد می آورد! آنگاه عباس بن عبد المطلب عموی پیامبر!!! ابوسفیان بن حرب بحضور رسول خدا بُرد پیامبر اکرم به او فرمود: وای بر توای ابوسفیان آیا هنگام آن نرسده که بدانی جز خداوند! کسی شایسته بندگی نیست؟؟؟؟!!! ابوسفیان که همه جنایتها و جنگهای خود را (از اُحد و خندق ۰۰۰) برضد پیامبر بیاد داشت و با این همه! نر می و بزرگواری آن حضرت را احساس کرد! پاسخ داد: پدرم فدایت باد! چقدر بُرد بار و بزرگواری به خویشاوندان مهربان هستی؟! سونگد بخدا گمان دارم که اگر با خدا! معبود دیگری وجود داشت کاری برای من صورت داده بود!!! و پیامبر گرامی او را با همه جنایاتش بخشود!!!

**ششم آنکه کلمات (بنده) و (رسول) و (مُسلم) که در این پیشگویی بر آنها تکیه شده؛ دقیقاً همان واژه هایی است که در اسلام! پیامبر را با آنها توصیف کردند! چنانکه مسلمین در نمازهای خود میگویند: کواهی میدهم که محمد بنده و رسول اوست! و در قرآن کریم آمده (بگو) من فرمان یافته ام از مسلمین شده باشم!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره التل آیه ۹۱)

هفتم آنکه! از عبارت: (گوشه‌ها را می‌گشاید لیکن خود نمیشنود) فهمیده میشود که پیامبر! دیگران را آموزش میدهد ولی (در دین) از کسی چیزی فرا نمی‌گیرد! و تنها گوش به فرمان وحی دارد!!! و این معناه همان است در قرآن کریم آمده: ((بگو) تنها آنچه را که بمن وحی میشود پیروی میکنم)) کور بودن رسول نیز کنایه از همین معنا تواند بود! یعنی که پیامبر جز آنچه خداوند به او نشان میدهد چیزی نمی‌بیند و حکمی نمیکند! چنانکه در قرآن کریم میخوانیم ((تا بنا بر آنچه خداوند بتو نشان داد در میان مردم حکم کن))  
(از قرآن کریم سوره النساء آیه ۱۰۵)

هشتم: آنکه رسول موعود!!! مروّج شریعت و قانون است ( نه آنکه تنها مبلغ دستورات اخلاقی باشد) و این معنا نیز در قرآن کریم مکرراً آمده است!!! و این پیشگویی اخطار و هشدار میدهد! به اهل ایمان برای زمان آینده که نداء پیامبر موعود جدیدی در آینده بشنوند! و ایمان بیاورند! خلاصه! اوصاف مذکور با احوال پیامبر اسلام و شریعتی که آورده بشکل عجیبی انطباق دارد!!! **یهودیان و عده اشعیاء نبی را به عرب رسانید بودند! و خود پیشاپیش ظهور پیامبر موعود به بُت پرستان میگفتند: که چون آن پیامبر آید!!! ما بوحی می‌گرویم و کتاب او را تصدیق میکنیم!** و این معنا نه تنها در تاریخ آمده! بلکه در قرآن کریم نیز شواهد روشنی دارد!!! از جمله آنکه!!! در قرآن کریم در سوره شریفه بقره!!! درباره یهود میخوانیم! چون کتاب از نزد خداوند بسوی ایشان آمد! که تورات را تصدیق میکند (به انکار آن پرداختند) با اینکه پیش از این بدان کتاب (و پیامبر) بر کافران پیروزی می‌جستند! ولی وقتی که آنچه میشناختند بیامد! او را انکار کردند! لعنت خداوند بر منکران باد!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۸۹)

طبری در ذیل همین آیه مینویسد: (تفسیر طبری! چاپ مصر!!! ذیل آیه ۱۸۹ از سوره بقره) ((از طریق عاصم فرزند عمر بن قتاده انصاری از قول شیوخ انصار رسیده است!!! که گفتند: بخدا سوگند ماجرای این آیه ما و یهودیان (که مجاور آنها بودیم) نارل شده!!! در درون جاهلیت روزگار چند ما بر ایشان غلبه داشتیم با اینکه مامشرک بودیم و ایشان اهل کتاب شمرده میشدند!!! آنها می گفتند: اینک زمان برانگیختن شدن پیامبر رسیده که شما را مانند قوم (عاد) و (ارم) خواهد کشت!!! اما چون خدایی که یادش بزرگ است! کسی را از میان قریش برسالت برانگیخت و ما (انصار) او را پیروی کردیم آنها!!! او را انکار کردند))

(از کتاب خیانت در گزارش تاریخ جلد اول مصطفی حسینی طباطبای از ص ۳۳ تا ۴۰)

ظاهر یهودیان بر اساس عقیده افراطی خود درباره برتری نژاد! و فضیلت قوم ((اسرائیل)) انتظار داشتند!!! که پیامبر موعود از میان آنها برانگیخته شود؛ نه از میان مردم مُشرک و بی سواد مگه! با اینکه از ((تورات)) بدست میآید که پیامبر مزبور در میان اهل ((قیدار)) یعنی ((عرب اسماعیلی)) مبعوث خواهد شد!!! ولی شاید گمان یهودیان این بود!!! که چون آنها مجاور سرزمین عرب شدند!!! این اشکال هم مرتفع گشته است!!!

(از کتاب خیا نت در گزارش تاریخ خلد اول اثر مصطفی حسینی طباطبائی از ص ۳۳ تا ۴)

این است پیدایش اسمعیل بن ابراهیم!!! که حاجر مصری کنیز ساره برای ابراهیم زائیده!!! و این است نامهای پسران اسمعیل موافق اسمهای ایشان!!! بحسب پیدایش ایشان! نخست زاده اسمعیل!!! نَبایودت؛ وقیدار؛ و ادبیل؛ و مِبسا، و مشماع؛ و زومه؛ و مسأ؛ و حرار؛ و تیما؛ و یطور؛ و نافیش؛ و قومَه!!! اینانند پسران اسمعیل و این است!!! نامهای ایشان! در بلدان و حله های ایشان دوازده امیر!!! حسب قبایل ایشان! و مدت زندگانی اسمعیل صدوسی و هفت سال!!! که جان را سپرده بُمرد و بوقوم خود ملحق گشت! ایشان از حویله تاشور!!! که مقابل مصر بسمت آشور واقع است ساکن بودند! و نصیب او در مقابل همه برادران او افتاد! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب بیست و پنجم آیات از ۲ تا ۱۸)

نکاتی از مؤلف: و در همین فصل تورات فعلی!!! آدرس پسران اسمعیل را چنین نوشته است!!! و ایشان از حویله تاشور که مقابل مصر بسمت آشور واقع است ساکن بودند! باید بدانیم که این نشانه امروزی عربستان سعودی میباشد!!! که بنقشه جهان نگاه فرماید! درست است که ثابت کردیم تورات موسی تحریف شده است! و اما شاید که بعضی از مطالب باقی مانده باشد! که به چشم میخورد یکی از آنها جریان اسمعیل پسر بزرگ ابراهیم است!!! که در اینجا نوشته شده است! از اسمعیل دوازده رئیس و اممهای عظیمی و کثیری بوجود خواهند آمد!!! و چرا هیچ یکی از رئیسان و امتهای اسمعیل خبری وجود ندارد؟! و در جای دیگر

تورات فقط نوشته است!!! که اسمعیل پسر بزرگ ابراهیم مرد وحشی بوده!!! در حالیکه اسمعیل یکی!!! از پیغمبران خداوند و صاحب کتاب بوده است!!! که ابراهیم دو پسر داشت یکی از اسمعیل که پسر بزرگ او بود! که چهارده سال از اسحق بزرگتر بود! قبر مبارک او و مادر گرامیش هاجر در مکه در جوار کعبه خداوند که حجره اسماعیل نام دارد!!! حجاج خداوند!!! با کعبه خداوند با هم طواف می نمایند! که او تنها پیغمبری است طواف قبرش واجب میباشد!!! نسل ابراهیم بر دو شاخه تقسیم شده است که یکی بنی اسرائیل که از نسل اسحق میباشد!!! و یکی بنی اسماعیل که از نسل اسماعیل میباشد!!! که محمد رسول الله از نسل اسماعیل از شاخه قیدار است!!! این پیشگویی آیات تورات نشانگر آن است! که از نسل اسماعیل امتهای عظیمی وجود داشت!!! اما در تورات از امتهای و رؤسای از نژاد اسمعیل هیچ خبری نیست! که از قرآن کریم در جایش امتهای عظیمی و جریان اسمعیل را خواهیم نوشت!!! یهودیان که عیسی مسیح رسول الله پسر مریم مقدس را نیز تکذیب کردند! و به ظاهر او را بدار آویختند و بقتل رسانیدند و به صلیب کشیدند!!! که رسوایی و خیانت و جنایت و فساد دینی!!! یهودیان در طول تاریخ از اینها خیلی خیلی بالاتر میباشد!!!

بند دوم: محمد رسول الله! در دین مسیحیت از کتاب مقدس

### عهد جدید: انجیل

و آنکه مرا محبت ننماید کلام حفظ نمیکند! و کلامیکه میشنوید از من نیست بلکه از پدریست که مرا فرستاده! این سخنان را بشما گفتم: وقتیکه با شما بودم!!! لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من میفرستد! او همه چیز را بشما تعلیم خواهد داد! و آنچه بشما گفتم: بیاد شما خواهد آورد! سلامتی را برای شما میگذارم! سلامتی خود را بشما میدهم!!! نه چنانکه جهان میدهد من بشما میدهم! دل شما مضرب و هراسان نباشید!!! شنیده اید که من بشما گفتم: میروم و نزد شما میآیم!!! اگر مرا محبت مینودید خوشحال میگشتید!!! که گفتم: نزد پدر میروم زیرا که پدر بزرگتر از من است! و الآن قبل از وقوع بشما: تا وقتیکه واقع گردد ایمان آورید! بعد از بسیار با شما نخواهم گفت: زیرا که رئیس این جهان میآید در من چیزی ندارد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید: انجیل یوحنا باب چهاردهم آیات از ۲۴ تا ۳۰)

بلکه تا تمام شود کلامیکه در شریعت ایشان مکتوب است! مرا بی سبب دشمن داشتند!!! لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما میفرستم آید! روح راستی که از پدر صادر میگردد! او بر من شهادت خواهد داد! و شما نیز شهادت خواهید داد! زیرا که از ابتداء با من بوده اید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید: انجیل یوحنا باب پانزدهم آیات از ۲۵ تا ۲۷)

اگر مرا دوست دارید!!! احکام مرا نگاه دارید! و من از پدر سوال میکنم!!! و تسلی دهنده دیگر بشما عطاء خواهد کرد! تا همیشه با شما بماند!!! یعنی روح راستی که جهان نمیتواند او را قبول کند! زیرا که او نمی بیند و نمی شناسد!!! و آما شما اورامی شناسید! زیرا که با شما میماند و در شما خواهد بود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید: انجیل یوحنا باب چهاردهم آیات از ۱۵ تا ۱۸)

پس از برادران عزیز شمارا معلوم باد! که بوساطت او بشما از آمرزش گناهان اعلام میشود! و بوسیله او هر کسی ایمان آورد عادل شمرده میشود! از هر چیزی که بشریعت!!! موسی نتوانستید عادل شمرده شوید!!! پس احتیاط کنید مبادا

آنچه در صحیفه انبیاء متکوب است بر شما واقع شود! که این حقیر شمارندگان را ملاحظه کنید! و تعجب نمائید و هلاک شوید! زیرا که این عملی را در ایام شما پدید آورم! عملی که هر چند کسی شمارا! از آن اعلام نماید تصدیق نخواهد کرد! پس چون از کنیسه بیرون میرفتند! خواهش نمودند! که در سبت آینده هم این سخنان را برایشان بازگوید: و چون اهل کنیسه متفرقش شدند! بسیاری از یهودیان!!! و خدا پرست جدیدان!!! از عقب پولس و برنابا افتادند!!! و آن دونفر با ایشان سخن گفته ترغیب مینمودند!!! که بفیض خدا ثابت باشید!!! اما در سبت دیگر قریب بتامی شهر فراهم شدند! تا کلام خدا را بشنوند! ولی چون یهود از دحام خلق را دیدند! از حسد پُرگشتند!!! و کفر گفته با سخنان پولس مخالفت کردند!!! آنگاه پولس و برنابا دلیر شده گفتند!!! و واجب بود کلام خدا نخست بشما القا شود لیکن چون آن را رد کردید! و خود را ناشایسته حیات جاویدانی شمردید! همانا بسوی امتهاتوجه نمائید! زیرا که خداوند بما چنین امر فرمود! که تورا نور امتهات ساختم تالی اقصای زمین منشای نجات باشی! چون امتهای این راشنیدند شاد خاطر شده! کلام خداوند را تمجید نمودند! و آنانیکه برای حیات جاویدانی مقرر بودند ایمان آوردند! کلام خدا در تمام آن نواحی منتشر گشت!!! اما یهودیان چند زن دین دار و مشخص اکابر شهر را بشورانید! و ایشان را بزحمت رسانیدند! بر پولس و برنابا تحریص نمودند! ایشان را از حدود خود بیرون کردند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید؛ کتاب اعمال رسولان باب سیزدهم آیات از ۳۸ تا ۵۱)

یسوع گفت: پس چونکه مرا مردم خدا و پسر خدا خواندند! با اینکه من در جهان بیزار بودم! خدا خواست که مردم مرا استهزاء کنند! در این جهان بمرگ یهودا در حالیکه معتقد باشند! با اینکه من همان که بردارم رده! تا شیاطین بمن استهزاء کنند! در روز جزا و این باقی خواهد بود! تا بیاید محمد پیغمبر خدا!!! آنکه چون بیاید این قریب را کشف خواهد فرمود!!! برای کسانی که شریعت خدا ایمان دارند و پس از اینکه این سخن را گفت: فرمود: همانا توای پروردگار خدای ما! عادل و زیراکه تورا است! اکرام و بزرگواری بیرون نهایت!!!

(از کتاب انجیل برنابا فصل دویست و بیستم آیات از ۱۹ تا ۲۱)

آن وقت یسوع فرمود ای برادران!!! همانا قضا و قدر رازی است! بزرگ حتی اینکه بشما میگویم: که راستی را نمیدانید آشکارا بچیزی یک نفرو بس! و او آن کسی است که از سوی او امتهای نگران میباشد؛ آن کسیکه اسرار خدا بر او آشکار میشود! آشکار شدنی!!! پس خوشا بحال کسانی که گوش سخن او میدهند و قتی که به جهان بیاید!!! زیرا که خدا برایشان سایه خواهد افکند؛ چنانکه این درخت خرما!!! ما را سایه افکند! آری همانا که چنانچه این درخت از حرارت سوزان آفتاب ما را نگاه میدارد! همچنین رحمت خدا نگاه میدارد!!! ایمان آورندگان به آن اسم را از شیطان! شاگران در جواب گفتند: ای معلم کدام کسی خواهد بود! آن مردی که از او سخن میرانی که بجهان خواهد آمد!!! یسوع بشکفتگی دل در جواب فرمود!!! همانا او محمد پیغمبر خداست!!! و وقتیکه او بجهان بیاید چنانچه باران زمین را قابل میکند!!! که بار بدهد بعد از آنکه مدت مدیدی باران منقطع شده باشد!!! همچنین او وسیله اعمال صالحه میان مردم خواهد شد!!! بر رحمت بسیاری که آن را میآورد! پس او ابر سفیدی است! پراز رحمت خداوند و آن رحمتی است! که آن را خدا بر مؤمنان نثار میکند! نرم نرم باران!!!

(از کتاب انجیل برنابا فصل صد و شصت و سوم آیات از ۱ تا ۱۱)

عیسی گفت: و بنابراین من یقین دارم! که آنکه مرا میفروشد!!! بنام من کشته خواهد شد! زیرا که خدا مرا بلند میکند! و منظر آن خائن را تغییر میدهد!!! تا گمان کند او را هر کسی که منم! و معذالکه مدت مدیدی در جهان!!! ولیکن هنگامیکه بیاید محمد پیغمبر خدا این عیب از من برداشته میشود! این را خدا خواهد کرد! زیرا که من اعتراف نمودم به حقیقت مسیحا! که این را بمن خداوند عطاء فرمود: یعنی که شناخته شوم!!! که من زنده ام و خیالم از عیب آنگونه مرگ!!!

(از کتاب انجیل برنابا فصل دویست و هشتم آیات از ۴ تا ۹)

سوگند بزندگی خدا؛ که ابراهیم خدا را دوست داشت! به حینیکه او اکتفان کرد!  
 بدرهم شکستن بُتها باطل درهم شکستی! و نه بدوری نمودن از پدر و مادر خود  
 ولیکن او میخواست!!! که پسر خود را برای طاعت خدا ذبح کند! رئیس کاهنان  
 در جواب گفت: همین این را از تو سؤال میکنم! وقتل تو را طالب نیستم پس بما  
 بگو: که این پسر ابراهیم که بود؟! یسوع در جواب فرمود: ای خدا! غیرت شرف  
 تو مرا آتش میزند!!! و نمیتوانم خاموش شوم!!! راست میگویم: که پسر ابراهیم  
 همان اسمعیل بود! که واجب است از نسل او بیاید مسیحا! که ابراهیم به او وعده  
 شده بود که همه قائل زمین! به او برکت یابند! پس همین که رئیس کاهنان این  
 را بشنید بخشم در آمده فریاد کرد! باید این فاجر را سنگسار کنیم!!! زیرا که او گفت:  
 اسمعیل است! همانا که بر موسی و بر شریعت خدا کفر کرد!!!  
 (از کتاب انجیل برنابا فصل دویست و هشتم آیات از ۴ تا ۹)

آن وقت کاتب گفت: عفو فرما! ای معلم که همانا خطاء نمودیم!!! یسوع فرمود  
 خداتو را پیاموزد چه نسبت به او گناه کرده؟! پس از آنجا کاتب گفت: همانا که کتاب  
 قدیمی دیدم که نوشته شده بود بدست موسی! و یسوع که آفتاب را توفیق کرد  
 چنانکه تو کردی! دو خادم و دو پیغمبر خدا! و آن کتاب حقیقی موسی است!!! پس  
 در آن نوشته شده است که اسمعیل پدر مسیحا است! و اسحق پزرگ (ب) مسیحا است  
 کتاب این چنین میگوید: که موسی فرمود ای پروردگار خدای توانای مهربان  
 اسرائیل جلوه کن برای بنده خود! در نور بزرگواری خود! پس آنچه خدابه او  
 نشان داد رسول خود را، بردو ذراع اسمعیل؛ و اسمعیل را بردو ذراع ابراهیم! و  
 اسحق در نزد یکی اسمعیل ایستاد!!! و بردو ذراع او کودکی بود! که به انگشت  
 خود اشاره میکرد بسوی الله و میگفت: این همان است که برای او همه چیز را  
 خدا آفرید! پس از آنجا موسی بخوش حالی فریاد زد اسمعیل!!! همانا که در دو  
 ذراع تو همه جهان و بهشت! بیاد من باش خادم خدا تا در نظر خدا نعمتی بیابم

بسبب پستتو!!! برای او خدا همه چیز را ساخته! و از این رو میتوانم هر چه می خواهم بکنیم: پس اگر خطائی کنیم؛ خدای مامهربان است! رضای او بقربانی و روزه ممکن است! ولیکن هرگاه این مردم پادشاه شود! پس هرگز استرضای او نخواهد شد! مگر وقتیکه ببیند عبادت خدا را چنانکه موسی نوشته!!! و از آن سخت‌اینکه میگویند: مسیّا از نسل داود نمیآید چنانکه یکی از شاگردان محرم او بما گفته بلکه میگوید: که او میآید از نسل اسمعیل!!! و اینکه وعده با اسمعیل ساخته شد! نه با اسحق! پس چه عمر دارد هرگاه بگذریم! این انسان رازندگانی کند! پس از مسلمات است که اسماعیلیان نزد رومیان آبرومند شوند! پس به ایشان خواهند داد شهرهای ما راه! به اینطور اسرائیل در معرض بندگی خواهد درآمد! چنانکه سابقاً بوده!!!

(از کتاب انجیل برنابا فصل صد و چهل و دوم آیات از ۴ تا ۲۲)

و همانا که شیخ محمد بیرم از یک سیاه انگلیسی نقل فرموده: که او در کتابخانه پاپ در فاتیکان نسخه از انجیل دیده!!! که بخط همیری قبل از بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نوشته شده! و در آن نوشته شده بود! که مسیح میفرماید: (و مبشراً برسولی یاتی من بعدی اسمه احمد) و آن موافق نص قرآن است!!! حرفاً بحرف ولیکن از هیچیک از مسلمانان نقل شده که او دیده باشد!!! یکی از این انجیها را که در بشارتهای صریحه باشد!!! پس ظاهر میشود که در کتابخانه فاتیکان! از بقایای آن انجیل کتابهایی که در قرنهای را از انجیل برنا با و غیر آن زائیل کرده بودی!!!

(از کتاب انجیل برنابا مقدمه صفحه ۲۹)

محمد و یا احمد پیابرخاتم میباشد! پیغمبر دیگری نخواهد آمد!!!

(از کتاب انجیل برنابا فصل نود و هفت آیات از ۱۶ تا ۱۸)

و با اینکه من لایق نیستم که بند کفش او را باز کنم!!! و بنعمت و رحمت خدا رسیده ام که او را ببینم! پس آن وقت کاهن با والی و پادشاه گفتند: دل خود را پریشان مساز! ای یسوع قدوس خدا! زیرا که این فتنه با دیگر در زمان ما حادث

نخواهد شد!!! زیرا که ما بمجلس مقدس شیوخ رومانی خواهیم! مصادرنمودن فرمان شاهی! که بعد از این هیچکس تو را خدا یا پسر خدا نخواند! پس آن هنگام یسوع فرمود: که سخن شما مرا تسلی نمیدهد! زیرا که جائیکه امید نور دارید تاریکی خواهد آمد! ولیکن تسلی من همان درآمدن پیغمبری است!!! هر اعتقاد دروغ را در باره من از میان خواهد برد! و آئین او استعداد خواهد یافت! همه جهان را خواهد گرفت! زیرا که خدایه پدر ما ابراهیم چنین وعده فرمود!!! و همانا آنچه مرا تسلی میدهد! آنست که آئین او راهیج نهایت نیست!!! زیرا که خدا که او را درست نگهداری خواهد فرمود!!! کاهن در جواب گفت: آیا پیغمبران دیگر بعد از آمدن پیغمبر خدا خواهد آمد؟! پس یسوع در جواب فرمود: از او پیغمبران راستگو از جانب خدا فرستاده شده باشند نخواهد آمد! ولیکن جمع بسیاری از پیغمبران دروغگو خواهد آمد! و همین است که محزون میدارد! زیرا که شیطان ایشان را بحکم خداوند عادل می شوراند!!! پس دعای انجیل من بر ایشان منتشر میشود! هیرودس در جواب گفت: چگونه آمدن این کافران بحکم خداوند عادل است!!! یسوع در جواب فرمود: از عدل است که هر کسی که برای نجات خود بر آستی!!! ایمان نیاورید! برای لعنت خود بدروغ ایمان آورد! از این جهت بشما میگویم: که جهان پیغمبران راستگورا خوار میداشت! و دروغگویان را دوست! چنانچه در ایام میسح و ارمیا مشاهده میشود! زیرا که شبیه دوست میدارد شبیه خود! پس آن وقت کاهن گفت: بچه نامیده میشود مسیا و کدام است!!! آن علامتی که آمدن او را اعلان مینماید! یسوع در جواب فرمود: که نام مسیا عجیب است! زیرا که خود خدا و قتیکه روان او را آفرید و در بهاء آسمانی او را گذاشت او را نامید!!! صبر کن ای محمد! زیرا که برای تو میخواهم خلق کنم! بهشت و جهان و بسیاری از خلایق را که میبخشم! آنها را بتو حتی اینکه هر کسی تو را مبارک می شمارد مبارک میشود! هر کسی تو را لعنت میکند ملعون میشود! و وقتیکه تو را بسوی جهان میفرستم! تو را پیغمبر خود قرار میدهم!!! بجهت خلاص و کلمه تو صادق میشود! حتی اینکه آسمان و زمین ضعیف میشوند! ولیکن ایمان تو هرگز ضعیف نمی شود!!! همانا نام مبارک او محمد است!!! آن وقت جمهور مردم صداهای خود را بلند نموده گفتند: ای خدا بفرست برای ما پیغمبری خود را! ای محمد بیا زود برای خلاص جهان!!!

(از کتاب انجیل برنابا فصل نود و هفتم)

## نکاتی از مؤلف:

۱- از اناجیل چنین بدست می‌آید!!! که قبل از ظهور دین اسلام و آمدن پیغمبری بنام احمدویا محمد رسول الله که بین اهل کتاب مطرح بود! ریزاکه در کتابهای آسمانی پیشین نام و مشخصات او را به این خوبی و آشکارا آورده اند!!! که مسلمانان در آن کتابها هیچ نقشی نداشته و ندارند!!!

۲- پیغمبری که می‌آید از نسل اسمعیل فرزند ابراهیم باید بوده باشد!!! که از بنی اسماعیل تولد شده باشد! پیامبرانی از بنی اسماعیل آمده بودند!!! و محمد پیغمبر رسول الله از نژاد بنی اسماعیل از طایفه قیدار بوده است! که در آن هیچ شک و شبه وجود ندارد!!!

۳ آخرین پیغمبر خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین که آمده است! همان محمد رسول الله است! زیرا که هم در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات و هم در کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل و در قرآن کریم چنین آمده است؛ که بعد از محمد رسول الله پیا مبردیگر نخواهد آمد!!! و آخرین پیغمبر و خاتمین نبین همان محمد رسول الله میباشد! که کتاب آسمانی وحی منزل او قرآن کریم است!!! که همانطور سالم و مصون و دست نخورده مانده است! و بهیچ وجه هیچگونه تحریف و تبدیل نشده است! و هیچکجی! و انحرافی! و کمراهی به قرآن راه نیافته است!!

بند سوّم: محمد رسول الله؛ پیغمبر دین اسلام! از قرآن کریم؛ وحی منزل

بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

ابراهیم بقوم خود گفت: آیا آن چیزها را که خودتان می‌ترسید؟! پرستش و بندگی میکنید؟! و حال آنکه خداوند هم شمارا و هم ساخته دست شمارا آفریده است؟! (نمود گفت:) برای ابراهیم بنائی از آتش بسازید! پس او را به آتش بیندازید و بسوزانید! پس به او مکر و حيله را اراده کردند! خداوند گفت: که کافران را پست و ارزل تر قرار دادیم!!! ابراهیم گفت: من بطرف صاحب اختیار کلّ خودم! رهسپار

میشوم! بزودی او مرادایت خواهد کرد! ابراهیم گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! برای من از فرزندان شایسته اعطاء بفرما!!! پس برای او پسری (اسماعیل) برد باری را مرّده دایم! پس زمانیکه طفل اوبه حدّ رسید! که بتواند با اوسعی کند گفت: ای پسر من بدرستیکه من در خواب میبینم! که تورا ذبح میکنم! پس بنگر رأی تو چیست؟! اسماعیل گفت: ای پدر من به آنچه مأمور شده ای بجا آور! که اگر خداوند بخواهد مرا از صابرین خواهی یافت!!! پس زما نیکه هر دو تسلیم خداوند شده اند! و پسر را برای ذبح کردن بروی جبین بزمین افکند! و او را ندا کردیم گفتیم: ای ابراهیم حقیقت این است که آن خواب را که دیده بودی براستی و درستی انجام دادی!!! بدرستیکه ما بنیگوکاران چنین جزاء و پاداش میدهیم!!! بدرستیکه این همان امتحان و آزمایش آشکار است!!! و در عوض اسماعیل گوسفند بزرگی فرستادیم! که ابراهیم برای قربانی خداوند ذبح کرد! و کار ابراهیم را برای آینگان آنگو گذاشتیم!!! که از حیوانات قربانی کنند!!! و سلام بر ابراهیم که نیکوکاران را چنین جزاء و پاداش میدهیم! زیرا که ابراهیم از بندگان مؤمن مابود! و اسحق را به او مرّده دادیم!!! در حالیکه پیغمبر خداوند خواهد بود!!! و او شایستگان میباشد!!! و بر اسحق برکت دادیم!!! و هم از نسل ایشان نیکوکاران است!!! و هم از ایشان آشکارا بنفس خود ظلم کنندگان است!!!

(از قرآن کریم و از سوره صافات از آیات ۹۵ تا ۱۱۳)

زمانیکه ابراهیم گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! این شهرمگه را امن قرار بده! و مرا و فرزندان مرا از بُت پرستی و نگهدار! و از بُت پرستی دور بدار! ای صاحب اختیار کلّ من! بدرستیکه این بُت ها بسیاری از مردم را گمراه کرده اند! پس آن کسیکه از من پیروی میکند از من است! و آن کسیکه از پیروی من عصیان میکند! پس بدرستیکه تو بامهربانی بخشنده هستی! ای صاحب اختیار کلّ من! بعضی از ذریّه خود را بوادی!!! و دامن گوهی بدون زاعت نزد خانه محترم تو ساکن نمودم! تا نماز را برپا بدارند! پس دلهای برخی از مردم را بسوی ایشان

**متمایل نما! و از میوه ها به ایشان روزی بده! باشد که ایشان شکرزاری کنند!!!**  
**ای صاحب اختیار کلّ من! بدرستی که تو میدانی آنچه را که ما پنهان میداریم و**  
**آنچه را که آشکار میکنیم! و در زمین و آسمان چیزی بر خداوند پوشیده و پنهان**  
**نیست! حمد و ستایش و ثنا و تعریف مخصوص خداوند متعال است! که در پیری**  
**اسماعیل و اسحق را بمن بخشیده است! بدرستی که صاحب اختیار کلّ من! بدون شک**  
**بطور مسلم شنونده دعای بندگانش میباشد! ای صاحب اختیار کلّ من! مرا برپادارنده**  
**نماز قرار بده!!! و نیز بعضی از فرزندانم را!!! و ای صاحب اختیار کلّ ما دعای ما**  
**را قبول بفرما!!! ای صاحب اختیار کلّ من!!! مرا و والدینم را و مؤمنین را در**  
**روز قیامت! که بحساب برپا میشوند پیامرز!!!**  
 (از قرآن کریم و از سوره ابراهیم آیات از ۳۵ تا ۴۱)

**خداوند گفت: و هنگامیکه ما خانه کعبه را برای مردم و برای مرجع امن قرار**  
**دادیم! و دستور دادیم که محلّ اقامه ابراهیم را جایگاه نماز بگیرند! و پیمان ما با**  
**ابراهیم و اسماعیل این چنین بود! که خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف**  
**دارندگان و نماز گذاران و رکوع و سجود کنندگان پاک تمیز نمایند!!! و زمانی که**  
**ابراهیم گفت: ای صاحب اختیار کلّ من! این شهر را برای هر کسی که از اهل آن**  
**بخداوند و بروز قیامت ایمان آورده باشند! برای آن امن قرار بده! و برای اهل آن**  
**از میوه جات روزی عطاء کن! خداوند فرمود: هر کسی که کافر شود برای او بهره**  
**کمی میدهم!!! سپس بناچار بسوی عذاب آتش میکشم! و آتش برای ورود او بد**  
**جائی است! و زمانی که ابراهیم و اسماعیل ستونهای کعبه را برافراشتند! و گفتند:**  
**ای صاحب اختیار کلّ ما! این کار را از ما قبول بفرما!!! بدرستی که فقط تویی**  
**شنوا و دانا! ای صاحب اختیار کلّ ما! و ما دونفر را برای خودت مسلمان شدگان**  
**قرار بده! و از فرزندان ما نیز امتی مسلمان برای خودت قرار بده! و راه عبادت و**  
**اطاعت را بمار روشن تر بنما! و برای ما لطف احسان عطاء فرما!!! تو؛ توبه را**  
**با مهربانی قبول میفرمائی! ای صاحب اختیار کلّ ما! در میان خود ما و از فرزندان**

**ما پیغمبری برانگیز! که آیات تو را برای مردم بخواند! و حکمت تو را به ایشان بیاموزد! و ایشان را پاک سازد زیرا که فقط عزیز و حکیم تویی!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات از ۱۲۵ تا ۱۲۹)

خداوند گفت: ای مؤمنین بگویند: بخداوند ایمان آورده ایم! و آنچه بهمانازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده ایمان داریم! و آنچه بموسی و به عیسی و پیغمبران دیگر از طرف صاحب اختیار کلّ ایشان داده ایمان داریم! و بین احدی از ایشان جدائی نمی افکنیم!!! و ما برای خداوند تسلیم شدگان و مسلمانیم! هر کسی دینی جز اسلام بجوید! از او پذیرفته نخواهد شد!!! و او در عالم آخرت از زیانکاران است!!!  
(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیات ۸۴ و ۸۵)

**و بیاد آور اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را هر یکی از ایشان نیکوکاران بودند!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره ص آیه ۴۸)

**و بیاد آور اسماعیل و ادیس و ذالکفل را که هر یکی از صبرکنندگان بودند!!! و ایشان را بر رحمت خود داخل نمودیم! زیرا که ایشان از شایستگان بودند!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره انبیاء آیات ۸۵ و ۸۶)

ای محمد! و در قرآن کریم! اسماعیل را بیاد آور زیرا که او در وعده خود راستگو و صادق بود! و رسول و پیغمبری رفیع الشان بود!! و اهل خود را بنماز و زکات امر میکرد! و در نزد صاحب اختیار کلّ خودش پسندیده بود! و در این قرآن ادیس را بیاد آور زیرا که او راستگو و رفیع القدر بود! و او را بمکان والائی بالا بردیم!  
(از قرآن کریم و از سوره مریم آیات از ۵۴ تا ۵۷)

**ای محمد! بدرستی که ما بسوی تو وحی کردیم! چنانکه بسوی نوح وحی کردیم و پیغمبران پس از او وحی کردیم! و بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان را وحی کردیم!!! و بدادود زبور را دادیم! و اینها رسولانی است که قصه ایشان را برای تو نازل کردیم! و خداوند با موسی تکلم کرده و سخن گفته است!!! رسولانی که بشارت دهنده و ترساننده مردم بودند! برای اینکه پس از آمدن رسولان!! برای مردم بر علیه خداوند حجتی نباشد! و خداوند عزیز و حکیم است!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره النساء آیات از ۱۶۳ تا ۱۶۵)

خداوندگفت: ای مؤمنین بگوئید: بخداوند ایمان آوردیم! آنچه بما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و اسباط نازل شده! آنچه بموسی و عیسی داده شده! و آنچه پیغمبران دیگر از طرف صاحب اختیار کلّ شان! داده شده ایمان داریم! و بین احدی از پیغمبران فرقی نمیگذاریم و ماتسلیم امر خداوند هستیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۱۳۶)

### نکاتی از مؤالف:

۱- از این آیات قرآن کریم چنین استفاده و ثابت میشود که اسماعیل!!! پسر بزرگ ابراهیم یگی از پیغمبران بزرگ خداوند و صاحب کتاب وحی منزل آسمانی بوده است!!!

۲- پیغمبرانی که در قرآن کریم بدنبال اسماعیل آمده است! که در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات فعلی نیامده است!!! شاید که این پیغمبران از نسل اسماعیل (از طایفه قیدار) بوده باشند!!!

۳- آخنین پیغمبر خداوند که محمد میباشد!!! بدون شک ثابت شده است!!! که از نسل اسماعیل (از طایفه قیدار) میباشد یعنی محمد از بنی اسماعیل بوده است! که در این باره هیچ شک و شبه وجود ندارد!!!

۴- اسماعیل در پیشگاه خداوند آنقدر احترام دارد!!! در جوار کعبه خداوند خانه داشت و دارد؛ و زندگی میکرد! و حال قبر مبارک او و مادر بزرگوارش دیوار بدیوار خانه خداوند قرار گرفته است!!! که حجاج قبر او و مادر گرامی اش را با خانه خداوند با هم طواف میکنند!!! و اسماعیل تنها پیغمبری است که طواف قبر او و مادر گرامی اش واجب است!!! و سعی و صفا و مروه یادگار فعل مادر اسماعیل خانم هاجر میباشد!!! و مادرش خانم هاجر تنها زنی است! که طواف قبر مبارک مبارکشان واجب میباشد! و صفا و مروه یادگار خانم هاجر برای حجاج واجب شده است!!!

۵- اسماعیل تنها کسی است که برای قربانی خداوند بدون عذرو بهانه! برای قربانی شدن به امر خداوند گردن نهاد و حاضر شده است!!! و خانه خداوند را با پدر گرامی اش ابراهیم با هم درست کردند و ساختند! و بخداوند هر دود عاو عبادت کردند!!!

خداوند فرمود: و محمد نیست مگر پیغمبر خداوند!!! حقیقت این است که پیش از او پیغمبران بودند! آیا اگر محمد بمیرد و یا گذشته شود؟! آیا شما از اسلام به آئین اعقاب خود برمیگردید! و کسیکه بعقب خود برگردد! بهیچ وجه بخداوند ضرری نمیرسانید! و بزودی خداوند شاکران را پاداش میدهد!!!  
(از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیه ۱۴۴)

### بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

کسانیکه کافر شدند! و مردم را از راه خداوند بازداشتند!!! اعمال ایشان را گمراه کردند!!! و آن کسانیکه ایمان آورده اند! و اعمال شایسته انجام داده اند! و ایمان آورده اند بر قرآنی که به محمد نازل شده است! و آن قرآنی که از طرف صاحب اختیار کلّ ایشان آمده است که حقّ میباشد!!! و کسانیکه ایمان آوردند! خداوند گناهان ایشان را از بین برده و محو میکند! و کارهای ایشان را اصلاح میکند!!! کافرانی که از باطل پیروی کردند اهل جهنم هستند!!! و آن کسانیکه ایمان آوردند و از راه حقّ پیروی نمودند! از فضل و رحمت خداوند استفاده کردند!!! و خداوند برای ایشان چنین مثل‌های را میزند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره محمد آیات از ۱ تا ۳)

**ولشگرهای آسمانها و زمین مال و ملک خداوند است!!! و خداوند غالب و حکیم است! ای محمد بدرستی که ما تو را فرستادیم! برای اینکه شهادت بدهی!!! و بشارت دهنده از رحمت الهی! ترساننده باشی از عذاب الهی!!! که تا بخداوند و رسول او ایمان بیاورند!!! و او را تأیید و بزرگش شمارند!!! و صبح و شام برای خداوند تسبیح نمایند!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره الفتح آیات از ۷ تا ۹)

خداوند اوست که رسول خود را با کتاب هدایت و با دین حقّ فرستاده! تا اینکه بر تمامی ادیان غالب سازد و پیروز گرداند!!! و خداوند برای گواهی دادن کفایت میکند و بس است! محمد رسول الله و کسانیکه با او هستند بر کافران سخت! و بین خودشان مهربان هستند! و ایشان را رکوع و سجده کنندگان می بینی! و از

خداوند فضل و رحمت و خشنودی میجویند!!! نشانه ایشان در صورتشان از اثر سجود است! و صفشان در تورات! و صفشان در انجیل مانند زراعتی است!!! که شاخک خود را بیرون می آورد! پس آن راکم می‌دهد تا سخت گردد! و بر روی ساقه اش بایستد! که زارعان را بتعجب می‌آورد! تا با وجود ایشان کفار را بخشم آورد! و کسانی که ایمان آوردند؛ عمل‌های شایسته انجام دادند! خداوند به ایشان وعده داده است! که بیمارزش و پاداش بزرگی عطاء فرماید!!!  
(از قرآن کریم و از سوره الفتح آیات ۲۸ و ۲۹)

زمانیکه عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل بدرستی که من بسوی شما رسول خداوند هستم! در حالیکه آنچه پیش از توراتی بوده تصدیق و تأیید میکنم و برای شما مژده میدهم به پیغمبری که بعد از می آید! که نام او احمد است! پس وقتی که احمد! با دل‌های روشنی بنزد ایشان آمده گفتند: این آشکارا سحر است! چه کسی ظالمتر از آن کسیکه بر خداوند دروغ بنند!!! در حالیکه او به اسلام خوانده میشود؟! و خداوند قوم ظالم را هدایت نمیکند! کافران میخواهند با دهان هایشان نور خداوند را خاموش کنند!!! و خداوند کامل کننده نور خویش است! و اگر چه کافران کراهت داشته باشند! و خداوندی است که رسول خود را با کتاب هدایت و بادین حق فرستاده است! تا آن را بر همه ادیان آشکارا پیروز گرداند! و اگر چه مشرکین نخواهند و کراهت داشته باشند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره الصف آیات از ۶ تا ۹)

### بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است برای خداوند تسبیح میکند!!! خداوندی که مالک و پادشاه پاک و منزّه و غالب و درستکار است!!! و خداوندی است که در میان بی سوادان رسولی را (محمد) از خودشان برانگیخت! که آیات او را بر ایشان بخواند! و ایشان را پاک نماید! و به ایشان کتاب قرآن و علم و حکمت خدا شناسی را بیاموزد بدون شک پیش از این در گمراهی آشکار بودند! و دیگران از

ایشان هستند که هنوز به ایشان ملحق نشدند! و خداوند است که عزیز درست کار! نبوت فضل و رحمت خداوند است! هر کسی را بخواهد به او میدهد! و خداوند صاحب فضل و رحمت است!!!  
(از قرآن کریم و از سوره جمعه آیات از ۱ تا ۴)

آن کسانی که پیغامهای خداوند را ب مردم میرساند!!! فقط از خداوند میترسند که جز خداوند از کسی نمیترسند! و خداوند برای حساب گری کافی است! **محمد پدر هیچ یکی از مردان شما نیست! بلکه رسول خداوند است! و ختم کننده پیغمبران میباشد! و خداوند بهر چیزی دانا بوده و هست!!!** ای آن کسانی که ایمان آورده اید خداوند را بسیار یاد کنید خوب یاد کردنی باشد!!! و شامگاهان با مردان برای خداوند نماز بگذارید و تسبیح بکنید! و **خداوندی است که با فرشتگان خود بر شما صلوات و سلام میفرستد! تا شما را از تاریکها بسوی نور و روشنائی هدایت میکند!!!** و او خداوند است که بمؤمنین مهربان است!!! و در روز قیامتی که خداوند املقت بکنند! زنده باد و درود ایشان سلام است! و خداوند برای ایشان پاداش کریم! و ارجمندی آماده کرده است! ای محمد پیغمبر! ماتور ابرای شهادت و مژده دهنده از رحمت خداوند! و ترساننده! از عذاب خداوند فرستادیم!!! و دعوت کننده بسوی خداوند!!! با اذن او تورا چراغی و نور روشنائی دهنده فرستادیم و برای مؤمنین مژده و بشارت بده! برای اینکه از جانب خداوند به ایشان فضل و کرم بزرگی آماده است!!! و از کافران و از منافقان اطاعت مکن!!! و آزار و اذیت ایشان را رها کن! و بر خداوند توکل کن!!! چون خداوند برای کارگذاری و وکیل شدن کافی و بس است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاحزاب آیات از ۳۹ تا ۴۸)

**خداوند فرمود: آهای مردم جهان! اگر شما از قرآنی که بر بنده خود محمد نازل کردیم در شک هستید! پس سوره بمانند آن را ابیاورید! و تمامی حاضران خود غیر از خداوند بخونید!!! کمک بطلبید که اگر در شگفتان راست میگوید: پس اگر**

**نتوانستید که این کار را انجام دهید!!!** و هرگز نمیتوانید این کار را انجام دهید!  
 پس بترسید از آتشی که آتش افروز آن مردم و سنگها است! که آن آتش برای  
 کافران آماده و مهیا شده است!!!  
 (از قرآن کریم و از سوره البقره آیات ۲۳ و ۲۴)

و این قرآن ساخته افترائی غیر از خداوند نبوده و نیست! بلکه تصدیق کننده آن  
 کتابی است که بین دست ایشان میباشد! و تفصیل و بیان این قرآن بدون اینکه  
 شکی در آن بوده باشد! از طرف صاحب اختیار کلّ جهانیان است! آیا میگویند:  
 قرآن را به خداوند افتراء یافته؟! ای محمد بگو: پس سوره مانند آن را بیاورید!  
 هر کسی را که غیر از خداوند میتواند کمک بخواند که اگر راست میگویند:  
 بلکه تکذیب کردند چیزی را که به آن علم ندارند! و هنوز تأویل آن برای ایشان  
 نیامده است! و این چنین است آنانی که پیش از ایشان بودند تکذیب کردند!!! پس  
 بنگر که عاقبت ستمگران چگونه بوده است!!!  
 (از قرآن کریم و از سوره یونس آیات از ۳۷ تا ۳۹)

ای محمد بلکه میگویند: این قرآن را بر خداوند بدروغ بسته! بگو: پس ده سوره  
 مانند آن را بیاورند! و هر کسی را غیر از گمان دارید!!! برای کمک بخوانید اگر  
 راست میگویند!!!  
 (از قرآن کریم و از سوره هود آیه ۱۳)

بگو: در دنیا و در قبر هر چه درنگ کردند فقط خداوند میداند! علم غیب و پنهانی  
 آسمانها و زمین را فقط خداوند میداند!!! این علم فقط از آن اوست و او را عجیب  
 بینائی و شنوائی است!!! و برای ایشان غیر از خداوند ولی و سرپرستی نیست  
 خداوند در حکم خود احدی را شرک نمیکند! و بخوان قرآنی را که از کتاب صاحب  
 اختیار کلّ تو! بسوی تو وحی فرستاده شده! و هیچ کسی نمیتواند کلمات قرآن را  
 عوض کند! هرگز غیر از او پناه گاه دینی و فرهنگی نمیابی!!!  
 (از قرآن کریم و از سوره الکهف آیات ۲۶ و ۲۷)

خداوند فرمود: ای محمد! بد رستیکه ما خودمان قرآن را بر تو نازل کردیم!!! که  
 نازل کردنی کامل! پس برای حکم صاحب اختیار کلّ خود صبر کن! و از گناه کاران  
 و کافران اطاعت مکن! که فساد از ریشه ایشان است! و در بامداد و شبانگاه نام  
 صاحب اختیار خود را ذکر کن!!!  
 (از قرآن کریم و از سوره الذّهر آیات از ۲۳ تا ۲۵)

ای مؤمنین از خداوند بترسید! و هر کسی باید ببیند برای فردای قیامت چه پیش فرستاده است! و از خداوند بترسید! و هر کاری که میکنید خداوند آگاه است!!! که مانند آن کسانی نباشید خداوند را فراموش کردند! پس آنهان خودشان را فراموش کردند!!! آن گروه خودشان از فاسقین هستند! باید کافران بدانید اهل آتش و اهل بهشت یکسان نیستند! اهل بهشت همان کسانی هستند! که کامیابان و رستکاران میباشند!!! اگر این قرآن را برکوها نازل کرده بودیم!!! بدون شک آن کوهها را از ترس خداوند فروتن و شکافته شده میدیدی! و این مثلها را برای مردم میزیم شاید که ایشان تفکر بکنند! خداوند حقیقی اوست! که جزا و الهی و معبود و ملجأ نیست! که فقط اوست و دانای غیب! و در همه جا حاضر و ناظر و شاهد فقط اوست و او بامهربانی بخشنده است!!!

(از قرآن کریم و از سوره الحشر آیات از ۱۸ تا ۲۲)

**خداوند فرمود: حقیقت این است که قرآن را برای یاد گرفتن دین الهی! و راه و روش و نصیحت آسان قرار دادیم! پس آیا هیچ نصیحت گیرنده هست؟؟؟؟!!!!**

(از قرآن کریم و از سوره القمر آیات از ۱۷ و ۲۱ و ۳۱ و ۴۰)

ای محمد! برایشان مسلط نیستی!!! و هر کسی که از وعده عذاب من میترسد!!! با این قرآن تذکر و نصیحت بده!!!

(از قرآن کریم و از سوره ق آیه ۴۵)

### بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

قسم به این قرآن ارجمند! که تو ترساننده! بلکه ایشان تعجب دارند! از خودشان شان ترساننده آمده است! پس کافران گفتند! این قرآن چیزی عجیبی است!!! و گفتند: آیا پس وقتیکه مُردیم و خاک شدیم دوباره زنده میشویم؟؟!! این برگشت

از فکر ما دور است! حقیقت این است که خداوند میدانند!!! آنچه از زمین ایشان کم میکند! و در نزد ما کتابی است که نکهت داده شمارش ایشان است! بلکه حق را تکذیب کردند! زیرا وقتی که قرآن حق برای ایشان آمده پس به اضطراب افتادند آیا به آسمان فوق سر خود شان تظن کردند؟؟؟! که چگونه خداوند آن را بنیاد کرده و زینتش داده؟! و هیچ شکاف و خللی ندارد؟؟؟! و زمین را گسترده و در آن کوههای بلندی را انداخته ایم! و در آن هر قسم گیاهی را زوج رویانیم! تا مایه بصیرت و تذکرو نصیحت گردد! برای هر بنده که بطرف قرآن حق برگشت کند!  
(از قرآن کریم سورة ق آیات از ۱ تا ۷)

**ایا پس درباره قرآن تفکر و تدبّر نمیکنند؟! ویا در دلهای ایشان قفلهایی است؟! بدرستی که کسانی که از دین بر عقب برگشته اند مرتد شدند! پس از آنکه هدایت قرآن برای ایشان روشن گریده مرتد شدند! برای اینکه شیطان آرزوهای ایشان ایشان را برای ایشان آراسته و زینت داده!!! و آرزوهای ایشان را دور دراز کرده است!!!**

(از قرآن کریم و سورة محمد آیات ۲۴ و ۲۵)

ای محمد زمانیکه گروهی از جن را بسوی تو ارسال کردیم!!! که این قرآن را بشنوند! پس وقتی که در نزد قرآن حاضر شدند!!! گفتند: ساکت و خاموش باشید پس زمانیکه قراعت قرآن تمام شد! و بسوی قوم خود برگشتند! در حالیکه ترساننده قوم خود بودند!!! گفتند: ای قوم ما بدرستی که ما کتابی را که بعد از موسی نازل شده است شنیده ایم!!! در حالیکه آن کتابی را که در جلوتر از او بوده تصدیق میکند و بسوی خداوند حق هدایت مینماید! و بسوی راه راست و مستقیم خداوند راهنمایی میکند! ای قوم ما دعوت کننده کتاب الهی را اجابت کنید و بیهوده اوایمان بیاورید تا خداوند گناهان شما را بیامزد! و شما را از عذاب دردناک نجات بدهد! و آن کسی که دعوت کننده خداوند را اجابت نکند! پس نمیتواند از زمین فرار کند خداوند را عاجز نماید! و برای او غیر از خداوند دوستانی نمیباشد!!! که آن گروه آشکارا در گمراهی هستند!!! آیا ندیدند که خداوند آسمانها و زمین را چگونه

آفریده؟ و از حلقه آنها خسته نشده! و قادر است که مردهها را دوباره زنده کند! بلی خداوند بهمه چیزی توانا است!!! روزی که آتش جهنم را بکافران نشان میدهند! و میگویند: آیا این آتش جهنم نیست؟! میگویند: بلی حق است و میگویند: قسم بصاحب اختیار کلّ مان که حق است! میگویند: پس عذاب آتش جهنم را بچشید! بمقابل آنچه بدان کافر شده بودید! پس ای محمد صبر کن چنانکه پیغمبران اولوالعزم صبر کردند!!! و برای عذاب کردن ایشان شتاب مکن!!! تا روز عذاب موعود را ببینند! گویا که در قبر جز ساعتی از روز درنگ نکردند!! که این قرآن رساننده رسالت خداوند ازلی است!!! پس آیا جز عصیان گران هلاک و نابود میشوند؟؟؟؟!!! (از قرآن کریم و از سوره الاحقاف آیات از ۲۹ تا ۳۵)

### بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

این قرآن از جانب رحمان و رحیم نازل شده است!!! که کتابی است که آیات آن در زبان عربی بیان شده! در حالیکه قرآنی است برای گروهی که بدانند! و این قرآن از رحمت الهی بشارت دهنده!!! و از عذاب الهی ترساننده است! پس اما بیشتر این قوم اعراض کردند که نمیشنوند!!! و گفتند: که دلهای ما از فهم آن قرآنی که ما را بسوی آن دعوت میکنی در پرده مستور است!!! در گوشهای ما سنگینی میان ما و تو خالی است! پس تو کار خود را بکن که ما کار خودمان می کنیم! ای محمد بگو: این جزاین نیست که من هم مانند شما بشری هستم!!! جز اینکه از خداوند بسوی من وحی میشود!!! و این است جزاین نیست خدای شما خداوند واحد و یکتا است!!! در حاجت توجه به او استوار و پایدار باشید!!! و از او آمرزش بخواهید! پس وای بر حال مشرکین! و آن کسانی که زکات نمیدهد همان کسانی هستند! به آخرت ایمان ندارند و ایشان کافران هستند!!! (از قرآن کریم و از سوره فصلت آیات از ۱ تا ۲۸)

خداوند فرمود: حقیقت این است که در قرآن برای مردم از هر مثلی زدیم!!! که ایشان پند و نصیحت بگیرند! قرآنی که در زبان عربی سهل و آسان خوانده می شود! و در او هیچگونه کجی و لغوی وجود ندارد! باشد که ایشان پرهیزکار باشند! (از قرآن کریم و از سوره الزمر آیات ۲۷ و ۲۸)

**خداوند فرمود: ای محمد بدرستی که ما این کتاب قرآن را بتونارل کردیم! تا برای مردم راه حق باشد! پس هر کسی که بوسیله این قرآن هدایت یابد بنفع خودش است! و هر کسی که گمراه باشد پس بر ضرر خود گمراه میشود! و تو برای ایشان وکیل نمیباشی و نیستی!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره الزمر آیه ۴۱)

### بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

سوگند به قرآنی که صاحب تذکر است! بلی کافران در آن سرکشی دارند و مخالف آن هستند! چه بسا بسیار از مردم را در قرنهای پیش از ایشان که هلاک و نابود کردیم! پس فریاد کردند و کمک خواستند! نفری برای ایشان فریادرسی نبود!!! و تعجب که از خودشان ترساننده برای ایشان آمده است!!! و کافران گفتند: این شخصی ساحر و سخت دروغگوست!!!  
(از قرآن کریم و از سوره ص آیات ۱ تا ۴)

**سوگند به قرآنی که با حکمت و علم است!!! ای محمد بدون شک تو از مرسلین میباشی! که مردم را براه راست خداوند هدایت بکنی! و این قرآن از طرف عزیز و رحیم فرستاده شده است!!! برای اینکه بترسی قومی را چنانکه پدران ایشان را ترساننده نشدند!!! پس ایشان قوم غافلان هستند! و حقیقت این است که سخن حق برای اکثر ایشان ثابت شده است! پس ایشان ایمان نمی آورند!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره یس آیات ۱ تا ۷)

خداوند فرمود: بر محمد شعر نیاموختیم! و برای او هم شعر گفتن سزاوار نیست! و اگر چه قرآن حرف و سخن او نمیباشد! مگر ذکر نصیحت و قرآن روشن و آشکار خداوند است! تا بوسیله قرآن آن کسانی که زنده هستند و حیات دارند بترسی و گفتار خداوند را بر کافران ثابت بکند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره سبا آیات ۶۹ تا ۷۰)

خداوند فرمود: ای محمد ماتورا نفرستادیم مگر برای عموم مردم! که از رحمت الهی بشارت بدهی! و از عذاب الهی بترسانی! که بلکه بیشتر مردم نمیدانند! می گویند: اگر راست میگویند: که روز قیامت کی خواهد آمد؟! و وقت آن وعده چه وقت خواهد شد؟! بگو: برای شما روز قیامت و عدگاهی است! که ساعتی از آن بعقب نخواهد افتاد!!! و ساعتی جلو نمیشود! و کسانی که کافر شدند گفتند: به این قرآن! و آن کتابی که جلوتر از آن بوده هرگز ایمان نمی آوریم! و اگر در روز قیامت وقتی را که ستمگران را!!! در پیشگاه صاحب اختیار کل خودشان!!! ببینی! که باز داشت شدند!!! و بیکدیگر سخن را بر میگردانند!!! آنانی که در دنیا ضعیف و زبون شده بودند! به کسانی که در دنیا زندگی بزرگی و آقای کرده بودند میگویند: اگر شما نبودید حتماً ما مؤمن شده بودیم! و شما ما را از راه خداوند باز داشتید! و از راه الهی صدمی کردید! و کسانی که بزرگی و آقای کرده بودید! بضعفان و زبوان میگویند: آیا ما شما را از هدایت باز داشتیم؟! بعد از آنکه هدایت خداوند برای شما آمده بود؟! بلکه شما خودتان مجرم بودید!!! و کسانی که ضعیف و زبون بودند! بکسانی که بزرگی و آقای کرده بودند! میگویند: چنین نیست بلکه نیرنگ شب و روز شما باعث گمراهی ما بوده! و وقتی که برای ما امر می کردید که بخداوند کافر شویم! و برای خداوند همتایان قرار بدهیم! که در سرنوشت خود دخیل بدانیم! و اما وقتی که عذاب خداوند را ببیند! اظهار پشیمانی میکند! بگردن کسانی که کافر شدند غلغلهای قرار میدهم! آیا آنچه بدعمل میکردند جز این جزاء داده میشوند؟! و بهیچ قریه و آبادی بیم دهنده و ترساننده نفرستادیم! مگر اینکه متنعمین: ثروت مندان آنان گفتند: ما به آئینی که شما و امور ابلاغ آن هستید به آن کافر هستیم!

(از قرآن کریم و از سوره سبا آیات از ۲۸ تا ۳۴)

خداوند آسمانها و زمین را بحق آفریده است! بدرستیکه در خلقت آنها نشانه و آیات و قدرت خداوند! برای کسانی که ایمان آوردند وجود دارد! **ای محمد آنچه از این قرآن بتو وحی شده بخوان!!! و نماز را بپا دار بدرستیکه نماز انسان را از کارهای زشت و ناروا باز میدارد!!! و بدو نشک ذکر خداوند خیلی بزرگ است و هر کار و عملی را که انجام میدهید خداوند میداند!!! و با اهل کتاب مجادله می کنید جز بطریق نیکوتر است! و مجادله مکن مگر با کسانی که ایشان ظلم کردند! و بگوئید: آنچه بما نازل شده! و آنچه بشما نازل شده ایمان داریم!!! و بگوئید: و خدای مایکی است و مامطیع خداوند واحد و یکتا هستیم!!! و بدینگونه این قرآن را بسوی تو نازل کردیم! پس آن کسانی که به ایشان کتاب دادیم!!! به این قرآن ایمان می آورند! و بعضی از ایشان به این قرآن ایمان می آورند! و منکرایات ما نمیشوند! مگر کافرانیکه ایمان نمی آورند! **ای محمد و پیش از نزول قرآن کتابی نخوانده بودی و با دست خود خط و کتابی نوشته بودی!!! که اگر خطی نوشته بودی! آن وقت ابطال گران شگ می کردند! بلکه این قرآن آیات خداوند و دلیل های روشنی است! بر سینه های کسانی که علم و دانش خداشناسی داده شدند! و جز ظالمان منکرایات خداوند نمیشوند! و گفتند: که چرا از جانب صاحب اختیار کل! به او معجزات دیگر نازل نمیشوند!!! ای محمد بگو: این است جز این نیست که معجزات در نزد خداوند است! (اگر بخواهد میفرستد) و این است جز این نیست که من فقط آشکارا ترساننده هستم!!! ای محمد آیا این کتاب قرآن را که بتو فرستادیم! که برای ایشان خوانده میشود کفایت نمیکند؟! بدرستیکه در این کتاب رحمت و هدایت و تذکر و نصیحت خداوند است!!! برای گروهی که بخداوند ایمان می آورند ثابت شده است! بگو: خداوند جهان هستی آنست که آنچه در آسمان و زمین است میداند! و خداوند برای شهادت دادن بر شما کافی است! و آن کسانی که غیر از خداوند بباطل ایمان آوردند! و بخداوند جهان هستی کافر شدند!!! آن گروه برای خودشان زیان کردند و زیانکار شدند!!! و بشتاب از تو عذاب میخواهند و اگر اجل ایشان معین نبود (عذابی را برایشان آمده بود) بدو نشک عذاب ناگهانی****

به آنان خواهد رسید! در حالیکه بیخبر بوده باشند! و بشتاب از تو عذاب میطلبند! و بدرستی که جهنم احاطه کننده و فراگیرنده کافران است! روزی که عذاب از بالای سرشان! و از زیر پایهاشان!!! ایشان را فراگیرنده است! و خداوند میگوید: این عذاب را بچشید!!! زیرا که بسبب آنچه را که در دنیا عملهای بدی را انجام داده بودید!!!

(از قرآن کریم و از سوره العنکبوت آیات از ۴۴ تا ۵۵)

ای محمد! بدرستی که آن کسیکه ابلاغ این قرآن را به عهده تو واجب کرده است! و بدون شک! تو را بروز قیامت باز میگرداند!!! بگو: صاحب اختیار کل من! بهتر میدانند! که چه کسی هدایت خداوند را آورده است!!! و چه کسی آشکارا گمراه است!!! و تو امید داشتی که این کتاب قرآن بتو فرستاده شود!!! مگر اینکه این نبوت رحمت صاحب اختیار کل تو بوده است!!! پس پشتیبان کافران مباش!!! و هوشیار باشی که کافران تو را از آیات خداوند منحرف نکنند! و بعد از آنکه آیات خداوند بتو نازل شده است بازت ندارند! و تمامی مردم را بسوی صاحب اختیار کل خود! بخوان و دعوت کن!!! و از مشرکین مباش!!! و با خداوند حقیقی و خالق خودت! الهی دیگری و مقصد را مخوان! و خداوند دیگری نیست!!! مگر خداوندی که صاحب اختیار کل همه چیز! و همه موجودات است!!! و همه چیز و همه کس فانی و نابود شدنی است! مگر ذات قدوس خداوند خلاق جهان هستی!!! و تمامی حکم و فرمان مخصوص اوست!!! و همه چیز و همه کس بسوی او بازگشت خواند کرد!!!

(از قرآن کریم و از سوره القصص آیات از ۸۵ تا ۸۸)

این قرآن کتاب روشن آشکار است! و این قرآن هدایت کننده براه خداوند است! و مرزده دهنده از رحمت خداوند برای مؤمنین است! مؤمنین کسانی هستند نماز را بیامیدارند! و زکات را میدهند! و آنان به آخرت و روز قیامت را یقین دارند!!! و کسانی که بجهان دیگر ایمان ندارند! اعمال ایشان را برایشان آراسته ایم! پس ایشان حیران ماندگانند! آن گروه کسانی هستند! که برای ایشان عذاب دردناک و بدی است!!! و ایشان در آخرت زیانکار تر هستند!!! ای محمد! بدرستی که قرآن بتو از جانب خداوند حکیم! و دانا! و فرستاده میشود!!!

(از قرآن کریم و از سوره التمل آیات از ۶۱ تا ۶۴)

ایمحمّدبگو: این است جزاین نیست که بمن امر شده است!!! که صاحب اختیار کلّ! این شهرمگه را عبادت و بندگی کنم! که احترامش راداده است! و همه چیز مال و ملک اوست!!! من مأمورم که از مسلمین بوده باشم! و این قرآن راتلاوت و قرائت بکنم!!! پس هرکسیکه هدایت را پذیرفت!!! پس این است جزاین نیست برای نفع خودش هدایت یافته است!!! و هرکسیکه گمراه شده است برخودش گمراه شده است! و بگو: این است جزاین نیست من فقط از عذاب خداوند ترساننده هستم! و بگو: حمد و ثنا و ستایش و عبادت مخصوص خداوند است!!! که بزودی آیات خود را بشما نشان خواهد داد!!! و شما هم آیات او را خواهید شناخت!!! هر عملی و کاری را که انجام میدهید!!! خداوند از آن غافل و بیخبر نیست!!!

(از قرآن کریم و از سوره التّمل از آیات ۹۱ تا ۹۳)

ای محمد زبانت را برای خواندن قرآن باعجله و شتاب حرکت مده! بدرستی که جمع آوری و خواندن قرآن بر عهده خداوند است!!! (که تو برای خواندن قرآن وسیله هستی) پس وقتی که ما قرآن را میخوانیم!!! تو از خواندن ما پیروی کن! قرآن را مثل ما بخوان پس بدرستی که در آینده (یعنی بعد از تو در قرنهای خواندن قرآن بر عهده خداوند است) خواندن و بیان کردند قرآن بر عهده ما است!!!

(از قرآن کریم و از سوره القیامت آیات ۱۶ تا ۱۹)

### بنام خداوندی که با مهربانی بخشنده است

ای محمد بگو: بسوی من وحی شده! که بقرائت قرآن من! عده از جنیان گوش دادند و شنیدند! پس گفتند: که ما قرآن عجیبی را شنیدیم!!! که بسوی هدایت و راستی و کمال دعوت میکند!!! پس به آن قرآن ایمان آوردیم!!! **واحدی را با صاحب اختیار کلّ خود! شریک نمیسازیم!!! و بدرستی که عظمت صاحب اختیار کلّ ما! بالاتر و برتر است! و برای خود زن و فرزندی نگرفته است!!! و بدرستی که**

سفیه ما بر خداوند دور از حقیقت سخن میگوید: بدرستی که ما گمان میکردیم! که هرگز انس و جنّ بر خداوند دروغی نسبت نمیدهند!!! بدرستی که مردانی از بشر بمردانی از جنّ پناه میبردند! پس ایشان طغیان و گمراهی آنان را زیاد کردند! و اینکه ایشان گمان کرده اند چنانکه شما گمان کرده اید! که خداوند احدی را برای پیغمبری هرگز مبعوث نخواهد کرد (که بعد از نزول قرآن و مبعوث محمد) و بدرستی که ما به آسمان نزدیک میشدیم! پس از نزول قرآن آن راپرازنگهبانان باشدت!!! با تیرهای آتشبار یافتیم! و ما قبل از قرآن چنین بودیم!!! که در کمین گاه ملاء اعلی برای شنیدن وحی می نشستیم! ولی الآن اگر هر کسی گوش فرادهد تیرهای آتشبار در کمین او میباشد! و بدرستی که الآن ما میدانیم که آیا برای اهل زمین شرّ اراده کرد! و یا اینکه صاحب اختیار کلّ ایشان! برای ایشان اراده خیر و اصلاح کرده است! و بدرستی که بعضی از ما صالح و مؤمن هستند!!! و بعضی پست تر از آن کافر و فاسد هستند!!! و ما مذاهب متفرقه و فرق مختلفه گوناگون بودیم! و بدرستی که الآن چنین دانستیم که بر قدرت خداوند در زمین هرگز غلبه نخواهیم کرد! و از محط اقتدارش فرار نمیتوانیم بکنیم! و وقتیکه هدایت خداوند را که شنیدیم با آن ایمان آوردیم! پس آن کسیکه به صاحب اختیار گش! ایمان آورد!!! از نقصان خیر و زیادی عدوان نمیترسد!!! و اینکه بعضی از ما مسلمان هستند! و بعضی از ما منحرف هستند! پس آن کسیکه اسلام آورد آن گروه راه صواب و کمال را خواسته و طلبیدند! و اما منحرفین پس هیزم جهنّم هستند!!! و اینکه برای راه خداوند و در ایمان پایدار بمانند!!! بدو نشکّ برای ایشان آب فراوان خواهیم داد! تا ایشان را در آن بیازمائیم! و هر کسی از صاحب اختیار کلّ خود اعراض کند! صاحب اختیارش او را به عذاب سخت وادار میکند! و بدرستی که مساجد مخصوص خداوند است! پس با خداوند احدی نخوانید و حوائج نخواهید! و وقتیکه بنده خداوند ایستاده که خداوند را تنها واحد بخواند!!! و از او حاجت بخواهد!!! نزدیک بود که بسراو هجوم آوردند و بزنند (که چرا خداوند را تنها میخوانی) ای محمد بگو: این است جزاین نیست!!! بدرستی که من فقط تنها

**صاحب اختیار کلّ خودم را میخوانم!!! و حوائج را از او میخواهم!!! واحدی را شریک او قرار نمیدهم!!!** و بگو: بدرستی که من مالک نفعی و ضرری برای شما نیستم! بگو: بدرستی که مرا از قهر و غضب خداوند!!! هرگز احدی نمیتواند پناهی بدهد! و غیر از خداوند هرگز پناهی نخواهم یافت!!! مگر اینکه تبلیغ کننده از طرف خداوند هستم! و پیغامهای او را بر عهده دارم! هر که از خداوند و از رسول او نافرمانی کند! پس بدرستی که برای او آتش جهنّم است! که در آن عذاب همیشه و جاوید خواهد ماند! تا وقتی که آنچه راکه وعده داده میشود ببینند! پس بزودی خواهند دانست!!! چه کسی ناتوان تر و عدش کمتر است!!! ای محمد بگو: من میدانم آنچه راکه روز قیامت وعده داده میشود!!! آیا نزدیک است یا نه؟! و یا صاحب اختیارم! برای مدّتی قرارداد است یا نه؟ خداوندی که دانائی غیبها است!!! که احدی را برای علم غیب خودش مطلع نمیگرداند! مگر آن رسولی را راضی باشد و بیسندد!!! که بدرستی که خداوند میفرستد!!! و میگرد از جلو و عقب او نگهبانی!!! تا بداند رسولان رسالات صاحب اختیار کلّ خودشان را! رسانیده و ابلاغ کرده اند؟! و خداوند آنچه بنزد رسولان است احاطه دارند و خداوند عدد هر چیزی را شمارش کرده است! و همه چیز را میداند!!!

(از قرآن کریم و از سوره جنّ)

**و در روز قیامت آسمان با ابرها شکافته میشود! و فرشتگان با سرعت نازل می شود! در آن روز مالکیت حکم مخصوص بحقّ خداوند رحمان است! و بر کافران روزی بسیار سخت میباشد!!! و روزی است که ظالم و ستمگر دوست خود را از حسرت پشیمانی با دندان میچوند!!! و میگویند: ایکاش با این محمد رسول الله همراهی و همکاری کرده بودم!!! و میگوید: ای وای بر من کاش فلانی که گمراه بود دوست خود نگرفته بودیم! حقیقت این است که آن گمراه مرا از این قرآن محروم ساخته و گمراه نموده! پس از آنکه قرآن برای راهنمایی من آمده بود!!! و شیطان خوارکننده و مایه خزلان انسان است!!! و در روز قیامت محمد رسول الله میگوید: و یا شکایت میکند!!! ای صاحب اختیار کلّ! من بدرستی که**

من این قرآن متروک کردند و از خودشان جدا کردند! و آن را بی اعتنائی گرفتند!  
و آن کسانی که کافر شدند گفتند: چرا این قرآن را تماماً یک مرتبه بر محمد نازل  
نشده است؟! ای محمد قرآن را بدینگونه نازل کردیم! که دل تو را با آن تقویت  
کنیم! و قرآن پی در پی بترتیب فرستادیم  
(از قرآن کریم و از سوره الفرقان آیات از ۲۵ تا ۳۲)

خداوند فرمود: ای محمد ما قرآن را بر تو نازل کردیم! مگر اینکه شفای و آسودگی  
پیدا کنی! و مگر نصیحت! راه روش برای آن کسانی که از خداوند میترسند! نزول  
قرآن از طرف کسی است! که زمین و آسمانها را اعلی تر آفریده است!!! خداوند  
رحمانی که بر عرش نافذ است! و آنچه در زمین و آنچه در آسمانها و آنچه مابین  
این دو آنچه در زیر زمین است! ملک و مال خداوند باقی میباشد! و اگر گفتارت را  
آشکار کنی و یاپنهانی نمائی او میداند! بدرستی که تمامی اسرار و مخفی آسمانها  
و زمین را خداوند میداند!!! خداوند الهی نیست! مگر خداوند خلاق حقیقی جهان  
هستی! و تمامی نامهای نیک و نیکو مخصوص اوست!!!  
(از قرآن کریم و از سوره طه آیات از ۸ تا ۱۸)

و هر کسی که کارهای شایسته انجام بدهد!!! در حالیکه ایمان داشته باشد!!! پس  
نباید از ستم و پای مال شدن حقیقت بترسد!!! و بدینگونه آن کتاب را قرآن  
عربی نازل کردیم! و در آن از وعید مکرر بیان کردیم! شاید که پرهیزکار شوند!  
و یا برای ایشان ایجان تذکر کند!!! پس بر تراست خداوندی که مالک و واجب  
الوجود است! ای محمد درباره یادگیری قرآن شتاب و عجله مکن!!! پیش از  
آنکه وحیش بر تو انجام شود! و بگو: ای صاحب اختیار کل من علم و دانش مرا  
زیاد فرما!!!  
(از قرآن کریم و از سوره طه آیات از ۱۱۲ تا ۱۱۴)

و در روز قیامت تمامی انسانها با امری خداوند از قبور بیرون می آید! پس کسانی که  
در دنیا ضیف بودند!!! به آن کسانی که در دنیا بزرگی کرده بودند!!! میگویند: که  
مادر دنیا تابع و پیرو شما بودیم!!! پس آیشما امروز چیزی از عذاب خداوند را!!!  
از مایه دفع کننده هستی و از ماکفایت میکند؟! آنان در جواب میگویند: که اگر خداوند

ما راهدایت کرده بوده! ما هم نیز شماراهدایت کرده بودیم! که برای ما مساوی است چه جزع بکنیم ویا صبرنماییم!!! که برای ما از عذاب خداوند جای گزیزی نیست! وقتیکه در روز قیامت حکم وفرمان خداوند به اجراء گذاشته میشود!!! شیطان میگوید: بدرستی که خداوند بر شما وعده حقی راداده! و من بر شما وعده دادم پس در وعده خود با شما خلاف کردم! و من بر شما تسلطی نداشتم! جز این که شما را دعوت کردم! پس شما هم حرف مرا قبول کردید!!! پس مرا مزمت نکنید! پس خودتان را ملامت و مزمت کنید!!! و من فریادرسی بر شما نیستم! و شما هم نیز فریادرسی من نیستید!!! بدرستی که پیش از این درد دنیا مرا شریک خداوند ساخته اید!!! من این عمل شرک شما را انکار میکنم و قبول ندارم!!! بدرستی که برای کسانی که ظالمین هستند!!! عذاب دردناک آماده است وجود دارد!!!

(از قرآن کریم سوره ابراهیم آیات از ۲۱ و ۲۲)

وای محمد بخوان قرآنی را! تدبر کن که از کتاب صاحب اختیار کلّ تو!!! که بسوی تو وحی شده است! و کلمات قرآن را عوض و تبدیل کننده نیست و وجود ندارد! که جز قرآن پناه گاهی فرهنگی و دینی الهی هرگز نمیتوانی بیابی! و خودت هم صبر کن با کسانی که صبح و شام صاحب اختیار کلّ خودشان را! میخوانند! و حاجت میطلبند! و رضای او را میخواهند!!! و دو چشمت را از ایشان مگردان!!! و کسی که زینت و زندگی دنیار را بخواهند از او اطاعت مکن!!! و کسی که دل او را از یاد و ذکرمان غافل کردیم! و هوای نفس خود را پیروی کرده!!! و کار او زیاده روی و تعدی است پیروی مکن! و بگو: این قرآن حقّ از طرف صاحب اختیار کلّ شما! پس هر کسی که بخواهد بقرآن ایمان بیاورد آزاد است! و هر کسی که بخواهد بقرآن کافر شود آزاد است! پس برای ظالمین آتشی رامهیا و آماده کردیم!!! که سراپرده آتش است که ایشان را احاطه کرده است! و اگر فریادرسی بجویند باآبی مانند فلز گداخته فریادرسی میشود!!! که صورتهای ایشان را بریان میکند!!! و آن بد شرابی و بد آرامگاهی بد است!!! بدرستی که کسانی که ایمان آورده!!! و کار

های شایسته انجام دادند! در واقع خداوند اجر آن کیسکه کار نیکی آورده ضایع نمیسازد! آن گروه کسانی هستند!!! که برای ایشان بهشتهای همیشگی وجود دارد! که از زیر درختان و قصرهای آن نهرها جاری است! در آنجا از دسبند های طلا زیور میشوند! و از جامه های سبز! سندس و استبرق می پوشند!!! در حالیکه بر تخت ها تکیه میزنند که در آنجا خوب شرابی و خوب تکیه گاهی است!!!  
(از قرآن کریم و از سوره الهف آیات از ۲۷ تا ۳۱)

خداوند فرمود: مادر خلقت آسمانها و زمین گمراه کنندگان را شاهد نگر فتم! و در خلقت خود ایشان در ایشان مددکار هم نگر فتم!!! و روز قیامت خداوند بگمراهان خواهد گفت: مردانی را که برای من شریکان میکردید! پس برای کمک خوتان بخوانید و ندا کنید! که ندا کنندگان ایشان برای ایشان جواب نمیدهند!!! و بین ندا کنندگان و ندا شوندهگان جدائی می اندازیم! و جای هلاکت قرار میدهم!!! و زمانی که گناه کاران آتش جهنم را که دیدند! خواهند دانست که در آن واقع و نگهدای کننده نخواهند شد! و از آن جای برگشتی نخواهند یافت! **حقیقت این است که در این قرآن بیانهای گوناگون!!! برای مردم از هر مثلی بیان کردیم! زیرا که جدل و خصومت انسان از هر چیزی بیشتر است! و چه چیزی باعث شده که مردم را! از ایمان بازداشت کردند ایمان نیاورند! و تکیه برای ایشان هدایت آمد!!! و از طلب مغفرت از صاحب اختیار کلّ خودشان! جلوگیری نکرد!!! مگر اینکه روش گذشتگان برای ایشان بیاید! و عذاب در روبروی ایشان را دریابد! پیغمبران را نفرستادیم مگر اینکه از عذاب الهی بترسانند! و از رحمت الهی بشارت بدهند و آنانیکه کافر شدند با آیات ما بمخاصمه باطل پرداختند! تا به آن حق را از بین ببرند! و آیات مرا با آنچه ترسانیده شده بودند به استهزا گرفتند!!! و کیست که ظالمتر از آن کسیکه با آیات صاحب اختیار کلّ خودش؟؟؟؟! تذکر و نصیحت داده شود؟! و او از آیات خداوند اعراض کرده باشد؟! و آنچه بادو دست خودکاری را که انجام داده فراموش کند؟! بدرستی که ما بردلهای ایشان پوشش قرار دادیم**

مبادا که آن تذکر را بفهمند! و در گوشهای ایشان سنگینی هست! و اگر ایشان را بسوی هدایت خداوند بخوانی!!! در این هنگام هرگز هدایت نمیابند!!! ای محمد صاحب اختیار کلّ تو! آمرزنده و بخشنده و صاحب رحمت است! اگر ایشان را به آنچه گناه انجام دادند! مواخذه کند! باید ایشان را بتعجیل عذاب کند! بلکه برای ایشان وعده گاهی قرارداد است! که هرگز جز خداوند پناهی نمیابند!!! و از آن قریه را که هلاک کردیم و قتیکه ظلم کردند!!! برای هلاک ایشان وعده گاهی قرارداد بودیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره الهف آیات از ۵۱ تا ۵۹)

بدرستی که این قرآن به آنچه درست ترین راه خداوند است هدایت میکند!!! و مؤمنانی که عملهای شایسته انجام میدهند برحمت الهی بشارت میدهد! و برای ایشان در پیشگاه خداوند اجر بزرگی آماده است!!! بدرستی که آن کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند!!! برای ایشان عذاب دردناکی را مهیا و آماده کردیم! انسان شرّرا چنان در اخست میکند! که مثل اینکه خیر را درخواست میکند!!! و انسان عجول بوده است! و شب و روز را دو آیت و نشانه قدرت خداوند!!! و دلیل خلق بر مصالح دین و دنیا قراردادیم! پس آیت شب را تاریکی نمودیم!!! و آیت روز را روشنی قراردادیم! تا از فضل و رحمت صاحب اختیار کلّ خود تان! بجوئید و تا شماره روزهای و ماهها و سالها را حساب کنید! و بدانید و هر چیزی که در زندگی برای انسان لازم است! که در قرآن توضیح دادیم و توضیح کامل! و خیر و شرّ هر انسانی را ملازم گردنش نمودیم!!! و در روز قیامت برای او کتابی را بیرون میآوریم! تا آن را گشوده ببیند! و گفته میشود امروز کتابت را بخوان نفس تو بر خودت حساب کننده کافی است!!! هر کسی که هدایت یافته باشد!!! پس این است جزاین نیست که برای خودش هدایت یافته میشود!!! و هر کسی که گمراه شود! پس این است جزاین نیست بر علیه خودش گمراه میشود!!! و هیچ کسی بردارنده گناه دیگری را نیست! و ما هم عذاب کننده نمیباشیم! تا اینکه رسولی بفرستیم!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاسراء آیات از ۹ تا ۱۵)

ای صاحب اختیار کلّ شما! پسران را بشما برگزید؟ از فرشتگان دخترانی را برای خود گرفته است؟؟!! بدرستیکه شما بدون شک سخن بزرگی میگویند: و حقیقت این است که تمامی سخن حقّ را در این قرآن بیان کردیم!! که تا پند و نصیحت بگیرند! و قرآن برای ایشان نمی افزاید مگر نفرتی! ای محمد بگو: اگر آن چنانکه ایشان میگویند: با خداوند خدایان دیگر بوده؟! در این صورت بسوی خداوند صاحب عرش راه یافته و مسلط شده بودند! که خداوند از این عیب ایرادی پاک و منزّه و بالاتر است از آنچه میگویند: خداوند از آن مقام بالاتر و برتر بزرگتر را دارد!! و آسمانهای هفتگانه و زمین و کسانیکه در آنها هستند!! بر خداوند تسبیح و ذکر میگویند: و چیزی نیست مگر اینکه بستایش و حمد و ثنای خداوند تسبیح می کند! بلکه تسبیح ایشان را شما نمی فهمید! بدرستیکه خداوند بر دبار و آمرزنده میباشد! و زمانی که قرآن را میخوانی بین تو! و بین آن کسانیکه به آخرت ایمان نمی آورند پرده نهانی قرار میدهم! و بر عقلهای ایشان پوشش های قرار دادیم! که قرآن را نفهمند!! و در گوشهای ایشان سنگینی نهادیم!! و قتی که صاحب اختیار کلّ تو را! در قرآن تنها یاد میکنی و میخوانی!! که در حالت نفرت پوشت کرده و فرار میکنند! و قتی که بسوی تو گوش میدارند! و برای چه گوش میدهند ما داننا تر هستیم! آنگاه که ایشان در نجوای و در راز صحبت میکنند!! و آنگاه که ظالمان میگویند: پیروی نمیکند مگر مردی را که سحر شده است! بنگر چگونه برای تو مثنیهای زدند! پس گمراه شدند که نمیتوانند راه هدایت خداوند را بیابند و گفتند: آیا وقتیکه ما استخوانهای پوسیده و ریزه ریزه شدیم؟؟؟؟!! بدرستیکه آیا بدون شک برانگیخته و زنده مخلوق جدید خواهیم شد؟؟!! ای محمد بگو: اگر سنگ و یا آهن هم شده باشید باز هم زنده خواهید شد!! و یا مخلوقی از آنچه در ذهن و نظر شما بزرگ می آید زنده خواهد شد!! پس از آن میگویند: چه کسی ما را زنده کرده برمیگرداند! بگو: آن کیسکه اوّلین بار شما را از عدم و نیستی آفریده است! پس از آن سرهایشان را بسوی تومی جنبانند! و میگویند: چه وقت خواهد؟! بگو: شاید نزدیک باشد!! روزی که شمارا میخوانند برای حساب که با ستایش و حمد خداوند جواب میدهید! و گمان میبرید که در قبر درنگ نکردید مگر اندکی زمانی اندک!!!

(از قرآن کریم و از سوره الاسراء آیات از ۴۰ تا ۵۲)

وای محمدبگو: راه حقّ خداوند آمد! و باطل از بین رفت نابود شد!!! زیرا که راه باطل از بین رفتنی و نابود شدنی است!!! و از آنچه قرآن را که فرستادیم! برای مؤمنین شفاء و رحمت است! و برای ظالمین نمی افزاید مگر زیان و خسارت را!!! از زمانیکه بر انسان نعمتی رامیدهیم اعراض میکند و روی برمیگرداند!!! و زمانیکه به او شرّی برسد مأیوس و نا امید میشود! بگو: هر کیسکه بهر راه و روشی که عمل میکند صاحب اختیار کلّ شما! داناتر است! و آن کیسکه راه هدایتش درست تر است راه خداوند است! **درباره روح از تو سؤال میکنند!؟!! بگو: روح از امر و فرمان و دستور صاحب اختیار کلّ من است!!! و بشما از علم و دانش داده نشده مگر اندگی!** و اگر بخواهم آنچه را که بسوی تو وحی کردیم بدون شک برمی گردانیم! پس در اینصورت برای خود بر ما مخاصمه و بازخواست کننده نمیبایی!!! مگر اینکه قرآن از فضل و رحمت صاحب اختیار کلّ تو! بر تو رحمتی است!!! بدرستیکه فضل و رحمت خداوند بر تو بزرگ بوده است!!! **بگو: اگر انس و جنّ اجتماع کنند! برای اینکه بمانند این قرآن را بیاورند! نمیتوانند بمانند این قرآن را بیاورند! اگرچه پشتیبان بعضی بر بعضی دیگر را میباشند! و حقیقت این است که مابرای مردم در این قرآن از هر مثلی را بیان کردیم! پس بیشتر مردم هدایت راست خداوند را نخواستند!!! مگر کفر کردن و پوشیدن حقّ را خواستند! و گفتند: هرگز بتو ایمان نمی آوریم!!! تا از زمین برای ما چشمه را خارج کنی و بیرون بیاوری!!!**

(از قرآن کریم و از سوره الاسراء آیات از ۸۱ تا ۹۰)

پس وقتیکه خواستی قرآن بخوانی و قرائت کنی!!! از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر! بدرستیکه آن کسانی که ایمان آوردند!!! و بر صاحب اختیار کلّ

خودشان توکل میکنند! برای شیطان برایشان تسلطی نیست! این است جزاین نیست تسلط شیطان برای کسانی است! که او را دوست میدارند و اطاعت می کنند! و کسانی که خود ایشان بخداوند شرک می آوردند!!! و هرگاه آیه قرآن را بمرکز و جای دیگر آیه قرآن تبدیل کنیم و خداوند اناتراست!!! به آن قرآن را نازل میکند!!! و میگویند: این است جزاین نیست! ای محمد تو بر خداوند افتراء زنده هستی بلکه بیشتر ایشان نمیدانند! بگو: قرآنی که از صاحب اختیار کلّ خودم میباشد!!! که روح القدس بحق نازل کرده است! تا ثابت بدارد برای آن کسانی که به قرآن ایمان آوردند! و برای مسلمین هدایت و بشارت دهنده باشد!!!  
(از قرآن و از سوره التّحل آیات از ۹۸ تا ۱۰۲)

### بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

این آیات قرآن کتابی روشنی است!!! بدرستی که ما این قرآن را در لغت عربی نازل کریم! که شاید شما درباره آن تعقل و تفکر کنید! ای محمد بهترین حکایت و قصه هارا در قرآن بتو وحی کردیم و خواندیم! که قبل از نزول قرآن تو از آنها بدون شک بیخبر و غافل بودی!!!  
(از قرآن کریم و از سوره یوسف آیات از ۱ تا ۳)

خداوند فرمود: و زمانیکه آیات روشن و واضح ما برای ایشان خوانده و قرائت میشود!!! آن کسانی که به ملاقات روز قیامت ما امید و باور ندارند میگویند: که قرآن غیر از این قرآن بیاور! و یا این قرآن را عوض و تبدیل کن! بگو: برای من جائز نیست که قرآن را عوض و تبدیل کنم!!! زیرا که از نزد من نیست که عوض و تبدیل بکنم! بلکه از نزد خداوند است!!! من پیروی نمیکنم مگر آنچه از طرف خداوند بسوی من وحی میشود! بدرستی که اگر من از صاحب اختیار کلّ خودم نافرمانی و عصیان بکنم!!! از عذاب روز بزرگ قیامت میترسم! بگو: اگر خداوند خواسته بود من قرآن را بر شما نمیخواندم و تلاوت نمیکردم!!! و خداوند قرآن را بشما اعلان نمیکرد! حقیقت این است که پیش از نزول قرآن یک عمری در

میان شما مانده و زندگی کردم!!! آیا پس نمی اندیشید؟! پس ظالمتر از آن کیست که بخداوند دروغ و افتراء بزند؟! آیات او را تکذیب کند؟! بدرستی که گناهکاران مجرمان رستکار و هدایت نمیشود!!! و آیا غیر از خداوند چیزهایی میپرستند؟! و عبادت میکنند؟! که ضرری برای ایشان دارند! و نفع برای ایشان دارند!!! و جواب میگویند: اینها در نزد خداوند برای ماشفیعیان هستند بگو: آیا برای خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است نمیداند خبر میدهید؟! که خداوند پاک و منزّه و برتر است! از آنچه برای او شریک قرار میدهید!!!  
(از قرآن کریم و از سوره یونس آیات از ۱۵ تا ۱۸)

و کسانی که بر خداوند افتراء و دروغ میزنند؟! گمان ایشان روز قیامت چیست؟! بدرستی که خداوند بدون شک صاحب فضل و رحمت بر مردم است!!! بلکه اکثر ایشان شکر و سپاس نمیکنند!!! و شما هیچ کاری اقدام نمیکنید و از قرآن تلاوت نمیکنید! و هیچ علمی را انجام نمیدهید! و قتی که آن را شروع میکنید! مگر اینکه خداوند بر شما شاهد است!!! و هیچ ذره از صاحب اختیار کلّ شما پنهان نیست! و سنگینی ذره در زمین و در آسمان! و کوچکتر از آن مگر اینکه در کتاب روشن و واضح وجود دارد!!! آگاه باش بدرستی که برای دوستان خداوند!!! هیچ ترس نیست! و اندوهگین هم نمیشوند! دوستان خداوند کسانی هستند!!! که به خداوند ایمان آوردند و پرهیزکار بودند!!! برای ایشان در زندگی دنیا و در آخرت مژده و بشارت است!!! و برای کلمات خداوند تبدلی نیست!!! این همان کامیابی بزرگی است! ای محمد گفتار ایشان تو را غمگین نکند! بدرستی که تمامی عزت مخصوص خداوند است! او شنوا و دانا است!!! آگاه باش عقلای آسمانها و عقلای زمین!!! و آنانی را که شریکان خداوند قرار داده پیروی کردند!!! و کسانی را که غیر از خداوند میخوانند! و حاجت و کمک میخواهند و باب الحوائج میدانند که همه آنها ملک و مال و مخلوق خداوند هستند!!! و ایشان جز ظنّ و گمان چیزی را پیروی نمیکنند! و ایشان جز دروغگویان چیزی دیگری نیستند!!!  
(از قرآن کریم و سوره یونس آیات از ۶۰ تا ۶۶)

عذاب روز قیامت از آن کسانی که برگردد! پس حقیقت این است که خداوند برای او رحم کرده! و در این عمل بهره و کامیابی آشکار است! **و اگر خداوند بتوضیری برساند!!! برطرف کننده آن نیست جز خودش!!! و اگر چیزی بتو برساند دفع کننده نیست! او بر هر چیزی توانا است! و خداوند قادر و مسلط بر بندگان خود می باشد! و او حکیم و خبیر و آگاه است!!! بگو: چه چیزی از شهادت خداوند بزرگتر است! بگو: شهادت خداوند بین من و شما بزرگتر است!!! و این قرآنی که بسوی من وحی شده است! برای این است که باقرآن شما را بتراسانم! و کسی که به او قرآن برسد! آیا شما شهادت می دهید؟! که با خداوند خدایان و معبود بآب الحوائج دیگری وجود دارد؟! بگو: من شهادت نمیدهم! بگو: او خداوند خلاق جهان هستی و یکتا است! و بدرستی که من بیزار هستم! از آنچه بخداوند شریک قرار می دهید! برای آن کسانی که کتاب آسمانی دادیم! ایشان این محمدرسول الله را می شناسند!!! چنانکه پسران خودشان را می شناسند!!! و آن کسانی که ایمان نیاوردند! که برای خودشان خسارت و زیان کردند! و ظالمتر از آن کیست بر خداوند افتراء و دروغ ببندد؟! و آیات خداوند را تکذیب کند؟! بدرستی که ظالمین رستگار و هدایت نمیشوند! و در روز قیامت که مردم را زنده و محشور می کنم! سپس بمشركین می گوئیم شریکان شما کجا هستند؟! که شما گمان میکردید؟! که بشما کمک خواهند کرد! سپس برای ایشان هیچ عذرو بهانه نمیباشند! مگر اینکه میگویند: سوگند بخداوندی که صاحب اختیار کلّ ما است! که ما مشرک نبودیم! بنگر چگونه بر خود شان دروغ میگویند: و خودشان را تکذیب میکردند! و آنچه را بر خداوند افتراء میگفتند: از ایشان گم شده است!!!**

(از قرآن کریم و از سوره الانعام آیات ۱۶ تا ۲۴)

آن کسی که از محمد رسول الله اطاعت میکند!!! حقیقت این است که از خداوند اطاعت کرده است! و آن کسی که از توراتی گردانده است! پس خداوند تورا برای

ایشان نگهبان نفرستاده است! و در نزد تو میگویند: فرمان بردیم و اطاعت کردیم! پس وقتی که از تو بیرون میروند! طائفه از ایشان در شب تدبیر میکند!!! غیر از آن چیزی را میگویند: که در پیش تو گفتند: و خداوند میداند و مینویسد!!! آنچه را که میگویند: و تدبیر میکنند!!! پس از ایشان اعراض کن! و بر خداوند توکل کن و خداوند برای وکیل شدن کافی است! آیا درباره قرآن تدبیر و تفکر نمیکنند؟! که اگر قرآن غیر از نزد خداوند بود؟! بدون شک در آن اخلاف ضد نقیض بسیاری پیدا میکردند!!!؟؟؟!!!

(از قرآن کریم و از سوره النساء آیات از ۸۰ تا ۸۲)

**خداوند فرمود: آهای مردم به صاحب اختیار کلّ خودتان! عبادت و بندگی کنید که شما را خلق کرده است! و کسانیکه پیش از شما بودند خلق کرده است! تا شاید شما پرهیزکار شوید!!! خداوندی که زمین را برای شما گسترده!!! و آسمان را برافراشته! و از آسمان آبی را فرو فرستاده! که بوسیله آن برای شما میوههای برای رزق و رویانیده! پس برای چنین خداوند را مانندای قرار میدهد! در حالیکه شما میدانید که او مانند ندارد! و اگر شما از آنچه ما بر بنده خود محمد نازل کردیم در شک هستید؟! پس سوره بمانند آن را بیاورید! و گواهان خود را غیر از خداوند را بکمک خود بخوانید!!! اگر در گفتار خود صادق هستید و راست میگوئید: پس اگر این کار را نتوانستید بکنید! و هرگز نخواهید کرد!!! پس بترسید از آتشی که آتش افروزان مردم و سنگهاست!!! در حالیکه برای کافران مهیا و آماده شده است!!!**

(از قرآن کریم و از سوره البقره آیات از ۲۱ تا ۲۴)

### شمه از پیشگوییهای علمی و معجزات قرآن کریم

خداوند فرمود: آهای انسان چنان گمان و حساب میکند؟؟؟! که ما در روز قیامت استخوانهای شمارا هرگز جمع و زنده نخواهیم کرد؟؟؟! بلی ما قادر و توانا هستیم بر اینکه (شماره) نوک سرانگشتان انسان را همان طور که هست دوباره بسازیم!

(از قرآن کریم از سوره القیامت آیات ۳ و ۴)

نکاتی از مؤلف: خداوند متعال از میان تمامی اعضای انسان برای اظهار قدرت ساختن سرانگشتان استدلال کرده و انگشت گذاشته است! که در علم امروزی ثابت شده است!!! که میلیارد ها بشر گذشته و آینده!!! در نقشه پوست شماره انگشتان باهم اختلاف شفاف کلی دارند! که از اینجا علم انگشت نگاری بوجود آمده است! و در این آیات خداوند ازلی و ابدی خواسته که شماره افراد! بشر در سر انگشتان او است!!! که هر انسانی و یا مقصری را میتوان بتوسط شماره!!! سر انگشتانش شناخت و مشخص و تعیین کرد! و خداوند فرمود: در روز قیامت همان خطوط سرانگشتان را اعاده و زنده میسازیم!!! آهای کسانی که به قرآن ایمان ندارید! و میگوئید: که قرآن را محمد از نزد خود نوشته است!!! او لا محمد سواد خواندن و نوشتن نداشت!!! ثانیاً اگر فرض کنیم که محمد خواندن و نوشتن را داشت!!! در کدام دانشگاه و در آزمایشگاه چنین امری مهمی را تحقیق و کشف کرده است؟! و آیا هزار و چهارصد سال پیش کدام دانشمند؟؟؟! و دانشگده علمی وجود داشت که چنین اسرار مهمی را کشف کند؟! که محمد هم از او نوشته و یا تقلید کرده باشد؟! آیا جز این نیست خالق انسان این امر مهمی را خلق کرده فرموده است؟! تا ثابت بکند که قرآن کلام بشر نیست؟! و فقط کلام خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین میباشد؟؟؟؟!!!

خداوند دودریا را روان کرده که بهم برسند و برخورد کنند! در میان آن دودریا حائلی و یا پرده نامری قرار داده است!!! که بهم تجاوز و تعدی نکنند و مخلوط نشوند! پس کدام یکی از نعمتهای صاحب اختیار کلّ خودتان! را تکذیب میکنید؟! از این دودریا لؤلؤ و مزرجان بیرون می آید! پس کدام یکی از نعمتهای صاحب اختیار کلّ خودتان! را تکذیب میکنید؟! و کشتهای بادبان دارمانند کوهها که در دریا روان هستند! به امر خداوند رفت و آمد میکنند!!! پس کدام یکی نعمتهای صاحب اختیار کلّ خودتان! را تکذیب میکنید؟؟؟؟!!!

(از سوره الرحمن آیه ۲۰)

نکاتی از مؤلف: هزار و چهارصد سال پیش قرآن کریم گفته است! که آبهای گوناگون دریاها بیکدیگر مخلوط نمیشوند! و تجاوز و تعدی نمیکنند! که علم امروزی هم ثابت کرده است!!! در دریاها آبهای شور و آبهای شیرین و آبهای گرم و

و آبهای سرد وجود دارد! که بیکدیگر مخلوط نمیشوند!!! و اگر این کشف حقیقی قرآن! از محمد رسول الله میسر میشد!!! پس محمد در کدام دانشگاه چنین کشف بزرگی را به عمل آورده بود!!! زیرا که بدون آزمایشگاه چنین چیزی امکان پذیر نیست! و در جائیکه محمد رسول الله سواد خواندن و نوشتن را نداشت! پس باید ناچار آگفت: این کشف بدون آزمایش از معجزات قرآن کریم است!!! که از طرف خداوند خلاق جهان هستی آبها در قرآن بیان شده است که راه دیگر ندارد! زیرا که هزار و چهارصد سال پیش چنین کشفیات امکان پذیر نبود! از طرف دیگر محمد رسول الله دریا نورد!!! و جغرافیدان هم نبود!!! دریا های روم و احمروسیاه و فارس و غیره را که ندیده! و نمیدانست که چنین دریا های کونا کون وجود دارد!!! و در حالیکه حتی علم امروزی ثابت کرده که برزخ و حائل و پرده نامری که در میان آبهای دریاها وجود دارد! و نمیگذارد بیکدیگر مخلوط شوند! که تا حال دانشمندان و دانشگاهها این پرده نامری را نتوانستند کشف کنند! که آن برزخ و یا پرده چه چیزی است! که نمیگذارد که آبهای دریاها بیکدیگر تداخل و مخلوط شوند!!! آهای مردم جهان معجزه بالاتراز این میخواهید؟! که به حقانیت قرآن پی ببرید و ایمان بیاورید؟! تا سعادت دنیا و آخرت را بدست بیاورید! و دریای دیگر مرجانهای دریاها را که چند سال است کشف کردند!!! که جاندار هستند! که قبل از آن را گیاهان دریای میدانستند! و قرآن کریم به مرجان های دریای نام گذاری کرده و نکته گذاشته است!!! آیا این کشفیات تصادفی است؟! و یا معجزات خداوند خلاق جهان هستی است؟! که در قرآن کریم بیان فرموده است؟! امیدوارم که درباره آیات قرآن کریم وحی منزل! تدبیر و تفکر و تعقل بفرمایند تا به حقانیت قرآن کریم آگاهی دست پیدا کنید!!!

خداوند فرمود: و بسوی نوح وحی شده! بدرسنتیکه از قوم تو هرگز ایمان نخواهد آورد! مگر آن کسانی که ایمان آورده است! پی آنچه را که بدعمل کردند افسرده مباش! وحی کردیم بواسطه راهنمایی دیده بانی ما کشتی را بساز! و درباره آن کسانی که ظلم کردند بامن سخنی مگو: زیرا که حتماً آنها غرق خواهد شد!!!

(از قرآن کریم و از سوره هود آیات ۳۶ و ۳۷)

خداوندگفت: پاک و منزّه است! آن خدائیکه! رویدنهای و نبادات تمامی زمین! و انسانها را جفتهای خلق کرده است! و از تمامی موجوداتی جفتهای خلق کرده است که مردم نمیدانند! و نشانه قدرتی خداوند برای شب است!!! که روز را از شب برایشان بیرون می آورد! که ناگاه ایشان در تاریکی میمانند!!! و خورشید حرکت میکند میرود برای قرارگاه خود!!! که آن اندازه گیری را خداوند توانا و دانا مقرر کرده است!!! و برای ماه منازلی گوناگون مقرر و اندازه گیری قرار دادیم! تا برگشت آن مانند چوب گهنه خوشه خرما میشود!!! و برای خورشید قدرتی نیست که بمه برسد! و برای شب قدرتی نیست که روز را پیشی گیرنده باشد!!! و هر یکی در مدار خود شناور و حرکت میکند! بدرستی که فرزندان ایشان را در کشتی پور حمل کردیم! که در آن آیات خداوند برای ایشان وجود دارد؟! و برای ایشان مانند آن را خلق خواهیم کرد! آنچه راکه سوار میشوند (مانند آن را خلق خواهیم کرد یعنی قطار و هواپیما و ماشین راکه سوار میشوند) و اگر خواهیم ایشان را غرق میکنیم! پس نه برای ایشان فریادرسی است و نه برای ایشان رهاننده وجود دارد!!! مگر رحمتی است از جانب خداوند شامل حالشان میشود! و تاملتی که ایشان برخوردار شوند!!!

(از قرآن کریم و از سوره هود آیات ۳۶ و ۳۷)

خداوندگفت: خداوند اوست! که آسمانها را بودن ستون برافراشته!!! که آنها را میبینید! سپس بر جهان هستی مسلط شده! و خورشید و ماه را مسخر و رام کرده است! که هر یکی تاملتی معین نام برده شده حرکت و جریان دارد! و در این کار خداوند امر و تدبیر میکند!!! در این آیات تفضل میدهد! شاید که شما به ملاقات صاحب اختیار کلّ خودتان! در روز قیامت یقین داشته باشید! و او خداوندی است که زمین را بگسترانید! و در آن کوههای پابرجا و نهرا قرار داد! از تمامی میوه هادر زمین جفت نروماده قرار داد! و روز را باشب پوشانید! بدرستی که در اینها بودنشک آیات و نشانه هائی خداوند وجود دارد! برای قومیکه تفکر میکنند!!!

(از قرآن کریم و از سوره الرعد آیات ۲ و ۳)

روز قیامت وقتی است که خورشید منفرجه شده در هم پیچیده میشود!!! و وقتی که ستارگان فروریزد و نابود میشوند! و وقتی که کوهها ذوب شده سیر داده شوند!! (از قرآن کریم سوره التکویر آیات از ۱ تا ۳)

**روز قیامت هنگامی است چشم ها خیره میشود! و ماه گرفته میشود! خورشید و ماه جمع خواهد شده از بین میرود! انسان میگوید: امروز جای فرار کجاست؟! چنین نیست که جای فرار وجود ندارد! در این روز بسوی صاحب اختیار کلّ تو! قرارگاهی است!!!**  
(از قرآن کریم سوره القیامت آیات از ۷ تا ۱۲)

و روز قیامت در صورتی که ساکنین آسمانها و زمین بوحشت خواهد افتاد مگر آن کسانی که خداوند بخواد!!! او همه بحال نالت و خواری به پیشگاه خداوند خواهند آمد! و کوهها را که میبینی و چنان مینداری که بی حرکت هستند! در حالی که مانند ابر حرکت میکنند! که صنع خداوندی است!!! که همه چیز را محکم ساخته است! بدرستی که خداوند به آن چیزی که انجام میدهد آگاه است!!! (از قرآن کریم و از سوره التمل آیات ۸۷ و ۸۸)

خداوند فرمود: آیا آن کسانی که کافر شدند؟! آسمانها و زمین را ندیدند؟! بسته و متصل بهم بودند! آن دورا! از هم جدا کردیم! و گشودیم! و حیات هر چیزی زنده را از آب قرار! پس آیا بخداوند ایمان نمی آورند؟! و در زمین کوههای قرار دادیم! که مبدا زمین ایشان را تکان بدهد! و در آن راههای وسیعی را قرار دادیم!!! تا ایشان را هدایت یابند! و برای آسمان سقفی محفوظ قرار دادیم!!! ایشان از آیات و نشانه های خداوند اعراض کردند!!! و خداوند اوست که شب و روز و خورشید و ماه را خلق کرد! که هر یکی در مدار خود گردش و شنا میکنند!!! (از قرآن کریم و از سوره الاتیاء آیات از ۳۰ تا ۳۳)

**خداوند گفت: و در بالای زمین کوههای بلندی را قرار دادیم! و در آن برکت نهادیم! و در آن روزیها قرار دادیم! آن را مقرر و با اندازه نمودیم! در خلقت آن چهار روزی**

که مساوی بودند برای خواستاران! سپس به آسمان پرداختیم درحالیکه دودی بوده! پس به آسمان وزمین گفتیم: بررغبت ویا با کراحت بیاید گفتند: بارغبت اطاعت کرده آمدیم! دردوروز آنها را هفت آسمان قراردادیم!!! ودرهرآسمان را باچراغهازینت دادیم! وبخوبی حفظ کردیم! این است که قراردادیم! واین اندازه بندی از خداوند غالب ودانااست!!!

(ازقرآن کریم .ازسورة فصلت آیات از ۱۰ تا ۱۲)

او خداوندی اوست بادهای بشارت دهنده را! درجلورحمت خودمیفرستد! تابادها ابرهای سنگین رابردارد! آن را بسرزمین مرده میرانیم! پس آب ابررا بزمین فرومیریزیم! وبوسیله آب ازهمه گونه میوه جات بیرون می آوریم! ودرروز قیامت مردگان را این چنین از زمین بیرون می آوریم!!! شاید که شما پند و نصیحت قبول نمائید!!!

(ازقرآن کریم وازسورة الاعراف آیه ۵۷)

ازآیات ومعجزات خداوند این است! که بادهای بشارت دهندگان را میفرستد! وتا رحمت خودرا بشما بچشانند! وتاکشتی بفرمان او میروود وروان میگردد! و تا ازفضل ورحمت خداوند سعادت وشادی بجوئید! وشاید که شکرگزارشوید! وایمحمد حقیقت این است که قبل ازتوپیامبرانی رابسوی قومشان فرستادیم! پس معجزات هم برای ایشان بیاوردند! پس آنانیکه جرم وجنایت کردنداز آنها انتقام گرفتیم! ویاری کردن برای مؤمنین برخداوندحق و سزاواراست! وخدوند اوست که ابرها را برانگیزد!!! ودرآسمان هرطوری که بخواهد بکستراند!!! وآن را متراکم بگرداند! که میبینی باران راکه ازخلال آن بیرون مینماید! پس چون آن را بهرکسی ازبندگانش راکه بخواهدبرساندکه آنان شادی میکنند!!!

(ازقرآن کریم وازسورة الروم آیات از ۴۶ تا ۴۸)

خداوندفرمود: بادهای حامله وآبستن کنندگان رامافرستادیم! که تمامی اشجار ونبادات راجفت وآبستن بکنند! وپس ازآسمان آب رانازل کردیم که شما را سیراب نمودیم! وشماخزینه داران آن نیستید! بدرستیکه همه چیزاما! زنده میکنیم!!! ومیرانیم ووارث وبرنده همه چیزرا ماهستیم!!!

(ازقرآن کریم وازسورة الحجر آیات ۲۲ و۲۳)

او خداوندی است که بادهای بشارت دهنده را!!! در جلورحمت خود برای شما فرستاده است! و آب پاک و پاککننده از آسمان برای شما فرستاده است! تا بوسیله آن آب شهرها و زمین های مرده را زنده میکند! و بیاشامانمش که بسیار چهار پایان و مردم را!!!

(از قرآن کریم و از سوره الفرقان آیات ۴۸ و ۴۹)

**او خداوندی است که دودریارا بهم آمیخت! این یکی شیرین است! بسیار شیرین است و این یکی شور بسیار شور است!!! و بین آن دو دریا پرده و حائلی نامری قرار داده است! و منع از خلط بهم گردیدند ممنوع کاملی است!!!**

(از قرآن کریم و از سوره الفرقان آیه ۵۳)

**خداوند فرمود: و برای سلیمان باد تند را مسخر و آرام کردیم! در حالیکه تند میوزید! که به امر سلیمان او را بسوی زمینی که در آن برکت ایجاد کرده بودیم میبرد! و ما بهره چیری دانا و توانا بودیم و هستیم!!!**

(از قرآن کریم و از سوره الانبیاء آیه ۸۱)

صاحب اختیار کلّ شما! خداوندی که کشتی را برای شما در دریا میراند! از فضل و رحمت او با سعادت روزی بگوئید!!! زیرا که او بشما رحیم است: و زمانی که برای شما در دریا ضرری میرسید! آنگاه غیر از خداوند را نمیخواندید!!! خداوند را گم و فراموش نمیکردید!!! پس وقتی که شما را از توفان دریا بسوی خشکی نجات دادیم روگردان شدید! زیرا که انسانهای ناسپاس بودید! آیا ایمن شدید؟! از اینکه گوشه خشکی زمین شما را فروبرد؟! و یا خداوند برای شما تند بادی بفرستد؟! و سنگ ریزه بریزد سپس شما برای خود نجات دهنده و امید نیابید؟! آیا در ایمن شدید؟! از اینکه مرتبه دیگر شما را بدریا برگردانیم؟! پس برای شما باد سخت شکننده را بفرستد؟! پس شما را غرق کند بسبب آنچه کفران نعمت کردید! سپس برای خودتان کمک و نجات دهنده؟! و بر ضرر و علیه خداوند نظرداری نیابید؟؟؟!!!

(از قرآن کریم و از سوره بنی اسرائیل آیات از ۶۶ تا ۶۹)



برای شما عبرتی هست! برای شما از آنچه در شکمهای آنهاست! می آشامانیم  
 شیری خالص و گوارا برای آشامندگان است!!! که از آنها و گوشت بوجود می  
 آوریم! و از تمامی میوه جات بوجود می آوریم! و از درختان خرما و انگور ها که از  
 آن شکر می گیرید! که برای شما روزی خوب و بهتر است!!! بدرستی که در آن  
 ثمرات بدون شک آیات خداوند وجود دارد! برای قومیکه بعقل درمی یابند و  
 تفکر میکنند! وای محمد صاحب اختیار کلّ تو! بسوی زنبور عسل وحی کرده و  
 آموخت! و از گوها و از آنچه از چوب بسازند خانه های بگیرد!!! و عسل درست  
 کنید! پس گفتیم: ای زنبور از تمامی گلهای میوه جات بخور! و راه صاحب اختیار  
 کلّ خود را! به آرامی برو! و خداوند از شکمهای آنها برای شما آشامیدنی مختلف  
 !!! و رنگارنگ بیرون می آورند!!! و در آن عسل برای مردمان شفائی است!!!  
 بدرستی که در کار و عمل کرد زنبور!!! بدون شک آیات خداوند وجود دارد!!! برای  
 آن قومیکه تفکر و تعقل مینمایند!!!  
 (از قرآن کریم و از سوره النحل آیات از ۶۴ تا ۶۹)

خداوند اوست زنده را از مرده خارج میکند! و مرده را زنده میکند! و در روز قیامت  
 شما را چنین زنده کرده و از زمین خارج می شوید!!! و از جمله آیات خداوند این  
 است! که شما را از خاک آفریده است!!! شما بشری شدید که در زمین پراکنده  
 می شوید! و از آیات و نشانه های قدرت خداوند این است!!! که برای شما از جنس  
 خودتان همسرانی آفرید! تا بوسیله آنان آرام و آسوده خاطر شوید!!! و بین شما  
 روح دوستی و رحمت قرار داده!!! بدرستی که در این دوستی محبت آیات خداوند  
 وجود دارد! برای قومیکه تفکر و اندیشه میکنند!!! و از آیات و نشانه های قدرت  
 خداوند خلقت آسمانها و زمین! و اختلاف زبانهای گوناگون شماست! بدرستی که  
 در این آیات و نشانه های خداوند وجود دارد!!! برای عالمین و دانشمندی که  
 میدانند! و از آیات و نشانه های خداوند خواب و خوابیدن شماست!!! که در شب  
 می خوابید! و در روز از فضل خداوند تلاش میکنید! بدرستی که در این آیات خداوند

**عبرتی است برای گروهی که گوش شان باز است میشوند!!! و آیات علم تدبیر خداوند این است؟! که برق را برای بیم امید بشمانشان میدهد! و از آسمان آبی را نازل میکند! و بوسیله آن زمین را بعد از مردنش احیاء و زنده میگرداند! بدرستیکه در این آیات خداوند؛ آیات وجود دارد!!! برای گروهیکه خردمند هستند و تعقل میکنند! و از آیات و نشانه های خداوند این است!!! که آسمان و زمین را پابرجا کرده است! و روز قیامت شمارا از زمین خواهد خواند یک بار خواندنی! که آنگاه شما از قبور بیرون خارج میشوید! و هرکسیکه در آسمانها و زمین است! ملک و مال خداوند است! و همه آنها فرمان بردار خداوند هستند! و او خداوندی است که ابتداء همه چیز را از عدم ایجاد و خلق کرده!!! سپس روز قیامت باز وجود می آورد! و دوباره ایجاد کردن برای خداوند آسانتر است! پس در آسمانها و در زمین صفت برتری خاص خداوند است!! و غالب و درست کردار فقط خداوند است!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره الروم آیات از ۹ تا ۲۷)

**خداوند خلاق هستی جهان اوست! که کلیدهای آسمانها و زمین در دست قدرت اوست!!! هرکسی را که بخواهد روزی او را وسعت میدهد و تنگ میگرداند!!! بدرستیکه او خداوندی است که به همه چیز دانا و عالم است!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره الشوری آیه ۲)

آیا نمی بینید که خداوند هر آنچه آسانها و زمین است؟! برای شما مسخر و رام کرده است؟! و نعمتهای ظاهری زمین و باطنی زمین را برای شما تمام کرده است؟! و بعضی از مردم بدون علم و هدایت و کتاب روشنی! درباره خداوند مجادله میکنند!!! و هنگامیکه به اشخاص گفته میشود! بیاید آن کتابیکه خداوند خلاق فرستاده است پیروی کنید!!! میگویند: نه بلکه آنچه را که راهی پدران خود بر آن راه یافته ایم پیروی میکنیم!!! آیا اگر چه شیطان ایشان را بسوی عذاب؟! سوزان دعوتشان بکند؟! آیا باز هم پیروی میکنند؟! و هرکسیکه بطرف خداوند رویش را خالص بکند! و تسلیم او میشود! او انسان نیکوکار است! حقیقت این او بدستگیره محکمی چنگ زده است!!! و تمامی سرانجام کارها بطرف خداوند رفتنی است! و هرکسیکه کافر شود! کفر او نباید تورا غمگین کند! بازگشت ایشان

بسوی خداوند است! آنچه را که عمل کردند به ایشان خبر خواهیم داد! **بدرستیکه اسرار سینه های ایشان را خداوند بخوبی میداند!!!** که در این دنیا اندکی بهره مندشان میکنیم! سپس ایشان را در آخرت بسوی عذاب دردناک مجبور میسازیم!!! و اگر از مشرکین پیرسی آسمانها و زمین را چه کسی آفریده خلق کرده است؟! **بدون شک میگویند: خداوند خلق کرده است! بگو: پس حمد و ثنا و ستایش و تعریف و بندگی مخصوص خداوند متعال است! بلکه اکثر ایشان نمیدانند!!!** و هر آنچه در آسمانها و زمین است **مُلک و مال خداوند میباشد!!! بدرستیکه خداوند اوست بی نیاز و ستوده است!** و اگر همه درختان که در زمین هست قلم بشود! و دریا مرگب آن را برساند! و بعد از آن هفت دریای دیگر مرگب شوند!!! که همه درختان و دریاها تمام میشود؛ کلمات خداوند تمام نمی شود! **بدرستیکه خداوند غالب و درست کردار است!!!** و در روز قیامت از نوزنده کردن بمانند! یک کسی نیست! **بدرستیکه خداوند شنوا و بینا است!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره لقمان آیات از ۲۰ تا ۲۸)

هر آنچه در آسمانها و در زمین و در بین آن دو است **مُلک و مال خداوند است!** و در زیر آخرین زمین (یعنی تمامی معادن زیر زمین) **مُلک و مال مخصوص خداوند است زیرا که او آفریده و خلق کرده است!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره طه آیه ۶)

ای بسا آیات و نشانه های **خداوند در آسمانها و در زمین وجود دارد!** که از کنار آنها میگذرند ولی به آنها توجه ندارند!!! **و از آنها اعراض کنندگاه هستند!!!**  
(از قرآن کریم و از سوره یوسف آیه ۱۰۵)

و از خلقت **خداوند آسمانها و زمین است!!!** و آنچه از جاندار و جنبندۀ که در آن دو پراکنده کرده است!!! **و خداوند هر وقتیکه بخواهد ایشان را جمع میکند!** قادر و توانا است!!!  
(از قرآن کریم سوره الشوری آیه ۲۹)

خداوند اوست که آسمانها را هفت عدد و هفت طبقه خلق کرده! وزمین را نیز مثل آن خلق کرده است!!! که امرش را بین آسمانها وزمین میفرستد!!! تا شما انسانها بدانید! که بدرستی که خداوند بر همه چیز قادر و توانا است!!! و بدرستی که حقیقت این است که علم خداوند به همه چیز احاطه دارد!!! و احوال همه چیز را میداند!!!

(از قرآن کریم سورة الطلاق آیه ۱۲)

ای محمد بگو: که در آسمانها و در زمین هیچ احدی و کسی علم غیب و پنهانی آسمانها وزمین را نمیداند! مگر اینکه خداوند خودش میداند! (یعنی جز خداوند متعال هیچ مخلوقی علم غیب را نمیداند) حتی مخلوقات نمیدانند! که چه وقت در روز قیامت از قبور برانگیخته میشود!!!

(از قرآن کریم و از سورة النمل آیه ۶۵)

نکاتی از مؤلف: نوح یک نفر بود و نمی توانست کشتی آنچنانی را بسازد که خداوند متعال خودش تراح و راهنمایی کشتی را فرمود! تا نوح توانست کشتی به آن بزرگی را بسازد! پس در حقیقت خداوند خودش خلق کرده و ساخت است و میفرماید: کشتی را ما خلق کردیم؛ و در آینده مانند آن را خلق میکنیم! یعنی قطار و هواپیما و ماشین را خلق میکنیم که سوار میشوید! پس تمامی این وسایل را خداوند خلق فرموده است: که امروز بشر سوار میشود! اما بادست خود بشر ساخته است!!! چنانکه کشتی را با دست نوح ساخته!!! تنها و فقط خلاق خداوند است که بعقل و فکر انسان انداخته است! که چنین وسایل پیچیده گوناگون را کشف کند! زیرا که تمامی مواد در اوّل بدو خلقت همه چیز را خداوند از عدم آفریده است! و هرچه قدری که علم پیشرفت میشود! اکتشافات زیادتر و عجیب تر میشود! و بعد از بدو خلقت اضافه نشده است!!! و هرچه قدرت علم اکتشافات و اختراعات زیادتر بشود! باید قدرت شناخت آیات و نشانه های خداوند خلاق زیادتر! روشن و شفاف تر و آشکارتر بشود! زیرا که باید دانشمندان جهان بدانند! که تمامی اهل جهان امروزی نمی تواند یک تخم مرغ را خلق کنند!!! باید تخم مرغ را مرغ

درست کند و بسازد! که هیچ مخلوقی جز مرغ چنین قدرتی رانداشته؛ ندارد! که خداوند این چنین قدرتی رابه او بخشیده است! پس تنها خداوند فقط خلاق هستی است و بس!!! و نباید بمخلوق هم خلاق گفت: زیرا که بمخلوق خلاق گفتن کفر و شرک میباشد! ولی میتوانیم بمخلوق کشاف و مخترع بگویم: زیرا که همه چیز را در اول بدو خلقت خداوند خلق کرده آفریده است! هرچه قدرت علم بشر زیادتر میشود! اکتشافات اختراعات را زیادتر میکنند!!! که در خلقت موجود بوده است که کشف میکند! و خلق نمیکند آن هم با اجازه و دستور خداوند است! که انسان به آن آگاهی ندارد! پس انسان کشاف و مخترع است! و فقط خلاق خداوند هستی است! پس باید اهل جهان امروزی بدانند! که از تخم دان مرغ ناتوان تر و ضعیف تر هستند! زیرا که مرغ در دوازده ساعته یک تخم درست میکند! که پوست بیرونی آن از آهک درست شده است!!! و در درون آن پرده خیلی نازک وجود دارد!!! که سفیده در آن است و بعد از آن باز هم پرده خیلی نازکی وجود دارد! که در توی آن زرده تخم قرار گرفته است! و منی راکه از خروس گرفته است! بین زرده و سفیده تخم قرار داده است! یعنی نصف تخم در زرده! و نصف منی در سفیده قرار رگرفته است!!! و غیره... آیا آیات و قدرت خداوند خلاق هستی در تخم مرغ دیده نمیشود؟! و آیا جز مرغ اهل جهان میتوانند یک چنین تخم مرغ را خلق و درست کنند؟! جواب منفی است! پس ثابت میشود که قدرت اهل جهان از قدرت تخم دان مرغ ناتوان و ضعیف تر است! که ایجاد و ابداع کننده آن خداوند خلاق جهان هستی است! که تدبیر فرموده است! و شیر را باید گاو و گوسفند بدهد هیچ راه چاره درست کردن شیر وجود ندارد! و این هم ابداع و تدبیر خداوند خلاق جهان هستی میباشد!!!

**۲- حدوداً پنجاه سال پیش یکی از دانشمندان اهل جهان قبول نمیکردند که خوشید حرکت میکند! که میگفتند: خوشید ثابت است! و زمین حرکت میکند اما حال تمامی دانشمندان جهان قبول دارند که خوشید هم حرکت میکند! آورنده قرآن کریم که محمد رسول الله بی سواد بود چطور توانست که بگوید: تمامی ستارگان در حرکت هستند! این پیش گوئیهای قرآن ثابت میکند! که قرآن کلام**

بشر نیست! کاملاً کلام و معجزه خداوند متعال است!!! که برسول خودش محمد وحیی فرستاده است و گفته است!!! که تمامی میوه جات و علوفه های زمین تماماً زوج میباشد! آیا هزار و چهارصد سال پیش چه کسی میتواند چنین کشفی را پیدا کند اعلام نماید؟! که این امر خودش ثابت میکند!!! که قرآن کلام خداوند خلاق جهان هستی میباشد! که خودش خلق کرده و خودش راهنمایی فرموده

۳- خداوند متعال میفرماید که در روز قیامت تمامی ساکنین آسمانها و زمین به وحشت خواهند افتاد! این آیه نشانگر آن است! که در آسمانها هم زندگی عقلانی انسان و مانند انسان وجود دارد! که اگر علم پیشرفت کند روزی خواهد رسید! زندگی عقلی در آسمانها را کشف خواهند کرد!!! جز خداوند خلاق هستی چه کسی میتواند پرده از روی این راز بزرگ بردارد! و میفرماید: که کوهها مانند ابر حرکت میکنند!!! این پیشگوییهای زنده قرآن ثابت میکند!!! که قرآن کریم ساخته و پرداخته دست بشر نیست! و کلام خداوند خلاق هستی که پیچیده است!

۴- خداوند حرکات انتقالی و حرکات وضعی زمین! و حرکات منظم شب و روز را آیات خود فرموده است! که این حرکات یقیناً وجود دارد!!! و فرموده است قبل از خلقت تمامی هستی دودی بوده! که آسمانها را هفت عدد و طبقه فرموده است: که در سالهای اخیر هیئت نجوم جهان کشف کردند که آسمانها هفت عدد و طبقه میباشد!!! آیا هزار و چهارصد سال پیش چه کسی این رازهای آسمانها و زمین را کشف کرده؟! که آورنده قرآن محمد رسول الله میباشد!!! آنها نگفته من میگویم: و گفت: که این قرآن کلام خداوند خلاق هستی میباشد!!! و بمن وحی و آموخته شده است! و حال قرآن کریم خودش ثابت میکند! که این کلام خداوند خلاق جهان هستی است! که نمیتواند کلام بشر باشد! زیرا که این رازهای آسمانها و زمین و زیر زمین غیره را فقط خداوند میداند!!! زیرا که هم خالق و خلاق هم مالک و هم صاحب اختیار کل!!! و هم علام الغیوب آسمانها و زمین میباشد!!!

۵- هزار و چهارصد سال پیش قرآن کریم فرموده است: تمامی اشجار و نباتات جفت و روح خلق شده است! که بوسیله باد جفتگیری میکنند!! باردار و حامله میشوند! که علم امروزی هم جفتگیری اشجار و نباتات که بوسیله باد جفتگیری و باردار میشوند! را کشف کرده تأیید مینماید! که در زمان نزول قرآن هیچ کسی نمی توانست! راز و اسرار به این مهمی نامری را کشف کند ثابت نماید! اما قرآن خبر این جفتگری اشجار و نباتات بوسیله باد را فرموده است: و کارهای دیگری که باد انجام میدهد ثابت میکند!! و این نشانگر آن است که قرآن ساخت تفکر بشر نمی تواند باشد! زیرا که هزار و چهارصد سال پیش هیچ بشری چنین قدرتی نداشته بود!! که فقط خداوند خلاق این اشیاء!! تمامی اخلاق و خصوصیات آنها را بخوبی میداند و آگاه است!! که در این قرآن خبری میدهد!! که این گفته و غیبهای قرآن جز معجزه چیز دیگری نمیتواند باشد!! باید درباره آیات قرآن کریم هر چه بیشتر تدبر و تفکر و تعقل فراوان بنمایم! تا آگاه و سعادت مند بشویم!

۶- قرآن کریم فرموده: خداوند خلاق جهان هستی اوست! که صورتهای شمارا در رحم مادران هرگونه که میخواهد میکشد و نقاشی!! که صورتهای شما بهم شبیه هستند! اما تماماً آنها یکی نیستند!! که همه انسانها دو چشم و دو گوش و یک بینی و یک زبان و دو لب دارند! همه اینها یک صورت را تشکیل میدهد! اما کاملاً شبیه نیستند! انسانها را به چهار گروهی رنگی تقسیم کردند! سفید و زرد و سرخ و سیاه! آیا سفیدها همه یک جور هستند؟! و یا همه سرخها یک جور سرخ هستند؟! و یا همه سیاهها یک جور سیاه هستند؟! که تا حال ثابت شده است! هر کدام فرد انسان حالت رنگی مخصوص خودش را دارد! که در یک انسان فقط حالت رنگی! و شباهت مخصوص خود را دارا میباشد که بیش از ۷ میلیارد انسان در جهان وجود دارد!! که هیچ یکی عینی مانند دیگری نیست!! که در جهان در خلقت دو انسان کاملاً شبیه بهم نیستند!! این احوالات خصوصیات گوناگون انسانها!! نشان گر آیات و معجزات خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین میباشد! هر چه بیشتر درباره آیات قرآن کریم خداوند ازل و ابدی عمیقاً تفکر و تدبر و تعقل باید کرد! تا شاید راه حق درست خداوند را پیدا کرده و بشناسیم!

۷- خداوند خلاق در قرآن خودش فرموده است! آهای بشر! یاد باره گاو و گوسفند تدبیر و تفکر و تعقل نمیکنید؟! اما آن شیر را از میان خون سرگین!!! تفال و جراحی و گوشت و پوست و غیره؟! برای شما پالایش میکنیم؟؟؟؟!! که برای شماروزی خوب نوشیدنی و خوردنی گوناگون بوجود میآوریم؟! تا شما بخورید و بیاشامید و صاحب اختیار کل! و رزاق خودتان را بشناسید و شکر کنید؟؟؟؟!! تا نعمتهایش را برای شما تمام کند؟! آهای عالمان و دانشمندان و قدرتمندان جهان!!! اگر قدرتی دارید بیاید از غذاهای! گاو و گوسفند یک لیوان شیر درست کنید! بدون اینکه به گاو و گوسفند متصل شوید! و از آنها استفاده کنید! بدون شک حتماً نمیتوانید!!! پس بیایید کلام خداوند خلاق هستی جهان را که قرآن کریم میباشد!!! از صمیم قلب و ایمان قبول بکنیم! و به او امرش گردن به نهم و اطاعت بکنیم! بسعدت خداوند خلاق و رب العالمین و صاحب اختیار کل! جهان هستی رسیده باشید!!!

۸- خداوند به زنبور عسل وحی فرمود: و یاد داده! در کوهها و در درختان برای خودتان خانه بسازید! و از شیر گلها و میوه جات گرفته عسل درست کنید!!! که برای انسان غذا و شفاء میباشد! این همان عسلی است آزمایشگاهها نتوانستند ویتامین های عسل را تجزیه کنند و جدانمایند! فقط توانستند آب عسل را تجزیه کنند! که چهاده درصد عسل آب میباشد! که بقیه ویتامین های عسل را نتوانستند تجزیه و جدا نمایند!!! و یک ملکه زنبور از اواخر فروردین ماه تا اواخر خرداد ماه در هر روز حدوداً ۱۵۰۰ عدد تخم میگذارد! و زنبورهای ماده دارای خرطومی هستند!!! که با آن شیر گلها را میمکند!!! این شیر در کیسه عسل که در بدن زنبور جادارد داخل میشود! و از آنجا قسمتی وارد روده زنبور میشود! و باقیمانده را بادهان خود در خانه های کندو داخل میکند!!! بتدریج غلظ میشود که همان عسل میباشد! و ماده نیز بنام موم از غده های مخصوص که شکم!!! زنبورهای ماده جادارد تراوش میکند! و با آن خانه مسدس میسازد!!! زنبورهای نر کار نمیکنند و فقط عمل تولید و تناسل را انجام میدهند! و ماده بنام بره موم هم تولید میکند! دیوارهای خانه خود را با بره موم صاف مینماید! قسمت عجیب زندگی معجزه و ارزنبور عسل بود! که خداوند متعال بزنبور وحی کرده و یاد داده است

که یکی از آیات و نشانه های خداوند خلاق جهان هستی میباشد! نباید از کنار این چنین آیات و نشانه های خداوند خلاق بی تفاوت گذشت!!! آیا این معجزه قرآن کریم نیست؟؟؟!!!

۹- خداوند در قرآن فرموده: یکی از آیات خداوند زبانهای و رنگهای شماست! الان بیشتر از شش هزار زبان در روی زمین وجود دارد و تکلم میکنند!!! آیا چه کسی این زبانها را اختراع و خلق و درست کرده است؟! و کدام دانشمندان همه زبان هارا ایجاد کرده است؟! محمد رسول الله که بیسواد بود!!! و بیش از یک و دوزبان نمیدانست! از کجا دانست که این همه زبانهای گوناگون وجود دارد؟! جز این بوده است! خداوند قرآن کریم را به محمد رسول الله وحی کرده و یاد داده است!!! و این همه رنگهای گوناگون انسانها و غیره؟! را چکسی رنگریزی و رنگ آمیزی کرده است؟؟؟!!! و آیا کسیکه جبراً بخواب میروند میخوانند و خودشان را نمیدانند؟! یعنی چه؟! اصلاً خواب یعنی چه که می آید؟! که انسان در مقابل خواب ناتوان و ضعیف است! که قدرت و اراده خود را از دست میدهد!!! و چرا دانشمندان جهان نمیتوانند چاره به این کار پیدا کنند؟! که اختیار جان خود را از خطرات خواب بدست بگیرند؟؟؟! در این صورت در مقابل آیات خداوند متعال تمامی اهل جهان عاجز و زبون هستند! پس ثابت میشود که قرآن آیات معجزه خداوند خلاق جهان هستی است!!! که حقانیت قرآن کریم را که کتاب آسمانی خداوند را محمد رسول الله میرساند و ثابت میکند! پس چرا درباره قرآن تفکر تدبّر و تعقل نمیکنید؟! که راه صاحب اختیار کلّ خودتان! را بشناسید و پیدا کنید!!! و قرآن میفرماید: در آسمانها زندگی عقلانی وجود دارد!!! که هزار و چهارصد سال پیش چکسی میوانست چنین فکر را بکند!!! که در آسمانها زندگی عقلانی انسانها!!! زندگی عقلانی انسان و یامانند آن وجود دارد! با این پیشرفت علم و تکنیک هنوز بشر نتوانسته است کاملاً کشف کند! که در آسمانها زندگی عقلانی وجود دارد! فقط نظریه میدهند ولی روزی خواهد رسید که کشف خواهد کرد!!! و زندگی عقلانی در آسمانها واقعیت دارد! که اگر بشر بتواند کشف کند!!! و قرآن میفرماید: که کلیدهای آسمانها و زمین در دست قدرت خداوند ازلی است

حالا چکسی میتواند بفهمد؟! یعنی چه؟! امیدوارم روزی برسد که علم آنقدر پسشرفت کند! که این رازهای نهانی را که قرآن فرموده است: کشف نمایند! به امید آن روزی که قرآن پیروز شود!!! و این پیشگوییهای قرآن ثابت میکند! که قرآن کتاب معمولی و ساخت دست بشر نمیباشد! و کلام خداوند ازلی و ابدی می باشد! باید درباره قرآن تدبّر و تفکر و تعقل زیادتر بکنیم!!! تا راه هدایت و سعادت آخرت بهشت خداوند و صاحب اختیار کلّ خودمان! را بشناسیم!!! که به آرزوی کامل جهان دیگر آخرت هستی رسیده باشیم!!! انشاءالله تعالی! ماشمه از پیش گوییهای و معجزات قرآن کریم را نوشتیم! که نسل آینده از پیشگوییهای قرآن بهره برداری فراوان خواهند برد!!! زیرا که خزائن و معادن و راههای آسمانها و زمین را کشف و پیدا خواهند کرد! که هر چه قدر علم و تکنیک و اکتشافات زیادتر بشود! ارج و ارزش قرآن کریم اعلی تر و بالاتر خواهد شد! و خفایت قرآن ثابت تر میشود! که کلام خداوند خلاق تمامی هستی جهان است!!! به امید روزی که علم خداشناسی! و انسانیت و زندگی در سایه آرامش و آسایش توحیدی که انسان و انسان و اربشود! و راه وحدانیت و انسانیت را پیدا بکند!!!

بنام خداوندی که بامهربانی بخشنده است

۱۰- سوگند به آسمان و اختر شبگرد! ای محمد چه چیز دانایت کرده که اختر شبگرد چیست؟! آن ستاره تابان است! هیچ نفسی نیست مگر برای آن نگهبانی باشد! پس انسان باید بنیکی بنگرد! که از چه چیزی آفریده شده است؟! انسان از آبی جهنده آفریده شده است!!! آن آب از صلب و مهره های پشت مرد بیرون میآید!!! و از استخوانهای سینه زن بیرون می آید! بدرستی که بدون شک خداوند قادر و تواناست! که آن انسان را در روز قیامت باز آورد و زنده کند!!! روز قیامت روزی است که تمامی اسرارها و پنهانیها آشکار میشود!!! پس برای انسان در آن روز قیامت توانای و یاور و کمک نمیباشد! سوگند به آسمانیکه ستاره های منفجر شده بازگشت بکند! و زمینی که شکافهای معادن گوناگون بوجود میآید بدرستی که بدون شک قرآن سخنی است که جدا کننده حق و باطل است!!! و در

**قرآن حرف باطل بیهوده وجود ندارد!!! بدستیکه کافران حيله میکنند حيله کردنی! و خداوند هم چاره میکند چاره کردنی! پس برای کافران مهلت بده! که خداوند هم تازمان اندکی بر کافران مهلت میدهد!!!**  
(از قرآن کریم و سوره طارق)

نکاتی از مؤلف ستاره های که عمری مدت دارند! که بعد از منفجر شدن گازهای ستاره! دوباره جسم میشوند ستاره دیگر را تشکیل میدهند! حرکات این ستاره هارا علم امروزی تأیید میکند! چنین نظریه در زمان نزول قرآن کریم وجود نداشت! جز خداوند قرآن هیچ کسی نمیتوانست چنین نظریه را بدهد!!! حرکات این ستاره گان یکی از معجزات قرآن کریم است!!!

**و علم امروزی نشانگر آن است! نطفه مرد درستون فقرات او است! و نطفه و اسپرزان در سینه ایشان!!! و هورمونهای زن در استخوانهای سینه آن جمع میشوند! و پستانهای را بوجود میآورد!!! این نظریه خداوند در قرآن کریم که فرموده است! هزار و چهار صد سال پیش هیچ آزمایشگاه و انسانی نمیتوانست چنین نظریه را بدهد! که امروز علم این نظریه را تأیید میکند!!! آیا این نظریه جز معجزه چیزی دیگر میتواند باشد؟؟؟؟!!! و نطفه مرد را از استخوانهای پشت از مهره ستون فقرات بیرون می آورد! و نطفه زن از استخوانهای سینه است!**

**قال الله تبارک و تعالی**

**مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا** (از قرآن کریم و سوره الاحزاب آیه ۴۰)

**ترجمه خداوند فرمود: محمد پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست! بلکه رسول و پیام آور خداوند و ختم کننده! رسولان پیام آوران است!!! و خداوند به همه چیز عالم و آگاه است!!!**

**اشعار: خاتم پیغمبران محمد بوده است**

خالق کلّ خلائق عالم الغیب جهان؛ تنها خداوند بوده است

انتخاب این محمد بر رسالت لم یزل؛ تنها خداوند بوده است

وارثین انبیاء کلّ رسولان و نبی و صادقین بر جهان

بر محمد وحی منزل؛ قرآن و فرقان؛ راهی حقیقت بوده است

شیعه نوح و ابراهیم خلیل الله؛ بُت شکن در این جهان  
پیروقرآن منزل خاتم پیغمبران؛ هان این محمد بوده است  
هان کتاب نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و کلّ مرسلین  
این قرآن وحی منزل در ره حق و حقیقت؛ بر محمد بوده است  
انجیل و تورات و اوستا و زبور و کتاب قهرمان و بُت شکن  
این قرآن وحی منزل؛ بر انس و جنّ؛ هان بر محمد بوده است  
حامل وحی قرآنی جبرئیل؛ بر این جهان کفرو الحاد و شرک  
فارق جهل و خرافات رحمة العالمین؛ هان این محمد بوده است  
درس نخواند و مکتب نرفت در حیات عمر خود؛ در هیچ زمان  
یک شبه آموخت وحی لم یزل؛ امّی معلّم و مدرّس بوده است  
مشرکین و بُت پرست مگه را نابود و اصلاح کرده بود  
عفو کلی در زمان فتح اعلام و فرمان داد؛ امّی محمد بوده است  
جنگ بدر بُت پرست و مشرکین را؛ فتح و پیروز کرده بود  
فاتح احزاب و خیبر و خندق و هشتاد جنگ؛ هادی محمد بوده است  
در جنگ احد پیروزی در سایه شکست؛ پناه برده بغار  
پراکنده یاران و لشکر؛ ندا زد؛ ینصرونی که محمد بوده است  
هان زنی ملعون یهودی بر محمد زهر داد؛ کـرده شهید  
قاتلین انبیاء و خاتم پیغمبران؛ کلّ کفار و یهودان بوده است  
خاتم پیغمبران صلح و صفا و رحمت و عدل و عدالت کرده بود  
با عدالت قسط و رأفت مردم اهل جهان؛ تسلیم قرآن بوده است  
در مداین طاق کسری مسند نوشیروان بر داشت شکاف  
روز مولود و تولد معجزه از راه حق لم یزل؛ نور محمد بوده است  
دین و فرقان الهی وحی منزل؛ کلّ انبیاء و مرسلین از آسمان  
میشود پیروز بر ادیان باطل کفرو شرک؛ دین محمد بوده است  
تاج جهان هست باقی است قرآن ناطق وحی منزل؛ ربّ العالمین  
سنّت و قانون؛ بر این جهان نظم دار کاینات؛ دین محمد بوده است  
افتخار اصغری در این جهان کفرو شرک؛ گمراهی و فسق و فساد  
پیروقرآن و سنّت انبیاء و مرسلین؛ خاتم کلّ نبیین؛ محمد بوده است

**گیرم که خلق را به طریق فریفته ای = با انتقام دست الهی چه می کنی**

## فصل سوم

ماتریالیسم؛ و اومانیزم؛ و سکولار؛ و فراماسونری؛  
و سانتولوژی؛ ساخت دست یهودیان میباشند!!!

### از شهسواران معبد تا مصر باستان صلیبی ها

نقطه اشتراک اکثریت مورّخینی که در مورد فراماسونری قلم زنی کردند؛ این است که منشاء سازمان جنگهای صلیبی باز میگردد؛ در واقع هر چند ماسونری بطور رسمی در اوایل قرن هجدهم؛ در انگلستان تشکیل یافته و شناخته شد!!! اما ریشه های سازمان جنگهای صلیبی در قرن دوازدهم باز میگردد؛ در مرکز این حکایت مشهور؛ فرقه از صلیبی ها بنام شهسواران معبد قرار گرفتند؛ شش سال قبل از تألیف کتاب حاضر در کتاب دیگری با عنوان نظم نوین فراماسونری تاریخ شهسواران معبد را با جزئیات دقیق مورد بررسی قرار دادیم بهمین خاطر!!! اکنون بذکر خلاصه اکتفاء میکنیم؛ با تحلیل ریشه های ماسونری و تأثیریکه بر جهان دارد!!! ریشه های فراماسونری جنگهای صلیبی علیه مسلمانان که توسط پاپ اوربان دوم باز میگردد؛ به مفهوم ((فراماسونری جهان)) دست می یابیم؛ هر چند برخی تأکید دارد جنگهای صلیبی فقط یک لشکرکشی نظامی بود که بنام ایمان و اعتقاد مسیحی انجام گرفت!!! اما در واقع!!! این جنگها بخاطر منافع مادی رخ دادند؛ در دورانیکه اروپا فقر و فلاکت گسترده را تجربه میکرد رفاه و ثروت شرق بویژه مسلمانان در خاور میانه؛ اروپائیان را مجذوب میکرد این تمایل ظاهر مذهبی بخود گرفته و بنمادهای مسیحیت آراسته میشد!!! هر چند در حقیقت جنگهای صلیبی از دنیا پرستی ریشه میگرفت؛ و این دلیل تغییرناگهانی سیاست مسیحیت اروپایی از!!! سیاستهای صلح طلبانه در دوره های گذشته تاریخی؛ بسمت تهاجم نظامی بود؛ بانی جنگهای صلیبی پاپ اوربان دوم بود؛ او در سال ۱۰۹۵ شورای عالی روحانیت را تشکیل داد؛ که در آن دیگران عقاید صلح طلبانه سابق مسیحیان خبری نبود؛ مبارزه برای بیرون کشیدن جبرانه سرزمینهای مقدس از دست مسلمانان؛ جنگ مقدس نامیده شد؛ بدنبال تشکیل شورای عالی روحانیت لشکر عظیمی از صلیبها فراهم آمد!!! که از جنگجویان

حرفه ای وده هاهزار از مردم عادی ترکیب یافته بود!!! مورخین معتقدند عمل مخاطره آمیز پاپ اوربان دوم برای خنثی کردن کاندیداتوری رقیب خود بوده! این به علاوه هرچند شاهان؛ شاه زادگان!!! اشراف زادگان و سایر اروپائیان باشوروهیجان از فراخان پاپ استقبال کردند! اما نیت آنها اصولاً دنیوی بود!!! همانطوریکه دونالد کولر از دانشگاه ایلی نویزیان کرده است!!! شهسواران فراماسونی سرزمین های بیشتری میخواستند!!! بازرگانان ایتالیایی امیدوار بودند تجارت خود را بنادر خاورمیانه گسترش دهند... تعداد زیادی از مردم!!! فقیر بخاطر فرار از مشقت زندگی معمولی بلشگرکشی ملحق شدند!! این جمعیت مال پرست و حریص در طول مسیر خود بسیاری از مسلمانان! حتی یهودیان را به امید یافتن طلا و جواهرات قتل عام کردند!!! صلیبی ها حتی شکم قربانیان خود را برای یافتن طلا و سنگهای قیمتی که احتمال میدادند قبل از مگر! بلعیده باشند مدیریتند! طمع مادی صلیبی ها بحدی بود که آنها در جنگ صلیبی چهارم از غارت شهر مسیحی قسطنطنیه (استانبول کنونی) و قتیکه برگهای طلا از دیوار نگارهای کلیسای ایاصوفیه میکنند کوچکترن تردیدی بخود راه ندادند!!! این گروه رنگارنگ و ناهمگون که صلیبی ها نامیده میشدند! بعد از یک سفر سخت طولانی و چیاول و قتل عام مسلمانان بسال ۱۰۹۹ به اورشلیم رسیدند!!! بعد از اینکه! شهر پس از حدود پنج هفته محاصره سقوط کرد! صلیبی ها وارد آن شدند!!! آنها چنان وحشی گری از خود نشان دادند! که جهان تا کنون به چشم خود ندیده است! تمام مسلمانان و یهودیان شهر!!! از لبه تیغ گذشتند! بگفته یکی از مورخان!! آنها تمام عرب های مسلمان و ترک هایی را که یافتند از زن و مرد کشتند!! یکی از صلیبی ها بنام ریموند Raymond از گیلس Aquiles این وحشیگری را با افتخار چنین توصیف کرده است: مناظری مشاهده میشد!!! برخی از مردان ما (که دلرحم ترین آنها بودند) سرد شمنانشان را بریده بودند! برخی دیگری آنها را تبر باران کردند تا از برجها بزیرافتند! دیگران با انداختن آنها در میان شعله ها باز هم آنان را شکنجه میکردند! تلّ هایی از سرها! دست و

پاها در خیابان های شهرداریه میشد! باید از روی اجساد انسانها واسبان راهی گشوده میشد! اما اینها در مقایسه با آنچه در معبد سلیمان مکانی که مراسم مذهبی اجراء میشد! اتفاق افتاده بود ناچیز مینمودند!!! **مردان در حالی که راه میرفتند که خون تا زانویشان ولگام اسبان بالا آمده بودند!!! طی دوروز لشکر صلیبی هاحدود چهل هزار مسلمان را بوحشیانه ترین شکل کشتند! پس از آن صلیبی ها بیت المقدس را پایتخت خود قرار داده!!! و یک حکومت پادشاهی کاتولیک را تأسیس کردند! که از مرزهای فلسطین تا انطاکیه امتداد داشت! بعدها صلیبی ها مبارزه را برای حفظ موقعیت خود را!!! در خاور میانه آغاز کردند!!! آنها مجبور بودند بمنظور حفظ حکومتی که تأسیس کرده بودند!!! آن را سازماندهی کنند!!! به این خاطر آنها فرقه های نظامی تشکیل دادند!!! که تا قبل آن مشابه آن وجود نداشت! اعضای این فرقه ها از اروپا به فلسطین می آمدند و در نوعی صومعه زندگی میکردند! و در آنجا آموزشهای نظامی را برای جنگیدن با مسلمانان فراگرفتند! بخصوص یکی از این فرقه ها بادیگران توأوت داشت و دچار دگرگونی هایی گردید! که بروند تاریخ تأثیر گذارند! این فرقه شهسواران ران معبد (تاپکیه ها) بود!!!**

(از کتاب فراماسونری جهانی اثر: هارون یحیی مترجم: دکتر سید داود میر ترابی از ص ۷ تا ۱۳)

### شهسواران معبد

شهسواران معبد با نام کامل سربازان فقیر عیسی مسیح و معبد سلیمان! بسال ۱۱۸۸ شکل گرفتند! ۲۰ سال بعد از اشغال بیت المقدس بدست صلیبی ها بود مؤسسین فرقه دوشوالیه فراماسونری بنام هوق ود پایو Hugh de payens و کادفری دستنت امر Godfery dest .omer بودند! **در ابتداء این فرقه تنها نه عضو داشت! اما بتدریج گسترش یافت!!! دلیل آن که آنها در نام خود معبد سلیمان را بکار میبردند این بود که محلی را که به عنوان پایگاه خود برگزیده**

بودند کوهی بود که ویرانه های این معبد در آن قرار داشت!!! این همان جانی است که قبة الصخرة قرار دارد! شهسواران معبد خود را ((سربازان فقیر)) می نامیدند اما در مدت کوتاهی بسیار ثروتمند شدند! زائرین مسیحی! که از اروپا به فلسطین می آمدند تحت کنترل کامل این فرقه بودند! و شهسواران معبد با پول آنها بسیار ثروتمند شدند! به علاوه! آنها برای تخسین باریک سیستم اعتباری و چک شبیه بانگ را بکار گرفتند!!! طبق نظر مؤلفین انگلیسی میکائیل بینت Michael Baigent و ریچارد لایف Richard Lelge آنها نوعی نظام سرمایه داری قرون وسطایی نهادند!!! و از طریق معاملات که بر پایه بهره یا ربا!!! قرار داشت راه بانگداری مدرن را هموار کردند! شهسواران معبد! مسئول اصلی تهاجم صلیبی ها و قتل عام مسلمانان بودند! بهمین دلیل صلاح الدین فرمانده بزرگ که لشکر صلیبی ها را در ۱۱۸۷ در حطین Hattin شکست داد!!! و بیت المقدس را آزاد ساخت!!! با این که تعداد زیادی از مسیحیان را مورد عفو قرار داد! اما شهسواران معبد بخاطر جنایاتی که مرتکب شده بودند! محکوم به مرگ کرد! شهسواران معبد با وجود از دست دادن بیت المقدس!!! و تحمل تلفات سنگین همچنان بحیات خود ادامه دادند!!! و علی رغم کاهش مستمر حضور مسیحیان در فلسطین!!! آنها قدرت را در اروپا افزایش دادند و ابتدا در فرانسه و سپس در سایر ممالک بحکومتی!!! در درون یک حکومت تبدیل شدند!!! اشکی نیست که قدرت سیاسی آنها پادشاهان اروپا را نگران ساخت بود!!! اما فقط جنبه سیاسی نبود که روحانیون مسیحی را نگران و نارات ساخت بود! این فرقه بتدریج به عقاید مسیحیت مرتد شدند!!! و هنگامیکه در بیت المقدس بودند!!! اعتقادات مرموز غریبی را برگزیدند! همچنین شایعات وجود داشت که آنها بر طبق این اعتقادات مراسم غریبی برگزار میکنند! سرانجام در سال ۱۳۰۷ فلیپ لوبل Philippe Lebel پادشاه فرانسه تصمیم گرفت!!! که اعضاء فرقه را دستگیر کند!!! برخی از آنها موفق بفرار شدند اما اکثر آنها دستگیر شدند!!! پاپ کلمت پنجم Pop Clemetv نیز به این پاکسازی ملحق گردید!!! بسیاری از عقاید مسیحیت دست برداشته و در اجتماعات خود بحضرت مسیح اهانت کردند

سرانجام! در سال ۱۳۱۴ بدستور کلیسا و پادشاه! رهبران شهسواران معبد! و استاد اعظم نامیده میشدند و سرکرده آنها بنام ژاکد دمول Molay jacq ues de اعدام شدند! و مابقی بزندان افتادند و فرقه متلاشی گشت و در ظاهر از بین رفت! برخی از مورخین تمایل دارند که محاکمه شهسواران معبد را به عنوان توطئه از طرف پادشاه فرانسه قلمداد کنند! و شواهدی که ما را از اتهامات تبرئه کنند!!! اما این تفسیر از چند جنبه مردود است! مورخ انگلیسی نستاج و بستر Nesta.H. Webster که اطلاعات فراوانی در مورد تاخت و تازات خفیه دارد! این ابعاد را در کتاب خود بنام انجمن های سری و جنبش های ضد حکومتی (تجزیه و تحلیل کرده است! طبق نظریه بستر! بهترین شهسواران معبد از اعتقادات منحرفی که محاکمه به آن اعتراف کردند!!! بی مورد است!!! اولاً در طی محاکمه برخلاف ادعای رایج همه شهسواران معبد شکنجه نشدند! از طرفی! آیا میتوان تصور کرد که اعترافات شواهدی بطور کامل در اثر تخیلاتی باشد که انسانها تحت تأثیر شکنجه از خود میسازند؟! واقعاً مشکل است قبول کنیم! توضیحاتی که از جزئیات مراسم پذیرش داوطلب!!! از سوی افراد در کشورهای گوناگون ارائه شده؟! و یا وجودی که از لحاظ جمله بندی اما همگی دقیقاً مشابه یکدیگرند!!! کاملاً جعلی و خود ساخته باشند!!! اگر قربانیان این مطالب را خود ساخته بودند بطور قطع باید یکدیگر متناقض بودند! آنها در زیر شکنجه برای راضی کردن بازپرس خود!!! اجرا شدند هر نوع مناسک عجیب و غریب و غیر عادی را فریاد میزدند! اما برعکس! بنظر میرسد که تمام آنها! کم و بیش مراسم مشابهی را با ریزه کاری مشخص توصیف کردند! که نشان دهنده شخصیت کوبنده میباشد و تمام داستانها در اصل با هم تطابق دارند! بهر حال محاکمه شهسواران معبد با انهدام فرقه خاتمه یافت! اما هر چند فرقه ظاهراً منهدم شد!!! اما در واقع از بین نرفت!!! در طی توقیف سریع سال ۱۳۰۷ برخی از شهسواران معبد گریختند و موفق شدند! که خود را مخفی کنند!!! طبق قضیه که بر اساس مدارک تاریخی مختلف شکل گرفته است! تعداد زیاد از آنها به اسکتلند پناهنده شدند!!! یعنی

بنتهای سرزمین سلطنتی اروپا که هنوز در قرن چهاردهم اقتدار کلیسار ابرسمیت  
 نشناخته بود!!! در آنجا تحت حمایت پادشاه اسکاتلند روبرت بروس **Robert**  
**The Bruce** تجدید سازمان کردند! مدتی بعد آنها روش مناسبی برای مخفی  
 شدن یافتند! که توسط آن بحیات سری و مخفیانه خود ادامه میدادند!!! آنها به  
 مهمترین صنف در جزایر قرون وسطی انگلستان یعنی لژبنیان رخنه کردند و  
 سرانجام کاملاً این لژها را تحت کنترل خود در آوردند!!! با شروع عصر مدرن  
 لژبنیان نام خود به (لژهای ماسونی) تغییر دادند!!! این اسکاتلندی قدیمی  
 ترین شاخه فراماسونری است!!! و تاریخ آن به اوایل قرن چهاردهم زمانی  
 شهسواران معبد!!! به اسکاتلند پناهنده شدند باز میگردند!!! و نامهایی که ببالا  
 ترین مقامها در این اسکاتلندی داده میشود!!! همان عناوینی است سده های  
 پیشین شوالیه های فرقه شهسواران معبد داده میشد!!! و تا امروز نیز از آنها  
 استفاده میشود! بطور خلاصه! شهسواران معبد از بین نرفتند بلکه عقاید و شعائر  
 آنها تحت پوشش فراماسونری!!! همچنان باقی مانده است!!! مدارک تاریخی  
 متعددی از این فریضه حمایت میکنند! و امروزه تعداد زیادی از مورخین غربی  
 چه فراماسون باشند و چه نباشند آن را پذیرفتند (نظم نوین فراماسونری) این  
 مدارک را دقیقاً مورد بررسی قرار دادیم! فرضیه که کتابی در مورد شهسواران  
 معبد!!! ماسونری را بشهسواران معبد! ریشه ماسونری را بشهسواران معبد  
 میرساند! اغلب در نشریاتی که ماسونها برای اعضا خود منتشر میکنند آورده  
 شده است! فراماسونها با این عقیده موافقت زیادی دارند! یکی از این نشریات  
 که معمار سنان **Minar sinan** (نشریه فراماسونری ترکیه) نامیده میشود!  
 ارتباط بین فرقه شهسواران معبد و فراماسونری چنین بیان کرده است (در  
 سال ۱۳۱۲ و قتی که پادشاه فرانسه! زیر فشار کلیسا!!! فرقه شهسواران معبد را  
 منحل کرد! و دارایی آنها را بشوالیه های سنت جان در اورشلیم واگذار کرد! فعالیت  
 شهسواران معبد متوقف نگردید! اکثر شهسواران معبد به لژهای فراماسونری  
 که در آن زمان!!! در اروپا فعالیت میکردند پناهنده شدند!!! رهبر شهسواران

معبد ما بیناک Mabeignac با معدودی از اعضاء تحت حمایت بنایی با نام مک بناش Benach Mac اسكاتلند پناه گرفتند!!! پادشاه اسكاتلند!!! اوبرت ابوس! آنها را پذیرفت و به آنها اجازه داد! که نفوذ زیادی در لژهای ماسونی اسكاتلند پیدا کنند!!! در نتیجه لژهای اسكاتلند از نظر صنفی و عقیدتی اهمیت فوق‌العاده پیدا کردند!!! امروز فراماسونها از مک بناش با احترام یاد میکنند!!! ماسونهای اسكاتلند که وارث شهسواران معبد بودند! سالها بعد آن را بفرانسه بازگرداندند!!! و در آجا پایه آیینی را استوار کردند! که به عنوان آیین اسكاتلند شناخته میشود!!! مجله فراماسونری ترکیه ((معمار سنان)) اطلاعات فراوان!!! دیگر در مورد ارتباط بین فرقه شهسواران معبد و فراماسونری اروئه میدهند! در مقاله با عنوان ((شهسواران معبد و فراماسونری)) ذکر میکند که ((آداب مراسم پذیرش در فرقه شهسواران معبد شبیه به فراماسونی است)) بر طبق همین مقاله اعضاء فرقه شهسواران معبد هم مانند ماسونی یکدیگر را برادر خطاب میکردند! در انتهای مقاله میخوانیم: فرقه شهسواران معبد! و سازمان ماسونی تاثیر چشمگیری بر یکدیگر گذاشتند! مناسب صنفی بقدری شبیه هم هستند! به نظر میرسد از شهسواران معبد تقلید شده باشد! از این نظر ماسونها تا حد زیادی خود را به شهسواران معبد مربوط میدانند و میتوان گفت: آنچه به عنوان علوم خفیه (سرّی) اصیل ماسونری معروف است!!! از شهسواران معبد به آنها ارث رسیده است! بطور خلاصه همانطور که در مقاله آوریم!!! میتوان گفت: که نقطه آغاز صنعت خسروانی فراماسونری و خط مشی عضوگیری سرّی متعلق به شهسواران معبد بوده!!! پایان آن متعلق بفراماسونها میباشد!!! نهایتاً واضح است! که ریشه های فراماسونری به فرقه شهسواران معبد باز میگردد! و ماسونها فلسفه این فرقه را پذیرفتند!!! فراماسونها خود این مطلب را قبول دارند! البته مطمئناً نکته مهم برای بحث ما ماهیت این فلسفه است! چرا شهسواران معبد نسبت بمسیحیت مرتد شده؟! و به یک بدعت کذار تبدیل شدند؟! و چه چرا آنها

را به این سمت سوق داد؟! چرا آنها در اورشلیم دچار چنین تغییری شدند؟؟؟!!!  
 آژانس ماسونری چه تأثیری بر کلیت و قلمرو فلسفه؟! مورد قبول شهسواران  
 معبد گذارده است؟؟؟!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی ص ۱۳ تا ۱۹)

### شهسواران معبد وکابالا

کتابی با نام کلید حیرام The Hiram Key که دو فرد ماسون بنامهای کریستفر نایت Christopher Knight و ربرت لوماس Robert Lomas نگاشتند حاوی حقایق مهمی در ارتباط با ریشه های فراماسونری است! طبق نظر این مؤلفین بطور قطع ماسونری ادامه شهسواران معبد است! علاوه بر این مؤلفین منشاء شهسواران معبد را هم مورد بررسی قرار دادند! بر اساس فرضیه آنها شهسواران معبد و قتی که در اورشلیم بودند دچار تغییرات زیادی شدند! آنها بجای عقاید مسیحیت! اعتقادات دیگر را پذیرفتند! و ریشه این تغییر را می بود که آنها در معبد سلیمان در بیت المقدس جایی که در خرابه های آن دست بکاوش زده بودند یافتند! نویسندگان توضیح میدهند که شهسواران معبد نقش خود به عنوان محافظین زائرین مسیحی که از فلسطین دیدار میکردند را به عنوان نخسین! از زائرین محافظت کرده باشند!! اما از طرف دیگر ما بلافاصله مدارک قطعی یافتیم که آنها را در زیر خرابه های معبد هیروود دست به حفاری های گستره ای زدند... مؤلفین کتاب کلید حیرام تنها کسانی نیستند! که مدارکی در این مورد یافتند!! مورخ فرانسوی گوتان دولافورژ Gaetan de Laforce نیز همین عقیده را دارد! وظیفه واقعی نه شوالیه؛ تجسس در منطقه بدست آوردن آثار مقدس و دست نوشته های اسرار آمیز یهودیت مصر باستان بود!!! در اواخر قرن نوزدهم!!! چارلز ویلسون از دسته ها و مهند سین سلطنتی!!! پژوهشهای باستان شناسی را در اورشلیم آغاز کرد! و به نتیجه رسید که شهسواران معبد

**برای مطالعه ویرانه های معبدیه اورشلیم آمدند!** ویلسون بنشانه های خفاری کاوش در زیر پایه ای معبد برخورد کرد!!! و نتیجه گرفت که این کارتوسط ابزارهایی انجام که متعلق به شهسواران معبد بوده است!!! این اقدام هنوزدر کلکسیون روبرت برایدون!!! صاحب گسترده ترین آرشیو اطلاعاتی در مورد شهسواران معبد وجود دارد! نویسندگان کلیدحیرام معتقدند که این گاوشهای شهسواران معبد بدون نتیجه نبوده است و فرقه در اورلیشم آثار مقدس خاصی کشف کرده است که دیدگاه آنها نسبت بجهان را تغییر داده است!!! محققین بسیاری نیز همین عقیده را دارد!!! آنجا چیزی وجود داشته که موجب گردیده شهسواران معبد علی رغم این واقیت که قبلاً!!! مسیحی بودند و از یک بخش مسیحی نشین جهان آمدند!!! مجموعه عقاید و فلسفه را بپذیرند که کاملاً با مسیحیت تفاوت داشته باشد! این های بدعت گذارانه و نشریات جادوی سیاه را انجام دهند! طبق نظر بسیاری از محققین این ((چیز)) بالابوده است! معنی لغوی؛ کابالا ((سنت شفافی)) است!!! فرهنگهای لغت و دایره المعارفها آن را شاخه محرمانه و اسرار آمیز از یهودیت میدانند طبق این تعریف کابالا! در مورد معنای تورات و سایر نوشتجات مذهبی یهودیت تحقیق میکند!!! **اما وقتیکه ما مسأله را دقیق تر بررسی میکنیم! متوجه میشویم که واقیت کاملاً چیز دیگری است!!!** این حقایق ما را به این نتیجه میرساند که کابالا ساختاری است! که ریشه در الحادی و بت پرستی! که قبلاً تورات وجود داشته دارد! و بانزول تورات در میان یهودیت رایج شده است!!! این حقیقت جالب توجه در مورد کابالا! در منبعی به همان اندازه!!! جالب و قابل توجه!!! توضیح داده شده است!!! مرآت از کان Murat ozgen یک فراماسون ترک! مطلب زیر را در کتاب خود بنام ((فراماسونری چیست و به چه چیزی شبیه است؟؟؟!!!)) آورده است: ما دقیقاً نمیدانیم!!! که کابالا از کجا آمده یا چگونه ایجاد شده است؟؟؟! این یک نام کلی (هر چند کابالا در یهودیت پرورش یافت! اما خاستگاه آن خروج از یهودیت است! کابالا از عقاید الحادی مصر باستان و بین النهرین برخاسته است) یک فلسفه منحصر بفرد رمز آمیز و باطنی! با اصول ماوراء طبیعی است! که خویشاوندی فوق العاده با

دین یهود دارد! و از آن به عنوان عرفان یهودی نام برده میشود!!! اما برخی از ویژگیهای نشان میدهد! که بسیار قبل از تورات بوجود آمده است! مورخ فرانسوی بنام کوگنود موسو Gougenot des Mousseaux توضیح میدهد که کابالا عملاً کهن تر از یهودیت است! مورخ یهودی بنام، تئودور ریناخ Theodore Reinach میگوید: که کابالا ((یک سم بیصدا بود که وارد عروق یهودیت گردید و تمام آن را آلوده کرد)) سلیمان ریناخ، کابالا را این طور توصیف کرده است ((یکی از بدترین انحرافات ذهن بشر)) دلیل ریناخ برای اینکه کابالا یکی از بدترین انحرافات هزاران سال! کابالا! سنگ بنای هر نوع مراسم جادوگری بود! اعتقاد بر این بود که خاخم هایی کابالا را مطالعه کنند! دارای قدرت عظیم جادوگری میکردند! خیلی از غیزیهودیان هم تحت تأثیر کابالا قرار گرفتند! وسیعی میکردند با یکبار بردن تعالیم آن بجادوگری بپردازند! گرایش به امور اسرار آمیز که در اواخر قرون وسطی در اروپا به اوج رسید! و بویژه بصورت کیمیاگری نمود پیدا کرد! تا حد زیادی در کابالا ریشه داشت نکته این است که یهودیت یک دین تکتاپرستی است و بانزول تورات بموسی آغاز گردیده است! اما در این دین! ساختاری کلابالا نامیده میشود! بوجود آمده که اصول جادوگری را که توسط دین ممنوع شده پذیرفته است! این موضوع آنچه را که در بالا ذکر کردیم اثبات می کند! و نشان میدهد که کابالا در واقع عاملی است! که از خارج وارد یهودیت شده است! اما منشأ این عامل کجاست!؟! مورخ یهودی بنام فیبر اولوت Fabre Dolivet میگوید: که کابالا از مصر باستان آمده است! طبق نظر این نویسنده ریشه های کابالا بمصر باستان باز میگردد! کابالا سنتی بود که برخی از رهبران بنی اسرائیل در مصر باستان آموختند!!! و بصورت شفاهی نسل بنسل منتقل گردید! بهمین دلیل ما باید برای یافتن منشأ اصلی زنجیره کابالا- شهسواران معبد- فراماسونری نگاهی به مصر باستان داشته باشیم!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۰ تا ۲۶)

## جادوگران مصرباستان

مصرباستان فراغه یکی از قدیمی ترین تمدن های جهان است!!! که یکی از ستمکارترین آنها بوده است!!! آثارباستانی شکوهمند!!! که هنوز مصرباستان بجا مانده است - اهرام؛ ابوالهول و ابلیسک ها - بدست صدها هزاربرده که تا سرحد مرگ در زیر شلاق و تهدید بگرسنگی کار میگردند ساخته شده است!!! فراغه! فرما و ایان مطلق مصر میخواستند که خدایشمار و نود مورد! پرستش مردم قرار گیرند! یکی از منابع اطلاعات مادر مورد مصر باستان کتیبه های بجا مانده از آن است! این کتیبه ها در قرن نوزدهم کشف شدند! و بعد از تلاش بسیار الفبای مصری رمزگشائی شد! و اطلاعات بسیاری در مورد این کشور در اختیار ما گذارد! اما چون این کتیبه ها توسط مورخین رسمی حکومتی نداشته شده است!!! مملو از توصیفات متعصبانه ایست که برای تمجید و ستایش حکومتی آورده شدند! البته؛ برای مابترین منبع کسب اطلاعات در این مورد قرآن کریم است!!! در این قرآن در داستان موسی اطلاعات مهمی در نظام مصر بما داده میشود! که آیات قرآن نشان میدهند که دو کانون مهم قدرت در مصر وجود داشته است! فرعون و شورای داخلی فرعون! این شورا تأثیر مهمی بر فرعون داشت! فرعون اغلب با آنها مشورت میکرد و گاهی از پیشنهادات آنها پیروی میکرد! آیاتیکه در زیر آورده شده تأثیر این شورا!!! بر فرعون نشان میدهند: و موسوی خطاب کرد: ای فرعون! محققاً! منم فرستاده از سوی صاحب اختیار کلّ عالمیان! سزاوار آنم که برخداوند چیزی (جز حق) نگویم: من دلیلی پس روشن از جانب صاحب اختیار کلّتان!!! بر شما آوردم پس ((توای فرعون)) بنی اسرائیل را با من به فرست (فرعون) پاسوخ داد ((اگر دلیلی صدیق در دعوی رسالت داری)) پس میگوی: آن را بیاور؛ پس (موسی؛ هم) عصای خود را بیفکند و نگهان (آن عصا)

ازدهایی پدیدار گردید! و دست خود را (از جیب) بر آورد و ناگهان بینندگان را آفتابی تابان بود! گروهی از قوم فرعون گفتند: بی شک این (شخص) ساحری (سخت ماهر و) دانا است! اراده آن دارد که شمارا از سرزمین خود بیرون کند!!! اکنون (در کار او) چه دستوری میدهید؟! (قوم به فرعون) گفتند: موسی و برادرش را هارون را (زمانی) بازدار اشخاصی را بشهرها بفرست! تا ساحر زبردست دانایی را بحضرت جمع آورند (۱) باید توجه شود شورایی که در این آیات ذکر گردیده!!! شورایی است که فرعون را راهنمایی کرده!!! سپس علیه موسی تحریک می کند! و رشهای خاصی را با او توصیه مینماید!!! اگر در اسناد تاریخ مصر جستجو کنیم!!! متوجه میشویم که این شورا!!! از دو بخش اصلی را تشکیل میشود!!! سپاهیان و کاهنان! لازم نیست که در مورد اهمیت سپاهیان توضیح دهیم! چون اصل نظامی رژیم فراعنه از آن بود! اما باید در مورد نقش کاهنان دقت بیشتری بخرج دهیم! کاهنان مصر باستان بوظیفه متعلق بودند که قرآن از آنها بعنوان جادوگران نام برده است! آنها مظهر آئینی بودند! که از رژیم حمایت میکرد!!! اعتقاد بر آن بود که آنها قدرتهای ویژه دارند! و صاحب دانش های محرمانه! آنها با چنین اقتداری بر مردم مصر نفوذ داشتند! و در درون زمامداری موقعیت خود را تضمین میکردند!!! این طبقه که در اسناد مصری بنام (کاهنان آمون ۲ شناخته میشوند! توجه خود را به تعلیم و انجام جادوگری و آئین الحادی معطوف کرده بودند! و علاوه بر این علوم مختلفی از جمله ستاره شناسی و ریاضیات و هندسه را نیز مطالعه میکردند! این طبقه از کاهنان یک فرقه بسته و سری بودند که دانش خاصی در اختیار داشتند! چنین فرقه هایی عموماً به عنوان سازمانهای علوم خفیه شناخته میشوند!!! در مجله بنام ماسون درگزی (نشریه ماسونی) که در بین ماسونهای ترکیه میگردد!!! بیان شده که ریشه های فراماسونری به این فرقه علوم خفیه باز میگردد!!! و بخصوص از کاهنان مصر باستان نام برده شده است؛ بارشده!!! تفکر در انسان علم پیشرفت کرده علم تعداد رموز در

۱- (از قرآن کریم سوره اعراف آیات از ۴ تا ۱۱۲) ۲- (آمون یکی از خدایان مصر بود)

دانستنی های یک سیستم خفیه افزایش مییابد! در طی این پیشرفت! این بنگاه های علوم خفیه که ابتداء در چین و تبت بوجود آمد! و سپس به هند بین النهرین و مصر گسترش یافتند!!! پایه های یک دانش روحانی را بنا نهادند که هزاران سال بکار گرفته شد! و پایه های قدرت کاهنان مصر را تشکیل داد!!! بین فلسفه خفیه کاهنان مصر باستان و فراموسونهای کنونی!!! آیا میتوان ارتباطی وجود داشته باشد؟! مصر باستان- نمونه کلاسک از یک ساختار سیاسی خدانشناسی در قرآن کریم!!! هزاران سال پیش از بین رفته است!!! آیا میتوان امروزه تأثیر داشته باشد؟! برای پیدا کردن پاسخ این سوالات!!! ما باید عقاید کاهنان مصر باستان در مورد! منشأ جهان و حیات را بررسی کنیم!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۶ تا ۲۸)

### مصریان معتقد به تکامل ماتریالیستی بودند

نویسندگان ماسون انگلیسی تبار کریستفر نایت و روبرت لوماس: در کتاب خود کلید حیرام! برای این عقیده اند که مصر باستان جایگاه مهمی در منشأ ماسونری دارد! طبق نظر این مؤلفین مهمترین عقیده ای که از مصر باستان به ماسونری مدرن منتقل شده است!!! که جهان با خود و از خود بوجود آمده!!! و بر حسب احتمال و شانس تکامل یافته است! آنها این عقیده جالب را اینطور بیان کردند! مصریان معتقد بودند که ماده همواره موجود بوده است! برای آنها این طرز فکر که خداوند چیزی را از نیستی مطلق کند! غیر منطقی مینمود!!! آنها بر این عقیده بودند! که جهان هنگامی آغاز گردید! که نظم از آشوب نمایان گردید!!! و آنچه تا قبل از آن وجود داشت! نبرد بین نیروهای نظم دهنده و بی نظم بود!!! این حالت آشوب را نون NON مینامیدند و همانند توصیف سومریان... معتقد بودند... مناک! بی آفتاب دارای آب با نیوری خلاق درون آن بود! که دستور

شروع نظم را صادر کرد!!! این نیروی خفیه در جوهر آشوب نمی دانست!!! که وجود دارد! بلکه یک امکان! یک پتانسیل بود! که درون بی برنامه‌گی آشوب تنیده شده بود!!! هماهنگی و سازگاری عقایدی که توصیف گردید بانظرات!!! تشکیلاتی ماتریالیستی کنونی قابل توجه! نظراتی که در مجامع با اصطلاحاتی مانند ((فرضیه تکامل))؛ ((فرضیه آشوب)) و ((ساماندهی ذاتی ماده)) بیان میگردید! ولایت و لوماس بحث را بدینگونه ادامه میدهد!!! این توصیف از خلقت بطرز شگفت انگیزی با دیدگاه علوم جدید مطابقت دارد بخصوص با ((فرضیه آشوب)) که طرحهای پیچیده را شامل میگردد!!! که طبق قواعد ریاضیات و طی اتصالات کامل بی نظم شکل رفته و تکرار میگردند!!! نایت و لوماس ادعا میکند که بین عقاید مصریان باستان و علم جدید سازگاری وجود دارد! اما منظور آنها از علم جدید (که ما بر آن تأکید داریم) مفاهیم ماتریالیستی مثل فرضیه تکامل یا فرضیه آشوب است! با وجود این که فرضیه ها هیچ اساس علمی ندارد!!! طی دو قرن گذشته! بروز بحوزه تحمل شدند و از نظر علمی موجه نشان داده شدند (در بخش هایی آینده ما به بررسی کسانی می پردازیم که این فرضیه هارا بجهان علم تحمیل کردند) اینک ما به نقطه حساسی در این بخش از کتاب رسیده ایم! اجازه بدهد آنچه را که تا کنون کشف کردیم خلاصه کنیم:

۱- مابحث را با بررسی فرقه شهسواران معبدکه تصور میشود! منشأ فراماسونری است شروع کردیم!!! دیدیم که هرچند فرقه شهسواران معبد به عنوان یک فرقه مسیحی شکل گرفت!!! اما آنها تحت تأثیر برخی کتب و آموزه های که در اورشلیم کشف کرده بودند! قرار و کاملاً نسبت بمسیحیت مرتد شده!!! و بیک سازمان ضد مذهب که مراسم بدعت گذارانه انجام میدهند تبدیل شدند!!!

۲- وقتی پرسیدیم که این تعلیمات که بر شهسواران معبد تأثیر گذار دچه بود؟! فهمیدیم که در حقیقت چیزی به کابالا نبوده است!!!

۳- وقتی کابالارا بررسی کردیم مدارک بدست آوردیم که نشان میداد هرچقدر

هم که کابالاشبیه عرفان یهودیت باشد!!! در واقع مکتب و آموزه های الحادی کهن تر از یهودیت است! که بعدها به آن وارد گردیده!!! و ریشه های واقعی آن بمصر باستان بر میگردد!!!

۴- مصر باستان تحت سیطره نظام الحادی فرا عنه بود و ما! در آنجا عقیده را یافتیم!!! که پایه فلسفه های الحادی مدرن تشکیل میدهد!!! که جهان بخودی خود موجود بوده! و بر اساس احتمال تکامل مییابد! مجموع این واقعیت تصور جالبی را ترسیم میکند! آیرونق داشتن فلسفه کاهنان مصر باستان در زمان حال اتفاق یا رد پاهای آشکاری زنجیره (کابالا- شهسواران معبد- فراماسونری) مسؤل حفظ تفوق این فلسفه تا این زمان است!؟!؟! آیا ممکن است ماسونها که از قرن هجدهم اثر خود را بر تاریخ جهان به جا گذاشتند! موجب بروز انقلابها؟! ترویج فلسفه ها؟! و نظامهای سیاسی گشتند؟!؟!؟! و از جادوگران مصر باستان باشند؟!؟!؟! برای آنکه پاسخهای شفافتری برای این سوالات بیابیم! باید در ابتدا حوادث تاریخی را که هم اینک بطور کلی بیان کردیم! بطور دقیق مورد بررسی قرار میدهم!!!

در یک نشریه ماسونی ترکیه بنام معمارسنان؛ منشأ ماسونی و اجراء الحادی این کلیسا این گونه بیان شده است: متقاعد کننده ترین دلیل اتحاد شهسواران معبد و ماسونها در اسکاتلند! قلعه کوچک و کلیسای کوچکی است که در دهگده زلین!!! واقع در ۱۰ کیلومتری جنوب ادینبورگ و ۱۵ کیلومتر مرکز باستانی شهسواران معبد در بالانترودوگ قرار دارد! شهسواران معبد در این ناحیه و در این قلعه بویژه بعد از ۱۳۱۲ تحت حمایت بارون سنت کلمیر استند ۰۰۰ کلیسا بین سالهای ۴۸ - ۱۴۴۶ توسط سر ویلیام سنت گلر که یکی از برجسته ترین اشراف زادگان دوران خود در اسکاتلند و حتی اروپا بود!!! بنا گردید! ماسونها و فرقه روزی کراسین هادر ساخت آن کوشیدند!!! معمار اصلی این بنا! استاد اعظم شهسواران معبد سر ویلیام کلم بود!!! که معماران دوره گرد سنگ تراشان را از سراسر اروپا جمع کرد و در نزدیک دهگده زلین خانه های جدیدی بنامش!!! و لژی در آن افتتاح گردید... نقشه و دکوراسیون کلیسا منحصر بفرد

است؛ نمود دیگری از آن در اسکاتلند یا حتی اروپا وجود ندارد!! کلیسا بخوبی فضای هرود را بخود گرفت و هر قسمت از آن با نمادهای ماسونی تزئین شده است! از این نمادهانقش برجسته های روی دیوارها و طاق نماکه سرحیرام و قاتل او را تصویر میکنند! نقش برجسته مراسم عضویت فرد جدید! و سنگ تاج های طاق نماها و پرکارها را میتوان دید!!! بجز این این واقعیت؛ کلیسا بسبب الحادی واضحی از مصری! عبری؛ سبک کوتیک؛ نرماندی؛ سلنتیک؛ اسکاندیناوی و اجزاء معماری شهسواران معبد!!! و ماسونی احداث گرفته است! و شامل نمونه های عالی سنگ کاری میباشد!!! یکی از جالب ترین متدهای آن تزئین سرستونها بانقش کاکتوس و ذرت علاوه بر اشکال گیاهی متفاوت دیگر است! عناصر الحادی فراوانی در تزئین داخل کلیسا با کاررفته است! کشیشی در مورد مراسم غسل تعمیدی که برای بارون رزئین در سال ۱۵۸۹؛ انجام گرفته!!! گزارش تدوین کرده!!! و در آن این چنین اعتراض کرده است ((از آنجاکه کلیسا آکنده از بت است! هیچ جای مناسبی برای انجام مراسم وجود ندارد))؛ (( اثر فشار هایی که بر بارون اولیوم وارد آمد!!! در ۳۱ آگوست ۱۵۹۲ محراب کلیسا سبک الحادی داشت تخریب گردیده!!!

(از کتاب فراماسونی جهانی از ص ۲۹ تا ۳۴)

### تاریخ کابالا

کتاب مقدس سفر خروج Exodus عنوان کتاب دوم تورات است!!! این کتاب توضیح میدهد که چگونه بنی اسرائیل تحت رهبری موسی مصر را ترک کرده از ستمگری فرعون گریختند!!! فرعون بنی اسرائیل را وادار میکرد!!! که چون بردگان کارکنندوبه آزادی آنها رضایت نمی داد! اما وقتی فرعون با معجزاتی که خداوند از طریق موسی انجام میداد! و مصایبی که مردمان خود تحمل میکرد مواجه گردید!!! و بترتیب یک شب بنی اسرائیل گردهم آمدند مهاجرت خود را

مصر را آغاز کردند!!! پس از آن فرعون بر بنی اسرائیل هجوم آورد اما خداوند بامعجزه دیگری که از موسی انجام داد آنها را حفظ کرد!!! اما ما قرآن کریم معتبرترین توصیف خروج از مصر را میابیم!!! چراکه تورات بعد از آنکه بر موسی نازل گردید دچار تحریفات فراوان شد! یک دلیل مهم برای این مطلب این است!!! که در پنج کتاب تورات؛ سفر پیدایش؛ سفر خروج؛ سفر لاویان و سفر اعداد؛ سفر تثبیه باهم تناقضات فراوان وجود دارد!!! این واقعیت که سفر تثبیه باصف رحلت و خاکسپاری موسی پایان میرسد! مدرک مسلمی است! که این بخش پس از مرگ موسی افزوده شده است!!! در قرآن کریم؛ در وصف خروج بنی اسرائیل از مصر و در تمام داستانهای مربوط به آن کوچکترین تناقضی وجود ندارد! اصلاً در کل قرآن کریم تناقضی وجود ندارد! و داستان بدون ایراد نقل شده است!!! به علاوه؛ همانند سایر داستانهای قرآنی خداوند تعلیم و رموز بسیاری را به تناسب در روند داستان بیان فرموده است!!! بهمین دلیل وقتی این داستانها را به دقت بررسی کنیم میتوانیم در سهایی زیادی از آنها فرابگیریم!

(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۳۵ و ۳۶)

### گوساله طلایی

بر اساس آیات قرآن کریم یکی از حقایق مهم در مورد خروج بنی اسرائیل از مصر این است!!! که با وجود اینکه خداوند توسط موسی آنها را از ستیغ فرعون رها کرد!!! علیه دین باطل فرستاده شده! از طرف خداوند طغان کردند! بنی اسرائیل قادر نبود!!! یک تاپرستی که موسی به آنها ابلاغ میکرد درک کنند و همواره بت پرستی شرک گرایش داشتند! قرآن کریم این تمایل عجیب را این گونه بیان فرموده است: و بنی اسرائیل را از دریا (بساحل سلامت) گذرانیم تا! بقومی برخوردند! که بر پرستش بتان خود همت گمارده بودند (پس به آئین بت پرستی مایل شدند و بموسی) گفتند: ((ای موسی برای ما خدایانی مثل خدایانی که این بت پرستان را است مقرر کن)) موسی در جواب گفت: براستی شما مردم نادانی هستید!!! در حقیقت خدایانی که این جماعت بت پرستان را است! فانی و عقاید و آئین بتان باطل است!!!

(( از قرآن کریم سوره اعراف آیه ۳۹ تا ۱۳۸ ))

با وجود هشدارهای موسی! بنی اسرائیل به انحرافات خود ادامه دادند و هنگامیکه موسی! برای تنها بالارفتن از کوه سینا آنها را ترک نمود! این انحراف را کاملاً مشهود کردند! مردی بنام سامری با استفاده از غیبت موسی خروج کرد! اما با نادانی بنی اسرائیل به بُت پرستی دامن زد و آنها را مجاب کرد! که پیکری از گوساله بسازد! موسی غضبناک و اندوهگین بسوی قومش بازگشت گفت: ای قوم من! آیا صاحب اختیار کلّ شما! بشما وعده های نیکون داده بود؟! آیا وعده خداوند طولانی شد؟! یا مایل شدید که غضب صاحب اختیار کلّ تان! بشما فرود آید؟! که وعده مرا خلاف گردید؟؟؟!!! گفتند: ((ما به اختیار خود وعده تورا خلاف نکردیم! کن از تجمل و زیور مردم بارهایی بردوش ما بود! آنها را به آتش افکندیم و سامری چنین (فتنه انگیزی و) راهنمایی کرد!!! (آنگاه سامری) برای مردم پیکر گوساله بساخت که صدایی (شگفت همچون صدای گاو) داشت و گفتند: این (گوساله) خدای شما و خدای موسی است! که فراموش کرده است!!!

(از قرآن کریم سوره طه آیات ۸۶ تا ۸۸)

چرا در بین بنی اسرائیل گرایش مستمری برای ساخت بُت و پرستش آن وجود داشت؟! منشأ این انحراف از کجاست؟؟؟!!! واضح است جامعه که قبلاً هرگز اعتقادی به بُت هانداشته! ناگهان چنین رفتار پوچی را نمی پذیرد که بُت بسازد و آن را پرستش کند!!! انتها کسانی که بُت پرستی برایشان یک میل طبیعی!!! بشمار میرود چنین رفتاری غیر معقولی داشته باشند! اما بنی اسرائیل از زمان جد خود ابراهیم بیک خدای یگانه اعتقادات داشتند! نام ((بنی اسرائیل)) یا ((پسران اسرائیل)) اولین بار به پسران یعقوب نوه ابراهیم و سپس بتامی یهودیانی که از نسل او بودند اطلاق شد! بنی اسرائیل عقایدی که پرستیکه از اجداد خود ابراهیم

اسحاق؛ یعقوب به ارث برده بودند را حفظ کردند! آنها همراه یوسف بمصر آمدند!  
 و علی رغم اینک در میان مصریان بُت پرست زندگی میکردند!!! عقاید یکتا  
 پرستی خود را مدتها حفظ کردند!!! در داستانهای قرآنی مشخص میگردد! که  
 وقتی موسی بر بنی اسرائیل نازل شد! آنها یکتا پرست بودند! تنها توضیح این  
 مسأله این است!!! که بنی اسرائیل تحت تأثیر مردمان بُت پرستی که در میان  
 آنها زندگی میکردند! قرار گرفته و شروع به تقلید از آنها کردند!!! و بُت پرستی  
 مثل بیگانه را جایگزین دینی کردند!!! که از طرف خداوند برای آنها برگزیده  
 شده بود! (هرچند بسیاری از آنها به عقاید یکتا پرستی باقی! ما این موضوع را  
 از دیدگاه مدارک تاریخی بررسی میکنیم متوجه میشویم! این آئین الحادی که  
 بنی اسرائیل راتحت تأثیر قرار داد! از مصر باستان بوده است! یک مدرک مهم  
 در این زمینه گوساله طلایی است! که بنی اسرائیل آن را وقتی موسی در کوه  
 سینا بود پرستیدند! و در واقع مدلی از دویت مصر بنام ها ثور Hathor و آفیس  
 Aonis بود نویسنده مسیحی ریچارد رایوز Rives Richard در کتاب خود  
 با عنوان دیرزمانی در آفتاب می نویسد: ها ثور و آفیس خدایان گاو ماده و گاو نر  
 مصر بودند! که نماینده پرستش خورشید بشمار میرفتند! این ستایش تنها مرحله  
 از تاریخ طولانی آفتاب پرستی مصریان بود! گوساله طلایی کوه سینا مدرکی  
 کاملاً قطعی برای اثبات این است! که مراسم مورد نظر مربوط به پرستش آفتاب  
 است... تأثیر مذاهب الحادی مصریان بر بنی اسرائیل بمجرد اینکه با مردمان  
 کافر برخوردند!!! این برخورد موجب بروز یک عقده بدعت گذارانه گردید!!! و  
 همانطوریکه آیه قرآن کریم تصریح میفرماید: گفتند: ای موسی برای ما خدایان  
 مثل خدایانی که این بُت پرستان را است مقدر کن!!!

(از قرآن کریم و از سوره اعراف آیه ۱۳۸)

و آنچه آنها به پیامبر خود گفتند (... ای موسی بتو ایمان نمی آوریم مگر آنکه  
 خدا را آشکارا ببینیم!!!)

(از قرآن کریم و از سوره البقرة آیه ۵۵)

این نشان میدهد که آنها تمایل داشتند!!! جسمی مادی را پرستش کنند!!! که با چشم قابل رؤیت باشد! همانطوریکه مذاهب الحادی مصریان تصریح داشت! گرایش بنی اسرائیل بکفر باستان مصر! که در اینجا به آن اشاره کردید! برای فهم تحریف ایجاد شده!!! که در متن تورات فعلی و منشأ کابالا مهم است!!! وقتی ما این دو موضوع را با دقت بررسی کنیم! خواهیم دید که در منشأ!!! هر دوی آنها کفر و فلسفه ماتریالیستی مصر باستان یافته میشود!!!  
(از کتاب فرما سونری جهانی از ص ۳۶ تا ۴۰)

### از مصر باستان تا کابالا

وقتی موسی هنوز زنده بود! بنی اسرائیل نمونه هایی از بت که در مصر دیده بودند ساختند! و شروع بپرستیدن آنها کردند! پس از رحلت موسی؛ مانع کمتری برای بازگشت بیشتر به انحرافات گذشته ایشان وجود داشت! البته این موضوع را نمیتوان به تمام یهودیان نسبت داد! اما برخی از آنها بت پرستی مصریان را پذیرفتند!!! در واقع؛ اصول عقاید کاهنان مصری (ساهران فرعون) را که در تار و پود باورهای اجتماعی عجیب گشته بود منتقل کرده! و ایمان اصلی خود را با وارد کردن این اصول عقاید تحریف نمودند! **اصول عقایدی که از مصر باستان به یهودیت وارد شده بود!!! کابالا!!!** نیز همانند دستگاه کاهنان مصری یک مکتب علوم خفیه بود! اساس آنها! بر جادوگری قرار داشت! **جالب اینکه! کابالا توصیفی از آفرینش دارد! که کاملاً با آنچه تورات بیان میدارد تفاوت دارد! این یک توصیف ماتریالیستی!!! بر اساس عقیده مصریان باستان و بر مبنای وجود ازلی ماده است! مورات اوزگان Murat ozgan؛ فرما سون ترک! این مطلب را اینگونه بیان کرد: واضح است که کابالا! سالهای قبل از این که تورات بوجو آید تدوین شده است! بخش مهمی از کابالا! فرضیه درباره آفرینش جهان است! این فرضیه با روایت آفرینش بیان شده!!! در ادیان توحیدی خیلی تفاوت دارد!!! طبق نظر! کابالا! در آغاز آفرینش چیزهایی که سفیرا به معنی (حلقه ها) یا (مدارها) خوانده میشود! با خصوصیات دوگانه مادی و روحانی تولید یافت!!!**

تعداد کلّ این چیزها ۳۲ عدد بود؛ ۱۰ عدد اوّل نماینده نظام خورشیدی و بقیه نماینده توده ستارگان در فضا بودند! این ویژگی کابالا نشان میدهد که ارتباط تنگاتنگی بامبظومه های ستاره شناسی باستانی دارد!!! بنابراین کابالاتفاوت بسیار با دین یهود دارد و وابستگی بسیار نزدیکتری مذهب رازآمیزی باستانی در شرق دارد!!! یهودیان!!! بپذیرش این تعالیم! ماتریالیستی و اصول عقاید!!! علوم خفیه که بر پایه جادوگری قرار داشت! ممنوعیت های مربوط به آن در تورات را نادیده گرفتند! آنها مراسم جادوگری مردمان کافر را اختیار کردند!!! و به این ترتیب! کابالا به عقاید اسرارآمیز در درون یهودیت مبدل گشت! هر چند بر خلاف تورات بود!!! نویسنده انگلیسی نسترون ۱۰۰ چ سفیرا یکی از آشکارترین تعبیر تعالیم الحادی کابالا است! نمایی از دایره ها که در تصویر کابالیستی دیده میشود!!! یک سفیر است کابالیست هاسعی میکنند فرایند آفرینش را!!! توسط سفیرها توجیه کنند!!! سناریویی که واقع اسطوره الحادی است که با حقایق نازل شده در کتابهای مقدس تضاد کامل دارد!!! برخی از یهودیان تحت تأثیر فرهنگهای پاکان و بت پرستان مصر باستان و بین النهرین قرار گرفتند!!! و از تورات که خداوند برای هدایت آنها نازل فرموده بود!!! روی برگردانیدند!!! و شروع بپرستش اشیاء مادی گوناگون کردند! تصویر معبد برای پرستش آفتاب را نشان میدهد! و بستر: در کتاب خود با عنوان انجمن های سری و جنبش های ضد حکومت میگوید: همانطور که میدانیم! کنعانیان قبل از سکونت بنی اسرائیل در فلسطین به جادوگری میپرداختند!!! مصر! هند! و یونان پیش گویان و غیب گویان و خود را داشتند! یهودیان به جای بیزاری جستن از جادوگری که قوانین موسی آمده است! این هشدارها را نادیده گرفته! تحت تأثیر جو غالب! باسنتهای مذهبی که از عقاید جادوگری (بخشی بصورت عاریت از دیگر نژادها و بخشی از سهم خوشان) به ارث برده بودند! عجین شدند! در همین زمان بخش نظر کابالا یهود از فلسفه مجوسان پارسی!!! و از نوافلاطونیان! و نو فیثاغورثیان عاریت گرفته شد! بنابراین! یکی از دلایل حقانیت مخالفین کابالیستها این است که اینک

بطور قطع میدانیم کابالا منشأ کاملاً یهودی داشته است!!! در قرآن کریم آیه وجود دارد که به این موضوع اشاره میکند! خداوند میفرماید: که بنی اسرائیل آئین های سحرآمیز شیطانی را از منابعی خارج از دین خود فرا گرفتند! و سخنانی را که شیاطین در ملک سلیمان (به افسون و جادوگری) میخواندند!!! پیروی کردند و سلیمان هرگز بخدا کافر نگشت!!! لیکن آن دیوان که بمردم سحریادمی دادند! کافر شدند و (نیز پیروی کردند از) آنچه که بر آن دوفرشته! هاروت! و ماروت در بابل نازل شده بود! در حالی که آن دو ملک بهیچ کسی چیزی نمی آموختند مگر آن که (بدو) میگفتند: ((ما و کارمان فتنه)) و آزمایش است!!! مبادا کافر شوید!!! و دیوان از آن دو چیزهایی می آموختند!!! که با آن میان زن و شوهر جدایی می افکنند! هر چند بکسی زیان نمی رسانیدند مگر آنکه خدا میخواست! و چیزی می آموختند که بخلق زیان میرسانید و سود شان نمی بخشید!!! و محققاً می دانستند که هر که چنین کند!!! در آخرت هرگز بهره نخواهد یافت و آنان ببهای نفوس خود زشت ترین متاع را خریدند اگر میدانستند!!!

(از قرآن کریم و از سوره البقرة آیه ۱۰۲)

این آیه تصریح میفرماید: که برخی از یهودیان!!! هر چند میدانستند که در جهان آخرت متضرر خواهد شد! جادوگری را آموختند و قبول کردند! آنها بفرامینی که خداوند برایشان فرستاد کافر گشتند! روح خود را فروختند! و در کفر (اصول عقاید سحرآمیز) سقوط کردند!!! ((ببهای نفوس خود زشت ترین متاع را خریدند)) به عبارت دیگر از دین خود برگشته و کافر گشتند! حقایق موجود در این آیه!!! جنبه های اصلی یک تعارض اساسی در تاریخ یهودیت را نشان میدهد! در این تعارض! در یک طرف! پیامبرانی که خداوند برای یهودیت میفرستاد! و نیز یهودیان مؤمنی که از آنها پیروی میکردند!!! و در طرف دیگر یهودیان طاغی که از دستورات خداوند نافرمانی کرده! فرهنگ کفرآمیز مردمان اطراف خود را سر مشق قرار داده و بجای پیروی از فرمان خداوند! از شعائر فرهنگی آنان پیروی میکردند! و نیز پیامبرانی که از نسل ابراهیم را تکذیب کرده و یا به قتل میرسانیدند!!!

### اصول عقید کفر آمیز افزوده شده به کتب مقدس عهد عتیق

جالب توجه است!!! که کناهنان یهودیان طاعی اغلب در کتب مقدس شان نیز ذکر شده است! در کتاب نحمیا! یک کتاب تاریخ مانند در کتب عهد عتیق یهودیان بگناه خود اعتراف کرده و توبه مینمایند!!! و ذریت اسرائیل خویشتن را از جمیع عرباء جدا نموده!!! ایستاده و بگناهان خود و تقصیرهای پدران خویش اعتراف کردند! و در جای خود ایستاده یک ربع کتاب تورات یهوه خدای خود را خواندند! و ربع دیگر اعتراف نمود! یهوه خدای خود را عبادت نمودند! و یسوع وبانی و قدمیثیل و شبنیابونی و شربیاوبانی و کنانی برزینة لاویان ایستاده! و به آواز بلند نزد یهوه خدای خویش استغاثه نمودند؛ ۲۶ نفر (آنها گفتند) ((... و بر تو فتنه انگیخته و تمرّد نموده شریعت تو را پشت سر خود انداختند! و انبیاء تو را که برای ایشان شهادت میآوردند!!! تا بسوی تو بازگشت نما یند کشتند و اهانت عظیمی بعمل آوردند!!! آنگاه تو ایشان را بدست دشمنانشان تسلیم نمودی! تا ایشان را بتنگ آوردند! و در حین تنگی خویش نزد تو استعاثه نمودند! و ایشان را از آسمان اجابت نمودی و بر حسب رحمتهای عظیم خود! نجات دهندگان بایشان دادی!!! که ایشان را از بدست دشمنانشان رهانیدند! اما چون استراحت یافتند بار دیگر بحضور تو شرارت ورزیدند! و ایشان را بدست دشمنانشان وا گذاشتی که برایشان تسلط نمودند و چون باز نزد تو استغاثه نمودند!!! ایشان را از آسمان اجابت نمودند!!! و بر حسب رحمتهای عظیمت بارهاری بسیار ایشان را رهائی دادی!!! و برای ایشان شهادت فرستادی تا ایشان را بشریعت خود برگردانی! اما ایشان متکبرانۀ رفتار نموده! و امر تو را اطاعت نکردند و به احکام تو هر که آنها را بجا آورد!!! از آنها زنده میماند خطاء ورزیدند!!! و دوشهای خود را مانند گردنهای خویش ساخت نموده اطاعت نکردند! اما بر حسب رحمتهای عظیمت

ایشان را بالکل فانی نساختی و ترک نمودی!!! زیرا که خدای یکریم و رحیم هستی! و الآن ای خدای ما!!! ای خدای عظیم و جبار و مهیب که عهد رحمت را نگاه میداری! زنهار تمامی این مصیبتی که بر ما و بر پادشاهان و سروران و کاهنان و انبیاء و پدران ما و بر تمامی قوم تو از ایام پادشاهان آشور!!! تا امروز مستولی شده است در نظر تو قلیل ننماید! و تو در تمامی این چیزهایی که بر ما وارد شده است! عادل هستی زیرا که تو بر راستی عمل نموده! اما مشرارت ورزیده ایم!!! و پادشاهان و سروران و کاهنان و پدران ما بشریعت تو عمل نمودند!!! و به او امر و شهادت تو که به ایشان امر فرمودی گوش ندادند! و در مملکت خودشان و در احسان عظیمی که به ایشان نمودی! و در زمین وسیع و برون دکه پیش روی ایشان نهادی تو را عبادت نمودند! و از اعمال شنیع خویش بازگشت نکردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق! و از کتاب نحمیا باب ۹ آیات ۲؛ ۴؛ ۶؛ ۲۹؛ ۳۱؛ ۳۵)

این عبارت تمایل تعدادی از یهودیان برای بازگشت به تعالیم پروردگار! نشان میدهد!!! اما در روند تاریخی یهودیت!!! که بخش دیگری بتدریج قدرت گرفتند بر یهودیان مسلط شدند! و بعدها بطور کامل دین را تغییر دادند!!! به همین دلیل در تورات و سایر کتب مقدس عهد عتیق!!! مطالبی وجود دارد!!! که تعالیم بدعت گذاران کفرآمیز مشتق شده! و همانند مطالب ذکر شده در بالا موجب بروز گرایش برای بازگشت بدین حقیقی گردیده اند!!! بعنوان مثال!!! در کتاب اول تورات گفت: شده!!! که خداوند تمام جهان را طی شش روز از عدم آفرید!!! این مطلب صحیح است! و از وحی نشأت گرفته است!!! اما بعد از آن ذکر شده است! که روز هفتم!! (از همه کار خود که ساخته بود آرامی گرفت) که کاملاً ساختی است!!! این یک عقیده انحرافی است!!! که از کفر حاصل شده! و خصوصیات انسان را که به خداوند نسبت میدهند! در آیه از قرآن کریم خداوند میفرماید: ما آسمانها و زمین و آنچه را بین آنها است! در شش روز آفریدیم: و هیچ رنج و خستگی بما نرسید!!!

(از قرآن کریم و از سوره ق آیه ۳۸)

((در بخش دیگری از تورات! سبک نگارش وجود دارد! که سبک نگارش انسانی است!!! بخصوص در جاهایی که ضعف های انسانی بناحق به او نسبت داده شده است (سبحان الله؛ خدا بری از آنهاست) این انسان نگاری خدایشیه همان است! که بت پرستان صفت انسانی را بخدایان ساختگی خود نسبت میدادند!!! یکی دیگر از این ادعاهای کفرآمیز این است!!! که یعقوب جد بنی اسرائیل با خداوندگشتی گرفته و پیروز شد!!! بی هیچ شکی این داستان برای نشان دادن برتری نژادی بنی اسرائیل بتقلید! از احساسات نژاد پرستانه متداول بین کفار ساخته شده است (یا در کلام قرآن کریم حمیت جاهلی) در کتاب مقدس عهد عتیق! گرایش وجود دارد!!! که خداوند را بصورت یک خدای قومی معرفی کند که فقط خدای بنی اسرائیل است!!! اما واقعیت این است!!! که خداوند صاحب اختیار کل تمامی جهانیان و انسانهاست! این نظریه خدای قومی در کتاب مقدس عهد عتیق با گرایش بت پرستان!!! که در آن هر قبیله خدای مخصوص خود را میپرستند! متابقت دارد! در برخی کتب مقدس عهد عتیق (مثلاً کتاب یوشع نبی) **فرمانهایی برای ارتکاب خوشنتمهای وحشتناک مردمان غیر یهود صادر شده است! دستور قتل عام بدون رحم زنان و کودکان و افرید پیر داده شده است!!! این بی رحمی و ستمگری کاملاً! برخلاف اسطوره جنگ را پرستش میکردند!!! این عقاید الحادی که بتورات وارد شده اند! باید خاستگاهی داشته باشند! این باید یهودیان باشند! که تعالیم بیگانه بتورات را پذیرفته و محترم شمرده باشند! و کتاب آسمانی را با وارد کردن عقایدی که از این تعالیم گرفتند تغییر دهند! منشاء این تعالیم بکاهنان مصر باستان (ساحران دستگاه فرعون) باز میگردد! و در واقع این تعالیم همان کابالا بود! که از آنجا توسط تعداد از یهودیان منتقل گردید!!! کابالا قالبی بخود گرفت! که تعالیم کفرآمیز مصر باستان و سایر آموزه های الحادی را قادر ساخت!!! بتدریج جای خود را در یهودیت باز کرده و در درون آن رشد**

یابد! البته! کابالیست‌ها اصرار دارند! که کابالا صرفاً رموز مخفی تورات را با دقت بیشتری شرح میدهد! اما در واقع همانطور که مورخ یهود! کابالا! تنو دور ریناخ میگوید (سمی بی سرو صدا است! که عروق یهودیت تزریق شده! و تمام آن را آلوده نموده است) بنابراین میتوان رد پای واضحی از جهانبینی ماتریالیستی مصریان باستان را در کابالا نشان داد!!!  
(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۴۴ تا ۴۶)

### کابالا - مکتب مخالف آفرینش

خداوند در قرآن کریم میفرماید: که تورات یک کتاب آسمانی است! که بعنوان نور و روشنایی برای انسان فرستاده شده است! بدرستی که ماتورات را که در آن هدایت و روشنایی (دلها) است فرستادیم! پیغمبرانی که تسلیم (امر خدا) هستند بدان کتاب برای یهودیان حکم بکنند!!! و نیز خداشناسان و عالمان! بسبب آنچه از احکام کتاب خدا که مأمور نگهبانانی آن هستند! و بر صدق آن گواهی دادند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره مائده آیه ۴۴)

بنابراین تورات هم مانند قرآن کریم کتابی است! که حاوی معارف و دستوراتی در مورد موضوعاتی از قبیل وجود خداوند! یگانگی و صفات او!!! خلقت انسان و دستورات اخلاقی خداوند برای انسان؛ (اما این تورات اصلی امروز موجود نیست! و آنچه در اختیار ماست نسخه ای تحریف شده از تورات است!!! که با دستان بشر تحریف گشته است) نقطه قابل توجه این است!!! که تورات واقعی و قرآن اصول مشترکی دارند: خداوند بعنوان خالق شناخته شده است! خداوند مطلق ازلی است! هر چیزی غیر از خداوند! توسط او از عدم آفریده شده است! او کلّ جهان را خلق کرده است! اجرام آسمانی؛ موادی جان؛ انسان و تمام موجودات زنده مخلوق او هستند! خدایکی است! و شریکی ندارد! اگر حقیقت این است!!! پس تغییر کاملاً متفاوتی در کابالا مشاهده شده! که آن را (بی سرو صدا؛ که وارد

عروق یهودیت شد!!! و آن را کاملاً آلوده کرد)) نامیده اند! عقیده کابلا در مورد خدا کاملاً متضاد (( حقیقت خلقت )) است!!! که در تورات واقعی و قرآن کریم وجود دارد! لانس، اس اونزی **Lances Owens** محقق امریکایی دریکی از اثرهایش در مورد کابالا! نظر خود در منشأ این تعالیم را اینگونه بیان کرده است: تجربه کابالایی! تعبیر گوناگونی در مورد خدا دارد! که خیلی از آنها بادیگاه های متعارف تفاوت!!! اصلی ترین عقیده اسرائیل در بیانیه آنها این است! که (تعالیم کابالا! در مورد منشأ جهان موجودات زنده! داستانی مملو از اسطوره است! که تماماً از تضاد با حقایق آفرینش موجود در کتابهای مقدس است!!!) (خدای مایکتا است)) اما! کابالا! تأکید میکند که هر چند خداوند در عالی ترین شکل بصورت یک واحد کاملاً وصف ناپذیر!!! در کابالا! به آن عین سوف Einsof (لایتاهی) میگویند: وجود دارد! اما این یک بودن درک نشدنی الزاماً! از تعداد زیادی اشکال الهی سرچشمه میگیرد!!! یعنی کثرت خدایان!!! کابالیستها! این حالت را سفیرا Sefiroth مترادف ظرف ها یا وجوه خدا مینامند! طریقی که در آن خدا از یک واحد وصف ناپذیر! بتکثیر تنزل داده میشود! معمایی است! که کابالیستها! تفکرات و مکاشفات فراوانی صرف آن میکنند!!! بطور وضوح! این تصور از خدای چند چهره اعتراف بچند خدایی بودن است! اتهامی که همواره باشور و حرارت (هر چند هرگز کاملاً موفق نبوده است) از طرف کابالیستها! تکذیب شده است!!! اما موضوع با کثرت خدا!!! در عرفان کابالیستی! خاتمه نمیابد!!! بلکه در آنها اولین ظهور این خدای یگانگی درک بدوگانگی! مذکر و مؤنث! پدر و مادر آسمان! هخما Hokhhmah (فرد) و بینا BINA (بصورت) که اولین اشکال ظهور یافته خداوند بودند! منتهی میگردد!!! کابالیستها! از استعاره های جنسی صریحی استفاده میکنند! تا توضیح دهند چگونه مجامعت خلأ قانه را بوجود آورد... جنبه جالب این تعالیم صوفیانه این است! که بر طبق آن انسان آفریده نشده! بلکه از جهاتی جنبه ربوبیت دارد! اونیز این اسطوره را اینگونه

شرح میدهد! این تصور ملکوتی پیچیده ۰۰۰ را کابالا! بیک شکل انسان گونه واحد نیز مجسم نموده است! از نظریک نظریه پرداز کابالیس!!! خدا همان آدم کدمون Adam kadmon است: انسان آغازین یا آدم انسان!!! با خدا هم ذات جرقه الهی غیر مخلوق بودن! و هم در شکل پیچیده و ارگانیک مشترک هستند!!! این برابری عجیب آدم با خدا با رمزی!!! کابالیستی! حمایت میگردد: ارزش عددی اسمهای آدم Adam و یهوه Jehovah (yod hevavhe) در زبان عبری هر دو ۴۵ میشوند! بنابراین! در تفسیر! کابالیستی! یهوه معادل آدم است! و آدم خدا است! با این منطق چنین ادعا میشود! که تمام انسانها در بالاترین حد تحقق یونایی های! بالقوه شان شبیه خدا میگردد!!! این فلسفه مشتمل بر یک اسطوره شناسی الحادی است!!! و اساس انحطاط یهودیت را تشکیل میدهد!!! کابالیستهای! یهودیت آنچنان مرزهای منطق متارف رازیرپا گذاشتند! که حتی تلاش کردند انسان را بحدّ خدایی برسانند! علاوه بر این! مطابق این اعتقادات! انتها انسان مقام الویت مییابد!!! بلکه این مقام تنهامتخصّ یهودیان است! و سایر مردمان انسان محسوب نمیگردد! بنابراین! این عقیده انحرافی در زدرون یهودیت! که در اصل آن بندگی و اطاعت از خداوند بود شروع بر شدنمود! و هدف آن اشباع کردن خود خواهی یهودیان بود! **کابالا! علی رغم تناقض ماهیتی با تورات و اردیهودیت گردید! و سرانجام خودتورات را نیز به انحرافی و تحریف!** نکته قابل توجه دیگر در مورد! تعالیم انحرافی! کابالا! شباهت آن با عقاید الحادی مصر باستان است! همانگونه که در صفحات پیشین شرح دادیم! مصریان باستان معتقد بودند!!! که ماده همیشه وجود داشته است!!! به عبارت دیگر آنها این عقیده که ماده از عدم خلق شده است را! ردّ میکردند! کابالا! نیز در مورد انسان نظر مشابهی دارد! و ادعا میکند که انسان خلق نشده است! و آنها در بوجود آوردن خود نقش داشته اند!!! اگر بخواهیم با اصطلاحات امروزی مطلب را بیان کنیم باید بگوییم: مصریان باستان ماتریالیست بوده اند! و عقاید! کابالا! نیز را در اصل میتوان اومانیسیم سکولار نامید!!! نکته جالب این است! که این دو هم مفهوم

ماتریالیسم؛ و او مانیسیم سکولار؛ و دوایدنولوژی هستند! که در طی دو قرن گذشته در جهان غالب گردیدند! در اینجا این سؤال مطرح میشود؟؟!! که چه نیروهای تعالیم مصر باستان و کابالا! را از میان تاریخ باستان به عصر کشانده است؟؟!! (از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۴۷ تا ۵۰)

### از شهسواران معبد تا ماسونها

همانطور که پیش از این! در مورد شهسواران معبد سخن گفتیم: این فرقه عجیب از صلیبی هاتحت تأثیر اسراری که در بیت المقدس یافته بودند! نسبت بمسیحیت مرتد شده!!! و شروع به انجام آئین های ساحری کردند!!! گفتیم: که خیلی از محققین بر این عقیده هستند! که این راز به کابالا مربوط میگردد! بعنوان مثال نویسنده فرانسوی الیاس!!! لوی Eliphas Levi در کتاب خود بنام تاریخ جادوگری مدارک مشروحی ارائه میدهد که فرقه شهسواران معبد آئین های اسرار آمیزی را به اجرا درمی آورند که بطور مخفیانه در تعالیم کابالا آموزش دیده بودند! داستان نویس شهرایتا لیائی! امرتواکو Umberto Eco در کتاب خود Pendulum Foucaults، این حقایق را در قالب داستان بیان کرده است! در این داستان او از زبان قهرمانان کتاب بیان میکند!!! که فرقه شهسواران معبد تحت تأثیر کابالا قرار گرفتند! و کابالیستها! رازی در اختیار داشتند که رد پای آن به فراغنه مصر باستان باز میگشت! طبق گفته اکو! برخی از یهودیان سرشناس اسرار خاصی را از مصریان باستان آموخته اند!!! و سپس آن را وارد پنج کتاب اولیه ای عهد عتیق (اسفار پنجگانه ای تورات) کردند!!! اما این راز بطور مخفیانه منتقل گشت! تنها توسط کابالیستها قابل درک بود (کتاب زوهر؛ بعدها در اسپانیا نوشته و کتاب پایه ای کابالا را تشکیل میدهد!!! به اسرار این اسفار پنجگانه میپردازد) سپس!!! اکو اظهار میدارد! کابالیستها متوجه این راز مصر باستان در اندازه گیریهای هندسی معبد سلیمان نیز شدند!!! و فرقه شهسواران

معبد؛ آن را از خاکام های کابالیست در اورشلیم آمود ختند؛ رازیکه هم بتامی در معبد مشخص است! تنها توجه گروه کوچکی از خاکام هایی که در فلسطین باقی مانده بودند!!! را بخود جلب کرد ۰۰۰ و شهسواران معبد آن را از آنها آموختند!!!

(از فراماسونری جهانی؛ اثر: هارون یحیی؛ مترجم: دکتر سید داود مرتزایی ص ۵۱)

وقتی شهسواران معبد این عقاید مصری!!! کابالیستی را پذیرفتند بطور طبیعی در تعارض با کلیسای مسیحی متنفذ در اروپا قرار گرفتند! آنها در این کشمکش بانروی مهم دیگری یعنی یهودیان سهم بودند! و بعد از اینکه با فرمان مشترک پادشاه فرانسه و پاپ در سال ۱۳۰۷؛ شهسواران معبد دستگیر شدند!!! فرقه بتشکیلاتی زیرزمینی تبدیل گشت! اما نفوذ آن بصورت افراطی ترو قاطعانه تر ادامه یافت! همانطور که قبلاً گفتیم: تعداد قابل توجهی از شوالیه هافرار کردند! و پادشاه اسکاتلند!!! (تنها پادشاه اروپا در آن زمان که اکتدار پاپ را برسمیت نشاخته بود) پناهنده شدند! در اسکاتلند آنها بصنف بنایان (دیوارسازان) نفوذ کرده و نهایتاً آنها را تصاحب کردند! این اصناف آئین های شهسواران معبد را پذیرفتند! و به این ترتیب بذرماسون در اسکاتلند کاشته شد!!! تا امروز نیز خط اصلی ماسونری آیین باستانی و مقبول اسکاتلند است!!! همانطور که در کتاب **نظم نوین ماسونی بطور مشروح بررسی کردیم!!!** از آغاز قرن چهاردهم میلادی میتوان رد پای شهسواران معبد! و برخی از یهودیان وابسته به آنها در مراحل مختلف تاریخ اروپا نشان داد!!! در اینجا بدون اینکه داخل جزئیات شویم!!! برخی از سرفصلها را بیان میکنیم! شهر پروانس؛ در فرانسه؛ یکی از پناهگاههای مهم شهسواران معبد بود!!! در طی بازداشت و توقیف!!! بسیاری از شهسواران معبد در آنجا مخفی شدند! ویژگی مهم دیگر منطقه این است! که مشهورترین و شناخت شده ترین مرکز کابالیسم در اروپا است! شهر پروانس؛ مکانی است که تعالیم شفاهی کابالابرشته تحیر درآمده است! بطبق نظر برخی از مورخین آتش شورش روستائیان در انگلیستان!!! در سال ۱۳۸۱؛ توسط یک سازمان سری

برافروخته شد! متخصصینی که در مورد تاریخ فراماسونری مطالعه میکنند! معتقدند که این سازمان سرّی فرقه شهسواران معبد بودند! این تنها یک شورش مدنی نبود!!! بلکه هجوم برنامه ریزی شده بکلیسای کاتولیک بود!!! نیم قرن بعد از این شورش! یک کشیش در بوهم Bohemia؛ بنام جان هاس John Huss شورش را در مخالفت با کلیسای کاتولیک براه انداخت!!! باز هم فرقه شهسواران معبد در پشت صحنه این شورش بود!!! علاوه بر این! هاس علاقه زیادی به کابالا داشت! آویگور، ب. ابن اسحاق کارا Avigdor. B. en Isaac یکی از مهمترین افرادی است! که تأثیر زیادی در توسعه تعالیم او داشت کارایک خاخام یهودی در پراگ Prague و یک کابالیست بود!!! مثالهایی از این قبیل نشانه هایی هستند!!! که نشان میدهند پیوند میان شهسواران معبد! و کابالیستها در ایجاد دگرگونی در نظم اجتماعی اروپا نقش داشته است!!! این دگرگونی!!! شامل تغییر در فرهنگی زیربنایی مسیحی در اروپا و جایگزینی آن با فرهنگی که اساس الحادی مثل کابالا بود میگردید! و بعد از این تغییر فرهنگی و تغییر سیاسی نیز رخ میداد به عنوان مثال انقلاب های فرانسه و ایتالیا؛ ۰۰۰ در فصول بعدی ما نگاهی برخی از نقاط عطف مهم در تاریخ اروپا خواهیم داشت در تمامی مراحل!!! این حقیقت در برابر ما قرار خواهد داشت! که نیرویی وجود داشته که قصد بیگانه کردن اروپا از میراث مسیحی خود!!! و جایگزین کردن آن بایک ایدئولوژی سکولار را داشته! و با داشتن چنین برنامه ای نهادهای مذهبی آن را تخریب کرده است!!! این نیرو قصد داشته اروپا آیینی را بپذیرد که از مصر باستان و بشکل کابالا؛ اخذ شده بود! همانطور که!!! پیش از این ذکر کردیم در اساس این آئین دومهوم مهم وجود داشت: اومانیسیم و ماتریالیسم!!! اجازه دهید ابتدا نگاهی به اومانیسیم بیندازیم!!!

( از کتاب فراماسونری جهانی اثر: هارون یحیی؛ مترجم: سید داود میر ترابی ص از ۵۰ تا ۵۳ )

## نگاهی دوباره به اومانیسیم

اکثر افراد ((اومانیسیم)) را مفهوم مثبتی در نظر میگیرند! این لغت؛ مفاهیمی همچون عشق به انسان!!! صلح و برادری را بذهن متبادر؛ میکند!!! اما معنی فلسفی اومانیسیم (انسان گرایی) گستره بسیار بیشتری دارد؛ اومانیسیم؛ روشن تفکری است که مفهوم انسانیت کانون توجه و تنها هدف آن فرض میشود! به عبارت دیگر! **این فلسفه انسانها را از خداوند؛ خالق آنها دور کرده!** و پیراختن بزندگی و هویت فردی خود میخواند! یکی از فرهنگ های معروف!!! اومانیسیم را به این صورت معنی کرده است!!! روشی در تفکر بر پایه اعتقاد بیالاتر و بهتر بودن ارزشها و خصلتها و رفتارها در انسان نسبت به نیروی فرا طبیعی میباشد!!! میباشد! البته واضح ترین تعریف از اومانیسیم طرفداران آن ارائه گردیده است!!! یکی از برجسته ترین سخنگویان مدرن اومانیسیم وریس لامون Corliss lamont است! او در کتاب خود بنام فلسفه اومانسیم اینگونه مینویسد {به اختصار} اومانیسیم؛ اعتقاد دارد که طبیعت! کلّ و اقیقت را تشکیل میدهد! که عبارت است از ماده و انرژی؛ و ذهن بیان جهان نیست؛ و موجودات فرا طبیعی کلاً وجود ندارد!!! عدم و اقیقت ماوراء طبیعت در سطح انسانی به این معنا است انسان روح فرا طبیعی و فنا ناپزیر؛ ندارد! و در سطح جهان به عنوان یک کلّ به این معنی است! **که جهان ما خدای فرا طبیعی و ابدی و ازلی ندارد!** همانطور که می بینیم!!! اومانیسیم تقریباً بالحداد یکسان است! این واقیعت مورد پذیرش اومانیسیتها نیز میباشد؛ در قرن گذشته؛ دو بیانیه مهمّ توسط اومانستها انتشار یافت! اولین بیانیه در سال ۱۹۳۳ منتشر شده! به امضای برخی از افراد مهمّ آن زمان رسیده بود! چهل سال بعد در سال ۱۹۷۳ دومین بیانیه منتشر شد که بیانیه اول را تأیید مینمود! اما حاوی مطالب اضافه تری بواسطه پیشرفتهایی بود که در این فاصله رخ داده بود! هزاران متفکر؛ دانشمند؛ نویسنده و اصاب رسانه هادومین بیانیه را؛ امضاء کرده بودند؛ این بیانیه مورد حمایت اومانستهای امریکا بود! که هنوز هم خیلی فعال است! هنگامیکه این بیانیه هارا بررسی میکنیم! یک شالوده اصلی در هر کدام از آنها مییابیم!!! اصول اعتقاد الحادی مبنی بر اینکه جهان و انسان آفریده

نشده! بلکه بطور مستقل وجود داشته! انسان نسبت بهیچ نیروی دیگر بجز خودش مسئولیتی ندارد!!! و ایمان به خدا رشد افراد و جامع را کند میکند!!! به عنوان مثال؛ شش بند اول؛ اولین بیانه او مانیستها چنین است!!!

**اول: او مانیستها اعتقاد دارد جهان خود بخود وجود داشته! و آفریده نشده است!**  
دوم: او مانیسم معتقد است که انسان بخشی از طبیعت است! و از یکسری فرایندهای مستمری بوجود آمده است!!!

سوم: او مانیستها بایک دید! ارگاتیک به این نتیجه رسیدند! که دوگانگی سنتی بین ذهن و جسم را باید مردود دانست!!!

چهارم: همانطور که از مردم شناسی و تاریخ بوضوح مشخص میگردد! او مانیسم معتقد است! که فرهنگ و تمدن مذهبی انسان محصول رشد!!! تدریجی در اثر تطبیق او با محیط طبیعی و میراث اجتماعی اش میباشد! فردی که در فرهنگ خاص متولد میشود! حدّ زیادی از آن فرهنگ تاثیر می پذیرد!!!

پنجم: او مانیسم اعتقاد دارد! ماهیت جهان که با علوم جدید روشن گردیده است! هرگونه تعهد فراطبیعی یا آسمانی را برای ارزشهای انسانی غیر قابل نموده است!!!

ششم: ما معتقدیم! که زمان خدا پرستی؛ خدا باوری؛ مدرنیسم!!! و انواع مختلف ((عقاید نو)) سپری شده است! در مطالب فوق!!! توصیفی از فلسفه عامیانه را می بینیم!!! که خود را در زیر نامهای همچون ماتریالیسم! داروینسم!!! الحادی گرای (طرفداران حکمتی که منکر وجود مطلقات در ذهن انسان بشود) نشان داده است!!! و دیند اول؛ اعتقادات ماتریالیستی مبنی بر وجود ازلّی جهان مطرح شده است!!!

بند دوم همانند نظریه تکامل بیان میکند! که انسان خلق نشده است! بند سوم؛ وجود روح انسان را انکار کرده! و معتقد است! که انسان از ماده تشکیل یافته است!!!

بند چهارم ((تکامل فرهنگی)) را مطرح نموده و! وجود فطرت انسانی خدا داده (فطرت خاص انسانی که هنگام خلقت در او قرار داده شده است) را نفی میکند!

بند پنجم، حاکمیت و فرمانروایی خداوند بر جهان و انسان را انکار کرده است؛ و بند ششم بیان میکند که زمان آن است! که خدا پرستی کنار برود!!!  
(از کتاب فرماسونری جهانی اثر: هارون یحیی: مترجم سید داود میرترابی ص ۵۵ و ۵۶)

### ریشه های اومانیسم در کابالا

واقعاً جالب است! که اومانیستها مفهوم ((معمار بزرگ عالم)) اصطلاحی که هنوز هم ماسونهای امروزی از آن استفاده میکنند و بکار میبرده اند! این مطلب نشان میدهد که پایدار ارتباطی بین اومانیستها و ماسونها باشد!!! بطور خلاصه؛ در قرن چهاردهم؛ سازمان ماسونی و اومانیستی در اروپا متولد گردید که منشأ آن به کابالا بازگشت! و این سازمان یهودیان و مسیحیان و مسلمانان بخدا که آن را خالق فرمانروای تمام جهان و پروردگار انسان میدانند اعتقادات نداشت؛ بجای آن آنها یک مفهوم متفاوت مثل ((معمار بزرگ عالم)) استفاده میکردند که آن را به عنوان ((بخشی از جهان مادی)) تلقی میکردند!!!  
(از کتاب فرماسونری جهانی ص ۶۶ و ۶۷)

وقتی ماسونها میگویند ((ما به خدا معتقدیم؛ ما مطلقاً وجود الحادی را در بین خود قبول نداریم)) منظورشان همین عقاید است!!! آن چیزی که ماسونها می پرستند خدا نیست! بلکه مفاهیم نا توراتیستی و اومانیستی مثل طبیعت! تکامل و انسان است!!! که توسط فلسفه به مقام خدایی رسیده است!!!  
(از کتاب فرماسونری جهانی ص ۶۹)

### اومانیسم ماسونی؛ ستایش اصالت انسان

انسان خدایی در حال شگل گیری و همانطور که در اسطوره های تمثلی مصر باستان آمده است! بر روی چرخ کوزه گری! او در حال قالب گیری است! هنگامیکه نور او بدرخشش درمی آید تا همه چیز را حفظ و ارتقاء بخشد!!! او به تاج

سه گانه خدایی دست مییابد! و به جماعت اساتید فرما سون!!! همانهایی که در لباسهای آبی و طلایی خود بدنبال نابودی تاریکی شب بانور سه گانه لژ ماسونی هستند ملحق میگردند!!! میتودان گفت: که طبق اعتقاد نادرست ماسونری!!! انسانها خدا هستند؛ اما فقط استاد اعظم به اوج این الوهیت دست مییابد! راه استاد اعظم شدن این است! که کاملاً اعتقاد به خدا! و این حقیقت که انسان بنده او است رد شود! دیگری بنام جی دی؛ باک J.D. Buck در کتاب خود ماسونری اسرار آمیز Mystic Masonry این حقیقت را اینگونه بیان کرده است! تنها خدایی که فراماسونری قبول انسان است... بنابراین؛ انسان تنها خدایی موجود است! در واقع؛ ماسونری یک نوع مذهب است! اما یک دین یکتاپرستی نیست! بلکه یک دین اومانیست است!!! بنابراین؛ یک دین جعلی است!!! که بستایش انسان سفارش میکند!!! نه خدا؛ نوشته های ماسونی برای این نکته تأکید دارند! مجله با عنوان ماسون ترک مینویسد!!! ماهمیشه اذعان میکنیم که بالاترین کمال مطلوب ماسونری! در عقاید اومانیسم قرار دارد!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی ص ۷۰ و ۷۱)

### نظریه اخلاقی اومانیستی

اساس اخلاقی ماسونی عشق به انسانیت است! و خوب بودن بخاطر خواسته در آینده؛ منفعت؛ پاداش و بهشت؛ از روی ترس از بردیگری! عرق دینی یاسیاسی نیروهای ناشناخته ماوراء طبیعی... را کاملاً مردود میدانند! تنها از خوب بودن بخاطر عشق خانواده! کشور انسانها و انسانیت حمایت و تمجید میکند! این یکی مهمترین اهداف تکامل فراماسونری است! عشق بمردم و خوب بودن انتظار پاداش! رسیدن به این سطح تحول عظیمی است! ادبیات ماسونی پر از موعظه های اخلاقی است! که سعی در مخدوش کردن این حقیقت دارد!!! اما در واقع این اخلاق بدون دین چیزی نیست! جز الفاظی فریبکارانه! تاریخ مملو از مثللهایی است! که نشان میدهد!!! بدون تقوایی که این بنفس انسان میدهد!!! و بدون قونین الهی اخلاقی واقعی نمیتواند برقرار گردد!!!

یک مثال بارز در تأیید این مطلب!!! انقلاب بزرگ فرانسه در سال ۱۷۸۹ است! ماسونیهایی که این انقلاب را به راه انداختند!!! شعارهای حاوی ایده آل های اخلاقی ((آزادی؛ برابری؛ برادری)) را فریاد میزند! اما؛ ده ها هزار فرد بیگناه به گیوتین سپرده شدند و کشور به حمام خون بدل گشت! حتی خود رهبران انقلاب هم نتوانستند!!! از این وحشیگری بگریزند؛ و یکی پس از دیگری سر بر گیوتین نهادند! در قرن نوزدهم! از عقیده امکان وجود اخلاقی بودن دین!!! سوسیالیسم متولد گردید!!! و نتایج فاجعه آمیزتری نیز به همراه داشت! خواسته سوسیالیسم ظاهر آجامعه عادلانه و برابر بود! که در آن هیچ استثمار نباشد!!! و به این منظور برچیدن دین را سر لوحه خود قرار داد! اما در قرن بیستم! در مکانهایی مثل! اتحاد جماهیر شوروی! بلوک شرق چین! و چندین کشور در آفریقا و امریکای مرکزی مردم را بفلاکت و حشتناک گرفتار کرده! ورژیمهای کمونیستی تعداد باورنکردنی از مردم را بقتل!!! تعداد کل قربانیان چیزی حدود ۱۲۰ میلیون نفر است!!! علاوه بر این برخلاف آنچه ادعا میشد! هرگز در هیچ کدام از ورژیمهای کمونیستی عدالت و برابری برقرار نگردید!!! و رهبران کمونیست در سایه حکومت!!!

طبقه از نخبگان تشگیل دادند!!! امروز هم وقتی بخود ماسونری که همواره عقاید خود را تحت عنوان ((خدمت جامعه)) و ((ایثارگران انسانیت)) اعلام میکند نگاه کنیم! سابقه چندان پاکی پیدا نمی کنیم! در بسیاری از کشورها! ماسونری کانون روابط برای کسب منافع مادی نامشروع است! در دهه ۱۹۸۰؛ در ایتالیا رسوایی لژ ماسونی! پی دو پیش آمد و مشخص شده!!! که ماسونی ها را بطة نزدیکی با مافیا داشتند! و مسئولین لژ در فعالیت هایی مثل قاچاق اسلحه! تجارت مواد مخدر! یا پولشویی دست داشته اند! همچنین مشخص شد! که آنها رقیبان خود و کسانی را به آنها خیانت شمرده بودند مورد آزار و اذیت قرار داده بودند! در سال ۱۹۹۲؛ در لژ بزرگ اسکندال شرق در فرانسه و در ۱۹۹۵؛ ((کلین هندز clean Hands)) در انگلیستان طبق گزارش مطبوعات انگلیس! فعالیت لژهای ماسونی برای کسب منافع غیر قانونی فاش شد!!! ماسونها مبنی بر (( اصول اخلاقی اومانستی)) تنها یک فریبکاری و وقوع چنین مسائلی اجتناب نا پذیر است!!! (از کتاب فراماسونری جهانی اثر؛ هارون یحیی؛ مترجم: سید داود میرترابی ص ۶۷)

### هدف ماسونی: ایجاد یک جهان اومانست

اساس فلسفه اومانسیم که توجه زیادی به آن دارند! ردّ ایمان بخدا و پرستش (( اصالت انسان)) بجای خداوند است!!! در اینجا یک سؤال مهم پیش می آید: آیا ماسونها این عقده را برای خود می خواهند؟! یا تمایل دارند که توسط دیگران هم پذیرفته شود؟؟؟؟!!! اگر بنوشته های ماسونی نگاه کنیم می توانیم بوضوح پاسخ این سؤال را بیابیم: **هدف این سازمان گسترش فلسفه اومانستی در کلّ جهان!** **وریشه کنی ادیان یکتاپرستی اسلام! مسیحیت! یهودیت است! اصول ماسونی برای ایجاد یک تمدن پیرشرفته لازم و کافی هستند! آنها عبارتند از! باور اینکه جنبه شخصی (معمار بزرگ عالم) همان تکامل است! ردّ اعتقاد بوحی! عرفان و عقاید پوچ برتری اومانسیم عقلانی و طبقه کارگر!!!** (از کتاب فراماسونری جهانی ص ۷۸ و ۷۹)

## ماسونها و مصرباستان

فلسفه ماتریالیستی مصرباستان! بعد از انقراض این تمدن بحیات خود ادامه داد یهودیان خاصی آن را پذیرفته آئین کابالیستی! آن را زنده نگاه داشتند! از طرف دیگر!!! تعدادی از متفکران یونانی فلسفه مشابهی را پذیرفته با تفسیری تازه از آن! آن را بصورت مکتب فکری با عنوان ((فلسفه هرمی)) تداوم بخشیدن!!! (از کتاب فراماسونری جهانی ص ۸۵)

### هرم در زیرچشم

معروفترین نماد فراماسونری در ارم! و نشان ایالات متحده آمریکا و همینطور در اسکانس یک دلاری دیده میشود! در این نشان یک نیم هرم وجود دارد! که در بالای آن یک چشم درون یک مثلث قرار گرفته است! این چشم درون مثلث نمادی است! به مواره درلژهای ماسون و تمامی اعلانات و مطبوعات ماسون یافت میشود! تعداد زیادی از مکتوباتی که بموضوع فراماسونری پرداخته اند! بر این حقیقت تأکید دارند!!! هر میکه در زیر چشم درون مثلث قرار گرفته! توجه نسبتاً کمی بخود معطوف میدارند! اما این فوق العاده معنی دار است! راهگشای درک فلسفه فراماسونری است! یک نویسنده امریکایی بنام ربرت هارونیموس Robert Hieronimus؛ پایان نامه دکترای خود را در مورد!!! ارم و نشان ایالات متحده تدوین کرده! و در آن اطلاعات بسیار مهمی را میتوان یافت! عنوان پایان نامه ((تحلیل تاریخی پیشینه نشان عالی امریکا و ارتباط آن با ایدئولوژی روانشناسی اومانستی)) است!!! پایان نامه او نشان میدهد!!! که بنیانگذاران امریکا که این مهر را برگزیدند! ماسون و نتیجه طرفدار فلسفه اومانستی برده اند! ارتباط این فلسفه با مصرباستان با هرمی که در مرکز نشان تعبیه شده نشان داده شده است! این هرم! نمادی از هرم خونپس بزرگترین مقبره فرعون است!!! (از کتاب فراماسونری جهانی ص ۹۳)

### مفهوم فراماسونری ستاره شش پر

نماد معروف دیگر ماسونری!!! ستاره شش پر است! که از روی هم گذاشتن دو مثلث بوجود می آید!!! این ستاره! نماد سنتی یهودیان نیز هست و امروزه در پرچم اسرائیل دیده میشود! گفته میشود! اولین بار سلیمان نبی!!! از آن بعنوان یک نشان استفاده کرد! بنابراین ستاره شش پر نشان یک پیامبر و نماد آسمانی است! اما ماسونها عقیده دیگر دارند! آنها ستاره شش پر را بعنوان نماد سلیمان قبول ندارند! بلکه آن را نمادی از پاکانسیم و بت پرستی مصر باستان می دانند!

مقاله در نشریه ماسونی ترک! بعنوان ((تمثیل ها در آئین های)) حقایق جالبی در این مورد بیان میکند!!! یک ستاره متساوی الاضلاع با سه رأس که بیک فاصله از هم قرار گرفتند! نشان میدهد که این مقادیر با هم برابرند! این نماد که توسط ماسونها برگزیده شده! و بستاره داوود معروف است! یک ستاره شش پر است که از روی هم قرار گرفتن دو مثلث متساوی الاضلاع شکل گرفته است!

امروزه آن را بعنوان نماد یهودیت میشناسند! و در پرچم اسرائیل دیده میشود! اما در واقع! منشأ این نماد از مصر باستان است... این علامت اولین بار توسط شوالیه های معبد ساخته شد! و آنها از آن برای تزئین دیوارهای کلیسای خود سود بردند!!! چرا که آنها اولین افرادی بودند که در اورشلیم حقایق مهمی را در باره مسیحیت کشف کردند! بعد از برچیده شدن شهسواران معبد! استفاده از این نماد در کنیسه هاباب شد! اما در فراماسونری گفت: ما بدون تردید از نماد در همان مفهوم استفاده میکنیم!!! که در مصر باستان استفاده میشد! در این مفهوم مادو نیروی مهم را با یکدیگر مقایسه میکنیم!!! اگر شما قاعده بالا و پائین دو مثلث

متساوی الاضلاع را حذف کنید! نماد بی نظیری را که خیلی خوب می‌شناسید خواهید یافت! در واقع ما باید تمام نمادهای ماسونی! که در ارتباط با معبد سلیمان هستند را! به این طریق تفسیر کنیم! همانطور که قرآن ذکر کرده است! سلیمان پیامبر بود که برخی می‌خواستند به او افتراء بزنند! و او را بی دین و خدا شناس نشان دهند! در آیه قرآن کریم خداوند می‌فرماید ((و سخنانی را که شیاطین در ملک سلیمان (به افسون و جادوگری) می‌خوانند پیروی کردند؛ و سلیمان هرگز بخدا کافر نگشت! لیکن آن دیوان که بمردم سحر یاد میدادند کافر شدند!!!  
(از قرآن کریم و از سوره البقره آیه ۱۰۲)

فرما سونها این عقیده تحریف شده را بسلیمان پیامبر نسبت میدهند!!! و او را نماینده عقاید الحادی مصر باستان می‌شمرند! بهمین دلیل در آئین های خود جای گاه مهمی برای او قائل هستند!!! میکائیل هاوارد Michael Howard؛ مورخ امریکائی در کتاب خود (توطئه پنهان) میگوید: ((قرون وسطی سلیمان (نعوذ بالله) به عنوان یک جادوگر و کسیکه عقاید الحادی را یهودیت کرده است شناخته شد! هاوارد شرح میدهد که فرما سونها معبد سلیمان را!!! به عنوان یک (معبد بت پرستی) تلقی میکنند! و بهمین دلیل به آن اهمیت میدهند!!! جعل چنین تصوّر کفر آمیزی علیه سلیمان پیامبر که یکی از بندگان با ایمان فرمان بردار خداوند است! خاستگاه واقعی فرما سونری را نشان میدهد!!!  
(از کتاب فرما سونری جهانی ص ۹۵ و ۹۷)

در طی انقلاب فرانسه دشمنی زیادی علیه دین ابراز شد!!! کشیشان زیادی به گیوتین سپرده شدند! و کلیساها تخریب شد! علاوه بر این کسانی بودند که خواستار ریشه کنی مسیحیت بطور کامل!!! و جایگزینی یک دین انحرافی!!! الحادی و نمادین با عنوان ((دین عقلانی)) بودند!!! حتی رهبران انقلاب هم قربانی این دیوانگی گردیدند! و سرانجام هر یکی از آنها که خود مردمان بیشماری را محکوم به اعدام کرده بودند! یکی پس از دیگری سر بر گیوتین نهادند! حتی امروز هم هنوز فرانسویان این سؤال را مطرح میکنند؟! که آیا انقلاب چیزی خوبی بود

یانه؟ احساسات ضد دینی انقلاب فرانسه در اروپا گسترده شد! و در نتیجه قرن نوزدهم بیکی از وقیحانه ترین و گستاخانه ترین دوره ها تبلیغات!!! ضد دینی تبدیل گردید!!! بنابراین! این روند به عقاید ماتریالیستی؛ و اؤلوسیونیستی که قرنها با استفاده از نمادها بزندگی مخفیانه خود ادامه داده بود! این امکان را داد که در جامعه ظاهر کردند!!! ماتریالیستهای مثل دیدرو! و بارون ها الباخ پرچم مخالفت با دین را برافراشتند! و اسطوره تکامل یونان وارد! محافل غافل علمی شد!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی ص ۱۳۴)

خود ماسونری بطور رسمی اولین بار در سال ۱۷۱۷ در انگلیستان اعلام گردید! قبل از این تاریخ هم سازمان ابتدا در انگلیستان و سپس در فرانسه و سایر اروپا گسترش یافته بود!!! بیک محل گردهمایی مخالفان دین تبدیل گردیده بود!!! بسیاری از ماسونهای اروپایی در لژهای خود! یکدیگر را به عنوان ((متفکر آزاد)) خطاب میکردند!!! که معنی آن این بود که آنها دین الهی را قبول ندارند! مقاله با عنوان (دوره های ابتدایی ماسونی) در نشریه معماریسنان میگوید: (مکانیکه که ماسونها گردهم آمدند تا حقیقت را خارج از کلیساها جستجو کنند پناهگاهی بدل گشت) این گروه که در خارج از دین بدنبال حقیقت میگشتند! خصومت فوق العاده با دین در سر میپرو راندند!!! بهمین دلیل سازمان بسرعت بمرکز قدرتی تبدیل گشت! که کلیسا بویژه! کلیسای کاتولک را ناراحت میکرد! این کشمکش بین ماسونری و کلیسا بر شد خود ادامه داد! و تأثیر خود را بر اروپا در قرن هیجدهم و نوزدهم باقی گذارد!!! در نیمه دوم قرن نوزدهم! ماسونری شروع بگسترش بکشورهای خارج از اروپا نمود! و بهر کجاکه پا میگذارد بمرکزی برای فلسفه ها! و فعالیتهای ضد دین تبدیل میشد! در مقاله با عنوان (سیاست و فراماسونهای)

در نشریه معمارسان مطالب زیر در مورد مبارزه با دین ذکر شده است! با اینکه فراماسونری یک حزب سیاسی نیست!!! اما در آغاز قرن هیجدهم بصورت یک مؤسسه اجتماعی در صحنه بین المللی سازماندهی گردید!!! که با جریانهای سیاسی اجتماعی هماهنگ گردید!!! فراماسونری بمظوریاری فرقه ها در بکار گیری آزادانه دین! بمبارزه علیه قدرت و نفوذ کشیشان دست زد! تا بتنها هدف آن که سرنگونی قدرت و نفوذ کلیسا بر مردم بود؛ دست یابد!!! **بهمین دلیل در سالهای ۱۷۳۸ و ۱۷۵۱ توسط پاپ به آنها اتهام بی دینی زده شد!!! در آن ممالکی که اصول آزادی مذهبی را پذیرفته بودند!!! فراماسونری فقط ظاهراً یک انجمن سرّی و مرموز بود!!! در این کشورها فراماسونها هم نادیده گرفته شده! مورد حمایت قرار می گرفتند! در بین طبقات متوسط و مقامات عالی مرتبه که فرصت و امکانات داشتند عضو گیری!!! و مقامات اصلی حکومتی را در موقیت های رهبری در سازمانهای خود منصوب مینمودند! در ممالک جنوبی که همه باید کاتولک میبودند!!! آنها شخصیت خود را به عنوان یک سازمان انقلابی سرّی و ممنوعه که تابع نظارت قانونی است کردند!!! در این کشورها جوانان آزاداندیش و کارمندان ناراضی از ادوات دولتی! بلژهای ماسونی روی آوردند!!! و از اینرو طرح های انقلابی علیه رژیمهای اسپانیا و پرتغال و ایتالیا که تحت سلطه واتیکان بودند آغاز گردید!!!**

(از کتاب فراماسونری جهانی؛ اثر: هارون یحیی مترجم سید داود میرترابی ص ۶۰ و ۶۱)

### مبارزه علیه دین در فرانسه

بیش از نقش مهمی را که ماسونری در انقلاب فرانسه بر عهده داشت بررسی کردیم!!! تعداد زیادی از فلاسفه عصر روشنگری بویژه آن هایی که دیدگاه ها ضد دین شدیدتری داشتند!!! فراماسون بودند! ژاکوبین ها که زمینه انقلاب را فراهم کردند و رهبران شدند! از اعضاء لژ بودند!!! نقشی که ماسونها در انقلاب

داشتند!!! از سوی یک مأمور مخفی بنام کنت کالسترو Count Cagliostro تصدیق شده است! کالسترو؛ در سال ۱۷۸۹ توسط دادگاه تفتیش عقاید توقیف شد! و اعتراف مهمی را در حین بازپرسی انجام داد!!! او باین موضوع شروع کرد که ماسونها در تمام اروپا انقلابها از نجیره را طراحی کردند! او گفت: که حذف اصلی ماسونها از بین بردن دستگاه پاپ یا سلطه آن است! همچنین او اعتراف کرد که بانگداران یهودی از نظر مالی تمام این فعالیتهای انقلابی را حمایت می کنند و در انقلاب فرانسه هم پول یهودی نقش مهمی ایفا میکند! انقلاب فرانسه اساساً انقلاب ضد دینی بود! در تلاش قاطعانه انقلاب برای پاکسازی روحانیون همانند رفتار که با اشراف نیز داشتند! خیلی از کشیشان کشته شدند! و مؤسسات دینی و مکانهای عبادی ویران گردید! ژاکوبین ها حتی میخواستند که مسیحیت را بطور کامل از بین ببرند! و آیین الحادی که ((دین عقلانی)) مینامیدند! جایگزین آن کنند! اما در مدت کوتاهی آنها کنترل انقلاب را از دست دادند و فرانسه دچار هرج و مرج تمام عیاری گردید!!! مأموریت ماسونری با وقوع انقلاب در این کشور به اتمام نرسید! هرج و مرج که در اثر انقلاب ایجاد شده بود! سرانجام با قدرت رسیدن ناپلئون فروکش کرده! اما این ثبات چندان دوام نیاورد!!! بلند پروازی ناپلئون برای حکومت بر تمام اروپا نتیجه جز سرنگونی اش نداشت! بعد از آن کشمش در فرانسه بین سلطنت طلبان و انقلاب ادامه یافت و در سالها ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱؛ سه انقلاب دیگر رخ داد ((جمهوری دوم)) در سال ۱۸۴۸ و ((جمهوری سوم)) در سال ۱۸۷۱ تأسیس شدند! در این ناآرامی ها بسیار فعال بودند!!! هدف اصلی آنها ضعیف کردن کلیسا و مؤسسات دینی آن!!! تخریب ارزشهای دینی و تأثیر قوانین آن بر جامعه و لغو کردن آموزشهای دینی بود! ماسونها ((ضد روحانیت)) راهسته فعالیتهای اجتماعی و سیاسی خود قرار داده بودند! دائرة المعارف کاتولیک! اطلاعات ضد شرق اعظم! یا همان فراماسونری ارائه میدهند!!! از مدارک رسمی فراماسونری فرانسه که عمدتاً ((نشریه)) و ((خبرنامه)) رسمی شرق اعظم وجود دارد! ثابت میگردد که تمام لایحه های روحانیتی که در مجلسی تصویب گردید!!! قبل از آن در لژهای ماسونی تدوین

شده بود! وزیر نظر مستقیم شرق اعظم! که هدف آشکار آنها کنترل هرکس و هر چیزی در فرانسه بود اجرا میگردد (( من در مجمع ۱۸۹۸ گفتم )) نماینده مسه Masse؛ سخنگوی رسمی مجمع ۱۹۰۳ است! که میگوید (( بالاترین وظیفه )) فراماسونری مداخله روزافزون در مبارزات سیاسی ضد مذهبی )) (( موفقیت (در مبارزه علیه روحانیت) تا حد زیادی مرهون فراماسونری است!!! چرا که نیت! برنامه و روشهای فراماسونری بود!!! که پیروری رسید )) (( اگرچه جبهه تثبیت شده است!!! مدیون فراماسونری و انضباطی است که در لژها آموخته شده است ))... (( اگر بخواهیم کار ناتمام خود را به انجام رسانیم!!! بهوشیاری و اعتماد و طرف نیاز داریم! همانطور که میدانید این کار... جمهور باید خود را از شر اجتماعات دینی خلاص کند!!! و آنها را با یک حمله قدرتمند پاکسازی کند! اقدامات ضعیف در هر کجا خطرناک است! دشمن را باید با ضربه از پای در آورد! دائرة المعارف کاتولیک! گزارش خود در مورد میارزه ماسونری فرانسه! علیه دین را این چنین ادامه میدهد! در واقع تمام اصلاحاتی که ماسونها بنام (( ضد روحانیت )) از سال ۱۸۷۸ در فرانسه انجام داده! مثل غیر مذهبی کردن آموزشی اقدامات علیه مدارس خصوصی مسیحی و مؤسسات خیریه! سرکوب دستورات دینی! و غارت کلیساها!!! در به سازی ضد مسیحی!!! و ضد دین جامعه انسانی نتنها در فرانسه! بلکه در تمام جهان به اوج رسید! به این ترتیب! فراماسونری فرانسه بعنوان پرچمدار تمام فراماسونری ادعا میکند! که آغاز گردانان طلای حکومت جهانی فراماسونری است!!! که تمام انسانها و کشورها در برادری فراماسونری عضویت دارد! استاد لژ شرق اعظم! سناتور دلپش Delpech در ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۲ میگوید (( جلیلی Galilean نامی که مشرکین بمسیح میدانند { بیست قرن ادامه داشت!!! اما اینک بنوبه خود از بین میرود... کلیسا رُم بر اساس افسانه جلیلی بنام نهاده شده! و با استقرار انجمن ماسونری! روز بروز به انحطاط نهاد! منظور ماسونها از (( جلیلی )) مسیح است!!! چون بر طبق نظر گوسپل Gospsl؛ مسیح در شهر فلسطینی جلیل متولد شد! بنا بر این تنفر ماسونها

از کلیسا!!! جلوه از انزجار آنها از مسیح و تمام ادیان توحید است!!! آنها فکرمی کردند! با رایج کردن فلسفه های ماتریالیسم! دارونیسم! و امانیسم در قرن نوزدهم! تأثیر ادیان الهی را از بین خواهند برد!!! و اروپا را به بت پرستی قبل از مسیحیت باز خواهند گردانند!!! و قتیکه در سال ۱۹۰۲!!! این سخنان بر زبان رانده میشد!!! مجموعه از قوانین در فرانسه بتصویب رسید!!! که میدان مخالفت بادین را گسترش میداده! سه هزار مدرسه دینی بسته شد! و ارائه هر گونه آموزش دینی در مدارس ممنوع شد!!! خیلی از کشیشان دستگیر شدند!!! برخی تبعید شدند! بتدریج افراد مذهبی! بعنوان شهروندان درجه دو نظر گرفته شدند بهمین دلیل در سال ۱۹۰۴ واتیکان تمام روابط دیپلماتیک خود را!!! با فرانسه قطع کرد!!! اما این کار هم تغییری در رفتار این کشور بوجود نیاورد! قبل از آنکه غرور این کشور فروریزد! و دوباره اهمیت ارزشهای معنوی را درک کند!!! لازم بود صد ها هزار انسان فرانسوی در جنگ جهانی اول! در برابر ارتش آلمان جان ببازند! همطور که دائره المعارف کاتولیک اشاره میکند!!! جنگ علیه دین از انقلاب فرانسه تا قرن بیستم با ((لوائج ضد روحانیت!!! که پارلمان فرانسه تصویب شد)) انجام گرفت که ((پیش از این در لژهای ماسونی تدوین میگردد! زیر نظر لژ شرق عظیم اجرا میگردد!!!

(از کتاب فرماسونری جهانی؛ اثر: هاون یحیی؛ مترجم سید داود مرتزابی از ص ۶۶ تا ۱۶۹)

### آئین های عجیب و غریب در معبد اومانیسم

ماسونها خواهند از تمام جهان ((معبدی)) بسازند! اما معبد مورد نظر آنها معبد دین واقعی نیست! بلکه معبد اومانیسم است! و رویای آنها جهانی است! که در آن انسانیت پرستش شود!!! مردم بطور کامل از دین حقیقی روی بگردانند!!! و فلسفه اولوسیونیست!!! تنها فلسفه حقیقی قلمداد گردد!!! در نوشته ماسونی

مراسم عجیب و غریبی که به این منظور طراحی شده!!! اینگونه توصیف گشته است)) امروزیک دین جهانی متولد میشود! به آرامی شعور را به معنی واقعی کلمه ارضاء کند... بموازاتی دین جهانی! اخلاقیاتی متناسب با این جهان بینی ایجاد خواهد شد... چنین دینی انسانها را در جهان متحد خواهد ساخت! این دین فرمانوری است! این دین از طریق قلبها منتقل خواهد شد! معابد این دین معابد انسانیت خواهد بود! یکی از سرودهای که در این معبد خوانده میشود! سمونی نهم بتهون اصیل تصنیف موسیقی که تاکنون از روح بشر برخاسته است! می باشد! بجای گوشت و گاو در آئین میتر!!! ما این تولد را با خوردن نان و نوشیدن شراب قرمز جشن میگیریم! در اینجا ما با ایمان مشترک که ویژگی عشای ربانی را دارد متحد میشویم!!! در سال جدید! من میخواهم این جهان مقدسمان را تعمیم دهم! و آن را بپایان برسانم: برادران قطعه دیگر از نان تناول کنید!!! شما مبلغین این دین هستید! اجازه دهید قدیسانیکه در این نان اشتراک دارند دوست باشند! برادران! برای اینکه برادران خونی باشیم!!! جرعه دیگر از جام خود بر گیرید!!!

(از مجله ماسون؛ سال ۲۹ شماره ۴۱—۴۰ ص ۱۰۷—۱۰۵ از کتاب فراماسونری جهانی ص ۱۹۰)

### تشکیلات فراماسونری در امریکا

ماسون یعنی بنا!!! فراماسون که بمعنی بنای آزاد است!!! یکی از قدیمی ترین انجمنهای سرّی و پر عضوترین! ثروتمندترین آنهاست! میگوید: آغازش زمان سلیمان و نوح بوده! بعضی از هم عقب تر رفته مدعی هستند! که همزمان با پیدایش بشر بوده است!!! تاریخ: در نشریه شرق بزرگ سال ۱۹۲۳ شماره ۶!!! برای دستیابی بتاریخ ماسونی! به ارقام تاریخ معمولی عدد ۴۰۰۰ اضافه میگردد! بدین وسیله بطوریکه در تورات فعلی نیز آمده است! تاریخ و تقویم ماسونی تا آغاز خلقت بشر بعقب کشیده شده است!!! برابر تقویم ماسونی ماه مارت اولین ماه سال! و فوریه آخرین ماه است! در سالهای اخیر قطعه موزائیک از شهر بمبئی

بدست آمده! که دارای نقوش آثار فراماسونری است!!! این شهر که در نزدیکی جنوب ناپل است!!! در سال ۷۹۰ پیش از میلاد مسیح در زیر خاکستر و مواد مذاب آتشفشان وزو پوشیده شده بود! این یک مدرکی است!!! که قدیمی بودن این جمعیت را اثبات میکند! فراماسونری نظری: تاریخ رسمی فراماسونری که با وضع کنونیش پیوند دارد!!! از سال ۱۷۱۷ میلادی آغاز میشود!!! چهار لژ عمده فراماسونری در لندن گردهم آمدند! و تصمیم گرفتند در یک لژ بنام (لژ عظم متحد شوند بدین ترتیب! فراماسونری فلسفی یا نظری تشکیل و جانشین ماسونری عملی میشود! از این سال بعد است سایر!!! مردم با مذاهب مختلف در آن راه مییابند! در طرف نیم قرن بعد از تأسیس لژ عظم فراماسونری نتنها در قاره اروپا بلکه در امریکا و آسیا منتشر میگردد! یکی از خصوصیات پر معنای فراماسونری!!! در دوره بعد از ۱۷۲۱ این بود!!! که عالی ترین سالاران آن از طبقه اشراف بودند! و این موضوع بلا تردید موجب گردید! که این جمعیت از احترام و توجه بیشتری در جامعه برخوردار شود! خیلی بیشتری از آنچه که ماسونهای صرفاً عملی بدان نائل شده بودند!!! یکی از چهار لژ قدیمی که لژ بزرگ را بنا نهادند بریاست دوک اف ریچموند تشکیل میشد!!! و دوک نامبرده سمت استادی آن لژ اعضای آن مردان صاحب عنوان و افسران ارتش بودند!!! نخستین استاد اعظم یعنی (آنتونی سایر) امین خیرات و مبرات بود!!! دومین اسیتاد اعظم که سپس چهارمین استاد اعظم نیز بود یعنی جرج پاین مردی بود با احتمال قوی ثروتمند تر از آنتونی سایر! و در اواخر عمر وزیر دارائی بود! سومین استاد اعظم دکتر ج-تی؛ دزاکولیرز کشیش بود و او مردی متشخص! و عضو انجمن سلطنتی و کشیش مذهبی! دوف اف چندوس و شاهزاده و لژ بود جانشین او در سال ۱۷۲۱ دوک اف منتاکو بود!!! از آن بعد همواره بزرگان ایرلند و اسکاتلند و بزرگان انگلیس بکرسی ریاست لژ اعظم جلوس میکردند؛ ۱۷۸۲ تا ۱۸۱۳ و الاحضرت دوک اف کمبرلند و الاحضرت شاهزاده و لژ و الاحضرت دوک اف ساکسی ماسونی تکیه زده اند؛ از ۱۷۵۳ تا ۱۸۱۳ یک لژ اعظم رقیب نیز موجود بود!!! ولی این دو لژ اعظم تحت هدایت استاد اعظم پیشین!!! دوک اف کنت باهم

ادغام شدند!!! و دوک آف ساکس استاد اعظم آن دستگاه واحد جدید التأسيس گردید! پس از فوت شاهزاده نامبرده که در سال ۱۸۴۳ اتفاق افتاد بجای او ارف زتلند! برقرار شد!!! و بعد از او مارکونس افرین جانشین وی گردید ولی او استعفاداد! و شاهزاده و لزبجای او استاد اعظم شد! چندنگشت که این شاهزاده بنام ادوارد هفتم پادشاه انگستان گردید! و از ریاست جمعیت ماسونی انگلیسی کناره گیری کرد!!! بجای او دوک آف کنات معین شد!!! از سال ۱۷۳۷ تا ۱۹۰۷ تقریباً ۱۶ شاهزاده از خاندان سلطنتی انگلستان بجمعیت برادری ملحق شدند! صورت بزرگ استادان پیشین که تا نیمه قرن بیستم تکمیل شده شامل اسامی هشت شاه زاده است!!! که بعداً بسلطنت رسیدند بدیقرار: جورج چهارم - ادوارد هفتم - ادوارد هشتم - و جورج ششم پادشاه انگستان (پدر ملکه کنونی) همچنین ادینورد! همسر ملکه کنونی نیز وابسته به فرما سونری است! اسکار دوّم و گوستاو پنجم پادشاهان سوئد! فردریک هشتم و کریستیان دهم پادشاهان دانمارک! در ایالات متحده امریکا فرما سونری برای نخستین بار با ورود!!! استعمارگران انگلیسی و ایرلندی و اسکاتلندی در آغاز صده هیجدهم پدیدار شد! در سال ۱۷۳۴ بنیامین فرانکلین در آن موقع ۲۸ سال داشت!!! سمت استاد اعظم پنسیلوانیا انتخاب شد!!! شمار از رؤسای جمهوری امریکا - از جرج واشینگتن نخستین رئیس جمهور تا کنون فرما سون بودند!!! نفوذ باورهای مصریان! قوم بنی اسرائیل و فرما سونها!!! در بنیانگذاران کشور امریکا!!! دولت ایلات متحده امریکا در چهارم جولای ۱۸۷۲ میلادی با همبستگی تنها ۱۳ ایالت اعلام استقلال نمود! بنیان استقلال کشور امریکا را فرما سونها با پیروی از مکاتب فلاسفه!!! یهود و مسیحیت و بهره گیری از آموزشهای مکاتب فیثاغورث!!! افلاطون! دارالعلم اسکندریه!!! و سرانجام با الهام از باورهای فرقه های آسن!!! روزی کروسین! کابالیست پایه گذاری نمودند! نفوذ باورهای فرما سونها که خود از مکاتب یاد شده! بیش از همه متأثر از اعتقادات و آموزشهای فرقه کابالیست می باشد! در تدوین قانون اساسی امریکا و همچنین در تهیه طرح! نقوش و تصاور

مهر رسمی اسناد و مدارک دولتی! امریکا نیز اسکناس تک دلاری که اقتصاد آن کشور بدان وابسته است! بروشنی مشاهده میشود!!! پیش نویس اعلامیه کشور امریکا توسط بنیامین فرانکلین دانشمند! سیاستمدار نویسنده! همچنین رئیس پیشین لژ فراماسونری پنسیلوانیا نوشته شده است! جورج واشنگتون نخستین رئیس جمهور برکزیده امریکا! همچنین ۱۲ تن از ژنرالهای بلند پایه وی! از اعضاء لژهای فراماسونری بودند!!! پس از اعلام استقلال کشور امریکا و تشکیل!!! کنگره نو بنیاد این کشور در سال ۱۷۷۶ میلادی! سه کمیته فرعی از سوی کنگره مأمور بررسی و گزینش طرحهای برای ارم و مهر اسناد و مدارک رسمی دولت امریکا شدند!!! نخستین نشست کمیته های یاد شده در سال!!! ۱۷۷۶ میلادی!!! با شرکت و حضور فعال و پیگیر مسئولین!!! و اعضاء لژهای فراماسونری تشکیل شد! و پس از ۶ سال تبادل نظر و بحث های طولانی سرانجام بسال ۱۷۸۳ نقوش و تصاویری را بشرح زیر!!! برای تصویب نهائی بکنگره پیشنهاد نمودند! گنجاندن نقش بخشی از هرم گیزا در برگرفته ۳ رده سنگ چین آن در سمت چپ اسکناس یک دلار!!! بگونه که رأس هرم داری فاصله چشمگیر از بدنه بوده! و پیرامون خود را پرتو افکنی نماید!!! گنجاندن چشمی درشت و کاوشگر در میان رأس هرم! بگفته فراماسونهای طراح این نقش! این چشم بمرله دیگه ایزد توانا **The Eye if providence** میباشد جهانیان را بانگاه اندیشمندان و هوشیارانه مینگرد!!! لازم بیادآوری است! این چشم یکی از نشانه های شناخته شده لژهای فراماسونری بوده! و از دیدگاه نگران و آزمند است! که در پهنه گسترده گیتی در جستجوی منابعی دست نخورده!!! و احتمالاً ناشناخته!!! در کشورهای دور افتاده جهان میباشد!!! گنجاندن حروف و اعداد **MDCCL xxx Vi 1776**؛ بنشانه استقلال امریکا پیش از آغاز نخستین رده! سنگ چین در تصویر هرم! گنجاندن عقاب ویژه امریکا در سمت راست اسکناس یک دلاری! بگونه که تعداد ۱۳ ستاره دایره که در بخش فوقانی عقاب قرار دارد! جای داده شوند! ۱۳ برگ زیتون نیز در هر یک از پنجه ها و ۱۳ پر در انتهای دم عقاب مشاهده شوند

گنجانیدن جمله (( بخدا ایمان داریم)) **IN God we Trust** یا مرانما مشهور ماسونهدرمیان اسکناس یک دلاری! افزودن برنقوش و تصاویریادشده کنگره گنجانیدن کلمات قصارداره هاییکه هرم عقاب را اردو سوی اسکناس یک دلاری دربرگرفته اند! را نیزتصویب نمود! کلمات قصارسخنان برگزیده ازسوی بزرگ مردانی میباشد! که تاریخ امریکا را تدوین و خود به احتمال بسیار زیاد متأثر ازباورهای مکاتب و فرقه هایی گوناگون بودند! این سخنان دربرگیرنده رهنمودهای مذهبی! ملی و سیاسی برای نسهای آینده کشور امریکابشرح زیر میباشد! **نقش جمله (( موافقت همگان (Annuity Coeptus or Comments) For Things**؛ دربخش فوقانی دایره که رأس و بدنه هرم را دربرگرفته است **نقش جمله (( جامه با نظام نوین )) (NOVUS ORDO SECLORUM or NEW Sciety Order** دربخش پائین دایره!!!

**نقش جمله (( نظام جوشیده از درون نظام )) (EPLURIBUS UNU or Made out of Many)** درمنقار پرنده بگونه که در روی بالهای گسترده عقاب قرارگیرد! یادآوری میشود! بگفته نمایندگان کنگره امریکا؛ هنگام تصویب ویژگیها مهراسناد رسمی دولت امریکا!!! تنها شمار ۷ تن از اعضاء لژهای فراماسونری حضورداشتند! ولی گزارشهای بدست آمده از دیگرمنابع بیطرف کویای حضورتعدادبیشتری از فرماسونها هنگام تصویب این طرح میباشد!!! (از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۰۱ تا ۲۰۵)

### نظم نوین جهانی

این متن گزیده است از (En Route to Global Occupation) نوشته گری اج کاه؛ که در سال ۱۹۹۲ در هانتینگتون هاوس بچاپ رسید! ((نظم نوین جهانی آرمان بزرگی است!!! ملت های مختلف در سایه آرمانی مشترک گرد هم

میآیند! تابه اهداف جهانی بشریت؛ صلح! امنیت! آزادی و حکومت قانون دست یابند! تنها ایالات متحده امریکا! موقیت اخلاقی و امکان حمایت از آن را دارند بنقل از جورج بوش (پدر) در روزنامه لوس آنجلس تایمز ۱۸ فوریه ۱۹۹۱ ((واژه نظم نوین جهانی از آغازپیدایش سی. او. ار. (شورای روابط خارجی) بطور خصوصی توسط این سازمان برای توصیف حکومت آینده جهانی مورداست! فاده قرار گرفته است! اما اعضای سی. او. ار. از سال ۱۹۹۰ شروع به استعمال این واژه برای اولین بار کردند! تا مردم را برای آنچه پیش رو است مهیاسازند!!! در بیان نظم نوین جهانی باید گفت: که این عبارت از زمان!!! ویزه‌اپت توسط فراماسونری اشراقی Uminized Freemasonry!!! برای تأکید بر حکومت آینده جهانی استعمال شده است! حکومتی که بمجرد برقراری آن!!! ضد مسیح بر آن حکمرانی خواهد کرد! یکی از نمادهای محرمانه فراماسونری اشراقی (Uminati ones ((Enlightend)) by satan!!! که نشانگر این پیام است در زمان تصدی فرانکلین دی!!! روزولت! در پشت اسکناسهای یک دلاری قرار داده شد!!! روزولت خود فراماسون درجه سی و سه!!! و مشارکت نزدیکی با سی. او. از داشت! این نماد ماسونی نتشکل از یک هرم و چشم تمام نمای!!! اسیرس یا بعل در بالای آن است!!! در زیر هرم!!! این جمله بزبان لاتین نوشته است: **Novus ORDO Swclonrum**: یعنی نظم نوین دوران (یا نظم نوین جهانی)؛ (در زمانی که این مهر طراحی شد!!! نظم نوین جهانی هنوز در مراحل نخست شکل گرفتن بود! و هنوز تکمیل نشده بود!!! این مفهوم بصورت نمادین بیان شده است!!! به این شکل که سنگ فوقانی از مابقی هرم جدا قرار گرفته است! اما بمجرد آن که نظم نوین جهانی شکل گرفته و حکومت واحد جهانی در جای خود قرار گرفت! سنگ فوقانی نیز بمجرد هرم ملحق شد! نمادی از تکمیل کار خواهد بود!!! در این هنگام سلسه مراتب فراماسونری و انجمن سرّی! که ساختاریک هرم میماند!!! تکمیل میشود و ضد مسیح بر کرسی قدرت در رأس هرم جلوس خواهد کرد! در ادامه تحقیقاتم! دریافتم که موارد اشتراک سی. اف. آر

با اشتراقیون بیش از استعمال صرف یک واژه یکسان است... (( اگر کسی از بیش از تأثیرشگرف انجمن های سرّی در سیاست های جهانی آگاهی نداشته باشد! شاید باورپیش تر این اطلاعات برایش مشکل باشد! اما بیش از ده هزار ساعت تحقیق مرا به این نتیجه رسانید!!! که بسرعت هرچه تمام بحکومت واحد جهانی تحت نیروهای شیطانی که ریشه در انجمن سرّی و کهن دارند!!! سوق داده میشود)) این نیروها! بامقاصد فوق العاده اهریمنی! کلاً انتظار دارند!!!  
**!!! که مأموریت خود را در دهه ۱۹۹۰ تکمیل نمایند!!!**

(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۰۱ تا ۲۰۷)

## ۲-۲: خدای فراماسونری

با فومه: یکی از آنها ماتی با شهسواران معبد وارد آمده!!! و شرح مفصل آن هنگام بازجویی از شوالیه ها! زیر شکنجه بیان شده است! و شش قرن هم برای خنثی کردن آن کافی نبوده این است!!! بشهسواران معبد نسبت میدهد که در مراسم آئین های سرّی خود بُتی میپرستیدند؛ ((شکل سرانسان با ریش بلند)) و آن فرض شده که دارای نام فومه Baphomet است! همچنین آنها را متهم کردند که به این بُت ((همچون خدای حقیقی؛ تنها خدائی که قابل پرستش است)) نگاه میکردند! این که بر روی این بُت های دانشمند (انسان - خدا) بنا خواهد شد! در فرقه ماسونری انجمنهای درجنسیتی بنام پالایووم وجود داشت! در این انجمنها فقط به آئین پرستش مجدد بُت بزرگ قدیمی با فومه اقرار نشده است!!! همانگونه که برخی از اعضاء از جمله کلاول و نهان بینائی مثل کشیش سابق (الیفاسلوی) شرح آن را در کتابهایشان دادند! و کتابها بسیار مشهور است!!!

**پالادیسم: در فرهنگ لاروس قرن بیستم چاپ پاریس!!! جلد ۵ ص ۳۲۹ و واژه پالادیسم را چنین ارائه داده است: پالادیسم: علوم خفیه! آئین شیطان - لویسفر! شیطان همچون فرشته نور! خدای بشریت و نیکوکاری است! در ادامه اضافه میکند: پالادیم نمایش نماد شیطان - لویسفر: پالادیوم در شهر چارکسون امریکا!!! بر محراب مثلثی (ژول بوا) برپاشده است!!!**

اوژن و بر در کتاب شیطان فرما سون بازیگری لئوتا کسیل! ص ۳۶ و ۳۷ اطلاعات فراوانی در مورد پالادیسم ارائه داده است!!! در واقع در بین خوانندگان ما ممکنست افرادی باشند که ندانند موضوع بچه کسی و بچه چیزی دقیقاً مربوط میشود!!! همچنین احتمال دارد از دیناگان؛ و از پالادیسم و مثلث ها بیخبر باشند - و نیز کمترین شناختی هم از لی یا از کلید ها نداشته باشند! ما برای روشن شدن مطلب بکتاب مرجعی اشاره میکنیم! که با فرصت بازگشت به آن را خواهیم داشت! شیطان در قرن نوزدهم اثر دکتربا تای! اینک آنچه وی راجع پالادیسم بر ایمان بیان میدارد... در ۲۰ سپتامبر ۱۸۷۰ تأسیس گردید! انجمن سالاران ماسونری قطعاً از این قرار تشکیل یافته! یک رهبر تدوین آیینی! یک بزرگ استاد مدیریت و کاهن بزرگ لوسیفری!!! همان روزیکه عاصب اهل پیه مون رم را بتصرف در آورد! خواهان لغو قدرت پاپها شد! برخوردار این دورخدای ساده نبود بیشتر یک طرح از پیش برنامه ریزی شده بود! نوعی دخالت مستقیم شیطان! بنحوی بسیار بارز و مطمئن بود!!! که پالادیسم تأسیس شده و اعمال شده بود تا حکومت ضد مسیح را آماده کند! این حقیقتی است اکنون باید تمام دنیا بدانند اینک وقت آن رسیده که با صدای بلند اعلام شود!!! با این وجود نباید پلادیسم را که احضار ارواح لوسیفری ماسونی است!!! با تمام دستگاههای گرداننده و عمال سالاران ماسونی را بهم آمیخت! پالادیسم آئین شیطان است! در پس لژها مناسک خاصی! در تمام مناسکها قرارداد شده است! این نوعی آئین! یک دین است!!! سالاران ماسونی دارای نوعی سازمان اداری برتر است!!! که شامل تشکیلات پیشرفته!!! حتی برورای پالادیسم میباشد!!! سپهد پیک با تأسیس مناسکی که پیش از ۲۰ سپتامبر ۱۸۷۰ موجود بوده است!!! اما پس - لژها منفرداً و بدون تشکیلات اشتراکی عمل میکردند!!! ماسونها آشنا به اسرار کیمیاگر! بدون پیروی از قوانین کلی و در مکاتب مختلف پراکنده بودند!!! آنان

**گروهی از دیدجهانی سازمان یافته نبود! البرت پایه گزار این گروه بندی است این اثر اوست! حداقل آنگونه که اجازه باروش را داده است! عمل خودشیطان است! حکم کرده که موقع مناسب رسیده که شخصاً وارد عمل شود!!!**  
( از همان کتاب ص ۳۸ و ۳۹ )

به این ترتیب! در آئین اسکاتلندی مواردی را پیش بینی میکند!!! که در درجه سی دومین (درجه شاهزاده رازنهان) شاگرد هنوز هدف را در نیافته بود!!! شاهزاده حقیقی! فرمانروای رازپنهان! آن کسی است که حدس زده است که معمار بزرگ عالم کسی جز خود لوسیفرا رانده شده نیست! این فرد فوراً سمت پالادیسم سمت ماسونری کیمیاگری و اسرار خفیه بوده خواهد شد! پاتالادیسم!!! تعلیم را در تمام مناسک از هر نوع که باشد کامی میند!!! در واقع مناسک حقیقتاً جهانی است! که در آن منحصرأ برای کسانی که سرّی ترین رازها را درک میکنند ذخیره شده است! لذا! هر فردی که بار در مثلثی پذیرفته شود!!! بسرعت راه خود را طی میکند! در تمامی مناسک! بگروه هاتام کلی کارگاه رامیدهند! کارگاه در نخستین درجات آمادگی لژ نامیده میشود! کارگاه درجاتیکه بدرجه رز- کروا! یا معادل آن برده میشود! در این مرحله برگرفتن حجاب از راز آغاز میشود! و لژ را شاپیتر! مینامند! کارگاه درجات فلسفی و کابالیستها (تعلیم امور خفیه) که مهمترین درجه کادوش (مدس) است! که در این مرحله عنوان مشاور یا داوران را دارند! تعلیم فوقالعاده روشن است!!! جز برای افراد کندذهن! در پالادیسم!!! این عناوین لژ! شاپیتر! مشاور یا داوران نام مثلث جایگزین شده است! مجمع کادوش پالادیسم! اولین درجه لوسیفرا! بدون هیچ توصیف دگر! مثلث است!!! مجمع رهبران روحانی! دومین درجه یک مثلث بزرگ است! سپس مجمع کاهنهای برگزیده سومین درجه! یک مثلث کمال میباشد!!! در حقیقت پروردگار ماسون هادرجامه معمار بزرگ ظاهر میشود! دنامی خاص و ماهیتی ویژه دارد! دوسوم فراماسونها هرگز بنادرست مطالبی که در مورد معمار بزرگ به آنها گفته میشود پی نمیبرند

نام واقعی خدای ماسونها! وبماهیت حقیقی این خدا! بماسونها درجه سوّمی گفته میشود! که رسیدن بطاق خسروی را بر میگزینند! طاق خسروی ندرجه چهارم ماسونری (که استاد محرم نام دارد) بلکه جزئی اضافی بردرجه سوّم است!!! و فقط حدودیک پنجم استادان بنا بطاق خسروی میرسند!!! ولی حتی کسانیکه ((نام بازگوشدنی)) خدای ماسون به آنها گفته میشود! بماهیت واقعی آن پی نمیرند!!! درآین تجلیل نام معمار بزرگ بصورت (( یه بعل آن)) JAHBUL on برده میشود (یَهْبَعْلُون) این عبادت کلی نیست که هر فراماسونری در صورت تمایل بتواند! معنی آن را پیدا کند بل نامی دقیق و ویژه است! این نام ترکیبی از نامهای سه شخصیت جدا گانه است که دریک اسم با یکدیگر درآمخته اند!!! هر قسمت این (( نام بازگوشدنی )) نماینده یک شخصیت از این سه شخصیت است! یه JAH از یهوه یعنی خدای یهودیان؛ با BUL: از بعل BAAL خدای زادو ولد کنعانیان که با ((آئین های شهوت آلود و جادوی تقلیدی)) تداعی میشود (بعل)؛ آن ON: از اوسیرس خدای جهان دیگر خدای مرگ در مصر باستان! گرفته شده است!!! بال! البته (( خدای دروغین )) است که بنابراین مندرجات!!! کتاب عهد عتیق! یهوه برای وحدت قوم بنی اسرائیل با وی مبارزه کرد! ولی مدتی پس از آن! در حول و حوش صداها سال پس از خلق خدای فراماسونری! شجره شناسی قرن شانزدهم! جان ویر! بال را همان شیطان خواند! نامی رمزی برای شیطان پرستی! نایت پس از شرح مشکلات که برای نویسندگان و ناشران! در باره فراماسونری در انگلستان پیش آمده! پس از اشاره باینکه اکثر مقام های بالای مذهبی کلیسای انگلیس ماسون بودند! و راه را برای هر نوع گفت: و گوور و شنگری! در مورد ماهیت فراماسونری بستند! از کلامی که بر سر اعضای ساده فراماسونری گذاشته میشود!!! سخن میگوید: و می افزاید: در سه درجه اول فراماسونری! فرد را بلا فاصله با معمار بزرگ جهان! بعنوان خدای فراماسونری آشنا میکنند!!! بدون تردید او بدلیل شیوه تعلیماتش تصور کرد!!! که این صرفاً یک راه طریق اشاره به یهوه؛ الله؛ یا خدای تثلیثی مسیحیت است! اگر او از خودش

بپرسد که چرا این عنوان جزو اسرار ماسونری محسوب میشود؟؟!! و بنا برین چرا متون ماسونری خصوصاً به ((گاوتو)) GAOTU اشاره میکند؟! و صرفاً کلمه ساده خدا GOD را بکار نمیبرند؟؟!! احتمالاً چیزی جز یک تغییر شکل بی ضرر را نخواهد دید! و شاید (بغظ) حدس خواهد زد! که این اسمی است! که روز های ماسونری علمی باقی مانده! در طول زمان تغییر کرده است! فقط زمانیکه یک استاد بنا بمقام طاق خسروی برسد!! و عضویت در شاپیترا طاق خسروی را بپذیرد! نام واقعی ((گاوتو)) (که همان یهبلعان باشد) بوی گفته میشود: حتی در آن مرحله اکثر افراد از دریافتن این نکته عاجزند! و بعد بسوی این گمراهی سوق داده میشوند! که ((گاوتو)) یگانه خدای ادیان یکتاپرست است!! ولی از گزارشهای رهبران ارشد ماسونری! و از مطالب نادر پنهانی ویژه ماسونهای بلند مرتبه! چنین برمی آید که برادران حتی در میان خودشان نیز آشکارا از آنچه دال بر شیطان پرستی باشد! حرفی بمیان نمی آورند!!!

(نایت فصل ۲۵ ص ۳۳۴ - ۲۸۸)

خدای ۳۳ درجه! ماسونها در هر درجه از درجات طریقت خود؛ تعلیمات مخصوص آن درجه را دریافت میکند!!! از جمله در مورد: خداوند! همانطور که قبلاً اشاره شد! در درجات اولیه بماسونها گفته میشود! همه ادیان محترم و هر کس در اختیار هر دینی آزاد است! در مرحله بعد!!! از درجه استاد ماسون ببعده که سیر ماسون در طریقت! وارد مرحله فراماسونی فلسفی یا فراماسونی رمزی میشود! تعلیمات سطح بالای ماسونی بماسونها داده میشود!!! که همانطور که گفته شد: پرستش ((یه بعل آن)) و یا ((گاوتو)) که شیطانی درجه جامعه خدایان!!! تعلیم و ترویج میشود! این تعالیم بقدری مخفی! سری است! که شجاعترین ماسونها در مصاحبه با استقن نایت!!! از اظهار مطلب مهمی در این مورد بوی خود داری کرده کردند! در درجات بالاتر! پرده ها بالا میرود! و ماهیت بخش نیمه الهی معبود ماسونی

افشامیشود! اینطور ((طبیعت معماری دارد! که میتوان نامهای مخفی به آن داد از جمله! نیروی مطلقه! الله! خدا! نیروی مقدس! قدرت کلی کائنات ۰۰۰ (ماسونی مدرسه اخلاق ص ۱۲)) و (( خداوندیکه همه چیز را بوجود آورده!!! و کائنات را احاطه نمود! محققاً انرژی است: ))؛ ((آ. گ. ۰۱۰ ص ۵۴))؛ ماسونیکه مفهوم خداوند را از طریق دانش خرد درک کرده!!! **دیدگاههای منطقی و اصلی را در مورد او اوصاف و احکام ادیان مختلف عرضه داشته است! در حقیقت؛ ضمن احترام به کلیه ادیان موجود! اساسی ترین عقیده آنها!!! یعنی ایمان بجاودانگی روح را رد کرده است!!! علت آن نیز دو امر است! اولاً هر چیزی که از ماده بوجود میآید و به ماده بر میگردد! ثانیاً تنها چیزی که از وجود باقی میماند! ماهیت حقیقی و کمال انسان است)) (آ. گ. ۰۱۰ ص ۴۵) گروه تحقیقات: فصل ۴!!!**

این سخنان تکرار ادعاهای معتقدان به اصالت ماده (ماتریالیست) است!!! و انرژی خدا نیست بلکه آفریده خدا است! ماسونها بماتریالیسم! فرضیه السیون؛ نظریه تحویل تدریجی دین معتقدند!!! و وحی و نبوت و ارسال رسل از رسول خدا را باور ندارند! و پیامبران را خردمندانی میدانند که تعلیمات خود را از محیط خویش گرفتند! روح فرشتگان و دیگر مفاهیم دینی را! دور از تفکر علمی دانسته در نهایت معمار بزرگ کائنات را!!! که معبود اصلی فراماسونری است! انرژی میدانند! و باین ترتیبات ماسونها را در عین بی خدایی به شیطانی در قالب ربّ النوع شهرت! و باوری دلالت میکند!!!  
(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۰۷ تا ۲۱۳)

## ۲- ۲: ماهیت حیرام

در دو کتاب مشهور و معتبر یعنی دایرة المعارف بریتانیا! و لاروس بزرگ فرانسه آورده است!!! بنا به افسانه های باستانی حیرام معمار معبد سلیمان پایه گزار فراماسونری بوده و...)) آنها جهت عضویت یک کاندیدای!!! از افسانه حیرام تقلید مینماید!!! آن داستان معبد سلیمان است!!! که بدست معمار بنام حیرام!

صنعتگری از شهرهای فینیقیه بنام تیر ساخته! و سه نفر یار بداندیش او را بقتل رساندند! زیرا که از افساء اسرار استادی به آنها امتناع کرده بود؛ وجست و جوی قاتل و یاقاتلان وی بقصد انتقام جویی از آنان! اساس بسیار از کارهای و فعالیت لژها شده است!!! استاد حیرام سازنده معبد مقدس یهودیان!!! بعنوان پدر ماسونها معرفی شده است! **ولی این استاد حیرام کیست؟ که تاریخ درباره اش ساکت است!!! و نیز حیرامیکه در تورات ذکرش رفته!!! بیشتر ریخته گر فلزات تامعمار! در تورات در کتاب اول پادشاهان چنین میخوانیم!** (حیرام حوضها و خاک اندازهها کاسه هارا ساخت!!! پس حیرام تمام کاریکه برای سلیمان پادشاه بجهت خانه خداوند می کرد! به انجام رسانید؛ دو ستون (ستون بو عزو ژاکین) و دو پیاله تا جهانیکه بر سر دو ستون بود!!! و دوشبکه بجهت پوشانیدن دو پیاله تا جهانیکه بر سر ستونها بود! و چهار صدانار برای دوشبکه که دو صف انار برای هر شبکه بود! بجهت پوشانیدن دو پیاله جهانیکه بالای ستونها بود!!! و ده پایه او ده حوضی که بر پایه بود! و یک دریاچه و دوازده گاوزیر دریاچه!!! و یک ها خاک اندازهها و کاسه های معنی همه این ظروفی که حیرام برای سلیمان پادشاه در خانه خداوند ساخت از برنج صیقلی بود! خالق بزرگ هم مواد اصلی را به مقتضای سوره سبا آیه ۱۰ ((... و آهن را برای او (داود) نرم گردانید)) و سوره سبا آیه ۱۱ ((... و چشمه مس را او (سلیمان) جاری گردانیدیم...)) در اختیار آن قرارداد! یکی از هزارن هزار اعجاز قرآن مہری است!!! که بر تمام خبرها زده است!!! و با این مہر بسیاری از مسائل مبہم تاریخ را!!! پس از تحقیق در آیات روشن میکنند! با کاوش در قرآن کریم! در آیات مربوط بسلیمان شاید پرده از ابهامات ماسونی برداشته شود! و با شناخت معمار معبد سلیمان! بماہیت حیرام و معمار بزرگ عالم پی ببریم! و سوره ص آیات ۳۵ الی ۴۰ سلیمان (گفت: پروردگار را مرا بیامرز و بمن سلطنت بده که سزاوار احدی بعد از من نباشد!!! البته تو بخشنده! و ملک را که سزاوار احدی بعد از او نباشد! بیان میکند و آن ملکی است که دامنه اش حتی باد و جن را هم گرفته! و آن دونیز مسخروی شدند و الشیاطین

کلّ بناء و غواص؛ یعنی ما شیطان های جنّی را برای سلیمان مسخر کردیم!!! تا هریکی از آنها که کاربنائی رامی دانسته برایش بنائی کند!!! هریکی از آنها که غواص را میدانسته برایش در دریا غواصی کند! و لوء و لوء و سایر منابع دریایی برایش استخراج کند)) و سایر طبقات جنّ را برای او مسخر کردیم! تا همه را غل و زنجیر کند! و از شرّشان راحت باشد...)) بنابراین؛ اولاً! بوضوح از واژه بناء که ترجمه از ماسون است! بیان شده و ثانیاً! شیاطین غواصی که در خدمت سلیمان بوده بیان شده است!!! در کتاب اول پادشاهان ۹: (۲۷ و ۲۸) چنین بیان می‌دارد: حیرام بندگان خود را که ملاح بودند! و در دریا مهارت داشتند در کشتیها همراه بندگان سلیمان فرستاد! پس به او قیر رفتند و چهار صد و بیست وزنه طلا از آنجا گرفتند برای سلیمان آوردند!!! و نیز در کتاب دوم تواریخ ۸۰۸ چنین بیان شده است!!! آنگاه سلیمان به عصیون جابرو به ایوت که بر کنار دریا در زمین آدوم است رفت! حورام (حیرام) کشتیهای و نوکرانی را که در دریا مهارت داشتند!!! بدست خادمان خود برای وی فرستاد و ایشان بانبندگان سلیمان به او قیر رفتند و چهار صد و پنجاه وزنه طلا از آنجا گرفته برای سلیمان پادشاه آوردند در سوره سباء آیات ۴ و ۱۱ و ۱۲ میفرماید: و جمعی از طایفه جنّ بودند!!! که نزد او و به اذن صاحب اختیارشان کار می‌کردند! چون خدا آنها را مسخر وی کرده بود! و هریکی که از امر ما منحرف میشدند! و اطاعت از سلیمان نمی‌کردند! از عذاب آتش بوی می‌چشندیم! که از ظاهر اللفظ آیه برمی آید! همه طوائف جنّ مسخر وی نبودند بلکه بعضی از جنّ مسخرش بودند!!! که مراد به عذاب سعیر عذاب آتش دنیا بوده! نه عذاب آخرت!!!

با تقارن سوره سباء آیه ۱۳ (جنّ ها) برای سلیمان هر چه میخواست از محرابها و تمثالها و کاسه هائی چون حوضی و دیكهای ثابت در زمین درست می‌کردند (...)) و کتاب اول پادشاهان کتاب فصل ۷ شماره ۴۰ (( حیرام حوض و خاک اندازهها و کاسه ها را ساخت! پس حیرام تمامی کاری که برای سلیمان بجهت خانه خداوند می‌کرد! به انجام رسانید...)) نتیجه می‌گیریم که عمل حیرام با عمل

برخی از جنّ ها به اذن صاحب اختیار گلشان! برای سلیمان کار میکردند! یکی است! ((بعد از آنکه قضاء مرگ بر او راندم! کسی جنیان را از مرگ وی خبر نداد جنیان فهمیدند! که اگر از مرگ او خبر میداشتند (در مدت طولانی) در عذابی خوار کننده بسر نمی بردند...)) !!!  
(از قرآن کریم و از سوره سباء آیه ۱۴)

**بنابراین میتوان گفت: که پس از خبری مرگ سلیمان، جنّ ها در عذاب خوار کننده بسر نمی بردند!!! به عبارت دیگر میتوان گفت: که جنّ ها بنّاء و غواص آزاد شدند! آیا ریشه و منبع تغذیه فراموسونری (بنّای آزاد) را در این بنّای آزاد نمی توان یافت؟؟؟!!!**

جان میلتن در کتاب بهشت گمشده!!! ترجمه شجاع الدین شفاء صفحات ۲۵-۲۴ از ابلیسانی که کار بنّائی میکردند! معماران ابلیسی و شیاطین که بذوب فلزات میپرداختند تا قالب هائی متنوع را در زمین شکل ببخشند سخن دارد: و کاش در اینجا آن کسانی که لاف از چیزی ناپایدار میزنند! و با اعجاب بسیار سخن از بابل و بنّاء های شاهان مفلح میگویند: توجه بدان کنند که بزرگ ترین!!! این بنّاء ها چه از حیث نام آوری! و چه از لحاظ قدرت و هنر سی ناچیزتر از آن بنّایند! که ارواح مطرود تو نند ساخت!!! زیرا که ایشان در ساعتی آن که پادشاهان!!! با تلاش روزان و شبان کارگرانی فزون!!! از شما در قرن بدشواری توانند کرد! نزدیک! آنجا در دل داشت! گروهی از ابلیسان با هنری معجزه آسا!!! مواد خام معدنی را در گودال هایی بسیار! که با دست خود کرده بودند!!! و از هر کدامشان رگه ای از آتش مایع! دریاچه آتشین میکشند ذوب کردند!!! و هر فلزی را از دیگری فلزات! جدا نمایند! و کف گداخته را از رویش بگرفتند!!! دسته سومین! با همان چالاکي در زمین قالب های گوناگون ساختند!!! و با نقل و انتقالی چیره دستانه هر گودالی را! از مواد مذاب کوره انباشتند! و این درست بهمان سان شد

که در ارکی با دمیدن دمی واحد! هوا در لوله مختلف پخش شود! و جمله اجراء ارگ رابحرت آرد! ناگهان همواره بابتگ طرب زای آهنگ ها و نواهایی داپذیر جوانان که بخاری از زمین برخیزد بتایی عظیم سر بر افراشت! بتایی معبد وار بود! که گرداگردش راستونهای چهار گوشه یامدورسبگ ((دوری)) آراسته بگج بری های زرین سرستون ها فرا گرفته بود! حتی از نقش و نگارهای مزین و وبجاری های برجسته در این بنا که سقفی از زر! جلال خویش برای تجلیل از خدایان خود ((بلوس)) یا ((سراپیس)) بتاهایی را چنین بافروشکوه نساختند! و مصر و آشور در آن روزگاران که تجمل و غنا! بایکدیگر پهلو به پهلو میزدند! برای سنک نای!!! پادشاهان خویش کاخ هایی چنین منیع فراهم نیاوردند! سرانجام بتاء که پیوسته رو ببالا داشت؛ در بلندای با عظمت خود در حدی معین به استاد! و بی درنگ! دروازه های آن دونیمه مفرغین را بگشودند! تالارهای وسیع کاخ را که کفشان از سنگفرشی مسطح و صیقلی بود بحاضران عرضه داشتند!!! از سقف تالار با سحری چیزی دستانه ردیفی چند از چراغ های ستاره گون! و فانوس های فروزان که بنیروی نفت و قیر! همچون اختران آسمانش نور افشان بودند فرو آویخته شد! و جمعی کثیر شتابان آفرین گویان پای بدرون آن نهادند! برخی در ستایش اصل بناداد سخن بدادند! و برخی دیگر در مدح معمار بتاء و پیش از آن چیره دستی این معمار در آسمان با بتای برج های!!! منیعی که در آنها مهین فرشتگان آسمان شهزاده وار میزستند! بر همگان آشکار شده بود! سلطان کائنات این مه فرشتگان را مقامی چنین بلند داده و مأمورانشان کرده بود! که هر یک در طبقه خاص خویش سرور دسته از ملایک باشند! این معمار را در یونان کهن بشناختند! و بپرستش او پرداختند!!! در زمین ((اوزنی)) ((مولسیر)) ((مولیس)) نام دادند!!! در افسانه ها حکایت کردند که چسان ((رب الآرباب)) خشمکین!!! وی را از بالای کنگره های بلورین آسمان زیر افکند!!! چندان که اواز بامداد تا نیمروز!!! و از نیروز تا شامگاه مه آلوده!!! روزی تابستانی در فضا در غلطید و بهنگام غروب همچنین شهابی ثاقب سپهر نیلگون بجزیره! در دریای اژه که لمنوس نام داشت فرو افتاد! اینک وی را دیگر سودی از آن نبود! که در آسمان

برج هایی منیع ساخته باشد!!! زیرا که با همه هنر مندیش این بار از بند کیفر نجست! و از گونه همراه با صنعتگران خویش! از آسمان فرو افتاد تا در دوزخ بکائنات پردازد!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۱۳ الی ۲۱۸)

### ۳- خط سیر مکتب کابالا در تئمه حیرام

#### ۱- ۳ تعریف قبالا

اصطلاح شناسی (۲) واژه قبلا از ریشه عبری قبل GBL بمعنای ((قبول کردن)) یا ((پذیرفتن)) گرفته شده است!!! در متون اوایل سده های میانه! قبالا عموماً دلالت بر ((قبول کردن)) و اصطلاحاً سنت قبول شده! بویژه سنت و مایل هلال خالی داشت! از اوایل قرن سیزدهم قبالا اصطلاح اصلی سنت عرفانی یهود شد! در جلد کتاب آورده است! واژه قبالا مجموعه تعالیم باطنی را در بر میگیرد؛ بگونه های مختلف هیجی میشود!!! عموماً کابالا Kabbalah؛ مورد نظر دانشمندان و دین شناسان بوده!!! و قبالا Gabalah مورد توجه معتقدین بعلم غریبه و نیز فراروان شناسان میباشد!!! حکایت قبلا از قرون ۲ تا ۱۷ هم بترتیب در جنوب فرانسه!!! اسپانیا! لهستان! روسیه و فلسطین گسترش یافت! خانم شیرین دخت دقیقیان در کتاب نردبانی به آسمان!!! از نشر ویدا در صفحات ۹- ۳۶۷ مطالب فراوانی در مورد قبلا ارائه داده است! از دیدگاه قبلا ذات مطلق خداوندی خارج از دسترس فهم و حتی درک شهودی است!!! و بگونه میتوان آنان را عارفان لادری (Agnostic Mysticism) دانست!!! رهبران قبلائی!!! پرووانس و اسپانیا!!! از جمله از ریل گرونا و اسحق نابینا نام عین سوف یعنی نامتناهی و بی انتهارا برای خدا برگزیده اند! یکی از ویژگی های این واژه عبری آن بود که هیچ نشانی از صفات یا گزاره های انسانی نداشت! درک آن از هیچ طریقی ۲- (از آئین قبالا؛ اثر شیوا کاپوینی از انتشارات فراوان ص ۱۸)

حتی بالاترین مکاشفه امکان ندارد! و تنها از درجه وجود و آفرینش فانی می توان به این مفهوم باقی پی برد! در همه مکاتب قبلا نور! نمادی برای عین سوف است! و در مکاتب جدیدتر قبلا میان نور عین سوف و خود آن تمایز قائل میشوند!!! از درجه همین مفهوم خدا چونان نامتناهی پنهان و دور از دسترس! درک آفرینش معنایی خاض مییابد! آشکارگی خدا در آفرینش رخ میدهد! و در اینجا است که مسأله اولین صدور آفرینش پیش میآید!!! پیرامون این موضوع نظریات بسیاری متفاوتی وجود داشت!!! ولی همگی پیرامون دور بودن این مرحله از هرگونه امکان توصیف تأکید داشتند! و در حال نمادهایی بکار میبرند تا آن را روشن سازند! و مسله بغرنج اولین صدور این بود!!! که آیا اولین کامی بجان خارج بود؟! و کامی درونی در ژرفای عین سوف بود؟؟؟! از مفاهمی که در شرح مرحله صدور در مکتب قبلا مطرح میشود؟؟؟! AYIM یا عدم مطلق و تشعشع درونی عین سوف در نورهایی است؟ که آن را زهرائوت یا جلال مینامند! و برترین مرحله صدور بشما را میبرد!!! پیدایش نظریه سفیروت!!! مقول سه نور است!!! ریشه این نظریه را بحی گائون (قرن سیزدهم) نسبت میدهند درون ((ریشه؛ ریشه ها)) سه نور پنهانی ازلی وجود دارند!!! و فراتر از تیررس درک انسانی هستند!!! که به آنها زهرائوت میگویند: زاه بمعنای اخگر است! این نظریه تثبیت قبلا بی پایه صدورده سفیرا بود!!! در تئوری های متأخر! سفیرا تنها ظرف و مجرای نیت خداوندی دانسته میشود!!! هرچند که از او جدا نیستند و بیرون از او بشما نیروند!!! مجموعه از تصاویر و نمادهای هنرمندانه از سوی متفکران قبلا برای تشریح نظریه سفیراها خلق شد!!! از جمله تشبیه بشمع! سفیرا چون شمعی میدانند!!! که وسط ده آینه با زنگ های خاص قرار دارند!!! و نور در هر یک بازتابی متفاوت مییابد! تشبیه سفیراها بجامه و پوشش نیز از جمله این نمادهاست!!! که تا حد نظریه جسورانه پیش میرود!!! خدا در آفرینش خود را به ده جامه ملبس کرده است! که همان سفیراهای قبلا هستند! و در برخی منبع جامه و جسم یکی دانسته شدند! خدا به این جامه ها درآمد!!! تا انسان بنور نگاه کند و کور نشود! وقتی انسان بتواند بنور فراسوی یک جامه

نگاه کند! بنور مرحله بعد نیز قادر بچشم دوختن خواهد بود! پس سفیراها مانند پله های انسان بسوی خدا به عروج میبرند! میان سفیراها وضعیت دینامیکی وجود دارد! و نیز درون خود سفیرا! تنوری سفیرا چونان مرکزیت نظری قبلا! در مکاتب گوناگون بتکامل و پیچیدگی رسید!!! عدد ده برای شمار سفیراها پایه برای کونه های مختلف گسترش فرایند نورها شد! هریک از مخلوقات عینی و ذهنی (از جمله عقل و ایمان و...) کهن انگاره خود را در یکی از سفیراها نهان دارند! فهرست ده سفیرا و نامهای آنها:

۱- کِتر (Keter): تاج

۲- هُخما (Hokhmah): خرد

۳- بینا (BINA): بصریت

۴- گرولا (Gedullah Hesed): عظمت یا حَسِد: عشق

۵- گوورا (Gevurah Din): جبروت یا دین: داوری

۶- تیفرت (Tifret Rahamim): زیبایی یا رَحْمِیم: رحم

۷- نِضَح (Nezah): ابدیت

۸- (Hod): شکوه

۹- یسود (Zaddik Yesod Olam) انسان صدیق یا یسود عولام: بنیان عالم

۱- ملخوت (Malkut Atarh): ملکوت یا آتار: تارک

شردر مکتب قبلا: همان کتاب صفحات ۳۷۴ پس از نظریه سفیراها!!! بیشترین اهمیت در اندیشه قبلائی با فلسفه یهود در نگرش به مسئله شر!!! پیدایش و ماهیت آن داده است! از سویی وجه اقتراق مهم قبلا با فلسفه یهود! در نگرش آن پدیده شر است! در فصل هارا مبام دادیم که فلسفه و کلام یهود شر را غیاب خیر و در نتیجه بدون موجودیت عینی می شمارد!!! قبلا درست بر عکس شر را دارای موجودیت عینی می شمارد! و آن را بسیسم خلقت ورا بطة انسان! با نظام آفرینش مربوط میدانند!!! به این معناکه انسان قادر بر دریافت همه تشعشع های سفیراها نیست! و این امر سرچشمه شر است! عامل تعیین کننده بروز شر بیگانگی موجودات!!! با سرچشمه صدور خود است!!! این جدایی نیروی شر را تأمین

میکنند! در سفر با هر گفته شده است: که سفیرای گبورا در سمت چپ ذات باری تعالی! صفتی بانام شر و وجود دارد! اسحق نابینا به این نتیجه رسید! که شر و مرگی باید ریشه مثبت!!! و در ایجاد تعادل در جهان نقش داشته باشند!!! بر اساس این نظریه شر از سفیرای عدل سرریز شده است!!! و این رویداد تحت تأثیر بقایای رابطه! با سفیرای عشق و مهربانی (حسد) رخ داده است!!! در واقع عدل ناب که با ناخالصی هایی تعادل خود را از دست داده است!!! سرریز میشود! و به آن سو فر و میریزد! و سیترا آهرا! یا دیگر سورا پدید می آورد!!! در سمت مثل ظرفی که اضافه خود سرریز کند! در فرهنگ واژگان قبلا سینرا آهرا همانا ناشر است ستیرا و آهرا قلمرو تشعشع سیاهی و نیروهای اهریمنی است! و بخشی از دنیای مقدس سفیراها بشمار نمی رود!!! شربا آن که از یکی از صفات باری تعالی! سر چشمه میگیرد! ولی نمیتواند بخشی ذاتی از آن باشد! این نظریه رسمی کتاب زوهر است! بنابراین دیگه یک نظام کامل صدور از سمت چپ وجود دارد!!! که همان نیروی ناپاکی فعال در آفرینش است!!! این نیروی عینی تا وقتی دوام و ادامه دارد! که قدرت خود را از سفیرای گبورا میگیرد! یعنی تازمانی که انسان از طریق کردارهای! گناه آلود خود! آن تقویت و بازسازی میکند! ستیرا آهرا بر اساس کتاب زوهرده سفیرا از خود صادر میکند!!! سه دنیای اول! سه سفیرای اول هستند! که در اثر تمرکز نیروی عدل سختگیرانه منهدم شدند!!! اندیشمندان نظامهای مختلف قبلا در مورد! تصاد ویرنمادینی خلق کردند از جمله در زوهر آمده است! که شر از دنیاها سمت چپ! که ویران شدند برخاسته است! از ریل گرونا نیروی شر را بیوست (گلیبا) درخت آفرینش تشبیه کرده است! در قبلا ی مکتب گرونا آمده است! که درخت زندگی و درخت معرفت! در هماهنگی کاملی بایکدیگر بودند! تا آنکه آدم آنها را جدا کرد! و بشر که درخت معرفت بنیگ و بد نهفته بود! موجودیت بخشید! این رویداد کهن انگاره تمامی گناهان کبیره یاد شده در تورات است! جوهر گناه آدم جدا کردن آن چیزی بود!!! که باید متحد میماند! و این جوهر در هر گناهی تکرار میشود!!!

(همان کتاب صفحه ۷ - ۳۷۶)

درآموزه های پیروان شسبتایی! از جمله ناتان گزایی نماد پردازی هایی جدیدی پیرامون شرسورت گرفت؛!!! بر اساس دیدگاه اودردرون عین سوف! دونور وجود داشت! یکی نوری که اندیشه و درآفرینش کاملاً فعال بود! و دیگری نوری که فاقد اندیشه بود و منفعل و پنهان در اعمال خویش ماند!!! وقتی نور اندیشه درآفرینش دست بیکار شد! برای خود مکانی تدارک دید! ولی نوردوم که نقشی نداشت در همان خود باقی ماند!!! از آن پس تنها گرایش آن ماندن درون خود بود! در برابر صدور آفرینش توسط نور اندیشه مقاومت کرد!!! مقاومت نوردوم برای ماندن درون خویش! و شرکت نکردن در صدور آن را!!! بخواستگاه شرّدر کارگاه آفرینش بدل کرد! این نور بخودی خود شرّ نیست! تنها خواست آن وجود نداشتن! هیچ چیزی جدا از عین سوف نیست!!! او از پذیرش نور و اندیشه سربار میزند! و بتخریب هر آن چه که توسط آن ساخته شد! میپردازد!!! بنابراین شرّ محصول دیالک تیک! دونور درون سوف است! این جریان تار و زریست! اخیز ادامه دارد! و در پایان کار جهان سرانجام!!! نور اندیشه در نور بی اندیشه نفوذ میکند! و به آن تقدّس میبخشد! معادشناسی شریکی از بحث های مهم قبلاست! و انواع پاسخ به آن داده میشود!!! در معاد بازگشت همه چیز بذات اصلی خود مطرح است! و بنابراین شرّ نیز از این بازگشت برکنار نیست!!! بیفزاییم که مفهوم معاد قبلائی! بایوول کیهانی در ارتباط است!!! در پایان یوول کیهان قدرت شرّ منهدم خواهد شد! برخی نیز بر آن بودند! که قلمرو شرّ چونان مکان مکافات ابدی! گناه کاران باقی خواهد بود! هر دو دیدگاهها در زوهر و قبلائی! لوریا به آشتی رسیدند! برخی نیز بر آن بودند که در روز پایان سموئل (شیطان) بفرشته مقدّس تبدیل میشود! و قلمرو سیترا آهوا را نابود میکند!!! حرفهم (ما) که نماینده و اثره مرگ (به عبری ماوت) است! از نام سموئل بیرون میرود! و نام او سموئل که یکی از هفتاد و دو نام مقدّس خداوند است! تبدیل شده اند!!!

(از کتاب فرماسونری جهانی؛ اثر هارون یحیی؛ مترجم: سید داود مرتزابی ص ۲۱۸ الی ۲۲۲)

## ۲- ۳ محراب اخنوخ - درتتمه حکایت حیرام

درتتمه حکایت حیرام بنظریه جالبی برخورد میکنیم! علاوه بر اینکه خط سیر مکتب قبالا! و نمادهای ماسونی را درتتمه حکایت حیرام مییابیم! که بشیر مکتب قبالا! و نمادهای ماسونی را درتتمه حکایت حیرام مییابیم!!! که بغیر از معبدی که سلیمان ساخته است! معبدی هم است! که اخنوخ در آن نقشی داشته است! در ۲۲۱ همین کتاب: حال باید بدانید که این دخمه ها و نقبها و سردابها و طالار ها و طاقها را سلیمان نساخته و قطعه عقیق را هم! او در اینجا پنهان نکرده است! این سنگ عقیق را هنوک در اینجا نهاد است! او نخستین سالک بود! او را رهبر سالکان بود!!! او نمرده بلکه دروچون کلیه فرزندان روحانی خویش همواره زند است! هنوک مدتها قبل از سلیمان و حتی قبل از طوفان نوح میزیست! هیچ کسی نمیداند هشت طالار نخستین و این دخمه که در دل سنگ کنده شده! در چه زمانی ساخته شده اند!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی ص ۲۲۲)

## حکایت سه مؤبد؛ تتمه حکایت حیرام

فصل مربوط به ((استادی)) تا زمان مرگ حیرام استاد! ساختمان معبد سلیمان پایان یافت!!! ولی این حکایت با مرگ استاد خاتمه نیافت است!!! دنباله آن را بدینقرار روایت کردند!!! مدتها از مرگ حیرام! و سلیمان و کلیه معاصرین آنان گذشت!!! لشگریان بخت النصر کشور یهود را نابود و شهر اورشلیم را!!! با خاک یکسان کردند! معبد را زیر و زبر! و آن عده از ساکنین این کشور را! که از دم تیغ نگذرانده بودند به اسیری بردند! کوه سارصهیون بصورت صحرائی بی آب و علف درآمد! در آن جز معدودی بزمفلوک دیده نمیشد! تنی چند بدوی گرسنه و راهزن

شبان آن رمه بودند! در چنین زمانی یک روز صبح سه مسافر شترسوار! به این سرزمین وارد شدند! آنها مؤبدانی بودند که در بابل سیر سلوک دیده! و عضو جامعه جهانی روحانیت شده بودند!!! آنها قصد زیارت و اکتشافات ویرانه های معبد کهن آمده بودند!!! پس از صرف غذای ساده بدور حصار فروریخته طواف کردند! از روی آثار دیوارهای مخروبه و ستونهای فرو افتاده دریافتند! که حدود معبد در کجا بوده!!! آنها سرستونهارا که بر زمین افتاده بود! معاینه و سنگها را جمع آوری کردند! تا مگر کتیبه یا علایمی در آنها کشف کنند! در حینکه مشغول اکتشافات بودند! در زیر بدنه دیواری فرو افتاده! در میان!!! بوته های خار مغیلان حفره کشف کردند!!! این حفره چاهی بود!!! که در زاویه جنوب شرقی معبد!!! معبد!!! (صخره دارای ابعاد تقریبی ۱۷ متر و ۱۳ متر زیر صخره مغاره است که مدخل آن موسوم بباب المغاره (babo LMaqara) در گوشه جنوب شرقی صخره واقع است!!! کیفیت صدای حاصل از گوبیدن پا بر کف معاره حاکی این است که زیر آن نیز مغاره یا شاید چاهی معروف به بنرالارواح (bero Larvah) است! می پنداشتند ارواح مردگان هفته دوبار در آن جاگرد می آیند!!!

(تاریخ اورشلیم (بیت المقدس) تالیف دکتر سید جعفر حمدیص (۱۷)

واقع بود! دهانه چاه را از خار و خس پاک کردند! آنگاه یکی از آن سه مؤبد که از دیگران مسن تر بود! و گویا بر آنان سمت ریاست داشت! روی شکم بر لب چاه نگرست! نیم روز خورشید در اوج آسمان میدرخشید! و اشعه آن بطور عمودی در چاه می افتاد! و در قعر چاه چیزی درخشان نظر مؤبد را جلب کرد! همراهان خود را آواز داد و آنان نیز مانند او بر لب چاه دراز کشید و داخل چاه را نگرستند، مسلماً آنچه میدیدند شایان توجه! شاید گوهری مقدس بود! لذا تصمیم گرفتند که آنرا بدست آورند! شالهای کمر خود را باز کردند! و هر سه را بهم گره زدند و یک سر آن را بدخل چاه افکندند! آنگاه دو نفر از آنها بازو بیازوی هم دادند تا سنگینی بدن هم سفر سوم را که میخواست داخل چاه شود! تحمل کنند! پیر مؤبدان شال بدست گرفت و در داخل چاه ناپدید شد! اکنون که او مشغول پائین رفتن است!

ببیمیم این شیئی که توجه زائران را جلب کرده چیست؟! برای این منظور باید چند قرن بازگردیم تا برسیم بزمانیکه واقعه قتل حیرام اتفاق افتاد! هنگامیکه حیرام در مقابل شرقی معبد! از دست دومین یاربدکرار ضربت دیلم خورد! بطرف جنوب رفت تا از جنوبی بگریزد! ولی در حین فرار! بیم از آن داشت که بدنالش بیایند!!! چنانکه اتفاقی افتاد یاربدگردار دیگری در مدخل جنوبی ظاهر شد!!! لذا زیوری راکه بازنجیری متشکل ۷۷ حلقه بگردن آویخته بود!!! از گردن او در آورد و در چاه معبد! که در محل التفاق ضلع شرقی با ضلع جنوبی معبد بود! انداخت این زیور عبارت بود از مثلثی که هر ضلع یک وجب طول داشت جنس آن از خالص ترین فلزات بود!!! حیرام روی این مثلث اسم اعظم را حک کرده بود زیرا که حیرام سالک کامل بود! واسم اعظم را میداد!!! نیست! حیرام این زیور را همیشه بگردن داشت!!! ولی روی آن را بطرف پشت آن در معرض دید مردم بود! سطح پشت آن زیور صاف و صیقلی بود! مؤید در حینکه بکمک دست و پا بدخل چاه میرفت! متوجه شد دیواره چاه منقسم به طبقات یا حلقه هائی است که با سنگ ساخته شده!!! ولی هر حلقه بیک رنگ متفاوت است! و ارتفاع هر یک ذراع است! چون به آخر چاه رسید طبقات مذکور را شمرد! عده آنها ده طبقه بود!!! آنوقت به قصر چاه نگریست و زیور حیرام را دید! آن را برداشت و نگاه کرد! و متوجه شد که اسم اعظم روی آن حک کرده است!!! آن مؤید اسم اعظم را میدانست زیرا که او نیز سالک کامل بود! ولی چون همسفرانش مانند خود او سیر سلوک را بکمال نرسانید بودند! برای آنکه به اسم اعظم پی نبردند! زیور را بگرون آویخت! و سطح منقوش آن را بطرف داخل! یعنی بطرف سینه خود برگردانید! همچنانکه حیرام چنین میکرد! آنگاه با طرف نظر انداخت! و یک دهانه آدم رو در دیواره چاه دید! در آن نقب داخل شد!!! بهوای دست تاریکی پیش رفت! دستش بصفحه خورد و بحدس دریافت! که مفرغی باشد!!! آنگاه بقهقرا بازگشت تا بکف چاه رسید! و بهمراهان خود خبر داد که شال را بالا بکشند! همراهان چون آن زیور را برسینه رئیس خود دیدند!!! در مقابلش سر تعظیم فرود آوردند!!! زیرا که حدس زده بودند! که وی تقدیس تازه دریافت کرده است!!! پیر آنچه

را که دیده بود به آنان گفت: وجود در مفرغ رابه آنها اطلاع داد!!! گفتند: که باید رازی در آنها نهفته باشد! لذا باهم شور کردند! و تصمیم گرفتند! که باتفاق بکشف آن راز روند! سرطنابی را که با وصل کردن سه شال درست کرده بودند بسنگ صافی که در کنار چاه قرار داشت!!! و روی آن هنوز کلمه ((ژاکین)) خوانده میشد! گره زدند! سپس یک تنه ستون که روی کلمه ((بوعز)) نوشته شده بود! بر آن سنگ نهادند!!! و آزمایش کردند که با سنگینی بدن یکنفر از جای حرکت نکند! سپس دونفر از آنها آتش مقدس برافروختند!!! بدین ترتیب که یک چوبه محکم را! در سوراخی که روی چوب نرمی تعبیه شده بود مدتی چرخاندند!!! در چوب نرم آتش پیدا شد آن را با نفس خود دمیدند! تا شعله از برخواست!!! در ضمن آن احوال یکی از آن سه نفر از میان بارشتران سه مشعل صمغی بیرون آوردند!!! این مشعلها مخصوص ترساندن و راندن حیوانات وحشی از منازل شبانگاهی بود! مشعلها را بشعله آتش زده نزدیک باشعله مقدس روشن کردند هر یکی از آن سه مؤبد یک مشعل بدست نگاه داشته!!! با دست دیگر شالها را گرفتند! و خود را به قعر چاه رساندند! در آنجا بهدایت پیر خود در نقبی که بدر مفرغی میرسید داخل شدند!!! چون بدر رسیدند مؤبد پیر!!! در نور مشعل بدقت آن را بررسی کرد! و در وسط آن نقش برجسته دید که بصورت تاج خسروی!!! و دور آن دایره مرکب از ۲۲ نقطه برجسته شده بود!!! پیر مدتی در بحر مکاشفت فرو رفت پس لفظ ((ملکوت)) را بر زبان آورد و ناگهان در باز شد!!! آنوقت کاشفین پلکانی در پیش پای خود دیدند! که در سینه خاک فرو میرفت! همچنانکه مشعلها را بدست داشتند از پلکان پائین رفتند! پله ها را در حین عبور می شمردند! چون سه پله بر شمردند بسطحه مثلثی رسیدند!!! که در ضلع چپ آن پلکان دیگر دیده میشد! از آن پلکان نیز پائین رفتند! و پس از شمردن پنج پله بسطحه دیگر بهمان شکل و همان ابعاد رسیدند!!! در آنجا پلکان جدید در سمت راست واقع و مرکب از هفت پله بود! باز هم بسطحه دیگر برخوردند که پاگرد سوم بود

در آنجا از یک پله کان نه پله پائین در رفتند! و بدری مفرغی رسیدند! پیر آن رانیز مانند در قبلی معاینه! مشاهده کرد که زینت آن عبارت از نقش یک سنگ زاویه ساختمان! در داخل دایره که با ۲۲ نقطه برجسته رسم شده است میباشد!!! پیر لفظ ((یزود)) مؤبدان وارد طالار وسیعی مسقف و مدور شدند!!! که با ۹ مجردی منقوش زینت یافته بود! این مجردیها از کف زمین شروع شده طرف بالا می رفتند! در انتهای بالای دیوار! دیوار بطرف داخل خم شده! بطور اریب بسوی مرکز بهم ملحق شدند! درون طالار را بانور مشعلهای خود معاینه کردند!!! تا ببینند جز آن دری که شده بودند!!! در دیگری هم داردیانه!!! در دیگری نیافتند و ب فکر بازگشت افتادند!!! ولی پیر دوباره همان راهی را که برای معاینه داخل طالار فته بود پیمود! مجردی هایک بیک بدقت معاینه کرد تا نقطه را بعنوان مبداء کشف کند! تعداد آنها را شمرد و ناگهان همراهان خود را نداداد! که گوشه تاریکی در مفرغی دیگری کشف کرده بود! زینت این درخشیدی تابان بود!!! و دوران را همچنان دایره مرکب از ۲۲ نقطه برجسته فرا گرفته بود! در این موقع پیر لفظ ((نتزاه)) را ادا کرد! در باز شد و طالار دیگری نمایان گردید! کاشفین از پنچ در دیگری که مانند درهای سابق مخفی بود پی در پی گذشتند! و بسردابهای جدیدی وارد گشتند!!! نقوش روی این درها عبارت بود از یک ماه تابان! یک کله شیر! یک قوسی ملایم خوش ترسیم یک خط کش! یک تومار قانون!!! یک چشم و یک دیهیم خسروی! کلماتی که ادا شد! و موجب گشودن درها گردید! بترتیب عبارت بودند از: ((هود))؛ ((طیفوط))؛ ((شزد))؛ ((جبوره))؛ ((شوشاه))؛ ((بینا))؛ ((قادر)) مؤبدان چون ب زیر گنبدنهم رسیدند! متعجب و وحشت زده سر جای خود خشک شدند! و چشمان خیره گردید! زیرا که این طالار مثل طالار قبلی! در تاریکی غوطه ور نبود بلکه بالعکس نوری خیره کننده در آن میدرخشید!!! در وسط طالار سه چراغدان سه شاخه با ارتفاع یازده ذراع قرار گرفته بود!!

(آیاسه چراغدان سه شاخه مقوله سه نور نیست که در مقدمه برای پیدایش نظر سفیراها است؟)

این چراغها از قرن‌ها پیش روشن بود و میسوخت بی آنکه انهدام کشوریهودا  
 یاقلع و قمع شهر اورشلیم!!! یا خرابی معبد موجب خاموشی آنها شده باشد! با  
 نوری قوی میدرخشیدند! و همه گوشه‌ها و زاویا را بانوری صافی!!! و در عین  
 حال درخشنده منور ساخته! کلیه جزئیات صنعت ساختمانی شگفت آور! آن طاق  
 بی نظیر را که در میان صخره سنگی عظیمی کنده شده بود نمایان میکردند!!!  
**زائرین چون مشعل‌های خود زائد دیدند خاموش کردند! و در کنار نهادند کشف‌های**  
**خود را در آوردند! زلف‌های خود را طوری آراستند!!! که گفتنی بمکانی مقدس**  
**داخل شدند! سپس پیش رفتند در حالی که نه بار! به آن چراغ‌های عظیم تعظیم**  
**کردند! آن سه چراغدان بصورت مثلث قرار گرفته بود! در قاعده آن مثلث محرابی**  
**به ارتفاع دو ذراع بود!!! که با مرمر سفید مکعب ساخته شده بود!!! سطح**  
**محراب افزارهای بنائی که باطلا ساخته شده بود قرارداد داده بودند!!! بطوریکه**  
**رأس مثلث بود! افزارهای مزبور عبادت بودند! خط کش و پرکارها! تراز و گونیا**  
**ماله! چکش!!! روی سطح جنبی طرف راست آن مرمر چند نقش هندسی رسم**  
**شده بود و آنها عبارت بودند! از مثلث! مربع و ستاره پنج شاخه و مکعب! روی**  
**سطح جنبی طرف چپ آن این اعداد مشاهده میشد: ۲۷؛ ۱۲۵؛ ۳۴۳؛ ۷۲۹؛**  
**۱۳۳۱؛ یک قطعه عقیق سه گوشه که طول هر ضلع آن یک وجب بود!!! در**  
**کف این محراب نهاده شده! روی آن با حروف زرین واژه ((آدونای)) (۱) نوشته**  
**شده بود! دو مؤبد جوان سرفرود آوردند! و نام خداوند خویش راستایش کردند!**  
**ولی بالعکس پیرشان سر خود را راست گرفت! و به آن دو گفت: اکنون وقت آن**  
**است که آخرین تعلیم را فرا گیرید! و با فرا گفتن آن سالک کامل شوید! این اسم**  
**که دیدید جزیک رمزی معنی چیزی دیگری نیست!!! و مبین واقعی اندیشه**

---

۱- Adoni: نام خداوند؛ ربّ الارباب؛ بارها از نام‌های دیگر الهی در بناها فنینفیه پیشی گرفته که یک  
 یک الوهیت خاصی دارا است!!!  
 Adoni: نام خدا در کتاب عهد قدیم است؛ برای یهودیها YHWH تلگرام میشود اما Adoni خوانده  
 میشود؛ منشأ اسم Jehovah است؛ فرهنگ نمادها و اسطوره‌ها!!!

((ذات متعال)) نیست؛ آنگاه قطعه سنگ عقیق را با دو دست بلند کرد! و پشت آن را بدوشاگرد خود نشان داد! و گفت: نگاه کنید... ذات متعال اینست! شما اکنون در مرکز ((اندیشه)) اید! دوشاگرد حروفی را میدیدند هجی کردند یاء- هاء- واو- هاء و چون خواستند! این حروف را باهم تلفظ کنند پیر فریاد برآورد: خاموش این اسم اعظم است و هرگز نباید از میان لبان هیچکس خارج شود!!! پس قطعه عقیق را بر محراب نهاد زیور حیرام را که بگردن آویخته بود! به آنان نشان داد! تا ببینند که همان علامات بر آن نیز نقش شده است!!! آنگاه گفت: حال باید بدانید که! این دخمه و نقبها و سردابها و طاقهارا سلیمان نساخته! و قطعه عقیق را هم او اینجا پنهان نکرده است! این سنگی عقیق راهنوک!!! (Henoah) این نام در کتب شرقی بصورت اخنوخ یاخنوخ ضبط شده است) در اینجا نهاده است! او نخستین سالک بود! او راهبر سالکان بد! او نمرده بلکه در وجود کلیه فرزندان روحانی خویش همواره زنده است! هنوک مدتها قبل از سلیمان و حتی قبل از طوفان نوح میزیست! هیچکس نمیداند این هشت طالار نخستین! و این دخمه که در دل سنگ کنده شده در چه زمانی ساخته شدند!!! در این موقع سالکان تازه کمال یافته توجه خود را! از محراب و قطعه عقیق برداشته! بطاق طالار که پایان آن مرئی نبود معطوف ساختند! سپس در داخل طالار براه افتادند! صدای آنها در آنجا چندین بار انعکاس مییافت! در ی یافتند که کاملاً مخفی و مستور بود! نقش رمزی که روی آن ترسیم شده بود! سبوی شکسته بود!!! پیر خود را آواز دادند و گفتند: این در راهم برای ما بگشا! حتماً رازی در پس آن خواهیم دید!!! استاد جواب داد: نه این در راهیچ نباید باز کرد! در پس آن رازی هست اما رازی سهم گمین است! آن راز! راز مرگ است! گفتند: معلوم میشود تو میخواهی چیزی را از ما مکتوم کنی! و تنها خودت بر آن وقوف داشته باشی! ما میخواهیم بر همه چیز واقف شویم!!! یا این در را باز کن یا خودمان باز میکنیم! آنگاه تمام کلماتی را که از زبان استاد شنیده بودند! ادا کردند ولی هیچیک از آن کلمات اثر نکرد! هر کلمه را که بر خاطرشان میگذشت بر زبان آوردند! عاقبت خسته شدند! یکی

از آن دو گفت: چه نتیجه دارد؟! که ما نمیتوانیم تا ابد همینجا بمانیم؟! و کلماتی بر زبان رانیم؟!؟! نزدیک بود از آن کار دست بکشند!!! که آن دیگری گفت: آن صوف - ناگهان در بشدت باز شد! باد سختی در طالار پیچید! آن دویی احتیاط بر زمین افتادند! چراغهای سحر آمیز خاموش شدند! استاد بجزله خود را بدر رسائید شانه خود را پشت در نهاد! شاگردان را بکمک خواست!!! آنها بصدای او پیش دویدند!!! جلوی را گرفتند! و با کمک یکدیگر بزحمت زیاد در را بستند! چراغها خاموش شده و دیگر روشن نمیشدند! مؤبدان در ظلمات کامل گرفتار شده بودند استاد گفت: متأسفانه من این واقعه هائله را پیش بینی میکردم!!! مقدر بود که این بی احتیاطی از شما سر بزند! اکنون ما با خطر بزرگی روبرو هستیم!!! ممکن است در این سردابها که هیچ بشری از وجود ماها اطلاع ندارد! بهلاکت برسیم ولی باید سعی کنیم تا از این مهلکه رهائی یا بیم! باید بهر شکلی از هشت طالار بگذریم! و بهمان چاهی برسیم که از طریق آن وارد نقب شدیم!!! بیائید دستهای همدگر را بگیریم و همین طور! پیش برویم تا مگر در خروجی را پیدا کنیم! همین کار ادره یک از طالارها باید تکرار کنیم تا پلکان ۲۴ پله برسیم!!! امید است موفق شویم بهمین ترتیب رفتار کردند! ساعتها بسیار هراس و اضطراب کذا راندند ولی مایوس نشدند عاقبت پلکان ۲۴ رسیدند! از پلکان بالا رفتند در حالی که پله ها را میشمردند ۹-۷-۵-۳ در این موقع بکف چاه رسیدند!!! نیمه شب بود! ستارگان در آسمان میدرخشیدند! شالها هنوز بر لب چاه آویزان بود! قبل از آنکه از چاه بالا روند استاد دایره را!!! که دهانه چاه در آسمان رسم کرده بود به آن دونشان داد! و گفت: ده دایره که ماهنگام پائین رفتن در چاه دیدیم نماینده! گنبد های یا طاقهای زمین نیز بودند! حلقه یا دایره آخرین که مطابق با عدد ۱۱ است! در این چاه بوسیله دهانه چاه که آسمان بی انتها! باشمعهای درخشان بشمارش از فراز آن پیدا است نمایانده شده است!!! حلقه یازدهم مظهر همان!!! طالار آخری است! که تند باد حادثه از آن وزیدن گرفت! ما نمیبایست بآن طالار برویم زیرا که او نیز مانند آسمان از دست رسترش ما خارج است!!! باری سه

سالک بدوارمخروبه معبرسیدند! ستون سنگی را غلطاندند ولی واژه (بوعز) را روی آن نیافتند! شالهای خود را برداشتند و بکمر بستند!!! بر جهاز نشستند! آنگاه بی آنکه سخنی بگویند: زیر آسمان پراز ستاره میان سکوت شب در حالی که در عالم فکرت فرورفته بودند!!! با گامهای آرام اشتران رهسپار سرزمین بابل شدند!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی از ص ۲۲۲ الی ۲۳۰)

آیا میتوان فرض کرد که شهسواران معبد؟! در خرابه های معبد اخنوخ دست بکاوش زده بودند!!! و در آنجا بدست نوشته های اخنوخ و جامعه قابیلی دست یافته! که دیگه آنها را نسبت بجهان تغییر داد! و مراسم جادوگری و جادوی سیاه روی آورند که همان دیدگاه قبالات است؟! آیا مکتب قبالات از جامعه قابیلی سر در نیآورده است؟! که شیطان در پایان بفرشته مقدس تبدیل میشود؟؟؟؟!!!

(از کتاب فراماسونری جهانی ص ۲۳۹)

**دین یهود: فراماسونری تقسیمات و آداب و سنن و تشریفات خود را!!! بر مبنای فرهنگ و آداب قومی و دینی یهود پایه گذاری کرده است! علامتهای! رنگها! شکلها! گلهای! بناها و ابزارهای مقدس نزد یهودیان در فراماسونری! پذیرفته شده و بامعانی رمزی بکار میرود! هر چند ممکن است بسیاری از مقدسات نزد یهود یابیش از آن که بمنابع اصلی شریعت موسی کلیم الله علی نبینا و علیه السلام مستند باشد! به عادات و سنن قومی یهود مرتبط است! لیکن آنچه در کتب دینی در دسترس یهودیان است! بعنوان متن مذهبی تلقی شده! ویکی از منابع اصلی تشکیلات فراماسونری است!!!**

(از کتاب تشکیلات فراماسونری در ایران اثر: حسین میر ص ۲۶)

### فراماسونری و کمونیسیم

کمونیسیم اختراع موفق ماسونها!!! و یهودیان از سرچشمه فراماسونری جوشیده! و جوه اشتراک بسیاری با آن دارد!!!  
(لامن: فصل ۴، گروه تحقیقات: فصول ۴ و ۱۰)

((یهودیان بعثت کمی عده هرگز نمیتوانند! برمللی که در داخل آنها زندگی میکنند فائق گردند!!! ولی یک طریقه انتحار تدریجی اختراع کرده بین مسیحیان متداول کردند! که آنها با اختلاف داخلی تیشه بر ریشه خود میزنند!!! و بدست خودتشکیلات خود را از هم میپاشند!!! در خصوص بلشویسم! یهودیان روسیه انکار نمیکنند! که خودشان مسوول ظهور بلشویسم هستند! در سال ۱۹۱۹ یک نفر اسرائیلی در مجله کمونیست!!! ((میتوان گفت: که انقلاب بزرگ اجتماعی روسیه نتیجه اقدامات یهودیان بود! و نتنها تهیه موجبات این انقلاب را دیدند بلکه زمام امور نیز در دست آنها بوده است! و ما یهودیان مادامیکه زمام امور آرتش سرخ در دست ((لئون تروتسکی)) است! باید راحت و آسوده باشیم)) (لامن ص: ۱۱) در پروتکل دوم حکمای یهود آمده است: **بیشرفتن هاییکه خودمان در راه! داروینیسیم! و مارکسیسم! و نیجه ایسم! را ایجاد نمودیم! توجه کنید! (همان ص ۲۹)** و در پروتکل چهارم گفته شده است: **چه کسی میتواند یک قدرت!!! مخفی را از بین ببرد! این قدرت مخفی! قدرت ماست!!! فراماسونری خارجی فقط بمنظور مخفی نگاه داشتن نقشه های ماست!!! و شعاع عمل و طرز اجرای این قدرت مخفی! و محلّ اجرای آن برای همیشه پوشیده است!!! (همان ص ۴۲)** در پروتکل نهم مذکور است: **در دستگاه ما هواخاهان سلطنت!!! عوام فریبان سوسیالیست ها و همه فرقه وجود دارد!!! (همان ص ۶۴)**

**در پروتکل یازدهم درج است: بدینوسیله ما بمقاصدی نایل میشویم! که مستقیماً و حول به آنها امکان پذیر نیست!!! و این سیاست! اساس فراماسونری ماراکه دیگران به اصول آن پی نبردند تشکیل میدهد!!! (همان ص ۸۲)**

کمونیست ها معتقد به همان اساسی هستند!!! که فراماسونری مروج آنست! ماتریالیسم در زیر بنای تفکر هرد و گروه است! و نزدیکی سیاست های دولت

انگلیس با دولت اتحاد شوروی نتیجه این توافق اصولی! و نیز نفوذ یهودیها در دولت است! حضور یهودیها و صهیونیست ها در سازمان فراماسونری! و احزاب کمونیست و فعالیت تعداد کثیری نویسندگان و دانشمندان یهودی در هر دو جناح مذکور! و فعالیت ماسونها در انقلابهای کمونیستی دلیل دیگر است!!! بر اینکه اساس هر دو تشکیلات بظاهر متضاد یک چیز است!!! قول یک نشریه ماسونی (ماسون ترک شماره ۷۲۲ ص ۳۲) در این باره گویاست ((ما {ماسونها} با جوانان چپراکه متد علمی و عملی لژ روسیه را پذیرفته و خواستار آزادی، برابری و زندگی شرافتمندانه!!! و سعادت‌مندان هستند!!! همگام و همفکر هستیم!!! آنها ماسونهای بدون پیش بندها هستند! آنان مباحث داخل معبد ما را! در خارج معبد تعقیب و پیگیری مینمایند! آنان بازوی راست ما هستند! در هر زمان! و در هر مکان و در هر موقعیتی مددکار آنان خواهیم بود!!! (گروه تحقیقات: ص ۳۲۵)

**اشاره نویسنده بشعار کمونیست ها: برابری! برادری حکومت کارگری است! که نویسنده مقاله حکومت کارگری را مترادف با زندگی شرافتمندان! سعادت‌مندان گرفته است! ماسونهای بدون پیش بند! با ماسونهای با پیش بند درجات بسیاری اشتراک دارند که از بابت رعایت اختصار خوانندگان را بملاحظه کتابهای ارجاع شده دعوت کرده! بچند مورد اشاره میکنیم مگذریم!!!**

فراماسونری	کمونیسم
۱- خدا وجود ندارد	۱- خدا وجود ندارد
۲- همه موجودات از تکامل انواع پست تربو وجود آمده اند (اولسیون)	۲- همه موجودات از تکامل تربو وجود آمده اند (اولسیون)

۳- انسان کامل شایسته احترام فقط ماسونها هستند  
 ۳- انسان کامل شایسته احترام فقط کمونیست ها هستند

۴- همگان در عقیده؛ در روابط جنسی از هر نوع بهر صورت آزادند	۴- همگان در انتخاب د مکراسی پرولتری و روابط از هر نوع و بهر صورت آزادند
۵- حکومت جهانی بدست ماسونها باید ایجاد شود	۵- حکمت جهانی باید بدست کمونیست ها (پرولتاریا) ایجاد شود
۶- آزادی؛ برابری؛ برادری	۶- آزادی؛ برابری؛ برادری
۱- حذف ادیان	۱- حذف ادیان
۲- حذف سنتها و قیود اخلاقی	۲- حذف سنتها و قیود اخلاقی
۳- جهان وطنی	۳- جهان وطنی
۴- آزادی در رده‌مه عقاید و قبول فقط عقده فراماسونری	۴- آزادی در رده‌مه عقاید و قبول فقط عقیده کمونیسم
۵- آزادی و هر ج مر ج جنسی بصورت فحشاء همجنس بازی و انحرافی اخلاقی	۵- آزادی و هر ج مر ج جنسی بصورت فحشاء کمونیسم
۶- غوطه و رشدن مردم در فساد و تباهی بمنظور ایجاد شرایط انقیاد و اسارت آنها بدست ماسونها	۶- غوطه و رشدن مردم در فساد بمنظور ایجاد شرایط انقیاد و اسارت آنها بدست ماسونها
۷- ایجاد حکومت جهانی بر مبنای عقاید قوم یهود و بی خدائی	۷- ایجاد حکومت جهانی بر مبنای عقاید قوم یهود و بی خدائی

### از کتاب تشکیلات فراماسونری در ایران ص ۱۵۱ الی ۱۵۴

#### ماسونیسیم و فراماسونری و اعمال آنها

کلمه ماسون طبق دائرةالمعارف بریتانیکا به معنی (بنا) میباشد این کتاب در سال ۱۹۱۱ چاپ شده است! در زیر ستون **Mas** جلوی کلمه ماسون آنچه که ذیلاً مطالعه خواهید فرمود؛ بنقل از کتاب ((اسرار الماسونیه)) تألف ژنرال جواد رفعت آتلخان نوشته شده است: **هدف ما سونیسیم: با تشکیل این حزب سعی میشود سایر ادیان! اخلاقی دولتها و ملتها را از جانب یهود ریشه کن سازند! و بنقل از کتاب اصل الماسونیه به قلم ((عوض الخوری)) ص ۳۵ با تیترا درشت چنین آمده است: الف- تعریف حزب- این سعی میشود تا آنجاییکه مقدور است مخفی و سری نگاهداشته شود! مقررات!!! ماده ها و فصول این کتاب در نوع**

خودبی نظیر است!!! تاکنون در هیچ یک از قوانین و کتابهای دنیا وجود نداشته و ندارد! بنقل از کتاب ((الخب الرابع)) و ((محفل السلامه الماسونی)) ایده اعضا بر حسب نوشته های کتاب ((الخطب الرابع)) چنین است: عقاید و رموز و اشارات مابه لغت مصری فرعونی است! که بوسیله بنی اسرائیل به ارث رسیده است! ب - هدف حزب - ماسونی قانع بیک یا دوسه دولت باشد! بلکه سلطه اش باید جهان را دربرگیرد! و برای نیل به این هدف اولین مرحله نابودی ادیان و علمای روحانی!!! که از بزرگترین و خطرناکترین دشمنان مامحسوب میشوند میباشد!!! خواننده گرامی! میخوامم بذکر چندین متن دیگر بنقل از کتاب ((کنفرانس شرق عظم)) چاپ ۱۹۲۳ از اهداف حزب بپردازم: باید بزرگترین دشمن بشریت را که ((دین)) نام دارد محو و نابود سازیم! وجود چنین دشمنی باعث بروز جنگها؛ آدمکشی ها و تجاوزات میشوند! حزب ماسونی از بدو تأسیس تا کنون توانسته نقشهای بزرگی در سیاست اروپای غربی! ایران! مصر! امریکا و چندین کشور دیگر بازی کند! که در مجله ((شرق الکبیر)) بتفصیل شرح آن آمده است! اینک چند متن دیگر بنقل از (( مذاکرات کنفرانس ماسونی بزرگ فرانسوی در سال ۱۸۹۷ )): افراد حزب ماسونی نباید متعقد بهیچ دینی باشند!!! مگر در صورت ظاهر آنها برای فریب مردم!!! یک عضو ماسونی میتواند وطن خود را دوست داشته باشد! ولی این باعث نمیشود که از احترام خاصی نسبت بقوانین و اهداف حزب غافل بماند!!! داشتن مشاغل! پستهای مختلفی از قبیل ریاست جمهور! وکالت! وزارت یا کارمند دولت بودن! پزشکی و غیره مانعی برای عضویت نمی باشد! ولی در تصمیمات شغل خود موظف است! که بامشورت و اظهار نظر شورای فراماسونری و تصویب اعضا شورانهارا بمرحله اجرا آورد!!! اگر هر یک از اعضا حزب مصدر پستهای مانند!!! ریاست جمهوری! پادشاهی!!! نخست وزیری و پستهای مانند آن هستند!!! و وظیفه است که سعی کنند ببقیه اعضا را نیز در کارها شرکت دهند!!! و آنها را صاحب مشاغل مهم کنند!!! ماسونیسیم

حزبی است مخفی که فقط با انتشار اهداف خود سعی میکند بر جهان چیره شود! و کار ماموقعی سبک است! که مردم ساده لوح و زود باور بما گرایش پیدا کرده و از دین و آئین خود روی بگرانند!!! بزرگترین هدف ما مبارزه با ((خدا پرستی و خداپرستان)) است!!! تأسیس یک جمهوریت عظیم لامذهبی در سراسر جهان (حدس زده میشود چندان طولی نخواهد کشید! ادیان زیر نفوذ مادر آینده) بهم زدن خانواده ها و ایجاد اختلاف بین زوجین با وضع قوانین خاص مانند حمایت خانواده و حق طلاق بدست زن! مادرست مخالف آنچه که در مذهب آنها وجود داشته است! باید سعی کنیم به اصول اخلاقی آنها پشت پا زده! امتهما و جوانان آنها را بیدین! بی ناموس و بی قید و بی بند بار آوریم! البته انجام این کار در مراحل اول مشکل بنظر میآید!!! چون طالب لذت و شهوت و لالایی گری میباشد!!! این عوامل بما کمک خواهند کرد!!! اسران حزب را باید همواره با تشویق!!! و سایر مقامات حزبی را با وعده به ارتقاء درجات!!! فریب داده و ضمن آشنا ساختن آنان بیستی! بلندی های زندگی! پیروزی و شکست نگذاریم! بهیچ عنوان از حزب کنارگیری کنند! شما که عضو عزیز حزب ماسون شده اید! همواره باید از تشکیل خانواده دوری جوئید! و خود را پایبند اینگونه اراجف نسازید!!! نیازهای جنسی خود را بایکدیگر ارضاء کنید! تشکیل خانواده کافی است! که تمام آرزوهای ما را بر باد داده و نقشه هایمان را نقش بر آب سازد! چون میل انسان زیادی بشهوت دارد!!! و وظیفه اصلی ماست که بر این آتش دامن زده!!! و با عرضه سکسی نشریات!!! نمایش فیلمهای سکسی در سینماها و مجامع عمومی سعی کنیم!!! درجه شهوت مردم را بالا برده!!! و در چنین وضعی مردم خواه ناخواه تحریک شده! و نسبت به تمام قیودات زندگی و دینی خود پشت پا زده! و هرزه طلب و عیاش میگردد!!! آنگاه است که آنان بجانب کفر سوق داده میشوند!!! یک ماسونی بزرگ بنام آقای ((پیکرتو)) در یکی از سخنرانی هایش چنین گفته است: انسان باید بر خداوند خویش چیره شود! و همواره به او اعلام جنگ کند! آقای دیگر از همین حزب!!! نیز در سخنرانی خود گفته است: آسمانها را همانند صفحه کتاب

مقدس پاره پاره کنید! تا اثری از مظاهر طبیعت وجود نداشته باشند! ایجاد شرک بخداد مردم از مفاخر اعمال حزب ماست! یکی دیگری از سران حزب فراماسونی گفته است!!! درود بر آن راد مردان دلیری!!! در مراحل اول زندگی! به اصلاح دنیای خویش پرداختند و منتظر آخرت نشدند!!! بزودی تمام ادیان و متدینین را نابود خواهیم کرد! بدین تریب برآمده های پوچ آنان پیروز خواهیم شد! همیشه این نکته را بخاطر داشته باشید که ما از دشمنان واقعی ادیان هستیم (جملة بالا یکی از شعارهایی است!!! که در دیوار حزب نصب شده!!! تا همیشه در جلوی چشم اعضا باشد) یکی از نخایر پر ارزش انسان اینست!!! که خود را پایبند هیچ عقیده کند! آنچه مردم به آن عقیده دارند! از ترشحات فکری انسان است! که حقیقت تراشیده و بخورد دیگران میدهد!!! یعنی اثر تراوش فکری خود را بدیگران القاء میکند! با اطلاع از این موضوع و وظیفه هریک از ما اعضا حزب است! که از این حقیقت حداکثر بهره برداری را ببریم! جمال و زیبایی مشتق از همین است!!! و این خود ریشه و اساس این الحاد است (از گفته حسین جیوس که در سال ۱۸۹۵ ایراد کرده)؛ ضمناً وی در دنباله سخنان خود!!! بعنوان کلمات قصار جملات زیر را بیان کرده! که هدف پیروزی بر ادیان نیست، بلکه معدوم ساختن آنها است!!! نتیجه جنگی که علیه دین شروع کرده ایم! جدائی دین از سیاست است! این حزب فراماسونها است!!! که وضع قوانین و مقررات سیاسی و اجتماعی! اقتصادی بین المللی خواهد بود! چیزی نخواهد گذشت که تمام ادیان بدست ما ویران! و اماکن مقدس آن محفل عیش و نوش ماسونها خواهد شد!!! پس از مرگ ((آلبرت بایک)) رئیس حزب ماسونی! اعضا حزب به اتفاق آراء ((ملی)) را بریاست حزب برگزیدند!!! ملی دستورداد تمثال مسیح را بر سر در ساختمان حزب نصب کرده! و هنگام عبور و مرور با دیدن! این شیطان پست بر آن آب دهان بیاندازند! زمینه انقلاب مارکس از هر جهت فراهم است! فقط تنها کار این است! که با تحریک بیشتر کارگران با آنها هم صدا شده! و اعلام انقلاب بکنیم! پیروزی انقلاب ماحتمی است! زیرا که مانیروی فکری انقلاب! کارگران

نیروی مادی انقلاب را تشکیل می‌دهند!!! وحدت این قوای دوگانه می‌توانید اضطراب! انقلاب بزرگ تولید کرده! به انقلاب مارس منجر خواهد شد! (از مجله آگا سیاه - چاپ ۱۹۰۳) آزادی پدران به اصطلاح ((مقدس)) و حجت الاسلام‌ها مصالح حیاتی ما را تهدید میکند!!! از کلمه‌های ((کودو)) یکی از وزیران دولت فرانسه در کنفرانس سال ۱۹۶۴: از بکار بردن! و از کار افتادگان خودداری کنیم! تا می‌وانیم نسل جوان و خردسال را بخود جذب کرده! و ضمن سوق دادن آنان به عشق‌بازی!!! سعی کنیم حزبی را در سنین جوانی به آنها یاد بدهیم!!! چون اطلاعات کسب شده در دوران کودکی هیچوقت فراموش نخواهد شد!!! و ضمناً سعی بکنیم با شستشوی مغزی ذهن آنان را نسبت بدین دورنگاه داریم!!! خوانندگان عزیز و محترم!!! اینک بذکر چند نکته که در صورت مجلس مذاکرات سیاسی! متمم قراردادها و یا عهد نامه‌های سیاسی! و مقاله نامه‌های مختلف فرهنگی! و اجتماعی و غیره است می‌پردازیم!!! که خود شاهد دیگری از حیرت انگیزترین عجیب‌ترین!!! و خطرناکترین نشریات سیاسی است!!! که در دنیا بدست سران و حکمای قوم یهود!!! چاپ و نشر شده است!!! نام کتاب of Zionism pirtock of learned leaders ((پروتکل‌های سران دانشمندان صهیونیست یا پروتکل‌های حکمای یهود است)) با مطالعه این قسمت متوجه خواهید شد! که این یهودیان بظاهر آرام و مظلوم! دارای چه تشکیلات مخرب و خطرناکی هستند!!! این کتاب که نامش در بالا ذکر شد! چنان جالب و دهشتناک است! که خواننده سعی دارد چندین بار آن را بخواند! اینجانب شاید چهار مرتبه این را مرور کرده باشم! و هر مرتبه بر ترس و هراسم افزوده شده است! قسمت‌های مختلف این کتاب را!!! سخنرانی یکی از سران یهود در مجالس کشور برای نمایندگان منتخب ملت! و سپس تجار و پزشکان! اولیاء و مربیان! دانش آموزان و غیره تشکیل می‌دهند! این کتاب بر حسب در سال ۱۹۰۱ بدست سرکئی نویسنده روسی رسید!!! او پس از مطالعه کامل کتاب در سال ۱۹۰۲ در روسیه آن را چاپ

رسانند!!! نقشه ملت یهود که تا آن موقع بر همهٔ افراد روسیه پوشیده بود!!! با  
 انتشار این کتاب با تمام جزئیاتش آشکار شد!!! مردم روسیه کم کم حالت  
 بیداری و هوشیاری نسبت به اعمال و برنامه های یهود پیدا کردند!!! و شروع  
 بتظاهرات علیه آنها کردند! یکی از تظاهرات ضد یهود تعداد ۲۰۰۰ نفر را در  
 کانال بزرگ آب انداختند!!! کتاب فوق چهار مرتبه در شوروی بچاپ رسید!!! و  
 آخرین چاپ آن در سال ۱۹۱۷ بود که پس از آن دولت اجازه چاپ آن را نداد!!!  
 در سال ۱۹۱۷ میلادی یک خبرنگار نشریهٔ **Morning post** کتاب را بزبان  
 انگلیسی انتشار داد! و آخرین چاپ کتاب در غرب در سال ۱۹۲۱ انجام شد! و از آن  
 ببعدهیچکس جرأت چاپ آن کتاب را نکرد!!! زیرا که هرکسی تصمیم بچاپ آن  
 میگرفت! ویا میخواست بزبان دیگری آن را ترجمه! ویا منتشر سازد بیدرنگ  
 بدست یهود کشته میشد!!! هرکسی قسمتی از این را بخواند وقتی چشمش بجلد  
 کتاب میافتد! اثر پنجه های خونین یهود را از پشت صفحات کتاب بخوبی میبیند!  
 و درست مطابقت دارد! با آنچه که یکی از سران یهود بنام ((اوسکار لیفی)) گفته  
 است!!! ووی باکمال شجاعت! رشادت اظهار داشته است ((پادشاهان! اخلال گران  
 بزرگ فتنه انگیزان!!! و جلادان جهان را! تشکیل میدهند!!! صرف نظر از دانائی و  
 عظمت روحی که داریم)) گفتار این یهودی ((کتاب پروتکل)) چاپ شده است!!!  
 اگر بخط رداشته باشید ((دیسرائیلی)) نخست وزیر پیشین بریتانیا که خود یک  
 صهیون نیست بود!!! در یکی از خطابه هایش گفته ((حیله)) دروغ خیانت در راه  
 کسب پیروزی!!! گناه نیست! ((شاید این عقیده بسیاری از زمامداران صهیون  
 نیستی باشد! اینک شما خواننده عزیز را بچند نمونه از پروتکل های آنان آشنایم  
 سازم! پروتکل شماره یک ما خود بنیانگذار تر (آزادی سیاسی) بودیم! ولی بر جامعه  
 یهود لازم نیست که خود را با آن تطبیق دهد! از آن پیروی کند! مگر در مواقع سیاسی  
 ضروری و برای جلب نظر مردم! آنوقت اجازه دارد تمسک به آزادی سیاسی  
 کند!!! هر کشوری که از راه انقلاب داخلی (مانند انقلاب اسلامی ایران کند) ویا  
 جنگهای خارجی سقوط کند!!! در هر دو صورت کشور ساقط شده و شکست!!!

خورده بدست ما خواهد افتاد!!! دین و اخلاق و سیاست با یکدیگر جمع نمیشود بنابراین حاکمی که خود را مفید و مقید به اصول اخلاقی و دینی میدانند!!! هرگز حکومتش دوام نخواهد آورد! حقوق مادرپس (قوه قدرت و زور) پنهان است! در حقیقت (حق) یعنی آنچه در دست داری باید! بمن بدهی تا ثابت کنم! که من از تو زورمندترم! هدف و اسطه را توجیه میکند!!! و هرچه را در راه رسیدن به هدفیکه در پیش داریم انجام دهیم خوب است! ما نباید خود را پایبند جمالتی نظیر (چون اینکار خوب است! انجام آن ضروری است) و یا (اینکار نتیجه اخلاقی دارد) بکنیم چون برای ما درد سردارد! بعضی از جوانان مسیحی را چه در امریکا و چه در اروپا یا خاور دور بمواد مخدر اعتیاد داده!!! و آنها را بشکل کلاسیک Classic منحرف ساختیم! در خاور میانه هم که مردم خود در اثر استمار غرب افیونی شده اند!!! خصائصی خوب انسان مانند! حیاء! شرم! نجابت! شرافت! عصمت!!! عفت ناموسی! و تقوی را بوسیله قهرمانان هنرپیشگان! خوانندگان! مربیان و آموزگاران و ادارات آموزشی در کشور!!! از مغزها بیرون کشیدیم!!! زیرا که در اجتماع!!! امروز این چیزها مفهومی ندارد!!! دروغ و مکر و حلیه و سرنیزه و اسلحه یگانه شعار ما است! که اگر با دو عامل اول ملتی بدام نیفتاد با عمل سوم آن را بسوی خود میکشیم (همانند کشور مصر) یگانه عامل ایجاد عدالت اجتماعی زور! جبر و عنف است! ما یهودیان سخت بدان معتقدیم! عبارت (آزادی؛ مساوات و برادری) را ما در دهان مردم ساده لوح و احمق انداختیم!!! و آنها هم طوطی و از آن تقلید کرده میگویند: اما هیچ دیده اید که حتی یکی از آنها هم اکنون تحقق یافته باشد؟! نتیجه این شد که افراد بدبخت! هم آزادی فردی خود را از دست داده و هم از سایر حقوق اجتماعی خویش محروم ماندند! کلمات و عبادات بالا مانند کرم! سعادت! خوشبختی مسیحیان را آهسته نابود می کرد! ولی با این همه آنها پرچم ما را بر فراز کشورهای خود نصب کرده! و دولتهای خود را یکی پس از دیگری در اختیار ما گذاشتند!!!

پروتکل شماره ۲ مردم تهی مغز! کوتاه فکروکم رأی رادرانتخابات برمیگزینیم تا هرچه به آنها امر کنیم بدون معطلی انجام دهند!!! تصرفات ما را پوج و بی اساس ندانید چون ما بودیم!!! که زمینه ظهور مارک! تیجه! داروین را فراهم کرده! و به آنها پروبال دادیم!!! تا جان گرفتند و توانستند نظرها را بسوی ایده های خود جلب کنند! روزنامه ها و مجلات مخصوصاً آنهاکه برای باتوان چاپ میشوند بهترین وسیله نشر افکار ما است! که در اعماق خانواده هار سوخ می کند! روزنامه نگاریکی از منابع سرشار و غنی هر فرهنگ است! ولی چون دولت ها ندانسته اند از آن بطریقه صحیح و شایسته استفاده کنند! سرانجام بدست ما افتاد!!! و بوسیله آن توانستیم افکار خود را در دهان مردم بگجانیم!!! و صدها گرو رطل و نقره بر ثروت خود بیفزاییم!!!

پروتکل شماره ۳- ((زاماداری کشور)) را حذف احزاب سیاسی قرارداداده و بوجود آورده! و بدین ترتیب میدانهای زد و خورد ایجاد کردیم! در نتیجه اضطراب و نا امنی همه کشور را فراگرفت!!! و ضمن بیچاره کرده مردم فقرو نابودی بر سراسر کشور گسترش یافته! با اعلام جمله ((حقوق کارگر)) فقراء و بینوایان را به بحران کشانیم! زیرا که فشار زندگی آنها را از رسیدن به این حقوق ((ساختگی)) که مال آنها بود باز داشته! و هم در اثر اعتماد بکابینه های کارگری و تظاهرات بیمورد فقیرتر و محروم تر گشتند! مردم در زیر یوغ ما! اشراف و ثروتمندان را که بنفع خودشان خود بادست خود از بین برده! و خود را در قید استمارگران ثروتمندان خارجی انداختند! ما پیوسته کوشیده ایم! تا با حمایت ظاهری از جامعه کارگر!!! بدین وسیله اعتماد آنها را بخود جلب کرده! و سپس بدامان کمونیسم و سوسیستم اشتراکی بیاندازیم تا فقیرتر شوند! درست است که ما با کمونیسم مخالفیم اما خود را شیفته و واله کمونیسم نشان داده و از آن در انظار دفاع هم میکنیم! تا ایجاب این فکر که ما مخلص و دوستدار آنها هستیم! نقشه های خود را به آنان القاء کنیم! در حزب فراماسون هم یکی از عوامل اجرائی همین است! ما جامعه یهود برای ایجاد رقابت در میان کشورهای دوست!!! بعضی از آنان بصورت قهرمان درجه یک معرفی کرده تا باعث حسادت دیگران شود! و روز بروز ما نزدیکتر گردند!!!

پروتکل شماره ۴- تا توانستیم باگسترش فقر و گرسنگی! در میان کشورهای ما ملل آنها را تحت استیلاي خود در آورديم! تا همیشه دليل و برده ما باشند! از راه ايجاد حسد! کينه توزي و سفسطه بازي! عواطف و احساسات را در وجود مردم گشتيم و نيز حس ترحم را از میان آنها برداشتيم! کاري کرديم که ملل غير يهود بدون ما کار نتوانند انجام دهند! و همیشه نياز مند وجود ما باشند! انقلاب فرانسه که آن را انقلاب کبير فرانسه ميگويند: با دست ما انجام گرفت!!! و اعلاميه حقوق بشر نيز از تراوشات مغزي يهود است!!! معني آن براي ما قابل فهم تر است! زيرا که تنظيم کننده اش ما بوديم!!! اما چون ملل ديگر معني آن را درک نميکنند!!! لذا با قوانين تعبير شده خودمان بدبخت و بيچاره شان کرديم!!! اجتماع در صورت روی سعادت بخود ميبيد! که متدين بوده و از روحانيت پيروي کند! ولی هر چه مردم از دين دور بوده به اصطلاح متمدن تر شوند! پيروزي از آن ما است! پس ما بايد مانع خداپرستي آنها شده! در عوض ماده پرستي!!! و اصول مادي گراي را به آنها بياموزيم! براي پي نبردن طبقه کارگر و کارمندان!!! به آنچه که در پي پرده انجام ميدهيم! همواره آنها را بکارهاي سخت و سنگين صنعتي!!! تجارتي و اداري سرگرم ميکنيم تا آنها ((دشمن مشترک)) خود پي نبرند! نتيجه کار ماده بالا اين حسن را براي ما دارد! که ثروت هاي ملي غير يهود در بانک عاطل بماند! و بوسيله معاملات ربي و نزولي تمام آن ثروت به خزانه ما انتقال يابد!!!

**پروتکل شماره ۵- در کشوري که ما زندگي ميکنيم! هيچ دولتي بما اعلان جنگ نخواهد داد! بعبارت ديگر اگر ما مقيم فرانسه باشيم! و انگستان بخود ما فرانسه وارد جنگ شود!!! بما اعلان جنگ نخواهد کرد، زيرا که سيايت ما طوري است؛ کشورهای ديگر بهترين موقعيت خود را دورا دوری از ما ميدانند ننگ با ما! بذر دشمني! نفاق! کينه توزي! و حسد را! بايد در تمام خانه ها ايجاد کنيم!!! و بهترين کمک ما استفاده از تعصب! نجابت و برترجوني افراد آن کشور است! خداوند ما را بصورت نابغه ترين افراد جهان آفريده!!! تا بخوبي بتوانيم بر دنيا حکومت کنيم علم اقتصادي عامل مهمي را بما آموخت!!! و آن اين است! که بدانيم ارزش**

((ثروت)) از تاج و تخت بیشتر است! اهِمّت نگاه داشتن مردم! در بی سلاح بودن!  
 از غلبه بر آنان از طریق جنگ بیشتر است! وظیفه ما این است که بعوض ایجاد  
 تحریک و تشنج احساسات! و عواطفی آنان عیله خود سعی کنیم از خود آن افراد  
 برای نیل به مقاصد خویش استفاده کنیم!!! برای واد کردن مردم به اطاعت  
 از ما باید قوانین متعدد و ضد نقیض همراه با قوانین دولتی صادر کنیم! که مردم  
 آن مملکت گیج و متحیر گردد و سرگردان شوند! در نتیجه قادر به تشخیص خوب از  
 بد نخواهند بود! و بر اثر نداشتن قوانین صحیح هر چه را که از آنان بخواهیم انجام  
 خواهند داد!!! و خلاصه با ایجاد عقاید و مقررات ضد و نقیض در چیه فهم مردم  
 نسبت بدرک واقعیات ببندیم!!!

پروتکل شماره ۶- ایجاد هر جنگ در هر کشور غیر یهود! از طرف ما احتیاج پول  
 هنگفت دارد! و این پول را ما با احتکارهای بزرگ ما احتیاج مردم! و کسب ثروت  
 زیاد از طریق بازارهای سیاهی که درست میکنیم!!! تأمین خواهیم کرد!!! تا هم  
 ملت و دولت را بجان هم بیندازیم! و آنها را بذلت بکشانیم!!! و هم اینکه مخارج  
 جنگی را که ما برپا میکنیم تأمین کنند! سران ملل غیر یهود باید نابود شود! تا  
 دیگر خطری از آنان متوجه ما نشود! مگر آنانکه با ما همکاری کنند! ولی چون  
 هنوز مالکان صاحب املاک خود هستند! این خود یک خطر جدی و بزرگی است  
 برای ما یهودیان!!! کارهای مهم و درجه یک را گرفتیم! تا افراد دیگر همواره  
 محتاج ما بوده!!! و برای بدست آوردن لقمه نانی در مقابل ما بسجده افتند!!!  
 پروتکل شماره ۷- تقویت پلیس و آرتش برای تحقیق این نقشه ها کاملاً لازم  
 و ضروری است! ما چنین نتیجه گرفتیم که در اروپا و آسیا! باید فتنه و آشوب پیا  
 کرد! چون دارای دو قایده است! اول اینکه خودشان یکدیگر را از بین میبرند! و  
 دوم اینکه ما براحتی میتوانیم بر آنها مسلط شویم! هرگاه عملیات ما بطور مخفی  
 انجام گیرد پیروزی ما حتمی است!!! یک سیاستمدار لزومی ندارد که تابع قول  
 و تعهد خویش باشد! برای رسیدن به هدف خویش باید افکار و اندیشه های خود  
 را! از طریق نشریات ب مردم تزریق کنیم! تا مردم به آن عادت کنند! موقعی که  
 دولت خواست با ما بستیز بر خیزد!!! نشریات را چون عصای مخاف آن دولت  
 بر سرش بکوبیم! و آن دولت را ادب بکنیم!!!

پروتکل شماره ۸- قانون شناسان! کارمندان ادارات! معلمین و دانش آموزان نویسندگان! و سایر فرقه های یهود! قانون رژیم ما را تهیه کردند! چون آنان از رشته های مختلف اجتماع هستند! و تمام امور زندگی اجتماعی آشنا میباشند! قوانینی وضع میکنند که میتواند رضایت همه طبقات را فراهم کند!!!

پروتکل شماره ۹- بطوریکه پروتکلهای قبلی هم آمده است!!! فکر زندگی در ((آزادی و مساوات و برادری)) اول از طرف مامنتشر شد!!! ولی پس از تشکیل دولت یهود! خودمان آن را تکذیب کرده! و شاخه های دیگران را اعمال میکنیم که آزار بجای آزادی!! ((وظیفه مساوات نه خود مساوات!!))! (( فکر )) عبارتند از برادری نه خود برادری واقعی!! و بدین وسیله باتلقین این موضوع! بچه های خود که گاورا باید از پایش گرفت! علیه بنیروهای مخالف خود قیام میکنیم!!! باید از عان کنیم که تمام قوانین کشورها را ما وضع کرده!!! و خودمان نیز در آن کشورها مأمور نظارت بر اجرای آن هستیم!!! بروشنی میتوان دریافت!!! که ما یهودیان فرشته خوبی و سعادت! و یا عقوبت بدبختی و بیچارگی هستیم!!! سر منشأ و مبدأ هر دهشت و هراسی و نگرانی در دنیا ما هستیم! این ملت ما است! که تخم وحشت را در دل تمام دولت ها و ملت های غیر یهود میپاشد! کمونیست ها و سوسیالیست ها مهمتر از همه امپریالیست ها! مانند الاغها یا قاطرهای باربر ما هستند! و برای اجرای قوانینی که برای کشورها وضع کردیم!!! از وجود این عناصر استفاده میکنیم!!! و زحمت تحمل بار رنج و عذاب اعتراض سروصدای مردم را! بردوش آنان برمیگذاریم! برای اینکه آنها قادر باشند این بار را بخوبی تحمل کنند!!! روز بروز آنها را تقویت میکنیم!!! تا توسط بناهای عظیم سیاست های مخالف خود را! درهم کوبیده و خراب کنیم!!! تنها یک عامل است ما را! از جلال و جبروت بزرخواهد آورد! و ما از آن بیم داریم! و آن عامل اتحاد بین یک دولت و ملت ها! ملت را از دولت میترسانیم و یا بالعکس! آن وقت است که آنان متوجه سیاست مان شده! و ما به هدف خود رسیدیم!!! و اگر هم از سیاست ما آگاهی یابند! از ترس طرف مقابل جرأت ابراز آن نخواهند داشت!!! آموزش و پرورش اسرائیل توانست در نسل جوان دنیا رسوخ کرده و آنها را منحرف! متعفن سازد!!!

پروتکل شماره ۱۰ - مردم عادت دارند که بهر چیزی از دیده رزق و برق نگاه نکنند!!! چشم آنها بدیند و اقییات عادت نکرده!!! و دولت ها و سیاست هایی بی پیرایه مورد تنفر آنان است! در صورتیکه در سیاست های رزق و برق دار! زمامداران بعیاشی مشغول بوده! و بکار آنان نمیرسند!!! و مردم نادان با عدم اطلاع آن را بر حکومت بی پیرایه! و درست کردار که بنفع آنان گام برمیدارد! ترجیح میدهند!!! و وقتیکه میخواهیم در کشوری انقلاب کنیم!!! باید بدبختی و بیچارگی زندگی آنها را حتی اگر دچار آنها نیز نباشند برخ آنان کشیده! وجود رامنجی بزرگ و حامی آنان قلمداد کنیم!!! و اگر آنها ما را متهم بخیانیت کردند!!! خواهیم گفت: که اول شمارابطه دولت و ملت ما را ببینید و اگر آن را یافتید! آن وقت حق دارید درباره ما بد قضاوت کنید! برای بدست آوردن رأی اکثریت در یک کشور! باید به همه حق رأی داده شود! زیرا که استثناء در طبقات یک کشور که مثلاً (زنان حق ندارند رأی دهند و یا اطفال از فلان سن بالا حق رأی دارند) مانع از حصول عوامل مورد نظر ما است!!! لازم نیست که تمام دستگاه هیئت حاکمه را فاسد کنیم! فقط کردن توده کوچکی هم کافی است! که دولت و ملت را دست بسته در آغوش ما بیندازد! هرگاه آمپول آزادی را بر بدن یک ملت فرو کنیم!!! در حقیقت آن را مبتلا بسرطان کرده! و موجبات مرگ سریعش را فراهم کردیم! دستور و قانون چیزی جز مدرسه فساد و فتنه نیست!!! یعنی یگانه عامل انهدام ملتی وجود دستورات و قوانین متعدد است! که خود دست پاگیر مردم شده!!! و آنان را بزمین خواهد کوبید! سخرانی و ایراد خطابه هائیز مانند نشریات! عاملی برای سرکوبی رؤسای جمهوری!!! سلاطین و مقتدران جهان است! که بجای آنان از هیئتی از نوکران! سرسپرده یهود برای اداره کشور استفاده میکنیم! اداره کردن و امر و نهی کردن بر یک حاکم ظالم! جانی برای ما خیلی آسانتر است! زیرا که همیشه در صورت طغیان با برخ کشیدن نقاط ضعف او!!! یا ترساندن او از انتقام ملت

**فوری اورامهار میکنیم! ولی زمامدار عادل و درست کردار؛ اداره کردنش بسیار مشکل است! چون سوء سابقه ندارند که از آن باشند! بحکمرانان تابع صلاحیت صدور حکم و اجرای حکم ((عرض)) بدهیم!!! در جواب مردم خواهیم گفت: که رئیس جمهوری پادشاه و یا هر حاکم دیگری (مانند محمدرضا پهلوی) چون رئیس کل ارتش و مملکت است! باید صلاحیت حمایت دستورها داشته باشد! زیرا که وی نماینده مسئول دستورات است! اگر زمامداری را در نزد مردم خوار و ذلیل کنیم! افراد دست بدامان ما زده و تقاضای زمامداری از ما میکنند! که بتوانند با زبین بردن تعصبات دینی و اخلاقی امنیت و آسایش را در کشور برقرار سازد!**

پروتکل شماره ۱۱ - یکی از نعمت هایی که خداوند نصیب یهود کرده این است! که آنها در سراسر جهان متفرق هستند!!! دیگران این حالت را باعث ضعف و ناتوانی! سرگردانی ما میدانند! اما از این مسئله غافلند که در هر کشوری بخوایم زمام امور را! بدست بگیریم خرج و زحمت کمتری خواهیم داشت! زیرا که اتباع مادران کشور سکونت دارند! و نیاز به اخذ ویزا و گذرنامه و یا اینکه بطور قاچاق وارد آن کشور شویم نخواهیم داشت!!! با ایجاد توطئه یهودیان مقیم!!! منظور ما عملی میشود! و دیدید که چگونه برپهن دشت کیتی تسلط یافته ایم مگر ما در ایران (!) یا عربستان یا آمریکا خرج لشگرکشی کرده ایم! اما اختیار همه آنها در دست ما است! حالا اگر عناصر را ما در بین آنان وجود نداشته آیا قادر بودیم؛ تا چنین راحت و بدون خرج بر آنان تسلط یابیم!!!

**پروتکل شماره ۱۲ - کلمه آزادی خود دارای مفاهیم زیادی است! ولی ما باید بملت ها بفهمانیم! که آزادی در پرتو اطاعت از قوانین بدست می آید!!! و چون قوانین را ما وضع میکنیم! آنها آن را آزادی میدانند! چون ما آنها را به این موضوع خود داده و چنین ترتیب کردی!!! در اینحال است که ما حتی براحتی میوانیم**

قوانین را جعل کرده! ویا در آنها تغییراتی بنفع خود ایجاد کنیم! هیچ نشریه حق مخالفت با ما را ندارد! زیرا که با برچسب و آنها (تحریک عواطف و احساسات ملی) آن را مجبور به عذرخواهی کرده! وگرنه توقیف خواهیم کرد! اما اگر آنها بخواهند از سیاست قوم یهود ایراد گرفته! و آن را نقطه ضعفی بدانند باید فوراً در صدد توقیف آنها برائیم نشریات کشور خودمان بنکته هائیکه مایلیم! در آنها تغییراتی بدهیم از نظر سیاست یهود باز هم حق دخالت ندارند!!! هیچ خبری در دنیا قبل از آنکه ما آنرا بشنویم یا بخوانیم!!! به اطلاع کسی نخواهیم رساند!!! سیستم مخابرات و اطلاعاتی دنیا در دست ما است! و اخباری را که بنفع ما باشد به اطلاع مردم میرسانیم! و روش سانسور در اختیار زائیده فکر ما و اعمال ما است کتابهای مبتذل و جلف و زننده را با سبکی شیوا!!! و فریبنده با بهای ارزان در اختیار افراد میگذاریم! تا بتوانیم افکار مسموم خود را از این راه ب مردم تزریق کنیم! مراسم کتاب سوزی را بزودی برگزار خواهیم کرد! تا کتابهای که در جهان مخالف ما داد سخن دادند (همین کتابی که در دست شماست و دارند آن را مطالعه میکنند) جمع آوری و خواهیم سوزاند!!! تا از نشر افکار مخالفت یهود جلوگیری کنیم! برای دفاع از حقوق یهود راه روزنامه های درجه یک هر کشوری است! سپس روزنامه های درجه دو یا نشریات معاصر! زیرا که ما میتونیم مخالفین خود را از طریق آنها شناسائی کنیم!!! خلاصه مادر بین این همه نشریه اعم از آریستوکرات! جمهوری خواه! انقلابی و حتی آنارشیست جای مناسبی خواهیم داشت! ما بقول هندوها خدای آنها (فنشو) خواهیم بود! که حتی مردم متصب و عصبانی هم با خواندن مقالاتی! که در باطن بنفع ما است بتدریج از عقاید! خود دست برداشته! و از ما پیروی خواهند کرد! و وقتی که رژیم کشوری را بنفع خود عوض میکنیم! هیچ وقت نباید در روزنامه ها از آن انتقاد کنیم! در غیر این صورت مردم بحکومت جدید بدبینی خواهند شد! پس ما باید بیطرف بمانیم تا ببینیم خود مردم چه میگویند!!!

پروتکل شماره ۱۳ - برای مشغول کردن مردم و غرق آنها!!! در ناراحتیهای زندگی و جنگ اعصاب!!! سعی کنیم باز هر روز مشکلات جدیدی از قبیل مشکل ترا فیک کمبود گوشت! نان! روغن و سایر مایحتاج ضروری بر نارحتی آنها بیفزاییم تا با کلافه شدن در زندگی قادر به تشخیص آنچه که در اطرفشان میگذرد نباشند! و ضمناً فرصت نداشته باشند تا درباره مسائل سیاسی بحث و گفتگو کنند!!! یکی دیگر از مسائلی که برای سرگرم کردن مردم مفید و مؤثر است!!! و در نتیجه میتواند آنها را از تشخیص حقایق! و وقایعی که در کشورشان میگذرد بازدارد!!! تشکیل مسابقات مختلف ورزشی از قبیل فوتبال! والیبال! کشتی! یا مسابقات المپیک و تبلیغ برای شرکت یاتماشای آنها از طریق نشریات گوناگون است! پس تبلیغ هر چه آن مسابقات برای کشاندن مردم بطرف آن! دور ساختن مردم! از جریانات سیاسی روز است! عامل دیگری که میتواند مردم را از تشخیص مسائل سیاسی روز باز دارد!!! تهیه فیلم های سکسی و بنمایش در آوردن آنها!!! چاپ عکس هنرپیشگان! و تهیه پوسترهای بزرگ از صورت لخت! زنان یا نیمه لخت زنان زیبا با مناظر فریبنده! و جلب نظر مردم بطرف آنها است! ایجاد رقابت در بین مردم و طرفداران هریک از گروههای مختلف ورزشی! هنری! سیاسی! (البته بظاهرو مطابق آنچه که ما میخواهیم) و ایجاد بحث و جنجال در!!! بین مردم برای اشغال فکر آنان بوسیله اینگونه عوامل! توضیح: ایجاد اختلاف بین طرفداران تیم تاج و پرسیپولیس طرفداران ((شعر)) فرخزاد قریب افشار! شاید مردم از این بی اطلاع باشند که در پشت کلمه ((تقدیم پیشرفت)) چه دروغهای!!! نیزنگهائی نهفته است فقط این کلمه وقتی بمعنای واقعی خود مصداق پیدامیکند! که درباره موضوع علمی بکار گرفته شود! نسبی و اجتماعی و اقتصادی! چون در غیر موارد علمی هیچ ونه معنی مفیدی از کلمه فوق بدست نمی آید!!!

پروتکل شماره ۱۴ - تمام عقاید و افکار پوسیده! و دینی ملل باید توسط ما مفهوم مضمحل شوند! یکی از روشهایی که ما میتوانیم براحتی افکار مسموم خود را بمردم تزریق کنیم! و آنها را سست و بیحال کنیم! که با دولت خود بمخالفت برخیزند بنویسندگان چیره دست! و عالی مقام متوسل میشویم! و فکر خود را از طریق آنان بمغز مردم فرو میکنیم!!!

پروتکل شماره ۱۵ - تمام پایگاههای و سیایر شبکه های جاسوسی! و یا نظامی دنیا در اختیار ما خواهد بود! برای حرکت هر وسیله نقلیه دو عامل مهم مؤثر است اول منع تغذیه از نوع! دوم قدرت و نیرو! در هر اجتماعی! گروه هائیکه ما تشکیل میدهم سعی میکنیم افراد قدرتمند زورگو و قلدر را که نیروی ما هستند!!! انتخاب و تغذیه آنها هم از طریق پول ما صورت میگردد!!! و با این دو عامل بزرگترین موانع را بر طرف میکنیم! یعنی داشتن زور و زر که ما هر دو را بخوبی دارا هستیم نمایندگان منتخب ملت و سناتورها!!! کورکورانه از سیاست ما پیروی میکنند! بعضی ها دانسته و بعضی هاندانسته! این ایده که ((همه ملل جهان کودک و ملت یهود ما در آنها است)) باعث تسلط ما بر دنیا است!!! چون این را بخود تلقین کرده ایم!!!

پروتکل شماره ۱۶ - هر کسی را که از علماء و روحانیون پیروی میکنند! آنها را مرتجع! کهنه پرست! فئاتیک و علمای آن رابلا سیاه! یا مرتجعین سیاه قلمداد میکنیم! تا بتدریج مردم از ارتجاع سیاه دوری گزینند! و دشمن ما را تنها گذارند! که آن هم ساقط کردنش آسان است! تاهیود وجود دارد!!! بدبختی! فقر و ترس برای روحانیون نیز وجود دارد!!!

پروتکل شماره ۱۷ - هرگاه بخواهیم توجه حاکم وقت را از خود دور نکنیم! لازم است هر چند وقت یکبار یکی از شخصیت های سیاسی مهم آن جامعه را! ترور کنیم و بکشیم! بدین وسیله همیشه ترس از ترور شدن! آن حاکم را و ادار به اجرای مداوم طرح ها و سیاست ما میکند!!!

پروتکل شماره ۱۸ - در پروتوکلات و عباراتی مانند ((زندانی سیاسی)) نبرد!!! در راه آزادی!!! ((جهاد برای سعادت ملت)) و نظایر آن روح شهامت و شجاعت و تعصب در مردم دمیده!!! بدین وسیله مانند فیل مست!!! آنان بجان دولت و یک دیگر می اندازیم! و اکثر آنها در این کار موفق بودیم! چون مردم از این طریق زود فریب میخورند!!!



کوچکی از خاک پهناور عثمانی! بنا فلسطین سکونت گزینند! سلطان عبدالحمید از قبول این درخواست ناراحت شد! و بشدت با آن مخالفت کرد! با مخالفت شدید عبدالحمید! تبلیغات مغرضانه یهود علیه وی شروع شده و چنان بوق و کرنائی در امپراتوری عثمانی براه انداختند! که مردم جهان آن روز همه متوجه عثمانی شدند!!! مضامین تبلیغات بشرح زیر بود!!! ((بین ملت های دنیا فقط ملت عثمانی است که آزادی ندارند))!! ((تا کون تاریخ رهبری بدکتابتوری و استبداد سلطان عبدالحمید بخود ندیده این مردننگ ملت عثمانی است))!! ((زورگو هزاران نفر از مخالفین روشنفکران را ضمن کشتن شان اجسادشان را بدریا می اندازد))!! ((ای مردم بیاید بخاطر رضای خدا و بخاطر بشریت این ملت ستم دیده را از شر این جلاد خون آشام نجات دهید)) ۰۰۰ این تبلیغات آن چنان فریبنده بود و کوبنده بود! که با همه علاقه ای که مردم بحاکم خود داشتند! سرانجام امر بر آنها مشتبه و پیش خود فکر کردند که نکند!!! این موضوع درست باشد و ما از همه جایی خبریم! یعنی روزی چند هزار نفر را او میکشد! و بدریا میرزد ما ملت آگاه نمیشویم! عجب حاکم سنگدلی داریم! بتدیج افکار تبدیل بسخن شد!!! سخن اول بصورت بخدا و سپس بلندتر و بلندتر شد! و مردم بصورت توده های مخالفت در کوه های ((مکدونیه)) و ((ملجا)) پایگاهی درست کردند! تا اینجا یهودیان باروشن کردن آتش و دامن زدن! به آن مشغول تماشای نتیجه اعمال خود بودند! همین که زمینه کار برای آنها فراهم شد! حضرات زحمت کشیدند!!! با اعزام آقای ((قره سو)) که یکی از سران ماسونی بود و کسی بود!!! که جنایات زیادی توسط او انجام گرفت! پا یتخت ترکیه فرستادند!!! در پایتخت ((قره سو)) شروع بخرابکاری و توطئه علیه سلطان نمود! و یهودیان هم دورا دورا داشته! و از هرگونه کمک به او دریغ نمیکردند!!! قره سو در مدت کوتاهی توانست نقشه یهود را عملی کرده! و باتطمین سران دیگر عثمانی مانند ((طلعت پاشا)) آنها را نیز علیه سلطان عبدالحمید شوراندند! سرانجام قره سو استعفا نامه! از پیش نوشته شده! سلطان عبدالحمید را! از حکومت و پادشاهی عزل کرد! نزد سلطان برده! و او

را عزل کرد! و طلعت پاشا را بجای وی نشانید! خودش هم رئیس مجلس شورای ملی و نیابت سلطنت را بعهدہ گرفت! و بدینوسیله قره سوتوانست ننتها طلعت پاشاکه مرد بی عرضه بود!!! بلکه سیایر سران حکومت را بحزب ماسونی جذب کرده! و آنها را ابدام فراماسون بیفکند! از خصوصیات طلعت پاشا! اینکه او مردی بود با اخلاص و رحم دل! که از تجربه و سیاست بهره نداشت!!! بیچاره طلعت پاشا نمیدانست! درچه دام هولناک افتاده!!! و این قوم وحشی و پست چه نقشه هایی برای! از بین بردن حکومت عثمانی و مردم ترکیه کشیده اند!!! بهر حال حزبی که قره سودر عثمانی تشکیل داد ظاهراً بنام ((حزب اتحاد و ترقی)) بود! ولی عملاً حزب فراماسون بود! برکناری عبدالحمیدهم توسط همین حزب بود!!! بعد از اینکه قره سوو حزب متشکله او بر کارها مسلط شدند به عملیات تروریستی پرداختند!!! چنانکه در ایران هم طی سال های آخرچه بسیار مردم آزادیخواه! میهن پرست سرهای خود را از دست دادند! زیر شکنجه های صهیون نیست هاجان بجان آفرین تسلیم کردند! طلعت پاشا دیگر قدرتی از خود نداشت!!! ننتها او بلکه هیچکدام از افراد عثمانی حکومت نمیکردند!!! و حاکم مطلق فراماسون در سراسر سرزمین عثمانی بود! چه بدبختیهای که عمال این حزب بر سر مردم آوردند!!! هدف آنها از بین بردن مسلمانان و دین اسلام در آن سر زمین بود!!! زور و تعدی و تجاوز حزب فراماسون بقدری شدت پیدا کرد!!! که سروصدای طعت پاشا درآمد! چون یهودیان فراماسون با اعتراض شدید سلطان رو برو شدند او را بیکی از جزایر دور دست برده و با خواری هرچه تمامتر کشتند!!! طبق روایت یک نویسنده شهیر ترک بنام جواد رفعت آتلخان در کتابی بام ((اسرار الماسونیه)) و نیز طبق نوشته ((کالا نفه)) نویسنده دیگر ترک در کتاب ((فجایع یهود در ترکیه)) در آن زمان مردم مسلمان ترکیه فریب توطنه های یهودیان را خورده! از طرف دیگر بدین مبین اسلام توجه نکردند! و نتیجتاً دچار آن بلای عظیم شدند! یعنی یهودیان مهلتی با آنان ندادند! تا چنانکه شاید و باید بدین اسلام بپردازند! علت ضعف دولت عثمانی در زمان عبدالحمید داشتن آرتشی

بدون سلاح بود! تنها اسلحه که ارتش عثمانی در آن بکار میبرد شمشیر بود و بهنگام جنگ مردم عثمانی با بیان جمله (( الاسلام يعلو ولا يعلى عليه )) یعنی اسلام بر ترو بالاترین است و هیچ چیز بالاتر از آن وجود ندارد! ایراد این شعار خود را تسلی داده! و با ذکر این جمله با شمشیر میخواستند! در مقابل توب و تفگ تانگ با دشمن بستیز بر خیزند! عثمانیها این بخشی از قرآن را از یاد برده بودند ((وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ ۝ سوره الانفال آیه ۸)) علت دیگر ضعف دولت عثمانی تعصبات! شدید مذهبی بود! افراد ترک عثمانی چون مقرب درگاه بودند!!! هیچ وقت اجازه شرکت در محافل و مجالس مذهبی به شیعه نمیدادند! و شیعه هادر نهایت فشار و ظلم زندگی میکردند! حتی در کربلا و کاظمین خرید و فروش کتب شیعه قدغن بود!!! و اگر شخصی مبادرت بخرد یا فروش آنها میکرد! شدیداً از از طرف ترک های نورچشمی دستگاه مجازات میشد و علاوه بر اختلافات ملکی! تبعیضات نژادی دیگری هم عذری دیگری بود! مثلاً فقط نژاد ترک در نزد دستگاه تقرب داشت! و غیره ترک عاجز و محروم بود! در نتیجه جان مردم شیعه و نژاد های غیر ترک به لب رسید! اگر به آیه ۴ سوره حجرات توجه کنیم چنین آمده ((يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ سوره الحجرات آیه ۲۴)) یعنی ای مردم ما شما را از مردوزن آفریدیم! و بصورت قبائل و طوایف! تایکدیگر را بشناسید!!! بد رستیکه گرامی ترین شما در نزد خداوند! کسی است که پرهیزکار تر است!!! بد رستیکه خداوند دانا! آگاه است! و باز یکی از فرمایشات حضرت محمد (ص) اشاره میکنم که میفرماید ((الناس سواسیه کاستان المسط)) یعنی مردم درست مانند دانه های یک شانه سر مساوی و برابرند! زمامداران عثمانی هیچ وقت نتوان ستند! برابری و برادری را در عثمانی حفظ کنند! و شاید هم اختیار در دست آنان نبود! بالاخره یهود باضعیف کردن دولت! و ایجاد اختلاف بین عوامل بسقوط

دولت عثمانی منجر شده! و یهودیان به آرزوی خود که همان از بین بردن مسجد اسلام بود رسیدند! حتی اگر مردم عثمانی آن روز در صدمه‌مقابله با توطئه ناجوان مردانه یهودی و برمی آمدند! هیچ وقت شخصی بنام (( آتا ترک )) که خود را منجی و پدر ترکیه میدانست پیدا نمیشد! و نمیتوانست دین اسلام را در آن کشور ملغی کرده! و زبان عربی را ممنوع سازد! خوانندگان گرامی تصور نفرمایید! که با سقوط عثمانی تنها مسلمانان ترکیه از بین رفتند!!! بلکه با سقوط مسلمانان ترکیه و سایر مسلمانان در کشورهای اسلامی دیگر نیز مضمحل شدند! و علت هم این بود که یهود مرکز عملیات خود را در ترکیه قرار دادند! و تمام کارهای تبلیغات و مبارزات! اجتماعات! و تشکیل کابینه های خود را!!! برای از بین بردن کشور های! اسلامی و مسلمانان در آنجا برگزار کردند! و شدیداً به فعالیت پرداختند و آنجا مرکزی شد! برای آنان علیه حکومت های اسلامی! محلی را که آنان در اختیار داشتند! درست در قلب دولتهای اسلامی قرار گرفته بود!!! آنها نیز همین آرزو را برای سال های طولانی در سرداشتند!!! حال بشرح توطئه دیگر یهودیان برای سقوط دولت سزار روسیه! که آنها انتقام جویانه بود میپردازیم! تا دلیل اینهم برای شما خوانندگان عزیز روشن گردد! جامعه ماسونی که مرکز آن در ایالات متحده امریکا است! و تمام نقشه های خانانان! توطئه از طرح ریزی میشود طی جلسه با شرکت ثروتمندان یهود! که عضو اصلی حزب فراماسون بودند مقرر کردند!!! که با خرج میلیونها دلار! و گرفتن متجاوز از یک میلیون قربانی! در روسیه تزاری کودتا کنند! اکنون نام تتی چند از افرادی که در آن جلسه حضور داشتند و مخارج کودتا را به عهد گرفتند نقل میکنیم!!!

(بروایت از کتاب Cothic Ripples قلم آرلدیند شماره ۷۷ بتاريخ ۲۸ ماه جولای ۱۹۱۵)

- |                  |                 |
|------------------|-----------------|
| Chif             | ۱- سیف          |
| Rone             | ۲- رون          |
| Isa - ac Motimer | ۳- اسحاق موتیمر |

Lifi

۴- لیفی

Sister

۵- سیستر

تمام این بوجه مصرف تبلیغات ضدّ دولتی شد!!! بهر حال پیش از فعالیت های زیاد و صرف میلیونها دلار! بالاخره یهودیان موفق بسرنگونی کردن حکومت تزاری شدند! تا خود زمام امور روسیه را بدست گیرند!!!  
افراد زیر که حاکم بر روسیه شدن! تمامی آنها با خود یهود بودند! و یا بهرنحوی یا نیستی با یهود داشتند!!!  
این افراد در دفتر سیاسی روسیه مصدر امور شدند!!!

۱- لنین یهود بود

۲- استالین یهود بود

۳- تروتسکی یهود بود

۴- کاینیف یهود بود

۵- سوکولنکوف یهود بود

۶- زینوفیوف یهود بود

۷- یا بزوف یهود بود

۸- ساحالوف یهود بود

پس از مارکس ((بلشو یک)) و پیروزی یهود افراد زیر مصدر امور ادارت مهمّ کشور شدند: بنقل از (Intestify) بقلم Bobert Edmondson چاپ امریکا در سال ۹۵۳)

۱- نخستین حکومت پس از جنگ و پیروزی یهودیان از ۲۲ نفر وزیر ۱۷ نفر یهود بودند!!!

از ۴۳ کارمند ۳۴ یهود بودند

۲- اداره جنگ

از ۶۴ کارمند ۴۵ یهود بودند

۳- اداره امور داخلی

از ۱۷ کارمند ۱۳ یهود بودند

۴- اداره امور خارجی

از ۳۰ کارمند ۲۶ یهود بودند

۵- اداره امور مالی

- ۶- کادر قضائی از ۱۹ کارمند ۱۸ یهودی بودند  
 ۷- اداره بهداشت از ۵۰ کارمند ۴۵ یهودی بودند  
 ۸- اداره ارشاد ملی از ۵۳ کارمند ۴۲ یهودی بودند  
 ۹- سازمان مسکن از ۲۰ کارمند ۲۰ یهودی بودند  
 ۱۰- صلیب سرخ روس از ۱۸ کارمند ۱۸ یهودی بودند  
 ۱۱- اداره ایالات و ولایت از ۲۳ کارکن ۲۱ یهودی بودند  
 ۱۲- اداره خبرگزاری و اطلاعات از ۴۲ کارمند ۴۱ یهودی بودند  
 ۱۳- دایره رفاه کارمندان از ۱۷ کارمند ۱۵ یهودی بودند  
 ۱۴- مجلس تحقیق درباره کشت شدن قیصر روس، از ۱۵ کارمند ۱۵ یهود بودند  
 ۱۵- امور اقتصادی از ۵۶ کارمند ۵۴ یهودی بودند  
 ۱۶- کادر آموزش افسری از ۳۳ کارمند ۳۰ یهودی بودند  
 ۱۷- کمیته مرکزی برگزاری کنفرانس از ۴۴ کارمند ۳۴ یهودی بودند  
 ۱۸- (چهارمین کمیته) و پنجمین کمیته از ۶۴ کارمند ۶۲ یهودی بودند  
 ۱۹- کمیته مرکزی حزبی اشتراک از ۲۲ کارمند ۱۹ یهودی بودند  
 ۲۰- مجموع کارمندان دو ایر مختلف از ۵۹۵ کارمند ۵۳۵ یهودی بودند
- بعد از امریکا نوبت بروسیه رسید! دولت و حکومت آنجا را که قبضه کردند!  
 اکنون هم حکومت روسیه قبضه کردند!!!**

### حال با آمار کادر وزارت جنگ نظری می افکنیم

- |           |           |             |
|-----------|-----------|-------------|
| یهودی است | Unschicht | ۱- آنتچلیفت |
| یهودی است | Trotsky   | ۲- تروتسکی  |
| یهودی است | Joffe     | ۳- ژوف      |
| یهودی است | LENIN     | ۴- لنین     |
| یهودی است | Bokij     | ۵- بوکیج    |
| روسی است  | Podwoiski | ۶- پودوسکی  |
| یهودی است | Molotov   | ۷- مولوتف   |

روسی است	<b>Newski</b>	۸- نیونسکی
یهودی است	<b>Swerdlov</b>	۹- سوپردولف
یهودی است	<b>Uritski</b>	۱۰- یوریتسکی
یهودی است	<b>Antonov</b>	۱۱- آنتونوف
روسی است	<b>Medchonosnine</b>	۱۲- میکونسین
یهودی است	<b>GUSEV</b>	۱۳- ژوسیف
روسی است	<b>ERMEJEV</b>	۱۴- ارمیجف
بولندی است	<b>Djerjinski</b>	۱۵- جیرجینسکی
اوکراینی است	<b>Dibenco</b>	۱۶- دبینکور
روسی است	<b>Raskolnikov</b>	۱۷- راسکولنیکوف

(از کتاب؛ اسرائیل؛ فاشیسم جدید، تألیف مهندس محمد حسین وزیری کرمانی از ص ۲۵۳ الی ۲۶۱)

سانتولوژی مذهب جدید ساخت دست انسان است! بدون خدا! بدون پیامبر است این مذهب بنام سانتولوژی یک کتابی است که در امریکا جدیداً انتشار یافته همه افراد بشر میتواند عضو این مذهب غیرخدای و غیردینی باشد! که ساخت دست بشر میباشد!!! و محتوای درونی این مذهب جدید چندان اطلاعاتی نداریم؛ ولی میتوان گفت: شباهت زیادی به فراماسونری و اومانیسم داشته باشد!!! در این مذهب هر اسان میتواند هم عضو سانتولوژی باشد!!! و هم میتواند مذهب و دین عقیده خود به عنوان عقیده دوم نگاه بدارد!!! این مذهب ساخت دست انسا نمای! شیاطین نما است!!! که این مذهب را علیه دین خداوند ابدی درست کردند!!! که میخواهند بندگان خداوند خلاق جهان هستی را! از خداوند صاحب اختیار خودشان جدا نمایند تا با خودشان به قهر جهنم همراه کنند!!!

## ارنست پاندل نویسنده کانادایی:

درباره شش میلیون قربانی یهودی در آلمان شک کرده است! ارنست پاندل (۱) نویسنده کانادایی و مقیم (تورونتو) (۲) در اوایل ۱۹۸۸ میلادی کتابی نوشته و در آن رویدادهای جنگی جهانی دوم را تجزیه و تحلیل کرده است! او شک دارد که رقم (شش میلیون قربانی یهودی) که بوسیله رژیم نازی کشته شدند!!! درست باشد؟؟؟! بر هر حال! همین ادعا سبب شد که گروه های متنفذ صهیون نیستی در کانادا! با اعمال نفوذ فراوان از انتشار کتاب مذکور جلوگیری کند!!! با توجه به مطالب شرح داده شده در بالا! چنین بنظر میرسد که اصل (آزادی ابراز عقیده) بدو بخش تقسیم شده باشد: نخست آزادی ابراز عقیده که میتوان به مسلمانان اهانت کرد! دوم آزادی ابراز عقیده که از قام تاریخی را مورد نقد و بررسی قرار دهد و اتفاقاً این نقد و بررسی برای صهیون ناسم زیانبار باشد!!! رویدای که در کانادا رخ داد! منحصر به فرد نیست و تقریباً در تمام کشورهای اروپای! کتابهای ممنوع الانتشار اعلام شد که صهیون نیست جهانی را از سر طنز بسبب اشغال فلسطین بعنوان تنها (پیروزمند) جنگ جهانی دوم قلمداد کرده بودند! کتابهایی که متن آن از (ضد یهودی گرای) حکایت کند!!! ممنوع الانتشار میگردد!!! اما کتابهایی که نویسنده آنها سلام را آن هم بارها و بسیار مورد اهانت قرار دادند روانه بازار میگردند!!! (۳)

عدد شش میلیون یهودی که میگویند بدست نازیها کشته شدند بشدت مبالغه آمیز و دروغ و کذب است!!! (۴)

۳- از کتاب آزادی ابراز عقیده یا اهانت بنوده ها ص ۷۲

۴- از کتاب ماهیت سازمان ملل؛ دکتر شمس الدین رحمانی ص ۴۰

صهیونیستها از مظلومیت یهودیان آلمان حدّ اثر بهره بردای رانمودند  
غیر از آن بهره بردای! هنوز هم یهودیان از آن حادثه کذب و دروغ! بهره بردای  
میکند! اینها برای اثبات مظلومیت خود و جلب توجه ملل دیگر! این کشتار آلمان  
!!! را صدها برابر آن چه که بوده بزرگ جلوه دادند! مخصوصاً مقارن جنایات  
غیر قابل عضویکه در فلسطین انجام میداد! دستگاههای تبلیغاتی دنیا را استخدام  
کرده و چشم و گوش و دل ملتها را با صفحات روزنامه ها! توصیه سرائی رادیو  
ها صحنه های غم انگیز تاترها و پرده های سینماها پر از مظاهر مظلومیت خود  
میکردند!!!

مثلاً بمردم دنیا باور آند که در آلمان شش میلیون یهودی بقتل رسیده در صورتی  
که تعداد کشتگان یه! و در آلمان!!! **بنظر اهل تحقیق از دویست هزار نفر تجاوز**  
**نمیکند!** کتاب مسلمین جهان در صفحه ۶۰ آمار یهود اروپا را قبل از قیام نازیها  
چنین مینویسد:

۲۱۷/۰۰۰	تعداد یهود در سوئد و دانمارک
۲۱۰/۰۰۰	تعداد یهود در بلژیک هند
۷۰/۰۰۰	تعداد یهود در سوئیس
۲۴۰/۰۰۰	تعداد یهود در ایتالیا
۸۰/۰۰۰	تعداد یهود در اتریش
<b>۲۰۰/۰۰۰</b>	<b>تعداد یهود در آلمان</b>
۲۱۹۰۰/۰۰۰	تعداد یهودی در شوروی
۲۶۰/۰۰۰	تعداد یهودی در لهستان
۴۵۰/۰۰۰	تعداد یهودی در رومانی
۴۰۰/۰۰۰	تعداد یهودی در فرانسه
۴۰۰/۰۰۰	تعداد یهودی در انگستان
۲۸۰/۰۰۰	تعداد یهودی در مجارستان
۲۱۵/۰۰۰	تعداد یهودی در چکسلواکی
۵۹۰۲/۰۰۰	جمع

بطوریکه ملاحظه میفرماید: مجموع یهودیان اروپا قبل از قیام پنج میلیون و نهصد و دوهزار نفر بودند؛ یهودیان شوروی و ایتالیا و سوئد و سویس که بیش از سه میلیون بودند! اصلاً دست نخوردند! حدود یک میلیون یهود از ممالک اروپا که بتصرف آلمان درآمدند فرار کردند!!! **و قتیکه متفقین کشورهای فرانسه و مجارستان و رومانی را از آلمان ها گرفتند معلوم شد که تغییر محسوسی در یهود آنجا رخ نداده و در خود آلمان بیش از ده هزار یهودی سالم مانده بودند (۱)** بنابراین ادعای اینکه شش میلیون یهودی کشته شدند (هولوکاست) دروغ و کذب است! که برای مقاصد شومی از قبیل پرده پوشی بر روی جنایات فلسطین و آزاره کردن بیش از یک میلیون مسلمان عرب!!! و کشتن هزاران مسلمان **! جلب توجه و کمک ممالک دیگر و ۰۰۰ ساخته شده!!!**

و تعداد مردم دیگری که در ضمن جنگ بدست آلمانها کشته شدند خیلی بیشتر از عده یهود بود! **آلمانها بیشتر از یک میلیون از مسلمانان آلمانی! شمال آفریقا! و میلیونها مردم فرانسه و شوروی را کشتند!!!** و برای آنها کسی اینهمه نوحه خوانی نکرد!!! **و فقط این یهود است که هنوز آن خون دروغ (هولوکاست) را میجو شاند برای چه؟؟؟!!!** البته ما با کشتار هیتلر موافق نیستیم! ولی میگوئیم: **عمل هیتلر مجوز جنایتهای ضد بشر نمیشود!!! و اگر روزی محکمه بین المللی بوجود آید!!! باید عمال هیتریسم! و صهیونیسم این دو حزب نژاد پرست هر دو باید محاکمه و محکوم شوند!!! (۲)**

نکاتی از مؤلف: **ایخوانندگان عزیز! امیدوارم تا بحال توانسته باشیم که ماسک یهودیت صهیونیست و مزدور ش سلیمان رشدی ملعون را شناسایی و فاش کر باشیم!** و پرده رویشان را برداشته! **چهره فساد و خونامشان را آشکار و فریب کاریهای آنان را باز کرده باشیم!** به امید روزیکه تمامی حیل و نیرنگ یهودیت صهیون نیست نابود پایمال شده باشد!!! **زیرا که هر چه قدر قدرت صهیونیست زیادتر شود به اندازه آن نامنی و همه گونه فساد و حق کشی در جهان بیشتر خواهد شد!** روی هیچ بشری نمیتواند بخندد!!! **و در تمامی جهان جنگ و کشتار و حیل و نیرنگ صهیون نیست هر چه تمامتر زیادتر خواهد بود!** بهر طوریکه شده قدرت و توانایی یهودیت صهیون نیست باید گرفته شود! انشاء الله تعالی

۱ - Anti - Ssmitsm

۲ - از کتاب سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار؛ اثر: اکرم رعیتراز ص ۱۷۰ الی ۱۷۲

و ضمناً جاهای حساس و بنیاد سه ادیان!!! یهودیت را از کتاب مقدس عهد عتیق  
 !وتورات فعلی! و مسیحیت از کتاب مقدس عهد جدید؛ اناجیل! و اسلام را از قرآن  
 کریم وحی منزل برشته تحیر در آوریم! تاحقائیت که کدام کتاب آسمانی از شرّ  
 شیاطین انس و جنّ سالم و مصون مانده است! تبیین و آشکار شود! تا اهل جهان  
 راه هدایت خداوند خلاق جهان هستی! ربّ العالمین را پیدا کند و راهنمایی شوند  
 و راه کلّ انبیاء عظام و پیغمبران و رسولان را! در این چهار جلد سرچشمه آیات  
 شیطانی را خلاصه کردیم! که خواننده و بداند و بشناسد! و برای راهنمایی براه  
 خداوند خلاق جهان هستی! و انبیاء عظام حقّ تبیان و آشکار شده است! بعد از  
 بیست سال قلم فرسایی چهارمین جلد سرچشمه آیات شیطانی تمام شده است  
 و از مسلمان تقاضا دارم تمامی کتابهایم را تا جهان هست زنده نگهدارند یعنی  
 عین کتابها را چاپ و انتشار فرمایند: که از هیچ ناشر حقّ تألیف نمیخواهم! که حق  
 تألیف من بر عهده خداوند خلاق غنی میباشد! زیرا که اصل بنیاد ادیان توحیدی  
 و یهودیت و مسیحیت و اسلام در این کتابها نوشته و نگارش! معرفی شده است

### اشعار ترکی

ده دیم آسوده یا شارحق دین لن هامی جماعت

چون شرّ قوار دین ایلیر هامنی راحت

آگاه ده دی بلول بوسوزون دوز اولا بل مز

د نیا طلب دین سوزی اصلاً کار را گلمز

بی دین لره مفسد لره دین بهانه اولدی

خلق الله حیلله ایلدی دین آدیلا سویدی

بهشت ساتوب خلقی سویوب مانلی آلدی

تزویریلله یوخلادی هامی دامده قالدی

دین بیردی نه یوز راه و روش کابالا مذهب

تعطیل ایلدی قرآن هم سنت این خرافی مذهب

---

یوزمذهب او بیر دینی هیچ اتدی  
 باطل یولونان الله هین حق دین نین کوچود یدی  
 ظالم لر ادوب جهان دا طوفان  
 دین حق آدیلا چوخ توکوب قان  
 دوز دین دی فقط راه نبی قرآن و سنت  
 ای اصغریا قرآن و دین ادوب رحلت

## عزیزاله اصغری

پایان

تاریخ هجری قمری ۱۴۲۷

تاریخ هجری شمسی ۱۳۸۶

تاریخ میلاد مسیحی ۲۰۰۷

---

\*\*\*\*\*

